

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، و الصَّلوة والسلام على سيّدنا و نبيّنا محمّد
«صلى الله عليه و آله و سلّم»، و على اهل بيته الطيّبين الطاهرين
المعصومين «سلام الله عليهم اجمعين»، سيّما بقيّة الله الاعظم
حجّة بن الحسن القائم المهدي «صلوات الله و سلامه عليه»، و لعنة الله
على اعدائهم اجمعين، من الآن الى يوم الدّين.
آمين يا ربّ العالمين.

نیره سادات علوی حسینی
فاطمه الزهراء و حُجَّةُ اللَّهِ و حُجَّةُ اللَّهِ سَوِّمِینِ شَخْصِیَّتِ عَالَمِ خَلَقَتْ
ناشر: بنیاد فارس المومنین. تهران. ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۵ جلد.

شابک: ج ۱: ۱-۳-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸. ج ۲: ۲-۸-۴-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸. ج ۳: ۳-۵-۵-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸
ج ۴: ۴-۲-۶-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸. ج ۵: ۵-۹-۷-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸. شابک دوره: ۴-۲-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
رده کنگره: BP ۲۷/۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۵۰۵۷۷

فاطمه الزهراء و لیهُ اللَّهِ و حُجَّةُ اللَّهِ
سومین شخصیت عالم خلقت
تألیف: نیره السادات علوی حسینی
ناشر: بنیاد فارس المومنین
صفحه آرا: سمیه مددی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰
شابک: ۲ - ۶ - ۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸
شابک دوره: ۴-۲-۹۵۷۲۹-۶۲۲-۹۷۸

آدرس: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبه روی پمپ بنزین،
خیابان گردآفرید، پلاک ۹
تلفن: ۶۶۹۲۳۲۳۴ - ۰۲۱

فاطمة الزهراء
وَلِيَّةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ
سومين شخصیت عالم خلقت

جلد چهارم (فضیلت نوزده تاسی و یک)

تألیف:

نیّره السّادات علوی حسینی

فهرست

فضیلت نوزدهم: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها رُکن مولى الموحدین امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد..... ۹

فضیلت بیستم: اولین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات الهی یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست آن حضرت را می بوسید و می فرمود: فِداها أبوها،

فِداکِ أبوکِ..... ۳۷

فضیلت بیست و یکم: دوّمین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات الهی بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی وجود مقدّس مولى الموحدین امیرالمؤمنین علی

بن ابیطالب علیه السلام به آن علیا مخدّره می فرمود: بِأَبِي أَنْتِ وَأُمِّي..... ۴۳

فضیلت بیست و دوم: آن علیا مخدّره اولین فردی است که وارد بهشت می شود، و هنگامی که آن حضرت در بهشت مستقر شد همه انبیاء الهی از آدم تا خاتم علیهم السلام به زیارت آن بزرگوار

می روند..... ۶۵

فضیلت بیست و سوم: نامگذاری آن حضرت بوسیله خداوند متعال صورت گرفته، و خداوند متعال نام آن حضرت را از نام مبارک خویش مشتق نموده است..... ۸۱

فضیلت بیست و چهارم: خداوند متعال آن علیا مخدّره را در آسمان به عقد دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی به عقد وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درآورده

است..... ۱۲۳

فضیلت بیست و پنجم: شب زفاف آن حضرت، جبرئیل و میکائیل با هفتاد هزار مَلک «فرشته» به زمین آمدند تا آن علیا مخدّره را به منزل مولى الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام بیرند..... ۱۸۹

فضیلت بیست و ششم: پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جبرئیل کراراً به محضر مقدّس آن علیا مخدّره سلام الله علیها شرفیاب می شد و با آن حضرت سخن می گفت و آن وجود مقدّس را تسلی می داد..... ۲۰۱

فضیلت بیست و هفتم: روز قیامت آن علیا مخدّره سلام الله علیها سوار ناقه ای می شود که مهار ناقه را جبرئیل در دست دارد..... ۲۲۵

فضیلت بیست و هشتم: تا زمانی که آن علیا مخدّره سلام الله علیها در قید حیات بود ازدواج با زنان دیگر برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حرام بود،..... ۲۷۵

فضیلت بیست و نهم: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به لیله قدر تأویل شده است، لذا: غیر از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام هیچکس قادر به شناختن آن حضرت و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی باشد..... ۲۸۵

فضیلت سی ام: در علوّ مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند: هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى،..... ۳۳۳

فضیلت سی و یکم: در علوّ مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که: إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعَظْبِ فَاطِمَةَ، وَيَرْضَا لِرِضَاهَا،..... ۴۴۹

فهرست احادیث..... ۴۷۹

منابع و مأخذ..... ۴۹۱

فضیلت نوزدهم

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها رُکن مولى الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

رُکن = تکیه گاه محکم - ستونی که ساختمان و یا اشیاء دیگر را سرپا نگه می دارد - رُکن در اصل به معنی ستون و پایه اصلی و محکم هر چیزی است که اجزاء دیگر بر آن تکیه کنند، سپس به معنی اتّکاء و تکیه کردن بر چیزی به کار رفته است «جمع رُکن می شود آرکان»^۱.

قبل از نوشتن حدیث مربوط به فاطمه زهرا سلام الله علیها و اینکه آن حضرت رُکن مولى الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد لازم است راجع به رُکن بودن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و رُکن بودن ائمه معصومین علیهم السّلام توضیحاتی ارائه شود تا وقتی که عنوان شد فاطمه زهرا سلام الله علیها رکن اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رکن سیدالاصیاء یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد اهمیّت موضوع کاملاً روشن شود و مقام و منزلت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها شناخته شود، با علم به اینکه غیر از

۱. مفردات راغب.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۲۱۷ و ۲۲۱ «ذیل آیه ۸۰ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۱۲ «ذیل آیه ۱۱۳ سوره هود».

تفسیر نمونه، جلد بیست و دوّم، صفحه ۳۷۵ «ذیل آیه ۳۹ سوره ذاریات».

خداوند متعال و غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام هیچکس نمی تواند به حقیقت و به گُنه مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها پی ببرد.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و در واقع منشور امام شناسی می باشد هنگام زیارت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه معصومین علیهم السّلام به محضر آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ،

و مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ،

و مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ،

و الْمَهْبِطِ الْوَحِيِّ،

و أَرْكَانِ الْبِلَادِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم،

سلام بر شما ای ائمّه معصومین علیهم السّلام،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت و اهل بیت رسالت،

سلام بر شما ای اهل بیت نبوّت و اهل بیت رسالت که محل اقامت و منزل

شما محل تردّد و رفت و آمد ملائکه الهی است،

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و سلام بر

شما ای ائمّه معصومین علیهم السّلام که منزل شما محلّ فرود آمدن وحی است،

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و سلام

بر شما ائمّه معصومین علیهم السّلام که ارکان و اشراف جامعه هستید.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۳۷ و ۴۵ و ۴۶ و ۵۳ و ۹۷.

در کتاب شرح جامعه کبیره تألیف آیت الله نقوی در توضیح ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام که عنوان شده ائمه معصومین علیهم السلام اَرْكَانَ الْبِلَادِ هستند آمده که:

سلام بر شما اهل بیت پیامبر اکرم و سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السلام که ارکان و اشراف جامعه هستید، یعنی:

جامعه بدون شما ائمه معصومین علیهم السلام جامعه بشری به معنای انسان نیست.

در معنای این عبارت دو احتمال است:

احتمال اوّل مربوط به ظاهر عبارت،

و احتمال دوّم مربوط به باطن عبارت.

اما احتمال اوّل:

وجود ائمه معصومین علیهم السلام در دنیا به منزله قلب در بدن انسان است،

که قوام هر جزئی از اجزاء بدن به وجود قلب است،

و هر لحظه که قلب از کار بیفتد تمام بدن از کار می افتد و باید آن را زیر

خاک دفن نمود.

وجود ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به عالم، مثل قلب است نسبت به

بدن انسان، لذا:

بقاء عالم و قوام تمام اجزاء آن به قلب عالم است، یعنی:

بقاء عالم و قوام تمام اجزاء آن به وجود امام معصوم است،

و روی همین اصل است که از ائمه معصومین علیهم السلام گاهی به قلب

عالم امکان و گاهی به قُطب عالم وجود تعبیر می شود و عنوان می گردد که:

بِوُجُودِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ،

وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى، یعنی:

بقاء عالم به خاطر وجود امام معصوم علیه السلام است،
و به خاطر امام معصوم علیه السلام به مخلوقات رزق داده می شود.
روایات در این باب فراوان است که اگر یکی از ائمه معصومین علیهم السلام
در روی زمین نباشد زمین اهلش را فرو می برد که به عنوان نمونه به یک حدیث
شریف اشاره می شود:

ابی حمزه می گوید:

به محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟، یعنی:

آیا زمین بدون امام معصوم علیه السلام باقی می ماند؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمود:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ، یعنی:

اگر امام معصوم در روی زمین نباشد،

زمین اهلش را در خود فرو می برد «اگر زمین بدون امام باشد از هم می پاشد

و نظم آن از بین می رود»^۱، پس:

ائمه معصومین علیهم السلام ارکان بلاد هستند، یعنی:

وجود تمام شهرها و روستاها که بر روی زمین قرار گرفته اند،

و خود زمین و آنچه در روی آن است قائم به وجود حجج خداوند متعال

یعنی قائم به وجود ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، یعنی:

اگر امام معصوم و حجت خدا روی زمین نباشد، زمین و آنچه در آن است

از بین خواهد رفت.^۲

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۰ «حدیث ۴۵۱».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۹۷ تا ۱۰۱، ذیل عنوان: وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ.

در شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السلام «وَ أَرْكَانَ الْإِبْلَادِ» آمده که: هر مرگبی دارای اجزائی است،

که برخی از این اجزاء رکن هستند، یعنی نسبت به اجزاء دیگر حالت محوری دارند و تکیه گاه بقیه اجزاء هستند،

به نحوی که اگر این اجزاء محوری که از آنها به عنوان رکن و ارکان یاد می شود وجود داشته باشند؛ بقیه اجزا می توانند وجود داشته باشند، و اگر این اجزاء محوری یا همان رکن و ارکان وجود نداشته باشند، وجود و عدم سایر اجزاء تفاوتی ندارد.

رکن هر چیز مناسب حال او است، مثلاً در انسان، سر و قلب رکن هستند و از ارکان می باشند و محوریت دارند، یعنی:

اگر وجود نداشته باشند انسان حیات خود را از دست می دهد، اما اجزایی هستند که حالت محوری ندارند و رکن نیستند، یعنی: اگر نباشند ادامه حیات انسان متوقف نمی شود، و به عبارت دیگر:

بعضی از اجزاء انسان مانند گوش، چشم، بینی، دست و... نقش محوری ندارند و رکن نیستند، یعنی:

ادامه حیات انسان بدون این اعضاء نیز ممکن است.

ائمه معصومین علیهم السلام رکن زمین و ارکان زمین هستند و مایه آرامش زمین می باشند،

بدین معنا که اگر آن ذوات مقدسه نباشند زمین اهلس را فرو می برد. در احادیث شریف آمده است که:

جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، یعنی:

خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السلام را ارکان زمین قرار داد تا زمین
اهلش را به این طرف و آن طرف نلغزاند،

زیرا این لرزش و تحرک موجب می شود که زمین اهلش را فرو ببرد.

در حقیقت بقاء ظاهری و معنوی نظام هستی که زمین نیز قسمتی از آن و
جزئی از آن می باشد از برکت وجود امام معصوم علیه السلام می باشد،
بنابراین:

امام معصوم علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام رکن و ارکان زمین
هستند که زمین به یمن وجود آن ذوات مقدسه و به برکت آن بزرگواران قابل
سکونت و بهره برداری برای ساکنان آن است، و این امر از شئون ولایت کلیه
الهیّه آن ذوات مقدسه می باشد.^۱

در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره آمده که:

وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ، یعنی:

شما ائمه معصومین علیهم السلام ارکان و پایه های توحید خداوند متعال
هستید.

در شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی ذیل این
قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام آمده که:

قبلاً بیان شد که ارکان جمع رکن است،

و رکن یعنی تکیه گاه محکم،

لذا ارکان عبادات، عبارت است از اعمالی که اگر ترک شوند عبادت
باطل می شود چه از روی عمد باشد و چه سهواً صورت بگیرد «مثل نیت و
تکبیره الاحرام در نمازهای واجب، که اگر عمداً و یا سهواً ترک بشوند نماز باطل

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۲۶۳ تا ۲۶۵،
ذیل عنوان: وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ.

است، لیکن اعمال واجب دیگر که رکن نیستند اگر سهواً ترک شوند نماز باطل نمی شود»،

بنابراین:

معنی **أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ** این می شود که:

شما ائمه معصومین علیهم السلام ارکان و پایه های توحید هستید،

یعنی:

اگر شما نبودید توحید نبود.

این کلام اشاره به این است که:

توحید واقعی ثمره وجود ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و اثبات این موضوع متوقف بر دو اصل است.

اصل اوّل:

مقصود از توحید، توحید لغوی نیست،

بلکه مقصود توحید واقعی است، یعنی:

توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی، یعنی:

خداوند متعال در ذات بی همتا است،

و در صفات و افعال هم بی همتا است و منحصر به فرد است.

اصل دوّم:

بشر برای رسیدن به توحید واقعی محتاج به معلّم و راهنما است، و با فکر

شخصی خود نمی تواند راه به جایی پیدا کند.

بعد از توجّه به این دو اصل می گوئیم که:

در اینکه ائمه معصومین علیهم السلام ارکان توحید هستند عقلاً و نقلاً جای

تردید ندارد.

حضرات معصومین علیهم السّلام واسطه در ایجاد هستند،
 زیرا خداوند متعال به نبی مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله
 و سلّم فرمود:

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، یعنی:

اگر تو نبودی «اگر به خاطر تو نبود» عالم را خلق نمی کردم.
 مراد و منظور از اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام واسطه در
 ایجاد هستند این است که:

وجود مخلوق به طفیل وجود آن ذوات مقدّسه است، لذا:

آن بزرگواران اشرف مخلوقات هستند،

و چون چنین است، پس:

افاضات حق هم به سبب آن ذوات مقدّسه است،

بنابراین:

هر کس بخواهد خداوند متعال را بشناسد باید از طریق آن بزرگواران باشد،
 به دلیل اینکه آن ذوات مقدّسه از همه مخلوقات به خداوند متعال نزدیک تر
 هستند «قرب مقامی نه مکانی»،

و چون از همه مخلوقات به خداوند متعال نزدیک تر می باشند، لذا:

خداوند متعال را بهتر از همه مخلوقات می شناسند،

بنابراین:

ارکان توحید حقیقی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند.

همچنین:

ممکن است مقصود از ارکان توحید بودن ائمه معصومین علیهم السّلام به

خاطر ولایت آن ذوات مقدّسه باشد، یعنی:

توحید واقعی بدون ولایت شما ممکن نیست.

دلیل بر این مطلب آن است که:

خداوند متعال در روز آلت و در عالم ذر ولایت آن ذوات مقدسه را بر ارواح تمام مخلوقات حتی بر ارواح انبیاء عرضه نمود، بعضی ولایت آن ذوات مقدسه را پذیرفتند.

و بعضی نیز ولایت آن ذوات مقدسه را نپذیرفتند.

مخلوقاتی که ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفتند موحدین واقعی شدند،

و مخلوقاتی که نپذیرفتند توحیدشان باطل است، زیرا توحید آنها رکن ندارد.

احادیث در این باب زیاد است، به عنوان نمونه فقط به دو حدیث شریف

اشاره می شود.

۱- وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

بِنَا عِبْدَ اللَّهِ،

بِنَا عَرَفَ اللَّهُ،

بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى،

وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال به سبب ما عبادت شد «پرستش شد»،

خداوند متعال به سبب ما و بوسیله ما شناخته شد،

و به سبب ما و بوسیله ما توحید خداوند متعال ثابت شد،

و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجاب و واسطه بین خالق و

مخلوق است.

۲- وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:
 خداوند متعال را کسی عبادت می کند که او را بشناسد،
 اما کسی که معرفت به خداوند متعال ندارد عبادت آن شخص از روی
 ضلالت و گمراهی است.

راوی این حدیث شریف که ابو حمزه می باشد می گوید:
 خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:
 یا بن رسول الله:

معرفت خداوند متعال چگونه است؟

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمود:
 معرفت خداوند متعال یعنی:

تصدیق خداوند متعال،

تصدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،

تصدیق ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و پیروی نمودن و
 اطاعت کردن آن حضرت،

و پیروی نمودن و اطاعت کردن از ائمه معصومین علیهم السلام،

و تبری جستن و بیزاری جستن از دشمنان آن ذوات مقدسه.

بنابراین:

انکار ولایت مستلزم انکار رسالت است،

و انکار رسالت مستلزم انکار الوهیت است، لذا:

ولایت ائمه معصومین علیهم السلام از ارکان توحید است،

بنابراین:

کسی که ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرد در حقیقت رسالت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب نموده است،

و تکذیب پیامبر اکرم تکذیب خداوند متعال است، لذا:
 تکذیب ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام تکذیب خداوند متعال است،
 و تکذیب خداوند متعال ضدّ توحید خدا است،
 پس معلوم شد که ائمه معصومین علیهم السَّلام ارکان توحید می باشند.^۱
 در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان» تألیف آیت الله جوادی
 آملی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام «أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ»
 آمده که:

عبارت رَضِيكُمْ... أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ به معنای اعطای مقام والای تبیین زوایای
 توحید به ائمه معصومین علیهم السَّلام می باشد،
 و احادیث فراوانی به این حقیقت اشاره نموده اند که از جمله این احادیث
 شریف فرمایش نورانی امام باقر علیه السَّلام است که می فرماید:

بِنَا عِبَادَ اللَّهِ،
 بِنَا عُرْفَ اللَّهِ،
 بِنَا وَجِدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى،
 بنابراین:

تلاش برای تبیین زوایای توحید و یکتاپرستی نخستین معنای ارکان توحید
 بودن ائمه معصومین علیهم السَّلام می باشد.
 معنای دوّم ارکان توحید بودن ائمه معصومین علیهم السَّلام، جایگاهی است
 که ولایت آن ذوات مقدّسه در تکمیل توحید دارد، لذا:

توحید بی ولایت توحید نیست،
 و با هیچ ضمیمه ای از اخلاق و اعمال صالح نمی توان آن را جبران نمود،
 همانطور که نماز بدون رکن، یعنی نماز بدون رکوع و سجود نماز نیست، و

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۲۶۹ تا ۲۷۳، ذیل عنوان: وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ.

به هیچ وجه نمی توان آن را با ضمائمی از قبیل سجده سهو و یا نماز احتیاط تصحیح نمود،

و این مطلب فرمایش نورانی امام باقر علیه السلام است که خداوند متعال می فرماید:

هر کس امامت امام ستمگری را بپذیرد بدون تردید گرفتار عذاب خواهد شد، نه توحید نفعی به او می رساند و نه اعمال عبادی، و هر کس ولایت امام عادل منصوب از ناحیه خداوند متعال را بپذیرد مشمول عفو و رحمت من خواهد شد هر چند در اعمال و عبادتش لغزش هایی داشته باشد!

سرّ این مطلب آن است که:

عبادت و اعمال صالح بی توحید مانند اسکناس بدون پشتوانه است که ارزشی ندارد،

و توحید نیز بدون ولایت ائمه معصومین علیهم السلام ناقص است، و حدیث معروف سِلْسِلَةُ الذَّهَبِ که از ناحیه وجود مقدّس امام رضا علیه السلام صادر شده مبین این مطلب است که:

خداوند متعال، لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ یعنی توحید را دژ محکم نجات دهنده از عذاب معرفی می فرماید،

و سپس وجود مقدّس امام رضا علیه السلام آن را مشروط به پذیرش ولایت خویش دانستند.

حدیث شریف سِلْسِلَةُ الذَّهَبِ این است که:

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمود که:

خداوند متعال می فرماید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «یعنی توحید» قلعه و دژ محکم من است،

و هرکس داخل این قلعه بشود «یعنی هرکس توحید را بپذیرد و به یگانگی خداوند متعال ایمان بیاورد» از عذاب من در امان است.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام پس از بیان این حدیث شریف قدسی اضافه فرمودند که:

بِشُرُوطِهَا،

وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، یعنی:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

به شرط‌هایی،

و من از شرط آن هستم، یعنی:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام ضمن بیان حدیث شریف قدسی فرمودند:

هرکس لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، یعنی:

هرکس توحید را بپذیرد از عذاب الهی در امان است،

و سپس امام رضا علیه السّلام اضافه فرمودند که:

به شرطی که آن شخص ولایت مرا نیز بپذیرد، یعنی:

اگر کسی توحید را بپذیرد،

و ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را نیز بپذیرد، از عذاب الهی در امان می باشد.

در این حدیث نورانی و شریف، وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام پذیرش

ولایت خویش را مکمل توحید و شرط نجات بخش بودن آن دانسته است. قید بشرطها در این حدیث نورانی و شریف می تواند به تمام شرط های توحید ناظر باشد، یعنی:

پذیرش امامت و ولایت ائمه قبل از امام رضا علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت از شروط تکمیلی به شمار می روند.

راز و سرّ ناگسستنی بودن توحید و ولایت این است که:

انکار ولایت ائمه معصومین علیهم السلام به انکار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برمی گردد،

و انکار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به انکار توحید و یا نقص آن می انجامد،

و احادیث فراوانی نیز به این مطلب اشاره نموده اند که به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمود:

عبادت واقعی از آن خداشناس است «کسی که خداوند متعال را بشناسد و او را عبادت کند»،

لیکن کسی که خداوند متعال را نمی شناسد مانند گمراهان خداوند متعال را عبادت می کند.

راوی این حدیث شریف که ابو حمزه می باشد می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم:

معرفت خداوند متعال چگونه است «شناختن خداوند متعال چگونه است»؟

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمود:

شناختن خداوند متعال این است که:

انسان، خداوند متعال و رسول خدا را تصدیق کند «به وحدانیت خداوند متعال و به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورد»، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را بپذیرد،

و از دشمنان آن ذوات مقدّسه بیزاری جوید.

این پیوستگی توحید و رسالت و امامت به نحوی است که طبق فرمایش امام باقر علیه السلام در عالم ذر از مخلوقات پیمان بر توحید و رسالت و امامت گرفته شده است.

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

منکرین ولایت و امامت ما کسانی هستند که در عالم ذر نیز ولایت و امامت ما را نپذیرفتند.

معنای سوّم ارکان توحید بودن ائمه معصومین علیهم السلام این است که: ائمه معصومین علیهم السلام رکن تکوینی توحید در مقام فعل می باشند، یعنی:

اگر آن ذوات مقدّسه نبودند وحدانیت و یگانگی خداوند متعال جلوه ای نمی داشت و تحقّق نمی یافت، بدین معنا که:

۱- خداوند متعال منبع لایزالی است که فیض او نظام هستی را مستفیض می نماید،

لیکن هیچ موجودی بدون وساطت حجج خداوند متعال یعنی حضرات معصومین علیهم السلام توان دریافت مستقیم فیض الهی را ندارد، یعنی این ذوات مقدّسه واسطه فیض الهی می باشند،

و فیض الهی از طریق آن بزرگواران به مخلوقات الهی می رسد.

۲- حضرات معصومین علیهم السلام که خلیفه خداوند متعال و حجّت

خداوند متعال بر مخلوقات می‌باشند و واسطه فیض الهی هستند،
رابط غیب و شهود می‌باشند،

زیرا سبب بهره‌مند شدن موجودات از فیض وجود می‌گردند.
به بیان دیگر:

اگر حضرات معصومین علیهم السّلام نمی‌بودند پیوندی میان خداوند متعال
و مخلوقات خدا نبود،

و فیوضات خداوند متعال مَجْرًا و مَجْلایی پیدا نمی‌کرد «مَجْلَى = محلّ جلوه
- محلّ نمایش - محلّ ظهور و آشکار شدن»، یعنی:
هیچ چیز خلق نمی‌شد،

و در نتیجه قدرت خداوند متعال و یگانگی خداوند متعال ظهور و بروز پیدا
نمی‌کرد.^۱

ملاحظه فرمودید که:

۱- اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی وجود مقدّس ائمه
معصومین علیهم السّلام رُکن زمین می‌باشند «أَرْكَانُ الْأَرْضِ وَ أَرْكَانُ الْبِلَادِ».
در کتاب شریف اصول کافی بابی است تحت عنوان:

بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ هُمْ أَرْكَانُ الْأَرْضِ،

و سه حدیث شریف نیز در این رابطه از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل
شده است «حدیث ۵۱۵ تا ۵۱۷».

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۲- اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی وجود مقدّس ائمه
معصومین علیهم السّلام رکن توحید می‌باشند «أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ»
وقتی ائمه معصومین علیهم السّلام رُکن زمین و رُکن توحید هستند،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد چهارم، صفحه ۳۰۱ تا ۳۰۶، ذیل
عنوان: وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ.

وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام که دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد،

و بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خیر البریّه است «یعنی بهترین مخلوق خداوند متعال بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»،

و سیّد الاوصیاء و سیّد الوصیّین می باشد، یعنی:

مقام آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» از مقام یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش برتر و بالاتر است، لذا:

آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» به طریق اولی رُکن زمین و رُکن توحید می باشد،

و جای تأمل و تدبّر اینجا است که:

این وجود باعظمت خود دارای دو رُکن است،

یک رُکن آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد،

و رُکن دیگر آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها است،

و در علوّ مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که آن حضرت رکن دوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.

اگر در فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها غیر از این یک حدیث شریف حدیث دیگری نقل نشده بود، همین یک حدیث شریف کفایت می کرد تا همگان بدانند مقام آن علیا مخدّره بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش از مقام تمام انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد،

گرچه غیر از این حدیث شریف نیز صدها حدیث دیگر مبین این مطلب می‌باشند. پس از ارائه این توضیحات، می‌پردازیم به نقل حدیث شریف مربوط به مقام رکنیت فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت به حضرت امیر علیه السلام.

حدیث:

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه روز قبل از رحلت خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ،

أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا،

فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ،

وَ اللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ،

فَلَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ،

فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا سَلَامٌ،

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سه روز قبل از رحلت

خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

سلام خداوند متعال بر تو باد ای پدر دو ریحانه «حسن و حسین علیهما

السَّلَام».

ای علی:

به تو درباره دو ریحانهام «یعنی حسن و حسین علیهما السَّلَام» در دنیا

سفارش می‌کنم.

ای علی:

به زودی دو رُکن تو منهدم می‌شود «فرو می‌ریزد و از بین می‌رود»،
و خداوند متعال خلیفه من است «یعنی اگر من نیستم خداوند متعال هست».
وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

این یکی از دو رکن من بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من
فرموده بود «به من خبر داده بود»،

و هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها از دنیا رفت، امیرالمؤمنین علی بن
ابطالب علیه السلام فرمود:

این دوّمین رکن من بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
بود «به من خبر داده بود».^۱

رُکن = تکیه گاه محکم

خلیفه = جانشین

ریحانه = گل خوشبو و معطر

این حدیث شریف را کثیری از علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل

۱. معانی الاخبار، جلد دوم، باب ۴۳۰ «باب اخبار بی‌مانند و کمیاب»، صفحه ۴۳۱، حدیث ۶۹.

امالی صدوق، صفحه ۲۱۵ تا ۲۱۷، حدیث ۴، مجلس بیست و هشتم.

فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۲۲۲ تا ۲۲۷، مجلس پانزدهم،
ذیل عنوان: امیرالمؤمنین علیه السلام رکن اولیاء و فاطمه زهرا سلام الله علیها رکن امیرالمؤمنین علیه السلام.

امیرالمؤمنین علیه السلام نفس نفیس خاتمیت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۱۹۰ و ۱۹۱، مجلس هشتم،
ذیل عنوان: اسرار حدیث تشبیه.

فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۹۷ و ۱۹۸، موضوع هفتم، ذیل عنوان: مقام رکنیت
فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام.

جلوه نور، تألیف آیت‌الله سعادت پرور، فصل ۲۵، صفحه ۱۸۳، حدیث اول.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت‌الله سیدمحمدحسن میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۶۹ و ۶۷۰.

فاطمه زهرا سلام الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۳، صفحه ۵۸، فضیلت

هشتم، حدیث ۸.

نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

احمد بن حنبل در فضائل الصّحابه «جلد دوّم - صفحه ۷۷۳».

زمخشری در الفایق فی غریب الحدیث «جلد اوّل - صفحه ۱۶۲».

حافظ ابونعیم در حلیة الاولیاء «جلد سوّم - صفحه ۲۰۱ - چاپ مصر».

محبّ الدّین طبری در ریاض النّضرة و ذخائر العقبی «صفحه ۵۶».

شافعی در کفایه

سبط بن جوزی در تذکره

سیوطی در جامع کبیر

متقی هندی در کنز العمّال «جلد یازدهم، صفحه ۶۲۵ و جلد سیزدهم صفحه ۶۶۴».

الزرنندی الحنفی در نظم در الرّسمّین «صفحه ۹۸».

خطیب خوارزمی در مناقب

خوارزمی در مقتل الحسین «جلد اوّل، صفحه ۱۰۳».

ابن عساکر در تاریخ دمشق «جلد چهاردهم - صفحه ۱۶۶ و ۱۶۷»، و...^۱

محبّ الدّین طبری در کتاب خویش «ریاض النّضرة» قبل از نقل این حدیث می‌گوید:

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم کنیه ابوالرّیحانّین را بر علیّ بن ابیطالب علیه السّلام گذاشته است.^۲

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت ذیل این حدیث شریف و ذیل عنوان: امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام رکن

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، مجلس پانزدهم، صفحه ۲۲۲ و ۲۲۳ «پاورقی».

فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۱۹۸ «پاورقی».

جُنة العاصمه، تألیف آیت‌الله میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۶۹ «پاورقی».

۲. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۱۹۸ «پاورقی».

اولیاء و فاطمه زهرا سلام الله علیها رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «مجلس پانزدهم این کتاب ارزشمند» آمده که:

اسلام وابسته به سیدالشهداء علیه السلام و عاشورا است،
و همانطور که اسلام و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم وابسته به
سید الشهداء علیه السلام است،

مذهب «مذهب شیعه» و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز وابسته
به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند، لذا:

تضعیف شعائر فاطمیّه علیها سلام خیانت به مذهب و جنایت به امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که نبوت تمام انبیاء و رسالت تمام
مُرسلین و دین خدا به او کامل شد،

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که طبق آیه سوّم سوره مائده «الْیَوْمَ
اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا» کمال دین و
تمام نعمت به او است،

و اسلام مورد رضایت خداوند متعال «اسلام مَرْضَى خدا» وابسته به آن
حضرت می باشد «یعنی حضرت امیر علیه السلام»،

خود آن حضرت وابسته به فاطمه زهرا سلام الله علیها است و این مطلب
بسیار مهم است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طبق روایت جابر بن
عبدالله انصاری به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنًا، یعنی:

علی جان:

به زودی دو رکن تو منهدم می شود،

لیکن چون خبر این مصیبت برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کمرشکن بود، لذا وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ، یعنی:

خداوند متعال خلیفه من بر تو است «اگر من نیستم خداوند متعال هست»، و با این فرمایش خویش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را تسلیت داد.

حقیقت رکن چیست؟

و رکن یعنی چه؟

هر جزء واجب دخیل در آن واجب است، و به فوت آن جزء «با از بین رفتن جزء» کل منتفی می شود، پس:

با رفتن یک جزء تمام کل به هم می خورد، لیکن جزء بدل دارد «جانشین و جایگزین دارد»، و جای جزء از بین رفته را می گیرد،

مثلاً اگر در نماز واجب جزء غیر رکن فراموش شود نماز باطل نمی شود، ولی اگر در نماز واجب، رکن فراموش شود بدل ندارد و نماز باطل می شود. وقتی حقیقت رکن این است،

باید دید آن کسی که به این رکن متکی است چه کسی می باشد، تا او شناخته نشود رکن او شناخته نمی شود، یعنی:

اول باید امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به اندازه‌ای که میسور و مقدور ما است بشناسیم، تا فاطمه زهرا سلام الله علیها برای ما شناخته شود. معرفی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در کلام امام صادق

عليه السَّلام:

وقتی لسان الله النَّاطِق امام جعفر صادق سلام الله عليه اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام را زيارت می کند،

این زيارت سه قسمت دارد:

یک سلام،

یک شهادت،

و یک صلوات.

به هر قسمت فقط یک اشاره می شود.

قسمت اوّل، سلام:

وجود مقدّس اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام اسم الله الرّضی

است که در سلام به آن حضرت آمده است، یعنی:

به اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام اینگونه عرض سلام می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ،

قسمت دوّم، شهادت:

اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام جَنَّبُ اللَّهِ است، بَابُ اللَّهِ است،

وَجَّهَهُ اللَّهُ است.

به محضر مبارک اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام عرض می کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنَّبُ اللَّهِ وَ بَابُهُ وَ وَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ.

قسمت سوّم، صلوات:

اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام ركن اولياء و عماد اصفياء می باشد.

به اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السَّلام اینگونه صلوات می فرستیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

وَ صَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ رُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ وَ عِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام سیّد الاوصیاء است، یعنی:
 سیّد و سرور اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، یعنی:
 مقام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام برتر و بالاتر از مقام یازده امام
 معصوم علیهم السّلام می باشد،

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام رکن اولیاء الله است، و اولیاء الله
 کسانی هستند که خداوند متعال در آیه ۶۲ سوره یونس در باره آنها می فرماید:
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عماد اصفیاء می باشد. اصفیاء یعنی
 برگزیدگان الهی، یعنی انبیاء الهی،
 و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، تکیه گاه انبیاء الهی است «عماد
 اصفیاء الهی است».

اصفیاء = برگزیدگان

عماد = تکیه گاه - ستون - آنچه بدان تکیه کنند.

وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام چنین شخصیّتی
 است،

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام چنین اعجوبه ای است که عقل و
 علم و درک و فکر همه مردم از رسیدن به انوار عظمت آن حضرت که فقط
 نمونه ای از آن را ملاحظه فرمودید عاجز و ناتوان می باشد.

آن وقت چنین موجودی و چنین شخصیّت عظیم الشّانی،

رکن وجودش،

نقطه اتّکایش،

و عماد هستیش وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،

اینجا است که باید فهمید فاطمه زهرا سلام الله علیها کیست.

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام رکن اولیاء الهی است من الاولین و الآخرین، کسی که خودش رکن تمام اولیاء الهی است، رکن او فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

این است که می گوئیم:

چه کسی است که صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را شناخته، و چه کسی فهمیده فاطمه زهرا سلام الله علیها کیست؟ به قدری ساحت بلند است،

به قدری مقام مَنیع است «مَنیع = رفیع - بلند - استوار»،

که حتّی در عالم بقاء «آخرت» هم درک نمی شود حضرت زهرا سلام الله علیها کیست «به قدری مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها رفیع است که حتی روز قیامت نیز مقام آن حضرت برای همگان قابل درک نیست»^۱.

در کتاب ارزشمند فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها تألیف علامه امینی ذیل این حدیث شریف «حدیث شریفی که جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده است» آمده که:

در اینجا لازم است رکن بودن به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را دقیقاً بررسی کنیم که مراد از این رکنیت چیست، و حقیقت این رتبه معنوی که مقام بسیار والا و بزرگی است چگونه می باشد. آنچه مسلّم است این است که:

در مقام رکنیت هر معنایی که در شأن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تصوّر شود «رکن بودن پیامبر اکرم نسبت به حضرت امیر علیهما السّلام»، عیناً به همان گونه و به همان ترتیب در شأن فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز وارد است،

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۲۱ تا ۲۲۸، مجلس پانزدهم، ذیل عنوان: حضرت امیر علیه السّلام رکن اولیاء و حضرت زهرا علیها سلام رکن حضرت امیر علیه السّلام.

و به عبارت دیگر:

فاطمه زهرا سلام الله عليها در مقام رُكْنِيَّتِ مثل و مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،

و در این منقبت همتا و شریک و برابر با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، یعنی:

همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

فاطمه زهرا سلام الله عليها نیز دقیقاً مثل پیامبر اکرم رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.

یقیناً مقصود از رکن حضرت امیر علیه السلام بودن این نیست که فاطمه زهرا سلام الله عليها اداره کننده امور خانواده و کدبانوی خانه و کاشانه حضرت امیر علیه السلام است، و گرداننده چرخ زندگانی آن حضرت و آسایش بخش او و خانواده او است،

زیرا اینها از اموری است که هر زن مسلمان عهده دار آن است.

مهم این است و رمز عظمت زهراى اطهر سلام الله عليها اینجا روشن می شود که با وجود آیه شریفه الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ «آیه ۳۴ سوره نساء» که موضع کلی مردان و زنان را به یکدیگر تعیین می کند، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک مورد استثنایی، فاطمه زهرا سلام الله عليها را رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می داند، همانگونه که خودش را رکن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می داند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به هر معنی و مفهوم و به هر نحو و کیفیتی که رکن حضرت امیر علیه السلام محسوب می شود، فاطمه زهرا سلام الله عليها نیز به همان نحو و همان نسق و همان ترتیب رکن حضرت

امیر علیه السَّلام می باشد.

رکن بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها به حضرت امیر علیه السَّلام از مقام شامخ ولایت سرچشمه می گیرد و از شئون ولایت است، به نحوی که هر یک از این سه وجود مقدّس رکن دو نفر دیگر می باشد، و این موضوع امکان پذیر نیست مگر اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز در مقام ولایت همتا و همانند و برابر با پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السَّلام باشد.

هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام در روز عید سعید مبعث عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ رُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ وَ عِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ.

همچنین در یکی از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام به آن حضرت به عنوان امیرالمؤمنین، امام مخلصین، صدیق اکبر، سید الاوصیاء، عماد الاصفیاء و رکن اولیاء عرض سلام و ادب می کنیم.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام که رکن و پایه و ستون و تکیه گاه جمیع اولیاء و اصفیاء است،

رکن و تکیه گاهش طبق فرمایش پیامبر اکرم، وجود مقدّس صدیق کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

آری،

چهارده معصوم علیهم السَّلام همگی ارکان توحید و ایمان و اسلام هستند، و هر یک از آن ذوات مقدّسه رکن است برای سایر حضرات معصومین علیهم السَّلام،

و وجود مقدّس صدیق کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در این مقام،

نظير و همتا و همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رُکن است برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام.^۱

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با نوزدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم به بیستمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۱۹۷ تا ۲۰۴، ذیل عنوان: مقام رکنیت فاطمه علیها سلام نسبت به حضرت علی علیه السلام.

فضیلت بیستم

در علو مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
اولین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات الهی یعنی
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست آن حضرت را
می بوسید و می فرمود:

فِداها أَبُوها،

فِداکِ أَبُوکِ.

حدیث اول:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها دو دستبند نقره‌ای و دو گوشواره و
یک گردنبند متعلق به خودش را به وسیله قاصدی نزد پدر بزرگوارش پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد و به قاصد خود فرمود:
خدمت پدر بزرگوارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برو و به آن
حضرت بگو:

دخترت فاطمه به تو سلام می‌رساند و از محضر شما تقاضا می‌کند که این
اقلام را «دستبند و گردنبند و گوشواره» در راه خدا انفاق نمائید.

وقتی که فرستاده فاطمه زهرا سلام الله علیها خدمت پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلّم شرفیاب شد و ضمن تقدیم نمودن آن اقلام، سلام فاطمه زهرا سلام الله علیها را به پیامبر اکرم عرض نمود،
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سه بار فرمود:
فِداها أَبُوها، یعنی:

پدرش به فدایش باد «پدر فاطمه فدای فاطمه باد».
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش
خویش فرمود:

دنیا متعلق به محمّد و آل محمّد «علیهم السّلام» نیست،
اگر دنیا نزد خداوند متعال به اندازهٔ بال یک پشه ارزش داشت به اندازهٔ یک
شربت «یک جرعه» از آب آن را به کافران نمی داد.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از خاتمه فرمایشات
خویش از جای خود برخاسته و به نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها رفت.^۱

حدیث دوّم:

در شب ازدواج امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام
الله علیها، وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم با قدحی شیر بر
آن دو بزرگوار وارد شد و ابتدا به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:
اِشْرَبِي فِدَاكَ اَبُوکِ،

و سپس به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:
اِشْرَبِ فِدَاکَ اِبْنُ عَمِّکَ، یعنی:

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۳۷۱ تا ۳۷۳، حدیث ۷، مجلس چهل و یکم.
شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۴۱، ذیل عنوان:
عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ.
فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۰، صفحه ۱۵۰، حدیث ۲
«منزلت فاطمه علیها سلام نزد پیامبر اکرم».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شب ازدواج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها با قدحی شیر بر آن دو بزرگوار وارد شد و ابتدا به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

پدرت فدای تو گردد «پدرت فدایت باد»،

از این قدح بنوش «بیاشام»،

و سپس به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

پسرعمویت فدای تو گردد «پسرعمویت فدایت باد»،

توهم از این قدح بنوش «بیاشام».^۱

در کتاب جلوه نور تألیف آیت الله سعادت پرور در توضیح ذیل این حدیث

شریف آمده که:

دو تعبیر «فِداکِ اَبُوکِ» و «فِداکِ اِبْنُ عَمِّکِ» در لغت عرب معمولاً در جایی

استعمال می شود که شخص بخواهد علاقه تامّ و شدّت محبّت خویش را به

فردی اظهار نماید.

گاهی این معنی به جهت کمالات ظاهری شخص است،

گاهی به جهت معنویّت،

و گاهی به هر دو جهت.

کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها در مرحله اوّل برای این است

که خداوند متعال آن دو بزرگوار را دوست دارد،

۱. خصائص فاطمیه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۴۸، مورد سی و نهم، ذیل عنوان: ویژگی های مشترک فاطمه زهرا با حضرت امیر علیهما السلام.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۸۴، حدیث ۲، ذیل عنوان: شب زفاف و فدای آن.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۰، صفحه ۹۲، حدیث یازدهم، ذیل عنوان: کلمات رسول اکرم درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها.

و در مرحله دوّم به آن جهت است که این دو بزرگوار «حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» در کمالات ظاهری و معنوی سرآمد همه عالم هستند.^۱

حدیث سوّم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پیوسته به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمود:

فِداها أبوها، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم کراراً به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمود:

پدرش فدایش باد «پدرش فدای او شود».^۲

در توضیح ذیل این حدیث شریف نبوی آمده که:

این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دختر گرانقدرش فاطمه زهرا سلام الله علیها بیانگر محبّت شدید آن حضرت به فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،

و خاستگاه این محبّت شدید نیز شناخت حقیقت برتر و کمالات والا و مقام رفیع آن علیا مخدّره می باشد.^۳

حدیث چهارم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بارها سر مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها را می بوسید و می فرمود:

۱. جلوه نور، تالیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۰، صفحه ۹۳، توضیح ذیل حدیث یازدهم.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۸۹، ذیل عنوان: بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي.

۳. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۸۹، ذیل عنوان: بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي.

فداکِ اَبُوکِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بارها سر مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها را می بوسید می فرمود:
 پدرت فدای تو باد «پدرت فدایت شود»^۱.

حدیث پنجم:

روزی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وارد شد، و به محض ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها، وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به استقبال او رفت و دو دست دخترش را بوسید. هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها می خواست از نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم برود، وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها را مشایعت نمود و مجدداً دو دست دخترش را بوسید. راوی این حدیث شریف که ابوبکر بن ابی قحافه می باشد می گوید:
 به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم:
 یا رسول الله:

هرگز چنین چیزی را از شما درباره احدی از زنها ندیدم، و چنین کاری که کردی برای شما مناسب نیست «بوسیدن دست دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها هنگام ورود و خروج ایشان».
 ابوبکر بن ابی قحافه می گوید:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پاسخ به سؤال من

۱. فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۰، صفحه ۱۵۲، حدیث ۶، ذیل عنوان: منزلت حضرت زهرا نزد پیامبر اکرم سلام الله علیها.
 تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیدمحمدکاظم قزوینی، صفحه ۱۶۱ و ۱۶۲، ذیل عنوان: منزلت حضرت زهرا نزد پدر بزرگوارش.

فرمود:

مَا فَعَلْتُهُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّي، یعنی:

این کار را نکردم مگر به امر پروردگار خودم.^۱

توضیح:

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، فِدَاها أَبُوها، فِدَاكِ أَبُوكِ و... در اینگونه عبارات معنی تقدیه را می‌رساند.

«فداء» و «تقدیه» به معنای پاسداری و حفاظت از خود و یا دیگری در برابر آسیب‌ها و گزندها می‌باشد، از طریق بخشش مال و یا گذشتن از جان.

تقدیه = فدیة دادن

فدیة = آنچه که انسان برای نجات خود یا دیگری بدهد «از طریق دادن مال و یا گذشتن از جان»^۲.

انشاء الله تعالی ذیل بیست و یکمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با موضوع تقدیه توضیحات بیشتری به عرض خواهد رسید.

۱. جُنَّة العاصمه تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۷۸، خصیصه بیست و نهم، ذیل عنوان: خصیصه‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۸۲ تا ۱۸۹، ذیل عنوان: بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي.

فضیلت بیست و یکم

در علو مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
دومین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات الهی بعد از وجود
مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی وجود مقدس مولی الموحّدين
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن علیا مخدّره می فرمود:
بَابِي أَنْتِ وَأُمِّي،

همچنین آن علیا مخدّره را با عنوان سَيِّدَتِي مخاطب می ساخت که انشاءالله
تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

حدیث اول:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها دچار
مشکلی شدند «مشکل مالی»،

لذا فاطمه زهرا سلام الله علیها جهت رفع این مشکل خدمت پدر بزرگوارش
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و مشکل خویش را خدمت
آن حضرت مطرح نمود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از شنیدن سخنان
فاطمه زهرا سلام الله علیها به او فرمود:

پنج کلام «پنج کلمه» به تو تعلیم می دهم که آن پنج کلام را جبرئیل از ناحیه

خداوند متعال به من تعلیم نموده است.
وجود مقدّس فاطمه زهرا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض
کرد:

یا رسول الله:

آن پنج کلام «آن پنج کلمه» چیست؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه زهرا سلام
الله علیها فرمود:

پنج کلامی که جبرئیل از ناحیه خداوند متعال آورده این است:

يَا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

يَا خَيْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ،

يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ،

و يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، یعنی:

ای پروردگار اولین و آخرین،

ای خیر اولین و آخرین،

ای صاحب نیروی متین و محکم،

ای رحم کننده بر مساکین،

و ای رحیم ترین رحم کنندگان.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از شنیدن فرمایشات پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به منزل بازگشت،

و همینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فاطمه زهرا سلام الله

علیها را دید به او فرمود:

بَابِي أَنْتِ وَأُمِّي، یعنی:

پدر و مادرم فدایت باد،
 با خود چه آورده‌ای؟
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب
 علیه السّلام عرض کرد:
 برای دنیا رفتم،
 اما توشه آخرت آوردم.
 وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به فاطمه زهرا سلام
 الله علیها فرمود:
 خَيْرُ اَمَامِكِ، خَيْرُ اَمَامِكِ، یعنی:
 خیر آوردی، خیر آوردی.^۱

حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در آخرین لحظات عمر مبارک
 خویش در حال گریستن بود،
 و در همین هنگام وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
 به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:
 يَا سَيِّدَتِي،
 مَا يُبْكِيكِ،
 قَالَتْ:
 اَبْنُكِ لِمَا تَلْقَى بَعْدِي،

۱. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۷۲ و ۱۷۳، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها و علم آن حضرت. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۸، صفحه ۱۳۷ و ۱۳۸، حدیث دوّم، فصل ۲۰ صفحه ۱۴۷ و ۱۴۸، حدیث چهارم.

فَقَالَ لَهَا:

لَا تَتَّبِكِي،

فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ، يَعْنِي:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در آخرین لحظات عمر مبارک خویش در حال گریستن بود که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به او فرمود:

يا سيّدتى:

چه چیز تو را به گریه آورده است «چه چیز باعث شده که تو گریه می کنی؟» فاطمه زهرا سلام الله عليها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

برای آن مصیبت‌هایی که بعد از من می بینی گریه می کنم «گریه من برای آن مصیبت‌هایی است که پس از شهادت من می بینی».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمود:
گریه مکن،
به خدا قسم:
همه آنها در راه خدا کم است.

سپس فاطمه زهرا سلام الله عليها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصیّت کرد که به آن دو نفر اجازه ندهد تا در تشییع جنازه و نماز حاضر شوند،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز وصیّت فاطمه زهرا سلام الله عليها را اجرا نمود.^۱

در کتاب فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت در توضیح

۱. فاطمه زهرا سلام الله عليها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۶۷ و ۱۶۸، مجلس دهم، ذیل عنوان: تشییع مخفیانه.

ذیل این حدیث شریف آمده که:

چه کسی می تواند بفهمد که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کیست؟

کسی که سیّد اوصیاء است «یعنی مقامش از مقام یازده امام معصوم علیهم السلام برتر و بالاتر است»،

کسی که ولیّ اولیاء است «کسی که به اولیاء الله ولایت دارد»،

کسی که امام الاولین و آخرین است،

کسی که مقامش فوق تصوّر است،

آن وقت چنین کسی به فاطمه زهرا سلام الله علیها خطاب می کند و به او می گوید:

یا سَیِّدَتِی.

خطاب «یا سَیِّدَتِی» آن هم از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه

السلام وظیفه ما را بیش از اندازه سنگین می کند،

باید جوری شود که روز سوّم جمادی الثانی «روز شهادت فاطمه زهرا

سلام الله علیها» مملکت یکپارچه شیون یا زهرا باشد.^۱

سیادت = بزرگی - آقای - سروری - مهتری

سیّد = بزرگ - آقا - سرور - مهتر

مونث سیّد می شود سیّده.

یا سیّدی = این جمله خطاب به مرد است، یعنی:

ای بزرگ من - ای آقای من - ای سرور من - ای مهتر من

یا سیّدتی = خطاب به زن است، یعنی:

ای بزرگ من - ای سرور من - ای مهتر من

۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۶۷ تا ۱۶۹، مجلس دهم، ذیل عنوان: تشیع مخفیانه.

همانطور که در صفحات قبل به عرض رسید، بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي، فِدَاهَا أَبُوهَا، فِدَاكِ أَبُوكِ و... در اینگونه عبارات معنی تَفْدِيَه را می‌رساند.
تَفْدِيَه = فدیِه دادن

فِدِيَه = آنچه که انسان برای نجات خود یا دیگری بدهد، خواه از طریق دادن مال باشد، خواه از طریق گذشتن از جان.

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت‌الله جوادی آملی در رابطه با تَفْدِيَه توضیحاتی ارائه شده که خلاصه و چکیده‌ای از آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

«فِدَاء» و «تَفْدِيَه» به معنای پاسداری و حفاظت از خود و یا دیگری در برابر آسیب‌ها و گزندها می‌باشد،

خواه از طریق بخشش مال باشد،

خواه از طریق گذشتن از جان.

بر این اساس، جملاتی مانند بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، فِدَاهَا أَبُوهَا بیانگر شدت دوست داشتن محبوب است،

به حدّی که انسان حاضر می‌شود پدر و مادر و جان خویش را در راه پاسداری و حفاظت از محبوب خویش فدا نماید.

مُحِب در گام نخست و پیش از جان خویش، از فدا ساختن پدر و مادرش در پیشگاه محبوب خویش سخن می‌گوید، یعنی:

مُحِب به محبوب خویش می‌گوید:

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، یعنی:

پدر و مادرم فدای تو باد، زیرا:

پدر و مادر عَلْتِ زَمِيْنَه ساز وجود انسان می‌باشند، یعنی:

خداوند متعال که عَلْتِ حَقِيْقِي و خَالِق و هستی‌بخش انسان می‌باشد او را

از طریق پدر و مادرش خلق می کند «به دنیا می آورد»، پس:
با این نگاه، پدر و مادر انسان بر خود انسان برتری دارند، لذا:
مُحِب در مرحله نخست از فدا ساختن پدر و مادرش در پیشگاه محبوب
خویش سخن گفته و به او می گوید:

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، یعنی:

پدر و مادرم فدای تو باد،

و پس از پدر و مادر، جان انسان برترین محبوب او می باشد.
عبارت‌هایی نظیر بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي که در زیارات گوناگون درباره
ائمه معصومین علیهم السلام آمده، حاکی از شدت محبت زائر به شخصیت و
مقام والای آن ذوات مقدسه می باشد،

به نحوی که زائر آماده است برای جلب رضایت آن ذوات مقدسه از
ارزشمندترین دارائی‌های خویش بگذرد و همه چیز خود را فدای این بزرگواران
بنماید،

و به همین جهت عرض می کند:

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، یعنی:

پدر و مادرم فدای تو باد که محبوب‌تر از جان خودم می باشند.
وقی که مُحِب، محبوب‌ترین دارایی خویش یعنی پدر و مادرش را فدای
محبوب خویش می نماید،

به طریق اولی جانش و مالش را نیز فدای محبوب می نماید، بنابراین:
جملاتی مانند بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي، فِدَاهَا أَبُوهَا و نظایر آن برای بیان شدت محبت
مُحِب است نسبت به محبوب خویش، به نحوی که حاضر است در راه محبوب
خویش از همه چیزش بگذرد.

بر این اساس، بیان تقدیه گونه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
و سلم درباره وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و بیانات وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها برای ما کاملاً روشن می شود.

جهت نمونه فقط به دو مورد اشاره می شود.

۱- وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پیوسته به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمود:

فِداها أبوها، یعنی:

پدر فاطمه زهرا سلام الله علیها فدای او باد.

این فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مبین محبّت شدید و فراوان آن حضرت به دختر بزرگوارش فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، و دلیل اصلی آن نیز شناخت حقیقت برتر و کمالات والا و مقام رفیع وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

۲- وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام هنگام شستشوی پیکر مطهّر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به آن حضرت عرض کرد:

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ!

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي» آمده که:

در نظام آفرینش هر موجودی فدای موجود عالی تر از خود می گردد، یعنی موجود آخسّ فدای موجود اشرف می شود،

و این اصل در نظام تکوین و تشریح لازم الاجراء است، یعنی:

جماد فدای نبات می شود،

نبات فدای حیوان می شود،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۸۲ تا ۱۸۹، ذیل عنوان: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي.

و حیوان فدای انسان می شود، زیرا:
 انسان اشرف از حیوان است،
 حیوان اشرف از نبات است،
 و نبات اشرف از جماد می باشد،
 و بالاخره انسان فدای پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام می شود،
 زیرا:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام اشرف مخلوقات الهی می باشند،
 و این فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام در زیارت شریف جامعه کبیره «بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ مَالِي وَ أَهْلِي وَ أُسْرَتِي» مبین این مطلب است که:
 همه چیز انسان یعنی جان و مال و فرزند و هرچه که تحت اختیار انسان است باید فدای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام شود،

زیرا آن ذوات مقدّسه افضل و اشرف مخلوقات الهی هستند و زمین و آنچه در آن است به واسطه آن ذوات مقدّسه و برای آن بزرگواران خلق شده اند،
 و هر چیزی که برای دیگری خلق شده، پس قوام آن به او است، یعنی:
 اگر نباشد آن شیئی وجود نخواهد داشت،
 لذا:

اگر امام نباشد «اگر یکی از ائمه معصومین در قید حیات نباشد» زمین از صفحه وجود محو می شود،
 و خلاصه کلام اینک:
 تمام شهرها و روستاها و آنچه که روی زمین است همراه خود زمین قائم به وجود حجّت خداوند متعال است،

و اگر حَجَّت خداوند متعال نباشد زمین و آنچه در آن است نخواهد بود، لذا انسان و آنچه که تحت اختیار انسان است باید فدای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام شوند، زیرا آن ذوات مقدسه اشرف مخلوقات الهی هستند، و آخَس باید فدای موجود اشرف شود،

زیرا موجود اشرف سبب و علت غایی است برای وجود آخَس، و این اصل در نظام تکوین و تشریح لازم الاجراء است.^۱

توضیح:

الف: در بخش حدیث ذیل بیستمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که: اولین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات خداوند متعال یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها و بارها به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمود:

فِداها أَبُوها،

فِداکِ أَبُوکِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها و بارها به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرمود:

پدرش فدایش باد،

پدرت فدایت باد.

ب: در بخش حدیث ذیل بیست و یکمین فضیلت از فضائل بی شمار

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱، ذیل عنوان: وَ أَرْكَانَ الْإِبِلَادِ، صفحه ۴۴۱ و ۴۴۲، ذیل عنوان: بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ مَالِي وَ أَهْلِي. صفحه ۵۱۷، ذیل عنوان: بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در اين كتاب شريف فاطمی ملاحظه فرموديد كه:

دوّمین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات خداوند متعال بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السّلام وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها را با عنوان «سَيِّدَتِي» مورد خطاب قرار می داد، همچنين به آن عليا مخدّره می فرمود:

بَابِي أَنْتِ وَ أُمِّي، یعنی:

پدر و مادرم فدای تو باد.

فرمایش تقدیه گونه پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السّلام درباره وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها به خاطر این نبوده كه آن عليا مخدّره دختر پیامبر اکرم و همسر امام معصوم می باشد، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم به خاطر اینکه فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر آن حضرت می باشد جمالات «فِداها أَبُوها» و «فِداكِ أَبُوكِ» را به او نمی فرمود،

گرچه فرزند پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم بودن باعث افتخار و مباهات فرزند می باشد،

همچنين وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عليه السّلام به خاطر اینکه فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر پیامبر و همسر امام می باشد جمالات «یا سَيِّدَتِي» و «بَابِي أَنْتِ وَ أُمِّي» را به او نمی فرمود، گرچه فرزند پیامبر بودن و همسر امام بودن باعث افتخار و مباهات هر انسانی می باشد،

بنابراین:

علّت اساسی فرمایشات تَفْذِیه گونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کمالات والا و مقامات رفیع و مَنیع و وصف ناشدنی آن علیا مخدّره است که ذیلاً و به اختصار به چند نمونه آن اشاره می شود.

۱- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند پدر بزرگوارش و عیناً مانند شوهر گرانقدرش مقام عصمت دارد، و خداوند متعال اراده فرموده تا هرگونه گناه و رجس و پلیدی را از آن حضرت دور نماید.

ذیل اوّلین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با مقام عصمت آن علیا مخدّره توضیحات کاملی ارائه شده است.

۲- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّة الله است، همانطور که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حُجَّة الله می باشند.

ذیل یازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۳- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها وَلیَّة الله است و دارای مقام ولایت کلّیه می باشد و بر همه مخلوقات ولایت دارد، همانطور که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وَلیُّ الله می باشند و بر همه مخلوقات ولایت دارند.

ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام

الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۴- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلِيَّةُ الله است لذا مانند سایر حضرات معصومین علیهم السّلام واجب الاطاعه است و خداوند متعال اطاعت از آن علیا مخدّره را بر همه مخلوقات واجب فرموده است «غیر از وجود مقدّس پیامبر اکرم و حضرت امیر سلام الله علیهما»، همانطور که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام حُجَّةُ الله و وَلِيُّ الله می باشند و واجب الاطاعه هستند و خداوند متعال اطاعت از آن دو بزرگوار را بر همه مخلوقات واجب فرموده است.

ذیل چهاردهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۵- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو یعنی همتا و همانند و شبیه و نظیر مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می باشد، و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نمی فرمود اَحَدی از مخلوقات الهی از حضرت آدم علیه السّلام تا روز قیامت کُفُو آن علیا مخدّره نبود و هیچکس شایستگی و لیاقت همسری با آن حضرت را نداشت.

ذیل هیجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

در علوّ مقام وجود مقدّس صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها همین

بس که:

اولین شخصیت عالم خلقت و اشرف و افضل مخلوقات الهی یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بر همه مخلوقات خداوند متعال ولایت دارد، در فرمایش تَفْدیهِ گونه خویش به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید:

فِداها أَبوها،

فِداکِ أَبوکِ.

در رابطه با ولایت داشتن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر همه مخلوقات الهی و اولویت داشتن آن حضرت به همه انسانها توضیحاتی ارائه می شود تا بیشتر بفهمیم چه شخصیت عظیم الشانی خود را فدای دخترش می نماید،

در حالی که اگر امر دائر شود به از بین رفتن همه انسانها یا از بین رفتن وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، همه انسانها باید فدای آن حضرت شوند تا آن وجود مقدس که طبق حدیث معروف قدسی «لَوْلَاکَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاکَ» علت غایی خلقت عالم می باشد محفوظ بماند.

خداوند متعال در آیه ششم سوره مبارکه احزاب درباره وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر است «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خود مؤمنین به آنها صاحب اختیارتر است»^۱.

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۱۹، «ذیل آیه ششم سوره احزاب».

شرح لغات و توضیحات

أُولَى = اختیاردارتر - صاحب اختیارتر - شایسته تر - سزاوارتر.

أَنْفُسُ مُؤْمِنِينَ = خود مؤمنین^۱.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶ سوره احزاب» اولویت داشتن پیامبر اکرم نسبت به همه انسانها را در همه حال و در همه موارد «چه امور دین و چه امور دنیا» بیان می فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

الْنبیُّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همه مؤمنین اولویت دارد، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین صاحب اختیارتر می باشد.

معنی اولویت داشتن پیامبر اکرم به مؤمنین این است که:

چنانچه هر مسلمانی در هر مکان و در هر زمانی امر را دائر ببیند بین حفظ منافع پیامبر اکرم و حفظ منافع خودش، باید منافع پیامبر اکرم را به منافع خودش مقدم بدارد،

بنابراین:

هر حق و هر منفعتی که مسلمان برای خودش قائل است «از قبیل: حفظ جان خویش - حفظ فرزندان خویش - حفظ اموال خویش - دوست داشتن فرزندان خویش - دوست داشتن اموال خویش و..» پیامبر اکرم مقدم بر او می باشد، یعنی:

اگر امر دائر شد بین حفظ جان خودش و حفظ جان پیامبر اکرم، انسان باید

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۲۴ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

جان خودش را فدای پیامبر اکرم نماید تا آن حضرت محفوظ بماند،
یا اگر نفس انسان، انسان را به چیزی امر کند یا دعوت نماید،
یا اگر گروهی از انسان‌ها، انسان را به چیزی امر کنند یا دعوت نمایند،
و در همان حال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انسان را به چیز
دیگری امر نماید، اطاعت از پیامبر اکرم مقدم بر اطاعت از دیگران می‌باشد،
و خلاصه کلام اینک:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به همه مسلمانان
و نسبت به همه انسان‌ها در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی به طور مطلق
اولویت دارد، و به همه مردم ولایت دارد، یعنی:

در تمام مسائل اجتماعی،

مسائل مربوط به حکومت،

مسائل مربوط به قضاوت،

و به طور کلی در تمام امور مربوط به دین و دنیا، اراده و خواست پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلم مقدم بر اراده و خواست فرد می‌باشد،
همچنین اراده و خواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقدم بر اراده
و خواست همه مردم می‌باشد،

و این اولویت و تقدم امر و اراده پیامبر اکرم نسبت به همه مردم، عام است
و شامل همه امور دین و دنیا می‌شود،

و علت این قضیه نیز کاملاً روشن است، زیرا:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام عصمت دارد و معصوم می‌باشد،
و حجت و خلیفه خداوند متعال است بر مخلوقات الهی،
و بر همه مخلوقات الهی ولایت دارد،
و اطاعت از آن حضرت بر همگان واجب است،

و این اطاعت محض و بی قید و شرط را خداوند متعال مقرر فرموده است، و این موضوع در آیات شریفه متعددی بیان شده است، از قبیل:

آیه ۳۱ سوره آل عمران، آیه ۳۲ سوره آل عمران، آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۶۵ سوره نساء، آیه ۸۰ سوره نساء، آیه ۷ سوره حشر و...^۱

در رابطه با ولایت داشتن وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همه مخلوقات و اولویّت داشتن آن بزرگوار به تمام مردم به چند حدیث شریف اشاره می شود.

۱- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ، یعنی:

هیچ یک از شما مردم مؤمن نمی شوید «به حقیقت ایمان نمی رسید»، مگر اینکه خواسته شما تابع خواسته من و آنچه که من آورده ام باشد، یعنی:

مؤمن واقعی و راستین کسی است که همیشه و در هر حال خواسته هایش تابع خواسته های وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد.^۲

۲- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، یعنی:

هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه من «پیامبر اکرم» در دنیا و آخرت از او نسبت به خودش اولی هستم «هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه من در دنیا و آخرت از او نسبت به خودش صاحب اختیار تر می باشم».^۳

۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۹، ۲۰، ۳۰ و ۳۱ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۲۴ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۹ و ۲۲۰ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۰ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

۲. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۲۱ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

۳. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۲۱ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

أَنَا أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِّنْ نَّفْسِهِ، يَعْنِي:

من «پیامبر اکرم» از هر مؤمنی نسبت به او اَوْلَى هستم «اَوْلَى = صاحب اختیار تر - اختیار دارتر»^۱.

توضیح:

بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ائمه معصومین علیهم السَّلَام نیز عیناً مانند وجود مبارک پیامبر اکرم بر همه مردم اولویّت دارند، و اولویّت این ذوات مقدّسه نسبت به مردم اولویّت مطلق است، و شامل تمام امور دین و دنیای مردم می شود.

در این رابطه احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السَّلَام صادر شده که به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می شود.

ابن ابی شیبّه، احمد، و نسایی از بُریده روایت کرده اند که:
بُریده گفت:

من همراه علی بن ابیطالب علیه السَّلَام در جنگ یمن شرکت داشتم، و در یمن از علی بن ابیطالب جفا دیدم «حجّت خداوند متعال بر کسی جفا نمی کند، بلکه این جفاکاران هستند که به حجّت خداوند متعال چنین نسبتی می دهند».
بُریده در ادامه صحبت خود گفت:

پس از بازگشت به مدینه خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و نزد آن حضرت از علی علیه السَّلَام بدگویی کرده و عیب گرفتم.
بُریده می گوید:

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۳۳ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۲ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹، حدیث ۲۶ «حدیث ۸۸۵۳» «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۲۲ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

بلافاصله پس از سخنان من، رنگ چهره پیامبر اکرم دگرگون شد و به من فرمود:

یا بُرَیْدَةُ:

الَّتْ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، یعنی:

ای بریده:

آیا من «پیامبر اکرم» نسبت به مؤمنین از خود آنها به خودشان اَوْلَىٰ نیستم و نبودم «آیا من نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین صاحب اختیارتر نبوده و نیستم»؟ بُرَیْدَةُ می گوید:

عرض کردم، بله یا رسول الله،

سپس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من فرمود:

یا بُرَیْدَةُ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به بریده فرمود:

ای بریده:

هرکس که من مولای او هستم علی بن ابیطالب مولای او است.

این حدیث شریف را درالمنثور سیوطی «از تفاسیر معروف اهل سنت» نیز

نقل نموده است.^۱

أَوْلَىٰ = اختیاردارتر، صاحب اختیارتر، شایسته تر، سزاوارتر.

أَنْفُسُ مُؤْمِنِينَ = خود مؤمنین

وَلِيٌّ = سرپرست، صاحب اختیار، کسی که اطاعتش بر مردم واجب است.

وَلِيٌّ مُؤْمِنِينَ = سرپرست مؤمنین، صاحب اختیار مؤمنین.

مَوْلَىٰ نیز هم معنی وَلِيٌّ می باشد، یعنی:

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۳۳ «بحث روایتی ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

مَوْلَى = سرپرست - صاحب اختیار - کسی که اطاعتش بر مردم واجب است.

ولایت = سرپرستی - صاحب اختیار بودن - امارت - رهبری همه جانبه مادی و معنوی^۱.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» بر همه مردم اولویّت دارند،

و معنی اولویّت داشتن این است که:

چنانچه هرکس در هر زمان و هر مکان امر را دائر ببیند بین حفظ منافع آن دو بزرگوار «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» و حفظ منافع خودش، باید منافع آن دو بزرگوار «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» را به منافع خودش مقدّم بدارد، یعنی:

اگر امر دائر شد بین حفظ جان خودش و حفظ جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و یا حفظ جان امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» آن شخص باید جان خودش را فدای آن ذوات مقدّسه نماید تا آن بزرگواران محفوظ بمانند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به عنوان اولین شخصیت عالم خلقت و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به عنوان دوّمین شخصیت عالم خلقت بر تمام مردم عالم از اوّل خلقت تا روز قیامت

۱. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲ «ذیل آیه ۵۵ سوره مائده».

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۳ «ذیل آیه ۵۵ سوره مائده».

المیزان، جلد سی و دوّم، صفحه ۱۲۴ «ذیل آیه ۶ سوره احزاب».

مفردات راغب.

اولویّت دارند و همگان موظّف می باشند تا در موقع ضرورت خودشان را فدای آن دو بزرگوار نمایند تا آن دو بزرگوار محفوظ بمانند،

لیکن آن دو بزرگوار «و به طریق اُولی سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» در بیان تقدیه گونه خویش به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

فِداها أَبوها،

فِداکِ أَبُوكِ،

بِأَبِي أَنْتِ وَ أُمِّي،

و این امر حاکی از مقام و منزلت والا و رفیع صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام احدی نمی تواند به آن پی ببرد،

و این موضوع فرمایش نورانی امام صادق علیه السّلام می باشد که:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شده،

زیرا تمام مخلوقات الهی از شناختن آن علیا مخدّره بازگرفته شده و جدا شده اند، یعنی به حقیقت و کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته اند و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن حضرت نمی باشند.

فضیلت بیست و دوم

در علو مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که:

آن علیا مخدّره اوّلین فردی است که وارد بهشت می شود، و هنگامی که آن حضرت در بهشت مستقر شد همه انبیاء الهی از آدم تا خاتم علیهم السّلام به زیارت آن بزرگوار می روند.

احادیث شریف ذیل که شیعه و سنّی آن را نقل نموده اند صراحتاً این موضوع را بیان می فرمایند.

حدیث اوّل:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، یعنی:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
نخستین کسی که وارد بهشت می شود فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.^۱

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی: صفحه ۴۷ و ۵۰ و ۵۳، مجلس دوّم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها نخستین کسی که وارد بهشت می شود. صفحه ۱۲۱، مجلس ششم، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها صفحه ۲۵۶، مجلس هفدهم، ذیل عنوان: سرّ لقب حضرت زهرا سلام الله علیها. ←

توضیح:

این حدیث شریف را علاوه بر منابع شیعه، بسیاری از منابع معتبر اهل سنت نیز نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید:

- نظم درالسمطين زرندي الحنفی «صفحه ۸۰»
 كنز العمال متقی هندی «جلد دوازدهم - صفحه ۱۱۰»
 ذخائر العقبی محبّ الدین طبری
 فصول المهمّة ابن صباغ «جلد اول - صفحه ۶۵۹»
 مستدرک حاکم
 ينابيع المودّة قندوزی «جلد دوّم - صفحه ۳۲۲»
 تاريخ ابن عساکر
 سبل الهدی و الرّشاد صالحی شامی «جلد دهم - صفحه ۳۸۶»
 نورالابصار شبلنجی «صفحه ۵۲»
 لسان المیزان ابن حجر «جلد چهارم - صفحه ۱۶»
 مقتل الحسين خوارزمی «جلد اول - صفحه ۷۶»
 میزان الاعتدال ذهبی «جلد دوّم - صفحه ۶۱۸»، و...^۱

سوغنامه فدک، تألیف آیت‌الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۷۱، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها. فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۲۴، موضوع چهاردهم، ذیل عنوان: تقدّم حضرت زهرا سلام الله علیها در ورود به بهشت.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت‌الله کجوری مازندرانی، صفحه ۸۲۴، ذیل عنوان: معنی حیّ علی خیر العمل. فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۹، صفحه ۱۴۴، حدیث ۱۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت‌الله سیّد احمد مستنبط، جلد دوّم، بخش سوّم صفحه ۴۱۲، حدیث ۷/۸۹۶.

۱. فاطمه علیها سلام، حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی: صفحه ۴۷ «پاورقی»، مجلس دوّم، ذیل عنوان: فاطمه علیها سلام نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود. سوغنامه فدک، صفحه ۷۱ «پاورقی».

فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۲۴.

حدیث دَوِّم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
 تُبْعَثُ الْأَنْبِيَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الدَّوَابِّ،
 وَ يُبْعَثُ صَالِحٌ عَلَى نَاقَتِهِ،
 وَ أُبْعَثُ عَلَى الْبُرَاقِ،
 وَ تُبْعَثُ فَاطِمَةُ أَمَامِي عَلَى الْعُضْبَاءِ، و... یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
 روز قیامت انبیاء سوار بر مرکبها هستند،
 حضرت صالح سوار بر ناقه اش مبعوث می شود،

و من نیز «یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم» بر بُراق سوار می شوم، و دخترم
 فاطمه در حالی که پیشاپیش من است «جلو من است» سوار بر عضباء می باشد،
 علی بن ابیطالب علیه السّلام سوار بر ناقه من است،

و دو فرزند فاطمه، حسن و حسین سوار بر دو ناقه دیگر.^۱

در صفحات مختلف کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت
 تالیف آیت الله وحید خراسانی ذیل این دو حدیث شریف نبوی که ملاحظه
 فرمودید «حدیث اول و دوّم» توضیحاتی ارائه شده که به اختصار به آنها اشاره
 می شود.

در صفحه ۴۷ و صفحات بعد این کتاب شریف آمده که:

أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ، یعنی:
 نخستین کسی که وارد بهشت می شود فاطمه علیها سلام دختر حضرت

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تالیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۸۷، مجلس بیست و هفتم، ذیل عنوان: فاطمه علیها سلام حوراء انسیّه.
 فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تالیف علامه امینی، صفحه ۳۲۳، موضوع چهاردهم، ذیل عنوان: تقدّم حضرت زهرا علیها سلام در ورود به بهشت.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

در توضیح ذیل این حدیث شریف نبوی آمده که:

نخستین ورود در بهشت، برای شخص اوّل در وجود است،

تا کسی شخص اوّل در وجود نشود محال است اوّلین شخصی باشد که

وارد بهشت شود.

اوّل شخص در ورود به بهشت باید اوّل شخص در انسانیت باشد، این است

که عقلاً ممکن نیست اوّلین شخصی که وارد بهشت می شود غیر از وجود

مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشد،

پس چگونه اوّل شخص وارد به بهشت فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد؟

بین آنچه که عقل درک می کند و آنچه که از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم نقل شده تناقضی نیست، زیرا:

فاطمه زهرا سلام الله علیها عین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

می باشد و با آن حضرت متحد است، لذا:

ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها به بهشت یعنی ورود پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم،

و غیر از این نمی شود،

و سرّ عجیبی در این حدیث شریف نبوی نهفته است که شرح آن را در

سرتاسر روایاتی که در کتب اهل سنت نقل شده پیدا می کنیم.

در کتب معتبر اهل سنت از عایشه نقل شده که می گوید:

هیچ کسی را ندیدم که در گفتار و سخن گفتن و نشستن از فاطمه «سلام الله

علیها» به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» شبیه تر باشد.

راه رفتش عین پیامبر اکرم،

منطقش عین منطق پیامبر اکرم،

چهره اش مانند چهره پیامبر اکرم،
حرف زدنش عین حرف زدن پیامبر اکرم،
و وجودش عین وجود پیامبر اکرم می باشد.
پس از نقل این سخن عایشه آمده که:
مطلب بالاتر از این است، یعنی:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ابتدا فرمود:
فَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِنِّي، یعنی:
دخترم فاطمه پاره تن من است.
وقتی فاطمه علیها سلام بَضْعَه پیامبر اکرم است،
پیامبر اکرم باید اوّل شخص باشد و پاره تنش جلوتر برود،
مطلب از این نیز بالاتر است، یعنی:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بالاتر رفت و درباره
فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:
هِیَ رُوْحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، یعنی:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:
فاطمه روح من است که در میان دو پهلویم جای دارد.
اشتباک و اتّحاد بین فاطمه زهرا سلام الله علیها و پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله و سلّم به این حد است.
اوّل شخصی که وارد بهشت می شود و بر بساط رحمت خداوند متعال وارد
می شود شخص اوّل عالم وجود است،
لیکن خداوند متعال می خواهد نشان بدهد که فاطمه زهرا سلام الله علیها
آنچنان عین پدر بزرگوارش شده که خداوند متعال در سوره طه به پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

طه «آیه اوّل سوره طه»

ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى «آیه دوم سوره طه»، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای پیامبر:

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی «وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نزول وحی و قرآن، بسیار عبادت می کرد و مخصوصاً به حالت ایستاده به عبادت مشغول می شد که پاهای آن حضرت متورم می شد، لذا خداوند متعال آیات فوق را نازل نموده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمود که این همه رنج و ناراحتی را بر خویش تحمیل نکند.^۱

و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز همان دختری است که آنقدر در محراب عبادت می ایستاد که پاهای او ورم می کرد.

اگر این شد،

پس:

این شخص «فاطمه زهرا سلام الله علیها»، شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.^۲

اشتباک = به یکدیگر در آمدن چیزی، در آمیخته شدن و درهم شدن
تشبیک = در آمیختن و به یکدیگر در آوردن چیزی، انگشتان دست را در یکدیگر در افکندن.^۳

در صفحه ۲۵۶ کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت

۱. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۸۰، ذیل آیه اوّل و دوّم سوره مبارکه طه.

۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۴۷ تا ۵۴، مجلس دوّم،

ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها نخستین کسی که وارد بهشت می شود.

۳. فرهنگ وام واژه های عربی، تألیف سیّد محمد نحوی.

«مجلس هفدهم» آمده که:

اول کسی که قدم بر بساط قرب خدا می گذارد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها است،

اول کس حضرت زهرا سلام الله عليها است.

حضرت زهرا سلام الله عليها در این جهت حتی بر پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم مقدم است، یعنی:

اول، حضرت زهرا سلام الله عليها به بهشت وارد می شود، بعد پدر بزرگوارش پیامبر خاتم،

این مطلب عقل هر حکیمی را مبهوت می کند.

مهم این است که:

نه تنها شیعه نوشته،

بلکه عامه «اهل سنت» اعتراف کرده اند که:

أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ، یعنی:

نخستین کسی که وارد بهشت می شود فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر حضرت محمد صلی الله عليه و آله و سلم می باشد.^۱

در صفحه ۱۲۰ و ۱۲۱ کتاب فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت «مجلس ششم» آمده که:

شخص اول عالم وجود یعنی پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم آنقدر در محراب عبادت ایستاد که قدم و پای آن حضرت ورم کرد، تا اینکه خداوند متعال یک سوره در قرآن کریم به اسم سوره «طه» درباره آن حضرت نازل فرمود.

ایستادن طولانی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم در

۱. فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۵۶، مجلس هفدهم، ذیل عنوان: سر لقب حضرت زهرا سلام الله عليها.

محراب عبادت تا قدم و پای آن حضرت وَرَم کند عجب نیست،
عجب این است که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها هنوز به سن هیجده سالگی نرسیده، چنان
پشتِ سر پدر بزرگوارش پیامبر خاتم قدم برداشت که «حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»، یعنی:
فاطمه زهرا سلام الله علیها آنقدر در محراب عبادت می ایستاد که پاهای آن
علیا مخدَّره وَرَم می کرد.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقام سبقت در معرفت و عبادت
کار را به جایی رساند که در جوانی انعکاس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله
و سلّم شد.

حالا فکر کنید که چه نکته‌ای است که روز قیامت می شود.
وقتی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز قیامت سر از
خاک برمی دارد سوار بر بُراق می شود،
و فقط یک سواره جلو پیامبر اکرم است،
و اوّلین و آخرین پشت سر او.
آن یگه سواری که فقط او جلوتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم
می رود،

و جلوتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم قدم به بهشت می گذارد
فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها چنین مقامی است.^۱
در صفحه ۳۸۷ و ۳۸۸ کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و
امامت «مجلس بیست و هفتم» آمده که:

بزرگان علماء عامّه «اهل سنّت» و علما و محدّثین خاصّه «شیعه» بر این

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۲۰ و ۱۲۱، مجلس
ششم، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها.

حدیث شریف متفق هستند که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أُبْعَثُ عَلَى الْبُرَاقِ، یعنی:

من روز قیامت بر براق سوار می شوم «مبعوث می شوم».

این حدیث، غوغایی است.

مهم این است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس

فرمودند:

و تُبْعَثُ فَاطِمَةُ أَمَامِي، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها جلوی من است.

این حدیث شریف، حدیثی است معتبر عِنْدَ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ «این حدیث

شریف، حدیثی است معتبر، هم نزد اهل سنت و هم نزد شیعه» که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

روز قیامت من بر براق محشور می شوم،

اما دخترم فاطمه جلوی من است،

او جلو می رود،

و من «پیامبر خاتم» پشت سر او.

چنین گوهری شب تار با بدنی آزرده زیر خاک دفن شده، و قبر مطهرش

مخفی مانده.^۱

علامه امینی در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها ذیل این حدیث

شریف نبوی «حدیث دوّم که صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید» می گوید:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

تُبْعَثُ الْأَنْبِيَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الدَّوَابِّ،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۸۷ و ۳۸۸، مجلس بیست و هفتم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها حوراء انسیّه، گوهر ملک و ملکوت و جامع غیب و شهود.

وَ يُبْعَثُ صَالِحٌ عَلَى نَاقَتِهِ،

وَ أُبْعَثُ عَلَى الْبُرَاقِ،

وَ تُبْعَثُ فَاطِمَةُ أَمَامِي عَلَى الْعُضْبَاءِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

روز قیامت انبیاء سوار بر مرکب‌ها هستند،

حضرت صالح سوار بر ناقه‌اش محشور می‌شود،

من «پیامبر اکرم» بر بُراق سوار می‌شوم، و...

در تمام مواقف قیامت که از مسیر خمسه طیبیه علیهم السّلام «حضرت محمد

و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» سخن رفته، ردیف و ترتیب

حرکت چنین است:

فاطمه زهرا سلام الله علیها از همه جلوتر،

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پشت سر فاطمه زهرا سلام الله علیها،

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بعد از پیامبر اکرم،

و امام حسن و امام حسین علیهما السّلام پشت سر آن ذوات مقدّسه.

ورود این پنج وجود مقدّس علیهم السّلام «خمسه طیبیه علیهم السّلام» به

بهشت نیز به همین ترتیب است.

این حدیث شریف را علاوه بر شیعه، بسیاری از علماء اهل سنت نیز

در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه

می‌فرمایید.

محب‌الدین طبری در ذخائر العقبی

حاکم در مستدرک «جلد سوّم، صفحه ۱۵۲»

ابن عساکر در تاریخش «جلد دهم، صفحه ۴۵۹»

خوارزمی در مقتل الحسین «جلد اوّل، صفحه ۵۵»

خطیب بغدادی در تاریخش

سیوطی در تاریخش و...

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت دارای مرکب‌هایی

است مخصوص به خود،

که گاهی از نور است،

گاهی از یاقوت است،

گاهی از زمرد است.

یکی از مرکب‌های آن علیا مخدّره نیز عَضْبَاء می‌باشد.

فاطمه زهرا سلام الله علیها هنگام سیر در مواقف متعدّد، مرکب‌های مختلفی

دارد،

هنگام ورود به محشر،

هنگام داخل شدن به بهشت،

هنگام سیر در بهشت،

و در هر موقعی سوار بر مرکب مخصوص می‌باشد.

اینکه در احادیث شریف، مرکب‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها متنوّع ذکر

شده به سبب همین تعدّد مواقف می‌باشد.

با توجّه به اینکه وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در میان تمام

بانوان عالم از اوّل خلقت تا روز قیامت تنها بانویی است که روز قیامت سوار

بر مرکب محشور می‌شود،

و با توجّه به اینکه در این فضیلت «سوار بر مرکب مخصوص شدن در روز

قیامت و در مواقف متعدّد قیامت» با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

به‌طور همسان اشتراک دارد،

این خود دلیل و برهان قاطع و روشنی است مبنی بر اینکه آن علیا مخدّره

دارای مقام شامخ ولایت مطلقه است،

و وَلِيَّةُ اللَّهِ می باشد.^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت سوار بر مرکب خویش

«عَضْبَاء» محشور می شود،

و درحالی که پیشاپیش وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

قرار گرفته به طرف بهشت حرکت می کند.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نخستین فردی است که وارد بهشت

می شود،

و پس از آن علیا مخدّره وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

قدم به بهشت می گذارد.

انشاء الله تعالی در حدیث بعد ملاحظه خواهید فرمود که پس از استقرار

فاطمه زهرا سلام الله علیها در بهشت همه انبیاء الهی به زیارت آن علیا مخدّره

می روند،

و این فضیلت نیز از فضائل انحصاری و اختصاصی آن حضرت می باشد.

حدیث سوّم:

وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام

فرمودند:

روزی وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بر حضرت زهرا

سلام الله علیها وارد شد و به آن حضرت فرمود:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۶، موضوع چهاردهم، ذیل عنوان:

تقدّم حضرت زهرا سلام الله علیها در ورود به بهشت.

وَ إِذَا «فَإِذَا» اسْتَقَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ،

زَارِكِ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

هنگامی که اولیاء الله «اولیاء الهی» در بهشت مستقر شدند،

همه پیامبران از حضرت آدم تا خاتم «یعنی همه اولیاء الله و همه پیامبران

الهی» به زیارت تو می آیند.

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن

ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت ذیل این حدیث

شریف «حدیث سوّم» توضیحاتی ارائه شده که خلاصه‌ای از آن را ذیلاً ملاحظه

می فرمایید.

در صفحه ۱۱۱ کتاب حلقه وصل رسالت و امامت «مجلس ششم» آمده که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها فوق صحبت است،

حضرت زهرا سلام الله علیها شخصیتی است که همه پیامبران از آدم تا خاتم

در بهشت به زیارت آن حضرت می روند.

در صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲ کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت

«مجلس ششم» آمده که:

وقتی که روز قیامت می شود،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۱ و ۱۲۲، مجلس

ششم، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها.

صفحه ۱۵۹، مجلس نهم، ذیل عنوان: آمدن انبیاء علیهم السلام به زیارت حضرت زهرا سلام الله علیها،

صفحه ۲۵۶، مجلس هفدهم، ذیل عنوان: سر لقب حضرت زهرا سلام الله علیها.

و وقتی که وجود مقدّس خاتم الانبیاء حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم سر از خاک برمی دارد و سوار بر بُراق می شود، یک سواره جلو پیامبر اکرم است، و اوّلین و آخرین «همه اهل محشر» پشت سر آن حضرت. آن یگه سواری که فقط او جلوتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می رود و جلوتر از آن حضرت قدم به بهشت می گذارد وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

مقام حضرت زهرا سلام الله علیها چنین مقامی است، چنین بشری فوق تقریر ما است، و ما هر چه بگوییم بعد از گفتن باید استغفار کنیم.

وقتی که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها وارد بهشت می شود، همه اولیاء الله و همه انبیاء الهی یعنی حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به زیارت آن علیا مخدّره می آیند، خود خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلّم نیز به زیارت فاطمه زهرا سلام الله علیها می آید،

سرّ این زیارت چیست؟

در صفحه ۱۵۹ کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت «مجلس نهم» آمده که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها شخصیتی است که هیچ عقلی و هیچ فکری بلااستثناء ممکن نیست آن حضرت را درک کند.

حضرت زهرا سلام الله علیها شخصیتی است که وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره آن حضرت می فرماید:

إِنَّمَا سُمِّيتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.

فاطمه زهرا شخصیتی است که هر کس که عنوان خلق بر او اطلاق می شود از معرفت آن حضرت ناتوان است.

فاطمه زهرا سلام الله علیها چه وجود مقدسی بوده و چه کرده،

و بین خود و خدا چه انجام داده؟

لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ «فقط خداوند متعال می داند»،

اثرش هم این است که:

وَ إِذَا «فَإِذَا» اسْتَقَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ،

زَارَكَ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، یعنی:

وقتی که اولیاء الله «اولیاء الهی» در بهشت قرار گرفتند،

حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و خاتم النبیین صلی

الله علیه و آله و سلم به زیارت فاطمه زهرا سلام الله علیها می آیند،

این فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

در صفحه ۲۵۶ کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت «مجلس

هفدهم» آمده که:

اول کسی که قدم بر بساط قرب خدا می گذارد وجود مقدس فاطمه زهرا

سلام الله علیها است.

اول کس حضرت زهرا سلام الله علیها است،

و در این جهت «ورود به بهشت» حتی بر پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم مقدم است،

اول، حضرت زهرا سلام الله علیها وارد بهشت می شود، بعد پدر بزرگوارش

صلی الله علیه و آله و سلم.

این مطلب عقل هر حکیمی را مبهوت می کند.

مهم این است که:

نه تنها شیعه نوشته،

بلکه عامه «اهل سنت» هم اعتراف کرده‌اند که:

أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

حضرت زهرا سلام الله عليها شخصیتی است که پیامبر اکرم صلی الله عليه

و آله و سلم به او فرمود:

وَ إِذَا «فَإِذَا» اسْتَقَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ،

زَارَكَ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، یعنی:

هنگامی که اولیاء الله «اولیاء الهی» در بهشت مستقر شدند،

همه پیامبران از حضرت آدم تا پیامبر خاتم «صلی الله عليه و آله و سلم» به

زیارت تو می‌آیند.

نخستین برنامه بهشت این است که:

صدویست و چهار هزار پیغمبر به زیارت فاطمه زهرا سلام الله عليها

می‌روند.^۱

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و دومین فضیلت از فضائل

بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها در این کتاب شریف فاطمی،

می‌پردازیم به بیست و سومین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن علیا مخدّره سلام

الله عليها.

۱. فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۱۱۱ «مجلس ششم»،

ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی حضرت زهرا سلام الله عليها.

صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲ «مجلس ششم»، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی حضرت زهرا سلام الله عليها.

صفحه ۱۵۹ «مجلس نهم»، ذیل عنوان: آمدن انبیاء به زیارت فاطمه زهرا سلام الله عليها.

صفحه ۲۵۶ «مجلس هفدهم»، ذیل عنوان: سرّ لقب حضرت زهرا سلام الله عليها.

فضیلت بیست و سوّم

در علوّ مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

نامگذاری آن حضرت بوسیله خداوند متعال صورت گرفته، و خداوند متعال نام آن حضرت را از نام مبارک خویش مشتق نموده است. وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها یگانه بانویی است که خداوند متعال اسمی از اسماء مبارک خویش را به او اعطا فرموده و او را فاطمه نامیده است.^۱

بدان که اعظم نام‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها نام فاطمه است، و این نامی است که خداوند متعال قبل از اینکه آن علیا مخدّره در این عالم قدم بگذارد به او اعطا فرموده است،

و این نام مبارک را «یعنی نام فاطمه را» خداوند متعال از نام «فاطر» خویش مشتق نموده و به آن حضرت عطا فرموده است.^۲

در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت در رابطه با نام‌های مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها آمده است که:

۱. جلوه نور، تألیف آیت‌الله سعادت‌پرور، صفحه ۱۱، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها کیست؟
۲. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۱۸، فصل پنجم، ذیل عنوان: نام‌ها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

ما هنوز نمی دانیم حضرت زهرا سلام الله علیها کیست.

در حدیثی محیر العقول آمده است که:

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نه اسم است.

متن حدیث شریف این است که:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

لِفَاطِمَةَ عَلَیْهَا سَلَامٌ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ

الزَّهْرَاءُ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد خداوند عزوجل نه اسم است،

فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، و زهرا.

این حدیث شریف را شیخ صدوق در کتاب امالی و خصال و علل الشرایع،

جریر طبری در کتاب دلائل الامامه، فتال نیشابوری در روضة الواعظین، شیخ

طبرسی در تاج الموالید و اعلام الوری، اربلی در کشف الغمه، ابن حاتم عاملی

در درالنظیم، علامه مجلسی در بحار الانوار نقل نموده اند.

نکته بسیار مهم و جالب توجه و تأمل این حدیث شریف این است که:

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نه اسم است عندالله، یعنی: وجود مقدس

فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقام عندیّت ملک مقتدر دارای نه اسم است،

و مقام عندیّت مقامی است که مقامی فوق آن قابل تصوّر نیست و خداوند

متعال در آیه ۵۵ سوره قمر می فرماید:

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ،

و این مقام رفیع و منیع «مقام عندیّت»، مقام اسم فاطمه زهرا سلام الله علیها

می باشد،

کسی که اسمش این است خودش چیست.^۱

توضیح:

مَقْعَدِ صِدْقٍ یعنی جایگاه صدق و راستی، یعنی:
جایگاهی که هیچ گونه باطل و بیهودگی در آن راه ندارد،
جایگاهی که سراسر حق است،
جایگاهی است که تمام وعده‌های خداوند متعال در آنجا عینیت پیدا می‌کند
و صدق آنها آشکار می‌شود.

عِنْدَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ، یعنی نزد خداوند مالک قادر و مقتدر.
کلمه عِنْدَ در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره قمر» اشاره به نهایت قُرب و
نزدیکی به خداوند متعال می‌باشد «قُرب معنوی نه قُرب مادی و جسمانی»،
آن هم نهایت قُرب «نزدیکی» به خداوندی که هم مالک است و هم قادر
(مقتدر).

تعبیراتی همچون «ملیک» و «مقتدر» و «مقعد صدق» در این آیه شریفه
همگی دلالت بر دوام و بقای این حضور و قُرب معنوی دارد «نهایت قُرب به
خداوند متعال، آن هم قُرب جاوید و همیشگی».^۲
مقام عِنْدِیت «عِنْدَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ» اشاره به نهایت نزدیکی و قُرب به خداوند
متعال است «نزدیکی و قُرب معنوی نه قُرب جسمانی»،
و این مقام:

مقام صدقی است که کذب در آن راه ندارد،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۲۰۱ و ۲۰۲، مجلس سیزدهم، ذیل عنوان: اجر رسالت.

صفحه ۲۳۳، مجلس شانزدهم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها و اسم مبارکه.

صفحه ۲۴۸، مجلس هفدهم، ذیل عنوان: سر لقب حضرت زهرا سلام الله علیها.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۹۰ و ۹۱ «ذیل آیه ۵۵ سوره قمر».

حضورى است که غیبت در آن راه ندارد،
قُربى است که بُعد «دورى» در آن راه ندارد،
بقائى است که فنا در آن راه ندارد.^۱
ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد خداوند متعال دارای نُه اسم
می باشد،

و خداوند متعال این اسماء مبارک را به آن حضرت اعطا فرموده است.
همچنین ملاحظه فرمودید که:

اعظم اسماء مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها، فاطمه می باشد که خداوند
متعال این نام را از نام مبارک خویش یعنی از فاطر مشتق نموده و آن علیا
مخدّره را فاطمه نامیده است که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره
خواهد شد.

حدیث اول:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
إِنَّ اللَّهَ يُسَمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

لِأَنَّهَا وَمَنْ أَحَبَّهَا بَعُدَتْ وَقُطِعَتْ مِنَ النَّارِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
خداوند متعال دخترم را فاطمه نامید «فاطمه نامگذاری فرمود»،
زیرا دخترم فاطمه و مُحَبِّبِین او از آتش جهنّم دور هستند.

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

از این حدیث شریف استفاده می شود که نامیده شدن آن علیا مخدّره به

۱. المیزان، جلد سی و هفتم، صفحه ۱۷۸ «ذیل آیه ۵۵ سوره قمر».

فاطمه «سلام الله علیها» از جانب خداوند تبارک و تعالی بوده است.^۱

توضیح:

کلمه فاطمه از فَطْم مشتق شده است،

و فَطْم در لغت عرب به معنای جدا کردن و انفصال می باشد «جدایی، انفصال، بازداشتن»، مثلاً:

فَطِمَ الرَّضِيعُ، یعنی طفل از شیر بازداشته شد، طفل از شیر جدا شد، بنابراین: سبب آنکه حضرت زهرا سلام الله علیها از جانب خداوند متعال فاطمه نامیده شده به این جهت است که:

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها شیعیان خویش را از آتش جهنم باز می دارد «جدا می کند».^۲

حدیث دوم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال در شب معراج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

يَا مُحَمَّدُ:

اِنِّي اَنَا اللهُ،

لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا،

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ،

وَهَبْتُ لِابْنَتِكَ اسْمًا مِنْ اَسْمَائِي،

۱. سوگنامه فدک «شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها»، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۱۵ و

۱۶، ذیل عنوان: نام های حضرت زهرا سلام الله علیها.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۱۵.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۶ و ۱۹۷.

جُتَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۹ «وجه سوّم».

فَسَمَّيْتُهَا فَاطِمَةً، یعنی:

خداوند متعال شب معراج به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
ای محمد:

من خدایی هستم که جز من معبودی نیست،
من خالق آسمانها و زمین هستم.

ای محمد:

من اسمی از اسماء خودم را به دخترت عطا کردم،
و نام او را فاطمه نهادم.^۱

حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةٌ عَلَيْهَا سَلَامٌ،

أَوْحَى اللهُ تَعَالَى إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،
فَسَمَّاهَا فَاطِمَةً، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمد، خداوند متعال به فرشته‌ای
و حی فرستاد «فرشته‌ای را نازل فرمود»،

تا بر زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نام مولود را جاری سازد و
او را فاطمه بنامد «خداوند متعال فرشته‌ای را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله و سلم نازل فرمود تا دخترش را فاطمه نامگذاری نماید، پس پیامبر اکرم
او را فاطمه نامید».

این حدیث شریف را یزید بن عبدالملک از وجود مقدّس امام باقر علیه

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۵۳ و ۵۴، فصل ششم، حدیث دوّم، ذیل عنوان: اسامی و القاب
فاطمه زهرا سلام الله علیها.

السَّلام نقل نموده است.^۱

حدیث چهارم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

يا فَاطِمَةُ:

شَقَّ اللهُ لَكَ يا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ اسْمَائِهِ،

فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

ای فاطمه:

خداوند متعال نامی از نام‌های خود را جدا نمود «مشتق نمود» و به تو نهاد،
خداوند متعال فاطر است و تو فاطمه.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۸، حدیث ۶ «حدیث ۱۲۴۱».

علل الشرایع صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۵، حدیث ۴.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۶، ذیل عنوان: نام‌های حضرت زهرا سلام الله علیها.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۴، حدیث پنجم.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۷، صفحه ۵۹، حدیث اول.

تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمدکاظم قزوینی، صفحه ۳۹، حدیث ۱.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۵۷، ذیل عنوان: علت نامگذاری فاطمه زهرا

سلام الله علیها.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۵، حدیث ۹.

۲. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۴.

ذیل عنوان: نام‌های فاطمه علیها سلام.

حدیث پنجم:

عبدالله بن حسن بن حسن علیه السَّلام نقل می کند که:
وجود مقدَّس ابوالحسن علیه السَّلام «امام سجَّاد یا امام رضا سلام الله علیهما»
فرمودند:

خداوند متعال می دانست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با زنانی
از قبائل و طوائف مختلف ازدواج خواهد کرد،
و زنان پیامبر اکرم طمع خواهند نمود که امر ولایت به وراثت آنها برسد «در
امر ولایت طمع خواهند کرد که وارث پیامبر اکرم بشوند و بر مسلمین ولایت
پیدا کنند»، لذا:

وقتی که وجود مقدَّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمد خداوند متعال
آن علیا مخدَّره را فاطمه نامید،
زیرا آن حضرت فرزندانى خواهد داشت که خداوند متعال امر ولایت مردم
را به آنها واگذار خواهد فرمود،
و بدین وسیله طمع قبائل و طوائف همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
و سلم را قطع کرد «طمع در امر ولایت بر مسلمین»،
و به همین جهت حضرت زهرا سلام الله علیها از ناحیه خداوند متعال فاطمه
نامیده شد زیرا طمع قبائل و طوائف همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
سلم را قطع کرد.^۱

در صفحه ۱۲۹ کتاب جُنَّة العاصمه در توضیح ذیل این حدیث شریف
«حدیث پنجم» آمده که:

۱. علل الشَّرایع صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۳، حدیث ۲.
جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۲۳، فصل پنجم، حدیث چهارم، ذیل عنوان:
نامها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.
فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۳، حدیث ۲، ذیل
عنوان: نامهای حضرت فاطمه سلام الله علیها.

از وجوه تسمیه آن نوریه سماویه «یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها» به فاطمه بنا بر آنچه که از این حدیث شریف استفاده می شود این است که: خداوند متعال آن عصمت کبری و آن علیا مخدّره را فاطمه نامیده، چرا که خداوند متعال می دانست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از طوایفی از عرب زن خواهد گرفت، و افراد آن طایفه نیز به طمع وراثت و خلافت به آن حضرت دختر خواهند داد، لذا:

خداوند متعال فاطمه علیها سلام را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اعطا فرمود، و خلافت و امامت و وراثت را در اولاد فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار داد، و طمع طمع کاران قطع و بریده شد، و فاطمه علیها سلام سبب قطع طمع کاران به خلافت و امامت و وراثت پیامبر اکرم شد.

همچنین از این حدیث شریف استفاده می شود که: امر امامت و خلافت مسلمین و نصب آن از ناحیه خداوند متعال است نه با انتخاب مردم،

و این موضوع «نصب امام و خلیفه مسلمین توسط خداوند متعال» در آیات شریفه قرآن کریم نیز آمده است، مثلاً:

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره بقره می فرماید:

إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً،

و یا در آیه ۱۲۴ سوره بقره به حضرت ابراهیم علیه السّلام می فرماید:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا،

و یا در آیه ۲۶ سوره ص به حضرت داود علیه السّلام می فرماید:

یا داوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِیْفَةً فِی الْاَرْضِ،

و معنی این آیات شریفه و دیگر آیات شریفه قرآن کریم و صدها حدیث شریف دیگر که در این رابطه از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده این است که:

امامت منصبی است الهی و خداوند متعال امام و خلیفه خویش را نصب می‌فرماید و مردم موظف به اطاعت از امام منصوب از ناحیه خداوند متعال هستند.

و به عبارت دیگر:

امامت و خلافت مسلمین امری است الهی و انتصابی از ناحیه خداوند متعال، نه امری انتخابی از ناحیه مردم، یعنی:
خداوند متعال امام و خلیفه مسلمین را منصوب می‌فرماید،
و مردم در انتصاب امام و خلیفه مسلمین نقشی ندارند.^۱

حدیث ششم:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر درب جهنّم توقّفی دارند «برای فاطمه زهرا سلام الله علیها توقّفی است بر درب جهنّم».

هنگامی که قیامت می‌شود وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مشاهده می‌فرمایند که بعضی از مُحَبِّین و دوستان آن حضرت به علّت کثرت گناهانشان به جهنّم برده می‌شوند.

وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها این صحنه را مشاهده می‌فرماید به خداوند متعال عرض می‌کند:

۱. جُنَّةُ الْعاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۹ تا ۱۳۱، ذیل عنوان: نام‌ها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

إِلَهِي وَ سَيِّدِي:

سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ،

وَ فَطَمْتَنِي بِبِي مِنْ تَوْلَانِي وَ تَوَلَّيْتَنِي مِنْ النَّارِ،

وَ وَعَدْتَنِي الْحَقَّ،

وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، یعنی:

وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت مشاهده می کند که تعدادی از مُحَبِّین و دوستدارانش را به جهت کثرت گناهانشان به طرف جهنم می برند تا آنها را به داخل جهنم بیندازند، در همان حال به خداوند متعال عرض می کند: ای خدای من،

و ای سرور و مولای من:

تو مرا فاطمه نام نهادی «مرا فاطمه نامیدی»،

و به من وعده داده ای که هر کس مرا و ذریه ام را «اولادم را» دوست بدارد آنها را از آتش جهنم دور نگه می داری.

خداوند عزوجل به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید:

صَدَقْتَ يَا فَاطِمَةُ،

إِنِّي سَمَّيْتُكَ فَاطِمَةَ،

وَ فَطَمْتُ بِكَ مِنْ أَحَبِّكَ وَ تَوْلَايَ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِكَ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ،

وَ وَعَدْتَنِي الْحَقَّ،

وَ أَنَا لَا أُخْلِفُ الْمِيعَادَ، یعنی:

خداوند متعال در پاسخ به درخواست فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن علیا

مخدّره می فرماید:

ای فاطمه:

تو راست می گویی:

من تو را فاطمه نام نهاده‌ام «تو را فاطمه نامیده‌ام»،
و وعده داده‌ام که هر کس محبت و ولایت تو و فرزندان را در دل داشته
باشد و آن را پذیرفته باشد، به خاطر تو آنها را از آتش جهنم جدا می‌کنم «دور
می‌کنم».

خداوند متعال در ادامه فرمایش خویش به فاطمه زهرا سلام الله علیها
می‌فرماید:

ای فاطمه:

و عده من حق است،

و من هرگز خُلف وعده نخواهم کرد،

و اینکه امر کردم بنده‌ام را به جهنم ببرند «محبین فاطمه زهرا سلام الله علیها
که مرتکب گناهان زیادی شده‌اند» به خاطر این بود که تو آنها را شفاعت نمایی،
و من نیز شفاعت تو را بپذیرم،

تا موقعیت و منزلت تو در پیشگاه من برای ملائکه و انبیاء معلوم گردد.

این حدیث شریف را محمد بن مسلم ثقفی از وجود مقدس امام باقر علیه
السّلام نقل نموده است.^۱

حدیث هفتم:

وجود مقدس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و
امام حسن و امام حسین علیهما السّلام در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و

۱. علل الشرایع صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۷، حدیث ۶، ذیل عنوان: سرّ نامیده شدن فاطمه زهرا
سلام الله علیها به فاطمه.

جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۶، حدیث هشتم، ذیل عنوان:
نام‌ها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۶، وجه نهم، ذیل عنوان: شفاعت فاطمه زهرا
سلام الله علیها.

آله و سلم بودند،

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

قسم به خداوندی که مرا به رسالت مبعوث فرمود، هیچ مخلوقی نزد خداوند متعال محبوب تر از ما نیست، زیرا:

خداوند متعال برای من اسمی از اسماء خویش اقتباس نموده است «اسم مرا از اسمی مبارک خویش مشتق نموده و مرا محمد نامیده است»،
خداوند متعال محمود است و نام من محمد است.

ای علی:

خداوند متعال برای تو نامی از نامهای خویش مشتق نموده است، خداوند متعال علیّ اعلیّ است و نام تو علی است.

ای فاطمه:

خداوند متعال برای تو نیز نامی از نامهای خویش مشتق نموده است، خداوند متعال فاطر است و نام تو فاطمه است.

ای حسن:

خداوند متعال برای تو نامی از نامهای خویش مشتق نموده است،
خداوند متعال محسن است و نام تو حسن است.

ای حسین:

خداوند متعال برای تو نیز نامی از نامهای خویش مشتق نموده است،
خداوند متعال ذوالاحسان است و نام تو حسین است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ،

وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ،

و مُحِبُّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ،
 وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ،
 وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ،
 وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ،
 لِأَنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

تو را شاهد و گواه می گیرم که:

هرکس با اینها «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» موافق باشد و با آنها دوست باشد من هم با او موافق و دوست هستم، هرکس با اینها در جنگ باشد من هم با او در جنگ هستم، هرکس اینها را دوست بدارد من او را دوست می دارم، و هرکس با اینها دشمنی بورزد من با او دشمنی می ورزم «با دوستان اینها دوستم و با دشمنان اینها دشمن»، زیرا:

اینها «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» از من هستند، و من نیز از اینها می باشم «یعنی خمسه طیبه علیهم السلام و به عبارت دیگر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از یک نور هستند و نور واحد می باشند، و این موضوع فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام در زیارت شریف جامعه کبیره است که: أَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةً»^۱.

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۸، صفحه ۱۲۶، حدیث ۳، ذیل عنوان: معنی نامهای محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

حدیث هشتم:

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی خداوند متعال اشباح ما را «محمّد و آل محمّد علیهم السّلام» از فراز عرش به صُلب حضرت آدم منتقل فرمود، حضرت آدم انوار فروزانی را در صُلب خویش مشاهده نمود و به خداوند متعال عرضه داشت:

خداوندا:

این انوار چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

من این انوار را از شریف ترین بقعه های عرشم «شریف ترین جای عرشم» به صُلب تو منتقل نمودم،

و به همین جهت به ملائکه دستور دادم تا تو را سجده کنند «به خاطر این انوار مبارک بود که به ملائکه فرمان دادم تا به تو سجده کنند»، زیرا:

تو ظرف و جایگاه این انوار هستی.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

ای کاش آنها را برای من نمایان می ساختی.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم:

به فراز عرش «بالای عرش» نگاه کن.

حضرت آدم به بالای عرش نگاه نمود و اشباح ما را مشاهده کرد «اشباح

خمس طیبه علیهم السّلام».

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این اشباح چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

اینها اشباح افضل مخلوقات «بهترین مخلوقات» و آفریدگان من هستند،

و من نام اینها را از نام خودم مشتق نموده‌ام.

من محمود هستم و او محمّد است،

من علیّ عظیم هستم و او علی است،

من فاطر هستم و او فاطمه است،

من محسن هستم و این دو حسن و حسین هستند،

سپس خداوند متعال حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای آدم:

اینها «خمسه طیّبه علیهم السّلام» بهترین و گرامی‌ترین مخلوقات من هستند،

و من اسامی آنها را از اسامی خودم مشتق نموده‌ام.

ای آدم:

به خاطر اینها «خمسه طیّبه علیهم السّلام» سلب می‌کنم،

به خاطر اینها اعطا می‌کنم و می‌بخشم،

به خاطر اینها مجازات می‌کنم،

و به خاطر اینها پاداش می‌دهم،

پس:

ای آدم:

بوسیله اینها «خمسه طیّبه علیهم السّلام» به من متوسّل شو،

و اگر حادثه‌ای ناگوار به تو روی داد اینها را به درگاه من شفیع قرار بده،

که من به ذات خودم سوگند حقّی خورده‌ام که:

هیچ یک از امیدواران اینها را ناامید نکنم،
و هیچ سائلی را که بوسیله اینها به من متوسل شود بی پاسخ نگذارم و رد
نکنم.

شَبَّحَ = سایه، سیاهی که از دور به نظر می رسد،
جمع شَبَّحَ می شود اشباح!

حدیث نهم:

سلمان فارسی نقل می کند که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:
ای سلمان:

آیا می دانی نقیبان دوازده گانه من که بعد از من امامت مردم را به عهده
می گیرند چه کسانی هستند؟
سلمان می گوید:

به محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم:
خیر نمی دانم.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:
ای سلمان:

خداوند متعال مرا از نور خویش آفرید «خلق فرمود»،
و از نور من علی بن ابیطالب را آفرید «خلق فرمود»،
و از نور علی بن ابیطالب نور فاطمه را آفرید،
و از نور من و علی و فاطمه نور حسن را آفرید،

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۲ و ۱۶۳ «ذیل آیه ۳۴ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۰ و ۲۹۱، حدیث ۱۳ «ذیل آیه ۳۷ و ۳۸ سوره بقره».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۹۲ و ۲۹۳، ذیل عنوان: وَ
بِقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ.

و از نور من و علی و فاطمه نور حسین را آفرید،
 و سپس خداوند متعال ما را به پنج نام از نام‌های خویش نامگذاری فرمود.
 خداوند متعال محمود است و من محمّد،
 خداوند متعال اعلی است و این علی،
 خداوند متعال فاطر است و این فاطمه،
 خداوند متعال قدیم الاحسان است و این حسن،
 خداوند متعال محسن است و این حسین،
 و سپس خداوند متعال از نور ما و از نور حسین نُ امام خلق فرمود، و این
 زمانی بود که:

نَه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی،
 نَه فرشته‌ای بود و نه غیر از ما بشری «یعنی جز وجود مقدّس چهارده معصوم
 علیهم السّلام هیچ مخلوقی خلق نشده بود»،
 و ما در آن زمان مشغول تسبیح خداوند متعال بودیم،
 و سخن خداوند متعال را می شنیدیم،
 و مطیع فرمان خداوند عزّوجلّ بودیم.
 سلمان می گوید:

خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم:
 یا رسول الله:

کسی که این چهارده وجود مقدّس را بشناسد چه بهره‌ای خواهد برد؟
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:
 ای سلمان:

هرکس این ذوات مقدّسه را «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام»
 به درستی بشناسد،

و به ایشان اقتدا کند،
 و از اینها تبعیت نماید،
 و ولایت اینها را بپذیرد،
 و از دشمنانشان بیزاری جوید،
 به خدا قسم او از ما است،
 و هر کجا که برویم با ما است،
 و هر کجا که ما سکونت کنیم او سکونت می کند.
 سلمان می گوید:

خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم:
 یا رسول الله:

من امام حسین علیه السلام را شناختم،

بقیه امامان چه کسانی هستند؟

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بعد از حسین، سرور و سید عابدان علی بن الحسین است،

بعد از او فرزندش محمد بن علی است که باقر علوم اولین و آخرین می باشد،

بعد از او فرزندش جعفر بن محمد است که زبان صادق خداوند متعال

می باشد،

بعد از او فرزندش موسی بن جعفر است که برای خداوند متعال کظم غیظ

می کند یعنی خشم خود را فرو می برد،

بعد از او فرزندش علی بن موسی است که راضی به رضای خداوند متعال

می باشد،

بعد از او فرزندش محمد بن علی است،

بعد از او فرزندش علی بن محمد است،

بعد از او فرزندش حسن بن علی است،
بعد از او فرزندش محمد بن حسن است، مهدی،
که قائم به حق خداوند متعال است.
سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:
ای سلمان:

تو او را «یعنی حضرت مهدی علیه السّلام را» زیارت خواهی کرد و او را
خواهی دید.

سلمان می گوید:

محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کردم:
یا رسول الله:

آیا تا زمان حضرت مهدی علیه السّلام عمر خواهیم کرد؟
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:
ای سلمان:

من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امامی که از نسل حسین می آیند،
این قول را به تو می دهیم «که تو حضرت مهدی علیه السّلام را خواهی دید».
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش
خویش فرمودند:

ای سلمان:

به خدا قسم:

هرکس که ایمانش را به کمال رسانده حاضر می شود «زمان ظهور امام زمان
علیه السّلام»،

و هرکس نیز که کفرش را به کمال رسانده حاضر می شود تا قصاص و
مجازات شود «یعنی زمانی که وجود مقدّس بقیّة الله الاعظم حجة بن الحسن

القائم المهدي صلوات الله و سلامه عليه ظهور بفرمايند مؤمنيني که داراي ايمان کامل بوده‌اند (يعني شيعيان واقعي و راستين) به امر خداوند متعال زنده مي شوند و در رکاب امام زمان عليه السلام هستند، و دشمنان ائمه معصومين عليه السلام نیز زنده مي شوند تا حضرت مهدي عليه السلام از آنها انتقام بگيرد و آنها را مجازات نمايد».

سلمان مي گويد:

پس از اين فرمايش پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله و سلم ديگر اهميت نمي دادم که چه زماني مرگ به سراغ من خواهد آمد «زيرا خوشحال و مسرور بودم که در زمان ظهور حضرت مهدي عليه السلام خداوند متعال مرا زنده خواهد کرد، و من در رکاب حضرت مهدي عليه السلام خواهم بود»^۱.

حدیث دهم:

وجود مقدس پيامبر اکرم صلي الله عليه و آله و سلم فرمودند: وقتی که خداوند متعال حضرت آدم ابوالبشر را خلق فرمود، حضرت آدم به طرف راست عرش نگاه کرد و مشاهده نمود که پنج نور سرگرم عبادت هستند و در حال سجده و رکوع مي باشند.

حضرت آدم پس از مشاهده اين صحنه به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

آيا من نخستين مخلوق تو از خاک مي باشم،

يا قبل از من کسی را از خاک خلق فرموده‌اي؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

نه، نيافریده‌ام «قبل از تو کسی را از خاک خلق نکرده‌ام».

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

۱. تفسير برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۹ تا ۹۱، حديث ۱۰ «ذيل آيه ۵ و ۶ سوره قصص».

خداوندا:

پس این پنج شَبَح که آنها در هیئت و صورت، همانند خودم می بینم چه کسانی هستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وَدَلِكَ،

لِوَالِهْمَ مَا خَلَقْتِكِ،

هُؤُلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ مِنْ اَسْمَائِي،

لِوَالِهْمَ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ،

وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيَّ،

وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْاَرْضَ،

وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْاِنْسَ وَ لَا الْجِنَّ،

فَاَنَا الْمَحْمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ،

وَ اَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ،

وَ اَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ،

وَ اَنَا الْاِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ،

وَ اَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ،

اَلَيْتُ بِعِزَّتِي:

اَنْ لَا يَاتِيَنِي اَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ بَعْضِ اَحَدِهِمْ اِلَّا اَدْخَلَهُ نَارِي وَ لَا اُبَالِي.

يَا اَدَمُ:

هُؤُلَاءِ صَفَوَتِي،

بِهِمْ اَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ اُهْلِكُهُمْ،

فَاِذَا كَانَ لَكَ اِلَيَّ حَاجَةٌ فَبِهؤُلَاءِ تَوَسَّلْ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ،
 مَنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَى،
 وَ مَنْ حَادَ عَنْهَا هَلَكَ،
 فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ،
 فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی:

خداوند متعال در پاسخ به سؤال حضرت آدم به او فرمود:
 این پنج نفر از اولاد تو هستند «یعنی خمسه طیبه علیهم السلام»،
 اگر آنها نبودند تو را خلق نمی کردم «این پنج نفر علت غایی خلقت می باشند
 و خلق تو به یمن وجود این پنج نفر است».

اینها «خمسه طیبه علیهم السلام» پنج نفری هستند که من پنج نام از نامهای
 خودم را جدا نموده و به آنها نهادهام «نامهای محمد و علی و فاطمه و حسن و
 حسین را از نامهای خودم مشتق نموده و به آنها نهادهام»،
 اگر این پنج نفر نبودند:

نه بهشت را خلق می کردم و نه جهنم را،
 نه عرش را خلق می کردم و نه کرسی را،
 نه آسمان را خلق می کردم و نه زمین را،

نه ملائکه را خلق می کردم و نه انسان و جن را «یعنی این پنج وجود مقدس
 علت غایی خلقت هستند و خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات
 مقدسه خلق فرموده است»،

من محمود هستم و این محمد است،
 من عالی هستم و این علی است،
 من فاطر هستم و این فاطمه است،
 من احسان هستم و این حسن است،

من محسن هستم و این حسین است.

به عزّت سوگند:

هرکس اگر به مقدار دانه خردل «یعنی به مقدار یک ذره بسیار کوچک» نسبت به هر کدام از این پنج نفر بغض و کینه داشته باشد او را داخل جهنّم خواهیم کرد،

بی آنکه شفاعت شافعی را بپذیرم.

ای آدم:

این پنج نفر «یعنی محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» برگزیدگان از مخلوقاتم هستند،

و نجات و هلاک هرکس وابسته به حُبّ و بغضی است که به این پنج نفر دارد.

ای آدم:

هر وقت از من حاجتی داشتی به این پنج نفر متوسّل شو تا حاجت تو برآورده شود.

سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ما کشتی نجات هستیم،

هرکس با ما باشد اهل نجات است «هرکس ولایت ما را بپذیرد و به ما

تمسّک نماید اهل نجات است»،

و هرکس از ما اعراض کند و از ما روی برگرداند هلاک می شود،

پس:

هرکس حاجتی از خداوند متعال می خواهد بوسیله ما اهل بیت از خداوند

متعال مسئلت نماید «اگر حاجتی از خداوند متعال داشتید به ما اهل بیت متوسّل

شوید و از خداوند متعال مسئلت نمایید».

این حدیث شریف را بسیاری از علماء شیعه در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

بحرانی در غایة المرام

قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق

علامه مجلسی در بحار الانوار و...

این حدیث شریف را علماء اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

حموینی در فرائد السَّمطین «جلد اول - صفحه ۳۶»

عبدالله حنفی در ارجح المطالب «صفحه ۴۶۱»

خطیب خوارزمی در مناقب و...^۱

علامه امینی در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها در توضیح ذیل این حدیث شریف می‌گوید:

از این حدیث شریف «حدیث دهم» می‌توان به شش مطلب و یا شش منقبت پی برد که هر یک از این پنج وجود مقدّس «یعنی حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» در آن مناقب و فضائل بطور یکنواخت و هم‌ردیف مشترک هستند،

و این شش فضیلت و منقبت عبارتند از:

۱- خداوند متعال اسامی این پنج وجود مقدّس را از اسامی خودش مشتق نموده و به آنها نهاده است.

۲- این پنج وجود مقدّس علّت و سبب آفرینش می‌باشند.

۲- خلقت این پنج وجود مقدّس قبل از خلقت حضرت آدم بوده، و در

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۱، موضوع اول، ذیل عنوان: زهرا علیها سلام یکی از علل آفرینش.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل سوم، صفحه ۵۳ و ۵۴، حدیث ۱.

برخی از روایات آمده که:

این پنج وجود مقدّس «یعنی خمسه طیّبه علیهم السّلام» دو هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم خلق شده‌اند.

۴- این پنج وجود مقدّس برگزیدگان خداوند متعال هستند، و نجات و هلاک هر انسانی وابسته به حُبّ و بغضی است که نسبت به آن ذوات مقدّسه دارد.

۵- جزا و کیفر دشمنی با این پنج وجود مقدّس، ورود و دخول در جهنّم و سوختن در آتش قهر الهی است.

۶- هر انسانی هنگام حاجت خواستن از خداوند متعال باید آن ذوات مقدّسه را وسیله استجاب دعا قرار دهد و به آن بزرگواران متوسّل شود. علامه امینی سپس اضافه می‌کند که:

با توجّه به این شش مطلب که بیان شد، این پنج وجود مقدّس و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام برگزیدگان خداوند متعال و علّت غایی خلقت می‌باشند که خداوند متعال در ابتدای خلقت حضرت آدم به او نشان داد و به او فرمود:
این پنج نفر «و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» علّت و سبب خلقت تو و اولاد تو می‌باشند،

و اگر حاجتی داری باید به در خانه اینها بروی،

اینها برگزیدگان من هستند،

و خودم اینها را نامگذاری کرده‌ام.

علامه امینی سپس نتیجه‌گیری می‌کند که:

این پنج وجود مقدّس یعنی خمسه طیّبه علیهم السّلام در شش منقبت مذکور هیچ فرقی با یکدیگر ندارند،

و در این موارد هیچ تفاوتی میان پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام با صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها وجود ندارد،

و هر پنج نفر در این مناقب و در این فضائل هم‌رتبه و یکنواخت و هم‌درجه هستند،

اگرچه از جهات و اعتبارات دیگر ممکن است قائل به فضیلت و برتری برخی از این ذوات مقدسه بر دیگری باشیم، مثلاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منصبی دارد که دیگر معصومین علیهم السلام ندارند.

علامه امینی سپس اضافه می‌کند که:

اگر در شأن این پنج وجود مقدس، غیر از این شش فضیلت و منقبت، فضیلت و منقبت دیگری نبود، هم‌ردیف بودن این پنج وجود مقدس در این فضائل و مناقب نشان می‌دهد که:

هر یک از این پنج وجود مقدس از همه پیامبران و از همه صدیقین از آدم تا خاتم و در یک کلام از جمیع مخلوقات خداوند متعال افضل و برتر می‌باشند، زیرا اگر این ذوات مقدسه خلق نمی‌شدند این عالم خلق نمی‌شد و این سفره خلقت گسترده نمی‌شد، یعنی:

هر بزرگی، هر شریفی، هر پیامبری، هر وصیی و هر عالم و دانشمندی که خلق شده در حقیقت کنار سفره رحمت آن ذوات مقدسه نشسته و از وجودشان برخوردار گشته و نان‌خور و پرورش یافته و عائله رحمت و برکت این پنج وجود مقدس بوده‌اند،

و به همین جهت است که وجود مقدس امام سجّاد علیه السلام در یکی از ادعیه شریفه‌اش ائمه معصومین علیهم السلام را اینگونه معرفی می‌فرماید:

تَخُنْ رَحْمَةً مِّنْ اسْتَرْحَمَكَ،
 ما هستیم رحمتی که مردم از تو می طلبند،
 وَ غَوْتُ مِّنْ اسْتِغَاثِ بِكَ، یعنی:
 و ما هستیم غوث و پناه کسی که از تو پناه می جوید، لذا:
 این ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» در پیشامدها
 پناه مردم هستند،
 و در طلب حوائج ملجأ همه انسانها می باشند،
 و به همین جهت انبیاء الهی هنگام مشکلات و طلب حاجت خویش به آن
 بزرگواران متوسّل شده اند،
 و از آبرومندی آنان نزد خداوند متعال حاجت روا گشته اند.
 علامه امینی در پایان سخن خویش می گوید:
 با توجّه به اینکه این پنج وجود مقدّس «یعنی حضرت محمّد و علی و
 فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» در شش منقبتی که ذکر شد هم درجه و
 هم ردیف می باشند، لذا:
 فاطمه زهرا سلام الله علیها در این شش منقبت کوچکترین فرقی با پدر
 بزرگوارش ندارد.^۱

توضیح:

اوائل بحث به عرض رسید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 لِفَاطِمَةَ عَلَیْهَا سَلامٌ تِسْعَةَ اَسْمَاءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ،
 فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الرَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۱، موضوع اوّل، ذیل عنوان:
 حضرت زهرا سلام الله علیها یکی از علل آفرینش.

الزَّهْرَاءِ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد خداوند عزّوجلّ نه اسم است،
فاطمه، صدّیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیه، مُحدّثه و زهرا «سلام
الله علیها».

همچنین به عرض رسید که:

اعظم نام‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها نام فاطمه است،
و این نام شریف، نامی است که خداوند متعال قبل از اینکه آن علیا مخدّره
در این عالم قدم بگذارد به او اعطا فرموده است.

همچنین طیّ ده حدیث شریف به عرض رسید که:

خداوند متعال نام فاطمه را از نام خویش مشتق نموده و به حضرت زهرا
سلام الله علیها اعطا فرموده است.

انشاءالله تعالی در ادامه بحث در رابطه با علّت و سبب نامگذاری حضرت
زهرا سلام الله علیها به این نام شریف احادیثی به عرض خواهد رسید «به قرار
ذیل»:

حدیث اول:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد،
زیرا تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت باز گرفته شده‌اند،
یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند،

و قادر به رسیدن به حقیقت و کُنّه مقام آن علیا مخدره نمی باشند.^۱

قابل ذکر است که:

کلمه فاطمه از فَطَم مشتق شده است،

و فَطَم در لغت عرب به معنای جدا کردن و انفصال می باشد «جدایی،

انفصال، بازداشتن»، مثلاً:

فَطِمَ الرَّضِيعُ، یعنی:

طفل از شیر جدا شد،

طفل از شیر بازداشته شد، یا:

فَطَمْتُ الرَّضِيعَ، یعنی:

باز داشتم طفل شیرخوار را از شیر خوردن.^۲

حدیث دوم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُسَمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

۱. فاطمه علیها سلام، حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۶ و ۳۷، مجلس اوّل صفحه ۹۵ و ۹۶، مجلس پنجم.

صفحه ۱۲۲، مجلس ششم.

صفحه ۱۴۲، مجلس هشتم.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۷۹، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها،

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۲.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴، حدیث هشتم.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۳، ذیل عنوان: خداوند فاطم و قاطع است

صفحه ۸۱۰، ذیل عنوان: سخنان افتخار آمیز حضرت امیر علیه السلام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش سوّم، صفحه

۴۱۳، حدیث ۱۸/۲۶۹.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۳.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۱۵.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۹.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی فصل ۱۵، صفحه ۱۹۷.

لَا تَهَا وَ مَنْ أَحَبَّهَا بَعْدَتْ وَ قَطِعَتْ مِنَ النَّارِ، یعنی:
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 خداوند متعال دخترم را فاطمه نامید «فاطمه نامگذاری فرمود»،
 زیرا:
 دخترم فاطمه و مُحَبِّين او از آتش جهنم بازداشته شده،
 و از آتش جهنم دور هستند.^۱

حدیث سوّم:

وجود مقدس ابوالحسن علیه السّلام «امام سجاد یا امام رضا سلام الله علیهما»
 فرمودند:

خداوند متعال می دانست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با زنانی
 از قبائل و طوائف مختلف ازدواج خواهد کرد،
 و زنان پیامبر اکرم طمع خواهند نمود که امر ولایت به وراثت آنها برسد «در
 امر ولایت طمع خواهند کرد که وارث پیامبر اکرم بشوند و بر مسلمین ولایت
 پیدا کنند»، لذا:

وقتی که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به دنیا آمد خداوند متعال
 آن علیا مخدّره را فاطمه نامید،
 تا محافظت کند ارث پیامبر ختمی مرتبت را از طمع همسران آن حضرت،
 پس:

خداوند متعال حضرت زهرا سلام الله علیها را به این دلیل فاطمه نامگذاری
 فرمود،

زیرا که طمع همسران پیامبر اکرم را قطع نمود «لَا تَهَا فَطَمْتُ طَمَعَهُمْ».

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۱۵ و ۱۶، ذیل عنوان: نامهای حضرت زهرا سلام الله علیها.

و فَطَمَتْ بِه معنای قَطَعَتْ می باشد، یعنی برید و قطع کرد.^۱

حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت درباره علّت نامگذاری حضرت زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه «یکی از دلایل نامگذاری حضرت زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه» فرمودند:

سُمِّيتْ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره علّت نامگذاری حضرت زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه زهرا فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به این دلیل در زمین فاطمه نامیده شد، زیرا: آن حضرت شیعیان خویش را از جهنم باز می دارد «شیعیان خود را از آتش جهنم جدا می کند».

این حدیث شریف را سدید صیرفی از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۱. علل الشّرایع صدوق، جلد اوّل، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۳، حدیث ۲. جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی، صفحه ۱۲۳، فصل پنجم، حدیث چهارم، ذیل عنوان: نامها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۳، حدیث ۲، ذیل عنوان: نامهای حضرت فاطمه سلام الله علیها.
۲. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد دوّم، باب ۴۳۰، صفحه ۴۱۸، حدیث ۵۳، ذیل عنوان: اخبار بی مانند و کمیاب. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۲۰ و ۲۱، ذیل عنوان: ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها. جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی، فصل دوّم، صفحه ۵۲ و ۵۳، حدیث اوّل. صفحه ۶۲ و ۶۳، حدیث هفتم.
- جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۶، صفحه ۵۴، حدیث سوم.
- خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۹۱.
- فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل سوّم، استدراک فصل سوّم، صفحه ۸۶، حدیث ۲.

حدیث پنجم:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت درباره علت نامگذاری حضرت زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه فرمودند:

لِأَنَّهَا قُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره علت نامگذاری حضرت زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به این دلیل فاطمه نامیده شد، زیرا:

آن علیا مخدره و شیعیانش از آتش جهنم جدا شده اند.

این حدیث شریف را محمد بن عمر بصری از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

حدیث ششم:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

لِفَاطِمَةَ عَلَيَّهَا سَلَامٌ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

فَاطِمَةُ وَ الصِّدِّيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ

الزَّهْرَاءُ، يَعْنِي:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد خداوند متعال نه اسم است «فاطمه زهرا

۳. علل الشرایع شیخ صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۵، حدیث ۵.

جَنَّةِ الْعَاصِمَةِ، تَأْلِيفِ آيَاتِ اللَّهِ مِيرْجَانِي، فَصْلُ پَنْجَم، صَفْحَةُ ۱۲۵، حَدِيثُ شَشْم.

خَصَائِصِ فَاطِمِيَّةٍ، تَأْلِيفِ آيَاتِ اللَّهِ كَجُورِي مَازَنْدَرَانِي، صَفْحَةُ ۱۶۷، ذِيلُ عُنْوَانٍ: شَفَاعَتِ فَاطِمَةَ زَهْرَا عَلَيَّهَا سَلَام.

قَطْرَهَائِي از دريای فضائل اهل بيت عليهم السلام، تَأْلِيفِ آيَاتِ اللَّهِ سَيِّدِ اَحْمَدِ مُسْتَنْبِطِ، جِلْدِ اَوَّلِ، بَخْشِ سَوِّمِ، صَفْحَةُ

۴۰۹، حَدِيثُ ۹/۲۶۰.

تَحْقِيقِي دَرِبَارَه زَنْدَاگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلَيَّهَا سَلَام، تَأْلِيفِ آيَاتِ اللَّهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ كَازِمِ قَزوينِي، صَفْحَةُ ۳۹، حَدِيثُ ۵.

فَاطِمَةَ عَلَيَّهَا سَلَام سُرُورِ دَلِ پِيَامِبِرِ اَكْرَم، تَأْلِيفِ آيَاتِ اللَّهِ رَحْمَانِي هَمْدَانِي، فَصْلُ ۱۵، صَفْحَةُ ۱۹۶، حَدِيثُ ۹.

سلام الله علیها نزد خداوند متعال نه اسم دارد»، فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، و زهرا.

راوی این حدیث شریف که یونس بن ظبیان می‌باشد می‌گوید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام پس از ذکر نه نام شریف فاطمه زهرا

سلام الله علیها به من فرمود:

أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ، یعنی:

آیا تفسیر کلمه فاطمه را می‌دانی؟

یونس بن ظبیان می‌گوید که:

خدمت امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

ای مولای من و ای سرور من:

مرا به تفسیر کلمه فاطمه آگاه فرماید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

فاطمه یعنی بریده شده و جدا شده از هر شرّ و بدی.^۱

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال نام فاطمه زهرا سلام الله علیها را از نام مبارک خویش مشتق

نموده و آن علیا مخدّره را فاطمه نامگذاری فرمود.

علّت و دلیل نامگذاری آن علیا مخدّره به نام فاطمه این است که «برخی از

علل و دلایل این نامگذاری»:

۱. علل الشرایع شیخ صدوق، جلد اول، باب ۱۴۲، صفحه ۵۸۵، حدیث ۳. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۲، حدیث اول.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۹۳، حدیث ۱ تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۳۹.

حدیث ۴.

الف: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

لَا نَهَا فَطَمْتُ طَمَعَهُمْ، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله عليها طمع همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از اینکه امر و ولایت به وراثت آنها برسد قطع فرمود، و فَطَمْتُ به معنای قَطَعْتُ می باشد، یعنی برید و قطع کرد.

ب: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها از هرگونه شرّ و پلیدی جدا شده و بریده شده است.

ج: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

لَا نَهَا وَمَنْ أَحَبَّهَا بَعُدْتُ وَقَطِعْتُ مِنَ النَّارِ، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها و مُحَبِّينِ آن حضرت «دوستداران آن حضرت» از آتش جهنم دور هستند، و از آتش جهنم جدا شده اند.

د: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

لَا نَهَا فَطِمْتُ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها و شیعیان آن علیا منقدره از آتش جهنم جدا شده اند.

هـ: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

لَا نَهَا فَطِمْتُ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها شیعیان خویش را از جهنم باز می دارد «شیعیان خویش را از آتش جهنم جدا می کند».

و: خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله عليها را فاطمه نامید، زیرا:

لَاِنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، يعنى:

تمام مخلوقات از شناختن فاطمه زهرا سلام الله عليها بازگرفته شده‌اند،

يعنى:

مخلوقات الهی به حقیقت و به كُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند،
و قادر به رسیدن به حقیقت و كُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند.

آیت الله سید محمدحسن میرجهانی در کتاب ارزشمند *جُنَّة العاصمه*، ذیل بعضی از این احادیث شریف «احادیثی که در رابطه با نام مبارک فاطمه سلام الله عليها می‌باشد» توضیحاتی ارائه نموده که به چند مورد از آنها به اختصار اشاره می‌شود.

۱- فطم در این حدیث شریف «حدیث ششم - فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ» از افعال لازم است به معنی فَصَلَ، و «الف» و «لام» در کلمه الشَّرِّ برای استغراق و یا جنس می‌باشد، و این حدیث شریف علاوه بر ده‌ها حدیث دیگر دالّ بر عصمت کلیّه فاطمه زهرا سلام الله عليها است.

همچنین:

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که:

عَلَّتْ نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله عليها به نام فاطمه این است که:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها از هرگونه شرّ و پلیدی جدا شده است «خداوند متعال آن حضرت را از هرگونه شرّ و پلیدی جدا نموده است».
در این حدیث شریف «حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد، و آن حضرت در تفسیر کلمه فاطمه فرمودند: فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ»، فاصل خداوند متعال است «فَصَلَ یعنی جدا کردن و فاصل یعنی جدا کننده»، مفصول وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها می‌باشد «جدا شده»، و مفصول عَنْهُ هرگونه شرّ و بدی و پلیدی است،

و از نصّ آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» نیز این معنی ظاهر است «موضوع عصمت فاطمه زهرا سلام الله علیها»^۱.

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره توضیحات کاملی ارائه شده است.

۲- از حدیث دوّم و پنجم که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید استفاده می شود که:

علّت نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه این است که: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و شیعیان آن حضرت و محبّین آن علیا مخدّره روز قیامت از آتش جهنّم جدا می شوند «خداوند متعال آنها را از جهنّم دور می نماید»^۲.

۳- از حدیث سوّم که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید استفاده می شود که: علّت نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه این است که: خداوند متعال می دانست که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از طوایفی از عرب زن خواهد گرفت،

و آنها نیز به طمع وراثت و خلافت به آن حضرت دختر خواهند داد، لذا: وقتی که خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عنایت فرمود،

و خلافت و وراثت را در اولاد فاطمه زهرا علیها سلام قرار داد، طمع آنها بریده شد «طمع طوایفی که به پیامبر اکرم دختر داده بودند»،

۱. جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۷ و ۱۲۸، ذیل عنوان: نامها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۲. جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۹، ذیل عنوان: نامها و القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

همچنین:

از این حدیث شریف استفاده می شود که:

امر خلافت و نصب آن از ناحیه خداوند متعال است نه با مردم.^۱

۴- از حدیث اوّل که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید استفاده می شود که:

علّت نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله علیها به نام فاطمه این است که:

تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده اند،

یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته اند،

و قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی باشند.

از جمله دلایلی که دالّ بر ولایت کلّیه داشتن فاطمه زهرا سلام الله علیها

می باشد این است که:

تمام خلائق عالم امکان «تمام مخلوقات الهی» از شناختن حقیقت و نورانیت

و پایه درجات و مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها عاجز و ناتوان می باشند،

زیرا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام از حیث وجود و از حیث علم، به همه

ممکنات و به همه مخلوقات الهی احاطه دارند و بر آنها محیط می باشند، لذا:

همه مخلوقات الهی از کُنه معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها عاجز شده و

جدا گشته اند «لِإِنَّ الْخُلُقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا».

همچنان که از کُنه معرفت سیزده معصوم دیگر عاجز مانده و جدا گشته اند.^۲

در حدیث شریفی که در رابطه با تسمیه و نامگذاری وجود مقدّس فاطمه

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۹.

۲. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۱ و ۳۱۲، ذیل عنوان: ولایت کلّیه داشتن فاطمه زهرا سلام الله علیها.

زهرا سلام الله عليها می باشد آمده که:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها فاطمه نامیده شد، زیرا:

تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده‌اند، یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند،

و قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند.

کلمه خَلَقَ اوسع از کلمه ناس می باشد،

و دامنه این کلمه «کلمه خَلَقَ» جنّ و انس و ملائکه را در بر می‌گیرد، یعنی:

همه جنّ و انس و ملائکه از معرفت به کُنه مقامات فاطمه زهرا سلام الله

عليها بازداشته شده‌اند.^۱

۵- از حدیث چهارم که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید استفاده می‌شود

که:

عَلَّتْ نَامِغَذَارِي فَاطِمَةَ زَهْرًا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا بِه فَاطِمَةَ ااین است که:

آن علیا مخدّره روز قیامت شیعیان خویش را از جهنّم باز می‌دارد «شیعیان

خویش را از جهنّم جدا می‌کند».^۲

فطم = قطع، جدایی، انفصال، بازداشتن.

فاطمه = قطع کننده، جدا کننده، منع کننده، بازدارنده.^۳

ملاحظه فرمودید که:

۱. فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۹۶، مجلس پنجم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله عليها گوهر ناشناخته.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۵ و ۲۰ و ۲۱، ذیل عنوان: نام‌های حضرت زهرا سلام الله عليها.

۳. فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۶ و ۱۹۷، ذیل عنوان: نام‌های فاطمه زهرا سلام الله عليها.

نام فاطمه زهرا سلام الله علیها را خداوند متعال از نام خویش مشتق نموده و آن علیا مخدّره را فاطمه نامیده است، و در صفحات قبل به بعضی از دلایل نامگذاری آن حضرت به نام فاطمه اشاره شد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها یگانه بانویی است که خداوند متعال نام او را نامگذاری فرموده و او را فاطمه نامیده، ضمن اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها یگانه بانویی است که خداوند متعال نام او را از نام خویش مشتق نموده و به او نهاده است، و در جهان خلقت تنها یک بانو به این افتخار عظیم نائل شده است و آن هم فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که سیده و سرور بانوان عالم می باشد *مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ*،

و سوّمین شخصیت عالم خلقت می باشد، یعنی:

بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام همه انبیاء الهی و به طریق اولی از مقام همه ملائکه الهی برتر و بالاتر می باشد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

برای فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد خداوند تبارک و تعالی نُه اسم است، و خداوند متعال این نُه اسم را برای آن علیا مخدّره انتخاب فرموده و به او نهاده است.

راجع به نام شریف فاطمه توضیحات مختصری ارائه شد و در رابطه با علّت نامگذاری آن حضرت به نام فاطمه مطالبی به عرض رسید.

یکی از نه اسم شریفی که خداوند متعال برای فاطمه زهرا سلام الله علیها انتخاب فرموده نام مبارکه است که ذیلاً راجع به آن توضیحاتی ارائه می شود. در کتاب ارزشمند فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی آمده که:

مبارکه اسمی است که خداوند متعال برای فاطمه زهرا سلام الله علیها معین فرموده است.

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را با اسم شریف مبارکه برای عیسی بن مریم علیه السلام معرفی فرموده است.

در حدیث شریف نبوی آمده که:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ:

أَوْحَى اللَّهُ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ إِلَى عِيسَى،

جِدَّ فِي أَمْرِي وَ لَا تَتْرُكْ،

إِنِّي خَلَقْتُكَ مِنْ غَيْرِ فَحَلِ آيَةً لِلْعَالَمِينَ،

أَخْبِرْهُمْ،

آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ نَسَلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خداوند متعال به عیسی بن مریم وحی نمود که:

ای عیسی:

در امر من کوشا باش و آن را رها مکن «موضوع رسالت و هدایت مردم به

صراط مستقیم و پرستش خدای یگانه»،

من تو را از غیر مرد آفریدم تا نشانه‌ای باشد برای جهانیان «من تو را خلق

کردم بدون اینکه حضرت مریم با مردی ازدواج کرده باشد».

ای عیسی:

به مردم بگو:

به من و به پیامبر اُمّی که نسل او از مبارکه است ایمان بیاورید «به من و به پیامبر اُمّی یعنی حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم که نسل او از مبارکه یعنی از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد ایمان بیاورید» «اُمّی = درس نخوانده، استاد ندیده»^۱.

قابل ذکر است که:

ذیل هشتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کوثر است،

و شأن نزول سوره مبارکه کوثر درباره آن علیا مخدّره می باشد،

و آیات شریفه این سوره مبارکه «سوره مبارکه کوثر» مژده و بشارتی است از ناحیه خداوند متعال به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که خیر کثیر و کثرت نسل را از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن حضرت «یعنی پیامبر اکرم» اعطا خواهد فرمود.

پس از توضیحاتی در رابطه با بیست و سومین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم به بیست و چهارمین فضیلت آن علیا مخدّره.

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲، مجلس ششم، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها.

فضیلت بیست و چهارم

در علوِّ مقامِ سوّمین شخصیتِ عالمِ خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
خداوند متعال آن علیا مخدّره را در آسمان به عقد دوّمین شخصیتِ عالمِ خلقت یعنی به عقد وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام درآورده است.

حدیث اوّل:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از پدران بزرگوار خویش و آن ذوات مقدّسه نیز از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

یا عَلِيُّ:

لَقَدْ عَاتَبَنِي رِجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ،

وَ قَالُوا:

خَطَبْنَاهَا إِلَيْكَ فَمَنْعْتَنَا وَ تَزَوَّجْتَ عَلِيًّا.

فَقُلْتُ لَهُمْ:

وَ اللَّهُ مَا أَنَا مَنْعُكُمْ وَ زَوْجَتُهُ،

بَلِ اللَّهِ تَعَالَى مَنَّعَكُمْ وَ زَوَّجَهُ،
فَهَبَطَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:

يَا مُحَمَّدُ:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ:

لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا «عَلَيْهِ السَّلَامُ»،

لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ،

آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن

ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

در مورد ازدواج دخترم فاطمه با تو بزرگانی از قریش مرا سرزنش کرده و

به من گفتند:

ما فاطمه را از تو خواستگاری نمودیم، ولی او را به ما ندادی، بلکه به عقد

علی بن ابیطالب درآوردی.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش

خویش فرمودند:

من به آنان «بزرگان قریش» گفتم:

به خدا قسم:

من این کار را نکردم، بلکه:

خداوند متعال فاطمه را به شما نداد، و خداوند متعال او را به عقد علی بن

ابطالب درآورد.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه بیانات نورانی

خویش فرمودند:

جبرئیل از جانب خداوند متعال به من نازل شد و گفت:

خداوند متعال می فرماید:

ای محمّد:

اگر علیّ بن ابیطالب را خلق نکرده بودم، برای دخترت فاطمه در روی زمین از حضرت آدم تا روز قیامت کُفُو و همتایی نبود «هیچکس هم‌شان و هم‌تراز و هم‌رتبه فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود تا با او ازدواج کند».

این حدیث شریف را حسین بن خالد از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف: در کتاب شریف فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت ذیل این حدیث شریف و در توضیح این حدیث شریف آمده که:

این حدیث شریف در کتب آمده است،

لیکن درایت و فهم این حدیث شریف در کتاب‌ها نیست.

مهم این است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به بزرگان قریش فرمود:

وَ اللهُ مَا أَنَا مَنَعْتُكُمْ، یعنی:

به خدا قسم:

من شما را منع نکردم،

۱. عیون اخبار الرّضا علیه السّلام، جلد اوّل، باب ۲۱، صفحه ۴۶۳، حدیث ۲.

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنّیه شیخ حرّعاملی»، صفحه ۴۳۸، حدیث ۴۰۸، ۷۹.

فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴، مجلس نوزدهم، ذیل عنوان: حضرت امیر علیه السّلام کفو فاطمه زهرا سلام الله علیها.

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۶۹.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۳، صفحه ۱۰۹، حدیث اوّل.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۶، صفحه ۱۱۲، حدیث ۵.

و من در امر ازدواج دخترم فاطمه سلام الله علیها با علی بن ابیطالب علیه السلام دخالتی ندارم.

اینجا عقل هر حکیمی در مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها مبهوت می شود، چرا که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان خاتم انبیاء و سید المرسلین که طبق نص قرآن کریم هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ - آیه سوّم و چهارم سوره مبارکه نجم» در فرمایش خویش به بزرگان قریش قسم می خورد و سوگند یاد می کند، که:

وَ اللَّهِ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ،

آن هم قسم به این اسم شریف «یعنی الله»، که:

۱- من شما را از ازدواج با دخترم فاطمه سلام الله علیها منع نکردم.
 ۲- من دخترم فاطمه را به علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج ننمودم، بلکه: خداوند متعال دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد علی بن ابیطالب علیه السلام درآورد و به او تزویج نمود.

این قضیه عقل را مبهوت می کند که پیامبر اکرم می فرماید:
 عقد علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها را خداوند متعال بسته است،

و من که پدر فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشم در این قضیه دخالتی ندارم. عقل کل یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم که اختیار تمام عالم امکان به دست مبارک او است می فرماید:

من در ازدواج علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها از خودم اختیاری ندارم،

فقط انتخاب خداوند متعال است،

و کار هم کار خداوند متعال می باشد.

این تعبیر محیر العقول است که پیامبر اکرم فرمودند:

فَهَبَطَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ، یعنی:

جبرئیل بر من نازل شد و گفت:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ:

لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا «عَلَيْهِ السَّلَامُ»،

لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

اگر علی بن ابیطالب «علیه السلام» را خلق نمی کردم،

برای دخترت فاطمه کفوی نبود از آدم علیه السلام تا بعد از حضرت آدم

«برای فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی شبیه و نظیر و همتا و همانند و

همطرازی نبود، از ابتدای خلقت تا روز قیامت».

نکته ای که از این حدیث شریف برای اهلش استفاده می شود این است که:

خداوند متعال می فرماید:

علی بن ابیطالب علیه السلام را خلق کردم که کفو فاطمه زهرا علیها سلام

باشد،

این مقام حضرت زهرا سلام الله علیها است.^۱

کُفُوٌ «کُفُوَةٌ» = مثل، مانند، شبیه، نظیر، همتا «مفردات راغب».

کُفُوٌ در اصل به معنی همطراز در مقام و منزلت و قدر است،

و سپس به هر گونه شبیه و مانند اطلاق شده است.^۲

در کتاب شریف جُنَّة العاصمه در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۷۳ تا ۲۷۵، مجلس نوزدهم، ذیل عنوان: حضرت امیر علیه السلام کُفُو فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۴۷۷، ذیل آیه ۴ سوره اخلاص.

این حدیث شریف که به طرق مختلف از وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده دلالت بر این دارد که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بر تمام انبیاء الهی برتری دارند،

و مقام این دو بزرگوار غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از مقام همه انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد.

همچنین این حدیث شریف نشان می دهد که:

آحَدی از انبیاء و مُرسَلین از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلّم غیر از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام لیاقت کفویّت و همسری با ولیّة الله العظمی فاطمه زهرا سلام الله علیها را نداشته اند.^۱

ب: در کتاب شریف جلوه نور در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

گرچه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نبوّت ندارد و نبی نیست، لیکن مقام ولایت و تمام جهات معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را دارا می باشد،

و مقام آن حضرت غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از مقام تمام انبیاء الهی برتر و بالاتر است.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز غیر از جهات انتصابی «یعنی نبوّت و امامت» تمام کمالات معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را دارا می باشد،

و طبق این حدیث شریف و دهها حدیث دیگر فاطمه زهرا سلام الله علیها کُفُو یعنی همتا و همطر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام است و در

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل نهم، صفحه ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۸۵.

ردیف آن حضرت می باشد،

و مقام آن علیا مخدّره سلام الله علیها غیر از پدر بزرگوارش و شوهر
گرانقدرش از مقام تمام انبیاء الهی برتر و بالاتر است.^۱

ج: در کتاب شریف فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها تألیف علامه امینی
اعلی الله مقامه الشریف در رابطه با ازدواج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السّلام با فاطمه زهرا سلام الله علیها و اینکه خداوند متعال فاطمه زهرا سلام
الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تزویج فرموده آمده
که:

تشخیص کُفو و همتا بودن بشری با بشر دیگر مطلبی است که فهم انسان از
درک آن عاجز و ناتوان است،

و تنها خداوند متعال «وَاللّٰهُ یَعْلَمُ مَا خَلَقَ» که از ضمائر مخلوقات خویش
آگاه می باشد می داند و می تواند معین کند که چه کسی کُفو و نظیر و همانند
چه کسی است،

و همتای هر موجودی در عالم کدام است، لذا:

انتخاب فاطمه زهرا سلام الله علیها برای همسری امیرالمؤمنین علی بن
ابطالب علیه السّلام انتخاب الهی است،

و خداوند متعال شخصاً برای فاطمه زهرا سلام الله علیها همسری را
برمیگزیند که کُفو و همانند آن علیا مخدّره سلام الله علیها می باشد،

و در این عقد آسمانی خداوند متعال خود خطبه می خواند و فاطمه زهرا
سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تزویج می نماید،
و باید اینچنین باشد، زیرا:

جز خداوند متعال چه کسی می داند که کُفو و همانند فاطمه زهرا سلام الله

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۳، صفحه ۱۰۹، حدیث اول.
فصل ۱۴، صفحه ۱۱۸، توضیحات ذیل حدیث پنجم.

علیها کیست،

فاطمه زهرایی که در عالم همتا و همانندی ندارد.

و غیر از امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام هیچ بشری شبیه و نظیر او نیست،

و در نتیجه همین جهل و نادانی و ناتوانی بشر در شناخت مقام شامخ فاطمه زهرا سلام الله علیها است که می بینیم بعضی از بزرگان قریش نیز خواستار ازدواج با فاطمه زهرا سلام الله علیها می شوند، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نیز در جواب آنان می فرماید:

دخترم فاطمه از آن خداوند متعال است،

و من در مورد ازدواج دخترم هیچگونه اختیاری ندارم،

و فقط خداوند متعال که خالق فاطمه زهرا است می داند که کُفو و همسر و زوج شایسته او چه کسی است،

و من و دخترم فاطمه زهرا گرچه صاحب ولایت هستیم،

لیکن:

خداوند متعال بر من و بر دخترم ولایت دارد،

و انتخاب و تعیین همسر برای دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها امری است

خدایی.^۱

حدیث دوم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در حالی که امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در محضر آن حضرت بود مردم را مورد خطاب قرار داد و ضمن اشاره به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۰۴ تا ۲۰۶، موضوع هفتم، ذیل عنوان: مقام رکنیت فاطمه علیها سلام نسبت به حضرت امیر علیه السّلام.

ای مردم:

این علی بن ابیطالب علیه السلام است،
آیا شما می‌پندارید که من بودم که دخترم فاطمه را به عقد علی بن ابیطالب
در آوردم؟

شما می‌دانید که بزرگان قریش خواستگار دخترم فاطمه بودند،
لیکن من دخترم را به آنها ندادم، زیرا منتظر خبری از آسمان بودم «منتظر
دستور خداوند متعال بودم»،

تا اینکه جبرئیل بر من نازل شد و گفت:

ای محمد:

خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید که:

من «خداوند متعال» دخترت فاطمه را به عقد علی بن ابیطالب در آوردم.
این حدیث را جابر بن سمره از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلم نقل نموده است.^۱

حدیث سوّم:

بلال بن حمّامه «مودّن خاص پیامبر اکرم» نقل می‌کند که:
روزی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میان ما «در
میان اصحاب خویش» حاضر شد در حالی که چهره مبارک آن حضرت مانند
ماه شب چهارده می‌درخشید.

عبدالرحمن بن عوف به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

این نور چیست؟

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۸، حدیث ۲۳ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».
جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۵، صفحه ۱۱۹، حدیث اوّل.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
این نور، تأثیر مژده و بشارتی است که خداوند متعال درباره برادرم و
پسرعمویم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه به من داده است،
و این مژده و بشارت این است که:

خداوند متعال دخترم فاطمه را به عقد علی بن ابیطالب درآورده، و به
خزانه دار بهشت دستور فرموده تا درخت طوبی را تکان دهد، و آنگاه درخت
طوبی امان‌نامه‌هایی را «سند و برات برائت از آتش جهنم» بار گرفت «یعنی
درخت طوبی ثمر و میوه‌ای داد که آن میوه‌ها امان‌نامه‌هایی بود که موجب
برائت از آتش جهنم می‌شود».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش
خویش فرمودند:

خداوند متعال در زیر درخت طوبی ملائکه‌ای را خلق فرمود و به دست هر
یک از آن ملائکه امان‌نامه‌هایی داد «سند برائت از آتش جهنم» که وقتی روز
قیامت می‌رسد آن ملائکه در میان خلق ندا در داده و به مُحَبِّین اهل بیت من
امان‌نامه و سند برائت از آتش جهنم می‌دهند،

و آن روز «روز قیامت» هیچ یک از مُحَبِّین اهل بیت مرا نخواهید یافت مگر
اینکه به او امان‌نامه‌ای داده شده که باعث رهایی وی از اسارت آتش جهنم
می‌باشد، و مانع می‌شود تا او به جهنم برود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایش
خویش فرمودند:

روز قیامت برادرم و پسرعمویم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه زهرا (سلام
الله علیهما) مردان و زنان بسیاری از اُمَّت مرا «مُحَبِّین اهل بیت پیامبر اکرم و
شیعیان آن ذوات مقدسه» از آتش جهنم خواهند رهاوند.

این حدیث شریف در مناقب خطیب خوارزمی «از کتب معروف اهل سنت» نیز آمده است.^۱

حدیث چهارم:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر گرانقدر خویش صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:
ای فاطمه:

از ناحیه خداوند متعال راجع به برادرم و پسرعمویم علی بن ابیطالب و راجع به تو بشارتی به من آمده و آن بشارت این است که:
خداوند متعال تو را به علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج فرموده و به همسری او درآورده است،

و به نگهبانان بهشت دستور فرموده تا درخت طوبی را تکان بدهند، و درخت طوبی نیز به تعداد همه محبین و دوستان اهل بیت من اماننامه‌هایی بارگرفت «درخت طوبی ثمر و میوه‌ای داد که آنها اماننامه‌هایی هستند که موجب برائت و جدایی از آتش جهنم می‌شوند».
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

خداوند متعال ملائکه‌ای را در زیر درخت طوبی خلق فرمود و به هر کدام از آنها اماننامه‌هایی داد «سند رهایی از جهنم» تا روز قیامت آن ملائکه وقتی با محبین و دوستان اهل بیت من مواجه شدند یکی از آن امان نامه‌ها را که به او بدهند،

و این امان نامه‌ها سند برائت از آتش جهنم می‌باشند «تضمینی هستند برای

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۴ «بحث روایتی ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».
تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۴۰، حدیث ۲۸ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

جلوگیری از ورود به جهنم»^۱.

حدیث پنجم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
قسم به خداوندی که مرا به رسالت مبعوث فرمود،
و مقام رسالت را به من اختصاص داد،
کسی که فاطمه را تزویج نمود من نبودم، بلکه:
خداوند متعال بود که او را در عرش به تزویج علی بن ابیطالب علیه السلام
درآورد.^۲

حدیث ششم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن
ایطالب علیه السلام فرمود:
ای علی:
جبرئیل از جانب خداوند متعال بر من نازل شد و گفت:
خداوند متعال فاطمه را به عقد تو درآورده است.
این حدیث را انس بن مالک از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلم نقل نموده است.^۳

حدیث هفتم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن

۱. المیزان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۴ «بحث روایتی ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۵، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

۲. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۴، صفحه ۹۴، حدیث ۶ «به نقل از ملحقات احقاق الحق».

۳. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۱ «ذیل آیه ۲۹ سوره رعد».

ايبطال عليه السلام فرمود:

يا عَلِيُّ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ،

وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ،

فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَهَا مَشَى حَرَامًا، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن

ايبطال عليه السلام فرمود:

ای علی:

خداوند متعال فاطمه را به تو تزویج فرمود،

و زمین را صداق او «مهریه او» قرار داد، پس:

هرکس که بر روی زمین راه برود و بَغض فاطمه عليها سلام را در دل داشته

باشد «هرکس که دشمن فاطمه عليها سلام باشد» راه رفتنش حرام است «یعنی

پیوسته مرتکب گناه می شود».

این حدیث را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

سلم نقل نموده است.^۱

این حدیث شریف را علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند

که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

خوارزمی در مقتل الحسين

خوارزمی در مناقب

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۶۸، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها.

فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی‌همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۶۱، حدیث ۱۴.

جلوه نور، تألیف آیت‌الله سعادت‌پرور:

فصل ۱۰، صفحه ۹۳، حدیث دوازدهم.

فصل ۱۶، صفحه ۱۲۷، حدیث دوم.

قندوزی در ینابیع المودّه و...^۱

حدیث هشتم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى آخَى بَيْنِي وَ بَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

وَ زَوْجُهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ،

وَ أَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ مُقَرَّبِي مَلَائِكَتِهِ،

وَ جَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَ خَلِيفَةً، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

به درستی که «تحقیقاً» خداوند تبارک و تعالی میان من و علی بن ابیطالب

عقد اخوت بست «مرا با علی بن ابیطالب علیه السلام برادر کرد»،

و دخترم فاطمه را از بلندای آسمان «از بالای آسمانهای هفتگانه اش» به

تزوید علی بن ابیطالب درآورد،

و ملائکه مقرب خویش را بر این ازدواج شاهد گرفت،

و علی بن ابیطالب را وصی و جانشین من قرار داد.

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم نقل نموده است.^۲

حدیث نهم:

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خویش و آن ذوات

مقدّسه نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۶۸ «پاورقی»، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها.

۲. امالی شیخ صدوق، صفحه ۴۲۹، حدیث ۲، مجلس چهل و ششم.
جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۳، صفحه ۱۱۰، حدیث سوم.

که آن حضرت فرمودند:

آتانی مَلَكٌ فَقَالَ:

يا مُحَمَّدُ:

إِنَّ اللَّهَ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ:

قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ،

فَزَوِّجِيهَا مِنْهُ،

وَ سَيُولَدُ مِنْهُمَا وَلَدَانُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

فَابْشِرِي يَا مُحَمَّدُ،

فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوْلِيَيْنِ وَ الْآخِرِينَ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَلَكِي «فرشته ای» از جانب خداوند متعال بر من نازل شد و گفت:

ای محمد:

خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

من فاطمه را به علی تزویج نمودم،

پس:

تو نیز فاطمه را به علی تزویج نما.

ای محمد:

به زودی از این دو نفر «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه

زهرا سلام الله علیها» دو پسر متولد می‌شوند که سید و سرور جوانان بهشت

می‌باشند،

پس:

ای محمد:

این بشارت و مژده را به علی و فاطمه بده،

به درستی که «تحقیقاً» تو بهترین اولین و آخرین می باشی «تو افضل و اشرف مخلوقات الهی هستی».

این حدیث شریف را احمد بن عابر بن سلیمان از وجود مقدس امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

ابن ابی الحدید «از علماء اهل سنت» در شرح نهج البلاغه می گوید: ازدواج حضرت علی و حضرت فاطمه «سلام الله علیهما» صورت نگرفت، مگر بعد از آنکه خداوند متعال آن دو را در آسمان به عقد یکدیگر درآورد.^۲

حدیث دهم:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت درباره ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج نموده و ملائکه را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَلَا إِنِّي أَشْهَدُكُمْ إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، يَعْنِي:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درآورد و به ملائکه فرمود:

ای ملائکه:

ای ملائکه:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۱۰، حدیث ۱۲، ذیل عنوان: اخبار مجموعه.
 کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه شیخ حرّ عاملی»، باب سیزدهم، صفحه ۵۰۹ و ۵۱۰، حدیث ۴۷۲، ۴.
 فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۶۷ و ۵۶۸ «به نقل از یکی از کتب اهل سنت به نام ذخائر العقبی».
 ۲. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۶۷، ذیل عنوان: ازدواج فاطمه علیها سلام در زمین.

آگاه باشید و شاهد باشید که:

من «خداوند متعال» فاطمه دختر محمد را به علی بن ابیطالب تزویج نمودم. سپس خداوند متعال مجدداً ملائکه را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

یا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ جَنَّتِي:

بَارِكُوا عَلَيَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ بَارَكْتُ عَلَيْهِمَا،
أَلَا وَ إِنِّي زَوَّجْتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَيَّ مَنْ أَحَبُّ الرِّجَالِ، یعنی:

خداوند متعال پس از تزویج فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ملائکه را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

ای ملائکه من،

و ای ساکنان بهشت من:

به علی بن ابیطالب که حبیب «دوست» محمد است،
و به فاطمه که دختر محمد است تبریک بگوئید،
که من نیز به آنها تبریک گفتم «همانا من آنها را مبارک نمودم».

ای ملائکه من:

آگاه باشید که:

من «خداوند متعال» محبوبترین زنان نزد خودم را به محبوبترین مردان نزد خودم تزویج نمودم «بهترین و برترین زنان را به بهترین مردی که دوستش دارم تزویج نمودم».

یکی از ملائکه مقرب الهی به نام راحیل از خداوند متعال پرسید:

خداوندا:

بیش از آنچه که ما می بینیم «وارد کردن فاطمه زهرا سلام الله علیها و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به بهشت و تکریم آن دو بزرگوار» چه برکتی به آن دو بزرگوار اعطا فرموده‌ای؟

خداوند متعال در پاسخ به سؤال راحیل فرمود:

یا راحیلُ:

إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنْتَى أَجْمَعُهُمَا عَلَى مُحَبَّتِي،

وَاجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَى خَلْقِي، یعنی:

خداوند متعال به راحیل فرمود:

ای راحیل:

یکی از برکت‌های من به آن دو نفر «حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله

علیهما» این است که:

محبت آن دو نفر را با محبت خودم توأم نموده‌ام «یعنی هرکس آن دو نفر

را دوست بدارد مرا دوست داشته است»،

و آن دو نفر را «حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» حجت خودم

بر مخلوقاتم قرار داده‌ام.

خداوند متعال مجدداً ملائکه را مورد خطاب قرار داده و فرمود:

وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي:

لَا خَلْقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَ لَا نَشَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةً،

أَجْعَلُهُمْ حُرَّانِي فِي أَرْضِي،

وَ مَعَادِنَ لِعِلْمِي،

وَ دُعَاةَ إِلَى دِينِي،

بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي، یعنی:

خداوند متعال به ملائکه فرمود:

به عزت و جلالم سوگند:

من از این دو نفر «یعنی از حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما»

نسل و فرزندانمی بوجود خواهم آورد «یازده امام معصوم از نسل و ذریه آن دو

بزرگوار»،

و آنها را «یازده امام معصوم علیهم السّلام از نسل و ذریّه حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» خزانه داران و معادن علم و حکمت خویش در زمین قرار خواهم داد،

همچنین:

آنها را دعوت کنندگان بر دینم معرفی خواهم نمود،
و آنها را حجّت بر مردم قرار خواهم داد «آنها را حجّت خودم بر مخلوقات قرار دادم و با آنها بر مردم حجّت خواهم آورد که آنها را برای هدایت مردم فرستاده‌ام».

این حدیث را عمر بن هارون از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف: نظیر این حدیث شریف را محمّد بن سابق نیز از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۲

ب: ملاحظه فرمودید که در این حدیث شریف خداوند متعال پس از تزویج فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام ملائکه را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَلَا وَ إِنِّي زَوَّجْتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَيَّ مَنْ أَحَبَّ الرِّجَالَ،

وَ اجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِي، یعنی:

خداوند متعال به ملائکه فرمود:

۱. کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه شیخ حرّعاملی، باب دوازدهم، صفحه ۴۰۷ و ۴۰۸، حدیث ۳۷۹ - ۵۰.

امالی شیخ صدوق، صفحه ۸۷۹ تا ۸۸۳، حدیث ۱، مجلس هشتم و سّوم.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل چهاردهم، صفحه ۳۶۱، منقبت ششم.

۲. عیون اخبار الرّضا علیه السّلام، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۴۵۸، حدیث ۱، ذیل عنوان: فرمایش امام رضا علیه السّلام درباره ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها.

ای ملائکه من:

بدانید و آگاه باشید که:

من «خداوند متعال» بهترین زنان و محبوب ترین زنان نزد خودم را به بهترین مردان و محبوب ترین مردان نزد خودم تزویج نمودم، و آن دو نفر را «حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما» را حجت خودم بر مخلوقاتم قرار دادم.

ذیل یازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها عیناً مانند ائمه معصومین علیهم السّلام حُجّة الله است، و بلکه بالاتر اینکه:

فاطمه زهرا سلام الله علیها طبق فرمایش نورانی امام عسکری علیه السّلام حُجّة الله عَلَى الْحُجَج می باشد، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السّلام حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند، و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حجت خداوند متعال بر آن ذوات مقدّسه است «غیر از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام».

حدیث شریف این است که:

وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:

نَحْنُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

وَجَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا، یعنی:

وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» حجت خداوند متعال بر مخلوقات الهی هستیم، و جدّه ما فاطمه زهرا سلام الله علیها حجت خداوند متعال است بر ما

«حجّت خداوند متعال بر یازده امام معصوم علیهم السّلام از نسل حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما»^۱.

حدیث یازدهم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عده‌ای از مسلمانان با ابوبکر بیعت کرده و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را کنار گذاشتند. پس از این ماجرا، ابوبکر همواره نسبت به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام خوشرویی می‌کرد،

و از دل‌تنگی و ناراحتی آن حضرت دل‌نگران و ناراحت بود، و به همین خاطر تمایل داشت که با آن حضرت خلوتی داشته باشد تا رضایت خاطر ایشان را فراهم نماید،

لذا از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام تقاضا نمود تا ساعاتی با یکدیگر خلوتی نموده و مذاکراتی داشته باشند.

جلسه تشکیل شد و بین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و ابوبکر سخنانی ردّ و بدل شد که به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌شود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

۱. تفسیر اطیب البیان، تألیف آیت الله عبدالحسین طیب، جلد سیزدهم، صفحه ۱۶۵ «ذیل آیه سوّم سوره جن». عوالم العلوم، تألیف محدّث بزرگوار عبدالله بحرانی، تحقیق: محمّدباقر موحدی ابطحی جلد یازدهم، مقدّمه چاپ دوّم، صفحه ۷.

اسرار فاطمیّه، تألیف آیت الله محمّد فاضل مسعودی:

صفحه ۳۱، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله الْکُبْرَى.

صفحه ۴۲، ذیل عنوان: مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد ائمه علیهم السّلام.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل نهم، استدراک فصل نهم، صفحه ۱۴۲ و ۱۴۳، حدیث ۷.

یک فرد براساس چه عواملی و با داشتن چه شرایطی شایسته امر خلافت می‌شود؟

ابوبکر عرض کرد:

دارا بودن صفاتی از قبیل خیرخواهی، وفای به عهد، صراحت لهجه، استقامت، حُسن خلق، حُسن سیرت، علم و آگاهی از کتاب و سنت، زهد و پرهیزکاری در دنیا، کم رغبت بودن به دنیا، یاری و طرفداری از مظلومین و...
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا این صفات و ویژگی‌ها را در وجود خودت می‌بینی یا در من؟

ابوبکر عرض کرد:

یا ابالحسن:

البته این صفات و ویژگی‌ها را در شما می‌بینم.

سپس وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ابوبکر را مورد خطاب قرار داده و به قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش اشاره فرمود که یکی از آنها در رابطه ازدواج آن حضرت با فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،

و اینکه خداوند متعال در آسمان فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد آن حضرت درآورده است.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا به همسری دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها برگزید و اختیار کرد و به من فرمود:

ای علی:

خداوند متعال در آسمان فاطمه زهرا را به تو تزویج نمود.
سپس وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام از ابوبکر
سؤالاتی پرسید که به چند نمونه آنها به اختصار اشاره می شود.
امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

بنا به فرمایش پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم در روز غدیر «هیجدهم
ذیحجه سال دهم هجری»، آیا من مولا و صاحب اختیار تو و همه مسلمین
هستم یا تو؟

ابوبکر عرض کرد:

یا اباالحسن:

البته شما.

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا در این آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - آیه ۵۵ سوره مائده» ولایت من قرین ولایت خداوند
متعال و پیامبر اکرم واقع شده یا تو؟

ابوبکر عرض کرد:

یا اباالحسن:

البته برای شما.

«قرین = کنار، ردیف».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره من و خانواده من نازل شده یا در رابطه با تو و خانواده تو؟

ابوبکر عرض کرد:

یا اباالحسن:

البته برای تو و خانواده تو.

قابل ذکر است که:

آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» در رابطه خمسه طیبه علیهم السلام یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السلام» می باشد و در رابطه با عصمت آن ذوات مقدسه است.

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با آیه تطهیر و در رابطه با عصمت فاطمه زهرا سلام الله علیها و دیگر معصومین علیهم السلام توضیحات کاملی ارائه شده است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:

آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زیر کساء برای من و برای اهل بیت من یعنی فاطمه زهرا و حسنین علیهم السلام دعا فرمود و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي «يعنى: خداوندا اينها اهل بيت من هستند»،
يا اينکه اين دعای پیامبر اکرم در رابطه با تو و خانواده تو بود؟
ابوبکر عرض کرد:
يا اباالحسن:

البتّه برای تو و اهل بيت تو بود.

به همین ترتیب وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فضائل و مناقب خویش را بیان می فرمود «بیش از چهل فضیلت که یکی از آنها ازدواج با فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، و اینکه خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد آن حضرت درآورده است، و در این کتاب شریف فاطمی به عنوان بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره سلام الله علیها مورد بحث می باشد»،

و ابوبکر نیز همه فرمایشات امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و فضائل آن بزرگوار را تصدیق می کرد و آنها را می پذیرفت،
تا جایی که ابوبکر شروع به گریه نمود و به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:
يا اباالحسن:

امشب را به من مهلت بده تا درباره فرمایشات تو فکر بکنم «مبنی بر اینکه خلافت حق مسلم امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام است و خداوند متعال آن حضرت را به عنوان امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم منصوب فرموده است، و پیامبر اکرم نیز روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیرخم در حضور جمع کثیری از حُجّاج بيت الله الحرام که تعداد آنها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده دستور خداوند متعال را اجراء نموده است».

پس از اتمام جلسه، ابوبکر عازم منزل خویش شد و آن شب به هیچ کس اجازه ملاقات نداد.

وقتی که ابوبکر خوابید، در خواب وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را زیارت کرد و به آن حضرت سلام داد، لیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روی مبارک خویش را از ابوبکر برگرداند،

و این قضیه دو بار تکرار شد، تا اینکه ابوبکر از پیامبر اکرم سؤال نمود که: یا رسول الله:

چه گناهی از من سر زده که جواب سلام مرا نمی دهی؟
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به ابوبکر فرمود:
چگونه جواب سلام تو را بدهم،

درحالی که تو با کسی دشمنی می کنی و حقّ کسی را غصب می نمایی که خدا و رسول خدا او را دوست می دارد.

سپس پیامبر اکرم به ابوبکر فرمود:
ای ابوبکر:

حق را به صاحب آن بازگردان
ابوبکر به پیامبر اکرم عرض کرد:
یا رسول الله:

صاحب حق چه کسی است؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به ابوبکر فرمود:
صاحب حق علیّ بن ابیطالب است.

وقتی که صبح شد ابوبکر عازم مسجد گردید تا با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بیعت کند و خلافت را به آن حضرت واگذار نماید.

ابوبکر در حالی که عازم مسجد بود بین راه به فلانی برخورد کرد و جریان خواب خویش با پیامبر اکرم را به او بازگو نمود.
 او پس از شنیدن سخنان ابوبکر به ابوبکر گفت:
 ای ابوبکر:
 تو را به خدا سوگند می‌دهم که:
 از سحر و جادوی بنی‌هاشم برحذر باش،
 و به بنی‌هاشم اعتماد نکن،
 زیرا این اولین سحر و جادوی آنها نمی‌باشد.
 نهایتاً صحبت‌های او «فلانی» در ابوبکر موثر واقع شد،
 و ابوبکر از واگذاری خلافت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 منصرف شد.^۱

توضیح:

در علو مقام وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس،
 که:

دومین شخصیت عالم خلقت و افضل و اشرف مخلوقات الهی «بعد از
 وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» یعنی وجود مقدس
 مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مباهات می‌کند که
 همسرش فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،
 همچنین مباهات می‌کند که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد او درآورده و به او تزویج
 فرموده است.

۱. خصال شیخ صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل‌گانه و بیشتر، صفحه ۳۴۹ تا ۳۵۹، حدیث ۳۰ «حدیث ۱۱۷۷».
 احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۶۷، حدیث ۵۳، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر.

قابل ذکر است که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در مقاطع زمانی مختلف به همسری با فاطمه زهرا سلام الله علیها مباحثات نموده که فقط به یک نمونه دیگر اشاره می شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

عمر بن خطّاب در پایان عمر خویش امر خلافت و وظیفه تعیین خلیفه بعد از خودش را بر عهده شش نفر محوّل نمود تا بعد از مرگ او در یک اتاق نشسته و در رابطه با تعیین خلیفه مشورت نمایند و یک نفر را از بین خودشان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کنند،

و از اتاق خارج نشوند تا با کسی که به عنوان خلیفه انتخاب شده بیعت نمایند، و چنانچه یک یا دو نفر که در اقلیت واقع شده اند از بیعت با خلیفه ای که با رأی اکثریت انتخاب شده خودداری نمودند باید کشته شوند.

اعضاء این شورای شش نفره عبارت بودند از:

۱- امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام

۲- طلحة بن عبیدالله

۳- زبیر بن عوّام

۴- عبدالرحمن بن عوف

۵- عثمان بن عفّان

۶- سعد بن ابی وقّاص

بعد از وفات عمر بن خطّاب این شورای شش نفره تشکیل شد،

و امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام که تلاش اعضای شورا را در

بیعت با عثمان بن عفّان ملاحظه فرمود،

برای اتمام حجّت و برای روشن شدن حقیقت و اینکه بعداً اعضای شورا

نگويند که ما از فضائل تو «يعنى حضرت امير عليه السلام» بى اطلاع بوديم، به پا خاسته و پنج نفر از اعضاء شورا را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:
گفتار مرا بشنويد،

چنانچه سخنان من موافق حق بود پذيريد،

و چنانچه باطل و نادرست بود آن را انکار نماييد.

وجود مقدس اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام اعضاء شورا را مخاطب ساخته و بيش از نود فضيلت از فضائل خويش را بيان فرمود که تعدادی از آنها را ذيلاً ملاحظه می فرماييد.

وجود مقدس اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام به اعضاء شورا

فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آيا جز من کسی در ميان شما هست که دو پسرش «امام حسن و امام حسين

عليهما السلام» سيد و سرور جوانان بهشت باشند؟

پنج نفر عضو شورا عرض کردند:

خير، جز شما کسی نيست

حضرت امير عليه السلام فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آيا غير از من کسی در ميان شما هست که خداوند متعال هرگونه رجس و

پلیدی و ناپاکی را از او دور نموده باشد «به او مقام عصمت اعطا فرموده باشد

» (اشاره به آيه ۳۳ سوره احزاب معروف به آيه تطهير).

اعضاء شورا عرض کردند:

خير، آن شخص شما هستيد.

حضرت امير عليه السلام فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا جز من کسی در میان شما هست که در حال رکوع زکات داده باشد
«اشاره به آیه ۵۵ سوره مائده معروف به آیه ولایت».

اعضاء شورا عرض کردند:

خیر، شما بودید که در حال رکوع زکات دادید.

حضرت امیر علیه السّلام فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا جز من کسی بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
به دستور خداوند متعال در روز غدیر «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری» او
را به امامت مسلمین منصوب نموده باشد و بفرماید:

هرکس که من مولا و صاحب اختیار او هستم، علی بن ابیطالب مولا و
صاحب اختیار او است «اشاره به آیه ۶۷ سوره مائده معروف به آیه تبلیغ».

اعضاء شورا عرض کردند: خیر، جز شما کسی نیست.

حضرت امیر علیه السّلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
درباره او فرموده باشد:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، یعنی:

ای علی:

تو در نزد من همچون هارون در نزد حضرت موسی می باشی،

با این تفاوت که من خاتم پیامبران هستم و بعد از من پیامبری نخواهد آمد

«قابل ذکر است که هارون برادر موسی بن عمران و جانشین او بود».

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السّلام عرض کردند:

خير، اين فرمايش پيامبر اكرم راجع به شما بود.
حضرت امير عليه السلام به اعضاء شورا فرمود:
شما را به خدا سوگند:

آيا غير از من كسى بين شما هست كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم
درياره او فرموده باشد:

أَنْتَ أَوْلَى النَّاسِ بِأُمَّتِي بَعْدِي، يعنى:
اى على:

تو پس از من اولى به تصرف در امور امت هستى «أولى به تصرف يعنى
كسى كه اختيارش به جان و مال و امور مسلمين از خود مسلمين بيشتر باشد».

اعضاء شورا به حضرت امير عليه السلام عرض كردند:

خير، اين فرمايش پيامبر اكرم دربارۀ شما بود.

حضرت امير عليه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آيا غير از من كسى در بين شما هست كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و
سلم به او فرموده باشد:

أَنْتَ كَنْفُسِي،

حُبُّكَ حُبِّي،

وَبُغْضِكَ بُغْضِي، يعنى:

اى على:

تو مانند خود من هستى و به منزله خود من مى باشى،

دوستى با تو دوستى با من است،

و دشمنى با تو دشمنى با من مى باشد.

اعضاء شورا به حضرت امير عليه السلام عرض كردند:

خیر، مخاطب فرمایش پیامبر اکرم شما بودید.
حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:
شما را به خدا سوگند:
آیا غیر از من کسی بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
در باره او فرموده باشد:

وَلَا يَتُّكَ كَوَلَايَتِي،
عَهْدُ عَهْدِهِ إِلَيَّ رَبِّي وَ أَمَرَنِي أَنْ أُبَلِّغَكُمُوهُ، یعنی:
ای علی:

ولایت تو مانند ولایت من است،
و این عهد و پیمانی است که خداوند متعال با من گذاشته،
و به من امر فرموده تا آن را ابلاغ کنم و به مردم برسانم.
اعضاء شورا عرض کردند:
خیر، این فرد شما بودید.^۱

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:
شما را به خدا سوگند:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
در روز غدیر خم «هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و حدود هفتاد روز
قبل از رحلت خویش» دست او را گرفته و بالا برده و درباره او فرموده باشد:

إِلَّا إِنْ هَذَا بِنُ عَمِّي وَ وَزِيرِي،
فَوَازِرُوهُ وَ صَدِّقُوهُ،
فَإِنَّهُ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِي، یعنی:

آیا غیر از من کسی در بین شما هست که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله

۱. «وَلِيٌّ» سرپرست، صاحب اختیار، مولى نیز همین معنی را می دهد، مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲، ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده.»

عليه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:
 این شخص «يعنى على بن ابيطالب» که دست او در دست من است،
 پسر عموی من و وزیر من است، پس:
 او را یاری کنید،
 و او را تصدیق نمایید، زیرا:
 او پس از من ولیّ شما است «او پس از من سرپرست و صاحب اختیار شما
 است».

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:
 خیر، این فرد شما بودید.^۱
 حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:
 شما را به خدا سوگند:
 آیا غیر از من کسی بین شما هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
 به او فرموده باشد:

أَنَا أَحْوَكُ وَأَنْتَ أَحْيَى، یعنی:

ای علی:

من برادر تو هستم،

و تو برادر من می باشی.

اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السلام عرض کردند:

خیر، این فرد شما بودید.

حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

۱. «ولّی = سرپرست، صاحب اختیار».

«وزیر = معاون، کسی که سنگینی کارهای رئیس و فرمانده خویش را متحمل می شود، مفردات راغب، مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۸۲، ذیل آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده، تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۲۱۳، ذیل آیه ۲۹ سوره طه».

آيا غير از من كسى در بين شما هست كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:

كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ عَلِيًّا، يعنى:

دروغ مى گويد كسى كه مى پندارد مرا دوست دارد، درحالى كه بغير على را در دل دارد.

اعضاء شورا به حضرت امير عليه السلام عرض كردند:

خير، اين فرد شما بوديد

حضرت امير عليه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آيا غير از من كسى در بين شما هست كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم درباره او فرموده باشد:

مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي،

وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، يعنى:

هر كس به على ناسزا گويد و دشنام دهد به من ناسزا گفته و دشنام داده است،

و هر كس به من ناسزا بگويد و دشنام دهد به خداوند متعال ناسزا گفته است.

اعضاء شورا به حضرت امير عليه السلام عرض كردند:

خير، اين فرد شما بوديد.

«سَبَّ = دشنام دادن، ناسزا گفتن، دشنام، ناسزا».

حضرت امير عليه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آيا غير از من كسى در بين شما هست كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم به او فرموده باشد:

تَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ،
 رِوَاءَ مَرْوِيِّنَ مُبَيَّضَةً وَ جَوْهَهُمْ،
 وَ يَرِدُ عَلَيَّ عَدُوُّكَ ظَمَاءً مُظْمِئِينَ مُقْتَحِمِينَ مُسْوَدَّةً وَ جَوْهَهُمْ، یعنی:
 ای علی:

تو و شیعیانت کنار حوض کوثر بر من «یعنی پیامبر اکرم» وارد می شویید
 درحالی که سیراب و خوشحال و روسفید می باشید،
 و دشمنان تو درحالی نزد من «یعنی پیامبر اکرم» می آیند درحالی که تشنه و
 سوخته و روسیاه هستند.

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام با
 داشتن این همه فضیلت و منقبت که قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب
 آن حضرت می باشد، مباحثات می کند که فاطمه زهرا سلام الله علیها همسر او
 است که انشاءالله تعالی در ادامه حدیث شریف به آن اشاره خواهد شد.
 وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به
 اعضاء شورا فرمود:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ:
 هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ زَوْجَةٌ مِثْلُ زَوْجَتِي فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ
 وَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ غَيْرِي؟
 قَالُوا اللَّهُمَّ لَا، یعنی:

حضرت امیر علیه السّلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند:

آیا در میان شما کسی غیر از من هست که همسری مثل فاطمه دختر پیامبر
 اکرم و پاره تن پیامبر اکرم و سیده و سرور بانوان بهشتی از آن او باشد؟
 اعضاء شورا به حضرت امیر علیه السّلام عرض کردند:

به خدا سوگند خیر « به خدا قسم این فرد شما هستید».
این حدیث شریف را عامر بن واثله از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السّلام و جابر بن یزید جعفری از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام پس از اشاره به قطره‌ای
از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش رو به اعضاء شورا نموده و آنها را
مخاطب ساخته و فرمود:

در صورتی که همه آنچه را که بیان نمودم تصدیق می‌کنید و به آن اقرار
دارید، پس:

تقوای الهی را رعایت کنید «از خداوند متعال بترسید و از دستورات الهی
سرپیچی نکنید»،

و از خشم و غضب خدا بترسید،

و از دستورات و سفارشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تخلّف

نکنید،

و حقوق الهی را رعایت نمایید،

و حق را به اهل آن واگذار کنید،

و خلافت را به کسی که سزاوار آن است تحویل دهید.

پس از پایان فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام پنج نفر

عضو شورا به شور و مشورت پرداخته و با خودشان اینچنین گفتند که:

ما مراتب فضل و بزرگی علی بن ابیطالب علیه السّلام را می‌دانیم،

و می‌دانیم که او از همه کس به خلافت شایسته‌تر است، لیکن:

۱. خصال صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۵۹، حدیث ۳۱ «حدیث ۱۱۷۸»، باب چهل‌گانه و بیشتر.
احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۷۸، حدیث ۵۵، احتجاج حضرت امیر علیه السّلام بر پنج نفر از اهل شورا.

علی بن ابیطالب مردی است که هیچکس را بدون دلیل شرعی و عقلی بر دیگری تفضیل و برتری نمی دهد «پست و مقام و پول را به دوستان و اقوام و آشنایان خویش نمی دهد، بلکه به کسی می دهد که شرعاً باید به او بدهد»، و اگر او را خلیفه نماییم، ما را «اعضاء شورا را» و دیگران را به یک چشم نگاه می کند، لذا:

بہتر است کہ خلافت را بہ عثمان بن عفان واگذار کنیم، زیرا: عثمان همان کسی است کہ ما می خواهیم «طبق خواسته ما رفتار خواهد کرد»،

و بہ همین لحاظ بود کہ اعضا شورا خلافت را بہ عثمان بن عفان واگذار کرده و او را بہ عنوان خلیفہ مسلمین انتخاب کردند.^۱ قابل ذکر است کہ:

انتخاب عثمان بن عفان بہ عنوان خلیفہ مسلمین از ابتدا معلوم و مشخص بود، زیرا غیر از زبیر بن عوام کہ تمایل بہ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیہ السلام داشت سه نفر دیگر از اعضا شورا یعنی طلحة بن عبیدالله و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص طرفدار عثمان بودند، لذا عثمان بن عفان بہ عنوان خلیفہ مسلمین انتخاب شد،

و امر امامت و خلافت بر مسلمین کہ امری است انتصابی «از ناحیہ خداوند متعال» تبدیل شد بہ امری انتخاباتی، و نتیجہ آن شد کہ نباید می شد. این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل سنت بہ نام خطیب خوارزمی ہم در کتاب خویش بہ نام مناقب نقل نموده است.^۲

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحہ ۲۹۸ و ۲۹۹، حدیث ۵۵، احتجاج حضرت امیر علیہ السلام بر اعضا شورا.

۲. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحہ ۳۳ «ذیل آیه ۶۷ سوره مائدہ».

حدیث دوازدهم:

وجود مقدس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

هر فضیلتی که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دارند من نیز آن فضیلت را دارم و در داشتن این فضائل برتر از آنها می باشم، لیکن: من «یعنی حضرت امیر علیه السّلام» هفتاد فضیلت دارم که احدی از اصحاب پیامبر اکرم آن را ندارند.

راوی این حدیث شریف که مکحول نام دارد می گوید:
خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کردم:
یا امیرالمؤمنین:

مرا از آن فضائل آگاه کن.

پس از درخواست و تقاضای مکحول، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به هفتاد فضیلت یعنی به قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش اشاره فرمودند که یکی از این فضائل که مولی الموحّدین به آن مباحثات نموده این است که فاطمه زهرا سلام الله علیها همسر آن حضرت می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

به عنوان تیمّن و تبرک به چند فضیلت از فضائل هفتادگانه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام که از لسان مبارک آن حضرت صادر شده اشاره می شود،

و در خاتمه بحث نیز موضوع همسری با فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان یکی از فضائل حضرت امیر علیه السّلام ذکر خواهد شد.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، یعنی:

ای علی:

نسبت تو به من همانند نسبت هارون است به موسی،

با این تفاوت که من خاتم پیامبران هستم و بعد از من پیامبری نخواهد آمد

«قابل ذکر است که هارون برادر موسی بن عمران و وصی جانشین آن حضرت

بود».

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ،

يَدُكَ فِي يَدِي حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ، یعنی:

ای علی:

تو برادر من و من برادر تو هستم،

دست تو در دست من است تا اینکه وارد بهشت شوی.

قابل ذکر است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بین اصحاب خویش

پیوند اخوّت و برادری برقرار نمود و هر دو نفر را که شباهت تامّ و تمامی

به یکدیگر داشتند به عنوان برادر یکدیگر برگزید و انتخاب کرد، و علی بن

ابیطالب علیه السّلام را نیز به عنوان برادر خود برگزید،

و بارها و بارها به حضرت امیر علیه السّلام می فرمود:

أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

أَنْتَ كَنْفُوسِي، یعنی:

ای علی:

تو در دنیا و آخرت برادر من هستی،

ای علی:

تو نَفْس و جان من هستی «تو به منزله خود من هستی».

«نَفْس = روح ، جان»

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

يا عَلِيُّ:

مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ،

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، یعنی:

ای علی:

مَثَل تو در اُمَّت من مَثَل کشتی نوح است،

که هرکس به آن سوار شد نجات یافت،

و هرکس از آن دوری گزید غرق شد، یعنی:

علی جان:

هرکس امامت و ولایت تو را پذیرفت و دستورات تو را اجرا کرد رستگار

شد و نجات یافت و اهل بهشت است،

و هرکس امامت و ولایت تو را نپذیرفت و از دستورات تو سرپیچی کرد

هلاک شد و اهل جهنّم است.

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

يا عَلِيُّ:

أَنْتَ مِنْنِي وَ أَنَا مِنْكَ، یعنی:

ای علی :

تو از من هستی،

و من از تو هستم.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

يَا عَلِيُّ:

أَنْتَ صَاحِبُ لُؤَاءِ الْحَمْدِ فِي الْآخِرَةِ،

وَ أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبُ الْخَلَائِقِ مِنِّي، یعنی:

ای علی:

روز قیامت تو پرچم حمد من را در دست داری،

و جایگاه تو از همه مخلوقات الهی به من نزدیکتر است.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره من فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بِأُيُهَا،

وَ لَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بِأُيَهَا، یعنی:

من شهر علم هستم،

و علی بن ابیطالب درب آن شهر،

و هیچکس نمی تواند وارد این شهر شود مگر از طریق درب آن.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

يَا عَلِيُّ:

لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ الْغَالُونَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِي عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ،

لَقُلْتُ فَيْكَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَخَذُوا التُّرَابَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ يَسْتَشْفُونَ

به، یعنی:

ای علی:

اگر نبود که غلات امّتم درباره تو همان چیزی را بگویند که نصاری درباره عیسی بن مریم گفتند، فضائلی از فضائل تو را می‌گفتم که از کنار هیچ کس عبور نمی‌کردی مگر اینکه خاک زیر پایت را به عنوان شفا برمی‌داشتند «اگر نمی‌ترسیدم که امّت من مانند نصاری گرفتار غلو بشوند، فضائلی از فضائل تو را می‌گفتم که از هر کجا که عبور می‌کردی مردم خاک زیر پای تو را به عنوان شفا برمی‌داشتند».

«غالی یعنی غلوکننده، جمع غالی می‌شود غلات».

معنی این قسمت از حدیث شریف این است که:

آنچه که از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیان شده نسبت به آنچه که بیان نشده مثل یک قطره است در مقابل دریا،

و به عبارت دیگر:

اگر تمام فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیان می‌شد همانطور که پیروان حضرت مسیح گرفتار تثلیث شدند «۱- عده‌ای از مسیحیان عیسی را خدا دانستند؛ ۲- عده‌ای از مسیحیان عیسی را پسر خدا دانستند؛ ۳- عده‌ای از مسیحیان نیز گفتند که خدا در حضرت عیسی حلول نموده است» مسلمانان نیز گرفتار تثلیث می‌شدند، یعنی:

همان نسبتی را که مسیحیان به حضرت عیسی می‌دادند مسلمین نیز به حضرت امیر علیه السلام همان نسبت‌ها را می‌دادند،

یعنی:

نعوذ بالله:

حضرت امیر علیه السَّلام را خدا می دانستند،

یا پسر خدا می دانستند،

و یا اینکه می گفتند خدا در حضرت امیر علیه السَّلام حلول نموده است، لذا:

برای اینکه مسلمین مانند مسیحیان گرفتار تثلیث نشوند همه فضائل و مناقب

مولی الموحَّدین امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام بیان نشده است،

و فقط آن دسته از فضائل حضرت امیر علیه السَّلام بیان شده که مردم طاقت

و تحمُّل شنیدن آن را داشته اند.

حضرت امیر علیه السَّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درباره من فرمود:

كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ عَلِيًّا،

لَا يَجْتَمِعُ حُبِّي وَ حُبُّهُ إِلَّا فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، یعنی:

دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد اما با علی بن ابیطالب

دشمن است «اگر کسی که دشمن علی بن ابیطالب است بگوید پیامبر اکرم را

دوست می دارد، چنین شخصی طبق فرمایش پیامبر اکرم قطعاً دروغگو است»،

دوستی با من «یعنی پیامبر اکرم» و علی بن ابیطالب فقط در دل مؤمن قرار

دارد «علامت و نشانه مؤمن دوست داشتن پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما

السَّلام می باشد».

حضرت امیر علیه السَّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به من فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ أَهْلَ حُبِّي وَ حُبِّكَ يَا عَلِيُّ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ السَّابِقِينَ إِلَى الْجَنَّةِ،

وَ جَعَلَ أَهْلَ بُغْضِي وَ بُغْضِكَ فِي أَوَّلِ زُمْرَةِ الصَّالِينَ مِنْ أُمَّتِي إِلَى النَّارِ، یعنی:

ای علی:

خداوند عزّوجلّ مُحبّین و دوستانان من و تو را در صف اوّل بهشتیان قرار داده،

و دشمنان من و تو را در صف اوّل گمراهان امت من در جهنّم قرار داده است.

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

یا عَلِيُّ:

لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ،

وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ كَافِرٌ، یعنی:

ای علی:

تو را دوست نمی‌دارد جز مؤمن متقی و پرهیزکار،

و تو را دشمن نمی‌دارد جز منافق کافر «دوست داشتن حضرت امیر علیه السّلام علامت مؤمن است، و دشمن داشتن آن حضرت علامت کافر و منافق می‌باشد».

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

روز قیامت نگهبان بهشت کلیدهای بهشت را و مالک جهنّم کلیدهای جهنّم

را نزد من «یعنی پیامبر اکرم» می‌آورند و به من می‌گویند:

خداوند جلّ جلاله به ما دستور فرموده تا این کلیدها را به تو تقدیم نمایم،

و به تو دستور داده تا آن کلیدها را به علی بن ابیطالب تحویل بدهی،

و سپس وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:

فَتَكُونُ يَا عَلِيُّ قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، یعنی:

پس ای علی:

تو قَسِيمِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ هستی، یعنی:

ای علی:

تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی «محبین و شیعیان خودت را به بهشت و دشمنانت را به جهنم می فرستی».

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

یا عَلِيُّ:

لَوْلَاكَ مَا عُرِفَ الْمُتَنَفِقُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

ای علی:

اگر تو نبودى مؤمنين از منافقين شناخته نمى شدند «یعنی مُحب و شیعه حضرت امیر علیه السلام مؤمن است، و منکر و دشمن آن حضرت منافق، و منافق یعنی کافری که تظاهر به ایمان می کند و خود را در صفوف مؤمنین جای می دهد تا به اهداف پلید خویش نائل شود».

همانطور که ملاحظه فرمودید:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

من هفتاد فضیلت دارم که احدی از مردم آن را ندارد.

یکی از این هفتاد فضیلت که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن مباحثات می کند همسری با وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

اگر هیچ فضیلتی از سیده بانوان عالم یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل نشده بود، همین یک حدیث شریف «مباحثات دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به همسری با فاطمه زهرا سلام الله علیها» کافی بود که مقام و منزلت آن علیا

مخدره سلام الله عليها برای همگان روشن شود.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَنِي فَاطِمَةَ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ،
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ،

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَعْنِي:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
فرمودند:

خداوند عزّوجلّ از بالای هفت آسمان فاطمه سلام الله عليها را به من تزویج
فرمود «به عقد من درآورد».

و سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:
ای علی:

این نعمت گوارای تو باد،

که خداوند عزّوجلّ فاطمه عليها سلام را که سیده بانوان بهشت و پاره تن
من می باشد به عقد تو درآورد «خداوند عزّ و جلّ دخترم فاطمه را که پاره تن
من است و سیده بانوان اهل بهشت می باشد به تو تزویج فرمود».^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به فاطمه زهرا سلام
الله عليها مباحات می کند که همسر او است.

وجود مقدس بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله و سلامه
عليه نیز افتخار و مباحات می کند که فرزند فاطمه زهرا سلام الله عليها می باشد.

۱. خصال شیخ صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۹۷ تا ۴۱۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۱۸۲»، ذیل عنوان: باب هفتادگانه و
بیش از آن.

در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله
و حید خراسانی در این رابطه مطلبی عنوان شده که ملاحظه می فرمایید.

افتخار امام زمان علیه السّلام به فرزندی فاطمه زهرا سلام الله علیها:

دعای عهد را بخوانید،

در این دعای شریف آمده که:

اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤْيَتِهِ، یعنی:

خداوندا:

شاد کن دل پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به دیدار

او «یعنی به دیدار امام زمان علیه السّلام».

در دعای عهد که هر روزه خوانده می شود هر جمله اش بهت آور است.

معنی این قسمت از دعای عهد را که ملاحظه فرمودید این است که:

بار الها:

مسرور و خشنود نما پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را

به دیدن رخسار او.

او کیست؟

او صاحب العصر و الزّمان است، عَجَل الله تعالی فرجه الشّریف، و صلوات

الله و سلامه علیه.

امام زمان علیه السّلام شخصیتی است که تمام صد و بیست و چهار هزار

پیغمبر چشم به راه او بودند،

و همه منتظر او هستند.

تمام انبیاء الهی علیهم السّلام در انتظار قدوم مبارک امام زمان علیه السّلام

می باشند،

زیرا آن حضرت خلقت را باید به ثمر برساند.

بعثت تمام انبیاء علیهم السَّلام که از ثمر افتاده به برکت ظهور آن حضرت نتیجه می یابد «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا».

وجود مقدّس امام زمان علیه السَّلام وقتی قیام می کند تمام افتخارش این است که می فرماید:

أَنَا بِنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ^۱.

حدیث سیزدهم:

هنگام زیارت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام در روز میلاد وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به آن حضرت اینگونه عرض سلام و عرض ادب می نمایم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ،

وَزُوجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ،

وَكَانَ شُهُودُهَا الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءِ، یعنی:

به امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام عرض می کنیم:

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین که در خانه کعبه «خانه خدا» به دنیا آمدی.

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین که در آسمان به همسری سیده بانوان عالم «یعنی

فاطمه زهرا سلام الله علیها» در آمدی.

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین که شاهدان و گواهان عقد ازدواج تو و فاطمه

زهرا سلام الله علیها ملائکه برگزیده الهی بودند.

در قسمت دیگری از این زیارت نورانی و شریف به محضر مبارک

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَتِهِ الْمُخْتَارِ،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۷۷ و ۲۷۸، مجلس نوزدهم، ذیل عنوان: حضرت امیر علیه السَّلام کفو و همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

الْمَوْلُودِ فِي الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ،

الْمُرْوَجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبُرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ، يَعْنِي:

به امير المؤمنين علی بن ابیطالب علیه السلام عرض می کنیم:

سلام بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که مخصوص گشت به

همسری دختر طاهره با تقوای پیامبر مختار صلی الله علیه و آله و سلم.

سلام بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در آسمان تزویج شد

به فاطمه زهرا سلام الله علیها آن بانوی نیکوکار پاکیزه پسندیده مرضیه که مادر

ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام صادق علیه السلام

صادر شده و علامه مجلسی آن را از شیخ مفید و شهید اول و سید بن طاووس

نقل نموده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

حدیث چهاردهم:

در وصیت نامه حضرت زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام آمده است که:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا عَلِيُّ:

أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،

زَوَّجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

حَبْطُنِي وَغَسَلْنِي وَكَفَّنِي بِاللَّيْلِ،

وَصَلَّ عَلَيَّ،

وَادْفَنِي بِاللَّيْلِ،

وَلَا تُعَلِّمَ أَحَدًا،

وَاسْتَوْدِعَكَ اللَّهُ،

وَ أَقْرَأُ عَلِيَّ وَ وُلْدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصیت می کند و به آن حضرت عرض می نماید که:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا علی:

من فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم که خداوند متعال مرا در دنیا و آخرت به تو تزویج فرموده است «خداوند متعال مرا به عقد تو درآورده و من در دنیا و آخرت همسر تو می باشم»،

یا علی:

مرا شبانه حنوط کن و غسل بده و کفن نما و نماز بخوان،

یا علی:

شبانه مرا دفن کن «در دل شب مرا به خاک بسپار»،
و احدى را آگاه نکن «هنگام دفن من کسی را آگاه نکن»،

یا علی:

تو را به خدا می سپارم،

و سلام مرا تا روز قیامت به فرزندانم ابلاغ نما «سلام مرا تا روز قیامت به

فرزندانم برسان».^۱

۱. فاطمه عليها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۶۵، مجلس دوم، ذیل عنوان: فاطمه عليها سلام اولین کسی که وارد بهشت می شود، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳، مجلس دوازدهم، ذیل عنوان: وجوب عزاداری در مصیبت فاطمه زهرا سلام الله عليها، صفحه ۲۶۵ تا ۲۶۸، مجلس هیجدهم، ذیل عنوان: نور ذریّه حضرت زهرا سلام الله عليها.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۳۷ و ۲۳۸، ذیل عنوان: وصیت نامه حضرت زهرا سلام الله عليها.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۲۴، صفحه ۱۷۸، حدیث دوم،

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۵۸.

تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله عليها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۰۴.

فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۹، صفحه ۴۰۸، حدیث ۱۹.

توضیح:

الف: طبق این حدیث شریف «علاوه بر احادیث شریفی که قبلاً به عرض رسید» خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را در آسمان به عقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درآورده است، و فاطمه زهرا سلام الله علیها در دنیا و آخرت همسر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، و این مطلب فرمایش نورانی فاطمه زهرا سلام الله علیها در وصیت نامه آن حضرت است که به حضرت امیر علیه السلام عرض نموده که:

یا عَلِيَّ:

أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،
 زَوَّجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَعْنِي:

یا علی:

من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشم که خداوند متعال مرا به تو تزویج کرد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم «تا در دنیا و آخرت همسر تو باشم و از آن تو باشم».

انشاء الله تعالی در خاتمه بحث در این رابطه توضیحاتی به عرض خواهد رسید.

ب: ملاحظه فرمودید که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصیت نمود تا او را شبانه حنوط کرده و غسل دهد و کفن نماید.

«حنوط = ماده معطر مانند سدر و کافور که پس از غسل دادن میت به جسد می زنند، و حنوط در فارسی عبارت است از سدر و کافور^۱»، لیکن:

۱. زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها تألیف آیت الله سید محمد کاظم قزوینی، صفحه ۴۰۱.

جسد مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها را با حنوط بهشتی حنوط نمودند که جبرئیل برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از بهشت آورده بود. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در لحظات آخر عمر مبارک خویش به من و به دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: علی جان، فاطمه جان:

این حنوطی است که جبرئیل برای من از بهشت آورده است، و سپس فرمود:

جبرئیل به شما سلام می‌رساند و می‌گوید که آن حنوط بهشتی را تقسیم نمایید، و طبق دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن حنوط بهشتی به سه قسمت تقسیم شد،

یک سهم آن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، یک سهم آن برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و یک سهم آن نیز برای فاطمه زهرا سلام الله علیها اختصاص یافت، لذا وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جسد مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها را شبانه حنوط نمود آن هم با حنوط بهشتی که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده بود.^۱

۱. زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۰۱.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۳۹.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳۳، صفحه ۷۰۰ و ۷۰۱، ذیل عنوان: علت شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها.

ج: وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام طبق وصیت فاطمه زهرا سلام الله علیها جنازه مطهر آن علیا مخدره سلام الله علیها را شب‌هنگام و نیمه‌های شب دفن نمودند، و سپس قبر مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها را با زمین مساوی کرد و آن را صاف نمود تا اثری از قبر مطهر آن علیا مخدره باقی نماند و جای آن شناخته نشود.

در تشییع جنازه مخفیانه و شبانه حضرت زهرا سلام الله علیها، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و چند نفر از خواص اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از قبیل سلمان، مقداد، ابذر، عمّار یاسر، عقیل، زبیر و بریده شرکت داشتند،

و این قضیه نیز دقیقاً طبق وصیت حضرت زهرا سلام الله علیها بود که حنوط و غسل و کفن و تدفین و نماز آن حضرت شبانه صورت بگیرد، و این قضیه به مردم اعلام نشود تا کسانی که به آن علیا مخدره ظلم کرده و آن حضرت را به شهادت رساندند در این مراسم حضور نداشته باشند، و البته برای همه نسل‌ها تا روز قیامت این سؤال مطرح خواهد شد که چرا یگانه دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شبانه و بدون حضور مردم دفن شد،

و محلّ قبر مطهر آن حضرت نیز پوشیده و مخفی ماند،

و البته جواب این سؤال نیز برای همگان روشن خواهد شد که:

حضرت زهرا سلام الله علیها با این وصیت خویش به همه انسان‌ها تا روز قیامت روشن نمودند که:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلّم توسط حاکمان وقت و ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی مورد شدیدترین ظلم‌ها قرار گرفتند، حقوق آن ذوات مقدّسه غضب شد،

و یگانه دختر پیامبر اکرم نیز به شهادت رسید، و به همین جهت مراسم تغسیل و تکفین و تدفین آن علیا مخدّره شب‌هنگام و دور از چشم مردم صورت گرفت تا ظالمین به حقوق آل محمّد علیهم السّلام در این مراسم شرکت نداشته باشند،

و ظلم ظالمین به حقوق آل محمّد علیهم السّلام نیز در پرده ابهام باقی نماند و همگان بدانند که فاطمه زهرا سلام الله علیها به شهادت رسید،

و آن حضرت با نارضایتی تمام از غاصبین حقوق خویش به لقاء الله رفت.^۱ وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام پس از اینکه جنازه مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها را نیمه‌های شب به خاک سپرد و قبر آن علیا مخدّره را نیز ناپدید نمود، از جا برخاست و رو به جانب قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي،
وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ عَنِ ابْنَتِكَ،
قُلِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي،
وَعَفَا عَن سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي،
قَدْ اسْتُرَجِعْتَ الْوَدِيعَةَ،
وَأُخِذَتِ الرَّهْنَةَ،

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۷۸ و ۶۷۹.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۲۴۰ و ۲۴۱.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳۳، صفحه ۶۹۷، صفحه ۷۰۲

وَ اُخْلِستِ الزَّهْرَاءُ «وَ اُخْتَلِستِ الزَّهْرَاءُ».

يا رَسُولَ الله،

أَمَّا حُزْنِي فَسَرِّمُدُّ،

وَ أَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدُ،

وَ سَتُنْبِتُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَاْفِرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا،

فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ،

فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا،

وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، يعنى:

پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شب هنگام و به طور پنهانی و دور از چشم مردم حضرت زهرا سلام الله علیها را به خاک سپرد، رو به قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

سلام بر تو ای رسول خدا از جانب من،

و سلام بر تو ای رسول خدا از جانب دخترت.

یا رسول الله:

صبر و شکیبائی من از فراق برگزیده تو کم شد «صبر و شکیبائی من از فراق

دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها کم شده و به سر آمده است»،

و توان و استقامت و خویشتن داری من از دوری و فراق سیده و سرور بانوان

عالم «یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها» از بین رفت،

همانا ودیعه و امانت پس گرفته شد «هم اکنون ودیعه و امانت به صاحبش

برگردانده شد»،

و حضرت زهرا از دستم ربوده شد «حضرت زهرا از دستم رفت».

یا رسول الله:

حزن و اندوه من همیشگی است «هیچگاه حزن و اندوه من پایان نخواهد

یافت»،

و شب‌های من بیداری است «شب‌های من در بی خوابی سپری خواهد شد»،
یا رسول الله:

به زودی دختری فاطمه زهرا سلام الله علیها به تو خبر خواهد داد که چگونه
امت تو دست به دست هم داده و با یکدیگر همدست شدند و به دختری ظلم
نموده و حق او را ضایع نمودند «حق او را غصب کردند»،

یا رسول الله:

همه وقایع و اتفاقات را از دختری فاطمه زهرا پیرس و از او گزارش بخواه
«از دختری فاطمه زهرا سلام الله علیها پیرس، و با اصرار و پافشاری از او سؤال
کن تا درد خود را به تو بگوید»،

زیرا چه بسیار دردها و ناراحتی‌ها در سینه داشت اما راهی برای بیان نمودن
و بازگو کردن آنها نمی‌یافت،

ولی اکنون آنها را بازگو خواهد کرد،

و خداوند متعال داوری می‌فرماید «داوری خواهد فرمود»،

و خداوند متعال بهترین داوران است.^۱

جهت رعایت اختصار فقط به قسمت‌هایی از بیانات امیرالمؤمنین علی بن
ابیطالب علیه السلام اشاره شد.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۶، حدیث ۳ «حدیث ۱۲۳۸».

امالی شیخ مفید، مجلس ۳۳، صفحه ۳۸۳، حدیث ۷.

امالی شیخ طوسی، جلد اول، مجلس ۴، صفحه ۲۳۳، حدیث ۲۰ «حدیث ۱۶۶».

فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۴۵ و ۴۶، مجلس دوم،

ذیل عنوان: حضرت زهرا علیها سلام نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود.

سوغنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۴۲ تا ۲۴۴.

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۱۴.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت‌پور، فصل ۲۶، صفحه ۱۸۹، حدیث اول.

جُتَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۷۹ تا ۶۸۳.

در کتاب شریف فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی ذیل این حدیث شریف توضیحاتی ارائه شده که به بعضی از آنها به اختصار اشاره می شود.

در دنیا یک نفر به عنوان **أَصْبَرُ الصَّابِرِينَ** سراغ داریم و آن شخص وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

چگونه آن حضرت **أَصْبَرُ الصَّابِرِينَ** است؟

این مطلب از فرمایش خود آن حضرت روشن می شود.

آیا در عالم کسی دیده یا شنیده است که انسانی هم خار در چشمش فرو رفته باشد و هم استخوان در گلویش گیر کرده باشد، و در عین حال صبر کند؟
نه کسی دیده،

و نه کسی شنیده،

لیکن خود آن حضرت فرمود:

فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَاً، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

صبر کردم در حالی که خار در چشمانم بود و استخوان در گلویم «اشاره به بیست و پنج سال خانه نشینی آن حضرت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و غصب خلافت».

اما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که **أَصْبَرُ الصَّابِرِينَ** می باشد در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله علیها و وقایعی که باعث شهادت آن علیا مخدره شد صبرش لبریز شد و پس از دفن جسد مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، یعنی:

یا رسول الله:

از دوری و فراق دختر برگزیده‌ات صبر و شکیبائی من کم شد.
صبری که عالم آن را نبرید، شب اول قبر فاطمه زهرا سلام الله علیها بریده
شد،

شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
را بیچاره کرد،

لذا آن حضرت به پیامبر اکرم عرض کرد:

قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، یعنی:

صبرم در فراق دختر برگزیده تو کم شد.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این درد را به کسی هم نگفت،

چه کسی بود که آن حضرت این درد را به او بگوید؟

کسی نبود تا بفهمد بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام چه گذشت،

جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت امیر علیه السلام به آن

حضرت عرض کرد:

قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي،

بعد هم عذر قلت صبر را آورد «عذر کم شدن صبر خویش را بیان کرد».

حضرت امیر علیه السلام فرمود:

درست است که من همان کسی هستم که صَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى وَفِي الْحَلْقِ

شَجَا،

اما اگر اینجا صبر نمی کنم «شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و ظلم‌هایی

که به آن حضرت شد و مخفیانه به خاک سپرده شد» معذورم، زیرا:

فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتِكَ سِرًّا «در پیشگاه خداوند متعال دخترت پنهانی دفن شد»،

آنچه حضرت امیر علیه السلام را بیچاره کرد این کلمه بود.^۱

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۴۴ تا ۴۷، مجلس دوم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها نخستین کسی که وارد بهشت می شود.

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت آمده که:

وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جسد مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها را داخل قبر گذاشت و قبر را ناپدید کرد رو به قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ،
وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از دفن پیکر مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها رو به جانب قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

یا رسول الله:

همه وقایع و اتفاقات را از دختری فاطمه زهرا بپرس،
و از او گزارش بخواه.
کلمه أَخْفِهَا یعنی چه؟

از این کلمه معلوم می شود که آنچه که بر فاطمه زهرا سلام الله علیها گذشته «ظلم هایی که به آن حضرت شده»،

آنها را حتی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز نگفته است. معلوم شد که فاطمه زهرا سلام الله علیها آنها را به پدر بزرگوارش پیامبر اکرم هم نمی خواهد بگوید، و فقط می خواهد بین خودش و خداوند متعال باشد، و به همین جهت است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض می کند:

یا رسول الله:

فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ، یعنی:

یا رسول الله:

تو زهرا را سؤال پیچ کن،
هر چه می توانی از او سؤال کن تا بگویند که بر او چه گذشت.^۱
هن طى چهارده حدیث شریف ملاحظه فرمودید که:
خداوند متعال در آسمان فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج فرمود و به عقد او درآورد،
و در حدیث نهم ملاحظه فرمودید که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یا مُحَمَّدُ:

قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ،

فَزَوَّجَهَا مِنْهُ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
یا محمد:

من فاطمه را به علی تزویج نمودم،

پس:

تو نیز فاطمه را به علی تزویج نما،

تا اهل زمین نیز مانند اهل آسمانها «ملائکه» شاهد این وصلت مبارک باشند.
پیامبر اکرم نیز طبق دستور خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را به
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج فرمود.

ابن ابی الحدید «از علمای اهل سنت» در شرح نهج البلاغه می گوید:
ازدواج علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا در زمین صورت نگرفت مگر بعد
از آنکه خداوند متعال آن دو را به عقد یکدیگر درآورد، ملائکه الهی نیز شاهد

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۹۴، مجلس دوازدهم، ذیل عنوان: وجوب عزاداری در مصیبت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

این عقد آسمانی بودند.^۱

وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خواست تا فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج کند به آن حضرت فرمود:

یا اباالحسن:

به مسجد برو «مسجدالنبی در شهر مدینه»،

من هم به دنبال تو به مسجد خواهم آمد،

و در حضور مردم دخترم فاطمه را طبق دستور خداوند متعال به تو تزویج خواهم نمود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز لحظاتی بعد از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عازم مسجد شد، و هنگامی که آن حضرت به مسجد رسید به مقداد و بلال دستور فرمود تا به محله‌های مدینه رفته و مردم مدینه را به حضور در مسجدالنبی دعوت کنند تا همگان شاهد این وصلت نورانی باشند.

پس از اینکه مردم مدینه در مسجدالنبی جمع شدند وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روی منبر جلوس نمود و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ:

أِنَّمَا الْأَنْبِيَاءُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

الَّتَا طُقُون بَكِتَابِهِ،

الْعَامِلُونَ بِوَحْيِهِ،

وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَ كَرِيمَتِي فَاطِمَةَ بَاخِي وَ ابْنِ عَمِّي وَ أَوْلَى النَّاسِ بِي

۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸ صفحه ۵۶۷، ذیل عنوان: ازدواج فاطمه زهرا سلام الله علیها و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در زمین.

عَلَىٰ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

وَ اللَّهُ عَزَّ شَأْنُهُ قَدْ زَوَّجَهُ بِهَا فِي السَّمَاءِ وَ أُشْهِدُ الْمَلَائِكَةَ،

وَ أَمَرَنِي أَنْ أَزْوِجَهُ فِي الْأَرْضِ وَ أُشْهِدُكُمْ عَلَىٰ ذَلِكَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم در مسجد النبی بر بالای منبر رفته و جمعیت انبوه

حاضر در مسجد را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

همانا پیامبران حجّت‌های خداوند متعال در زمین خدا هستند،

که به کتاب خداوند متعال «کتب آسمانی» سخن می‌گویند،

و به وحی خداوند متعال عمل می‌کنند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات

خویش فرمودند:

ای مردم:

خداوند تبارک و تعالی به من امر فرموده و دستور داده تا دختر با اصل

و نسب خودم فاطمه را به برادرم و پسرعمویم و سزاوارترین مردم به من

«نزدیک‌ترین مردم به من» علی بن ابیطالب تزویج نمایم.

ای مردم:

خداوند بلندمرتبه در آسمان فاطمه را به علی بن ابیطالب تزویج نموده و

ملائکه را بر این وصلت مبارک شاهد و گواه گرفته،

و به من نیز امر فرموده که در زمین فاطمه را به علی بن ابیطالب تزویج کنم

و شما را بر این ازدواج شاهد و گواه بگیرم.^۱

قابل ذکر است که:

۱. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت‌الله میرجهانی، فصل هشتم، صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳، خطبه دوم.

سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۹ و ۵۰.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۶۸ تا ۵۷۰، خطبه سوم.

این حدیث شریف را که جابر بن عبدالله انصاری از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده عامه و خاصه «سنی و شیعه» به طرق متواتر نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

علامه مجلسی در بحار الانوار

سید هاشم بحرانی در مدینه المعجز

اربلی در کشف الغمه

عبدالله بحرانی در عوالم العلوم

قاضی نورالله در احقاق الحق

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب

محمد بن جریر طبری در دلائل الامامه و نوادر المعجزات

حموینی در فرائد السمطین

ابن حجر در صواعق المحرقة

خطیب خوارزمی در مناقب

محبّ الدین طبری در ذخائر العقبی و...^۱

هدیه و تحفه خداوند متعال به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از ازدواج آن دو بزرگوار:

عبدالله بن مسعود از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

پس از اینکه خداوند متعال در آسمان دخترم فاطمه را به علی بن ابیطالب تزویج نمود به من دستور فرمود تا من نیز در زمین فاطمه را به علی بن ابیطالب تزویج نمایم.

۱. جنّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هشتم، صفحه ۲۱۲ «پاورقی» و صفحه ۲۵۸.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۰ «پاورقی ۱ و ۲».

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۶۸ «پاورقی».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

من نیز طبق دستور خداوند متعال دخترم فاطمه را به علی بن ابیطالب تزویج نمودم.

بلافاصله پس از تزویج فاطمه به علی بن ابیطالب جبرئیل از جانب خداوند متعال نازل شد و به من گفت:

یا رسول الله:

خداوند متعال بهشتی از لؤلؤ بنا فرمود که بین هر ستون آن تا ستون دیگر از یاقوت است،

سقفها و طاقهای آن از زبرجد سبز است،

غرفه‌های آن از طلا و نقره و درّ و یاقوت است.

در این بهشت چشمه‌ها و نه‌هایی وجود دارد که اطراف آنها قصرهایی بنا شده‌اند و در هر قصر قبه‌هایی از درّ و جواهر قرار دارد.

برای هر قبه صد در قرار داده شده و کنار هر در دو چشمه جاری است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

سپس جبرئیل به من گفت:

یا رسول الله:

خداوند متعال این بهشت را برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها خلق فرموده،

و این بهشت، هدیه و تحفه خداوند متعال به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،

و این بهشت غیر از بهشت‌هایی است که به این دو بزرگوار تعلق دارد.

یا رسول الله:

چشم شما روشن باد،

و رحمت همیشگی خداوند متعال بر تو باشد.

این حدیث شریف را بسیاری از علمای شیعه و سنی در کتب خویش نقل نموده‌اند که آیت الله میرجهانی در کتاب *جُنَّة العاصمه* به اسامی تعدادی از آنها اشاره نموده است «به قرار ذیل»:

علامه مجلسی در *بحار الانوار* «جلد چهل و سوم، صفحه ۴۱».

عبدالله بحرانی در *عوالم العلوم* «جلد یازدهم، صفحه ۶۵».

محمد بن خالد برقی در *محاسن* «صفحه ۱۹۲».

محمد بن جریر طبری در *دلایل الامامه و نوادر المعجزات* «صفحه ۵۰».

گنجی شافعی در *کفاية الطالب* «صفحه ۳۲۰».

علی بن ابی بکر هیشمی در *مجمع الزوائد* «جلد نهم، صفحه ۲۰۴».

ابن عساکر در *تاریخ مدینه دمشق* «جلد اول، صفحه ۲۳۶».

خوارزمی در *مقتل الحسین* «جلد اول، صفحه ۷۶»، و...^۱

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می‌پردازیم به بیست و پنجمین فضیلت آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

۱. *جُنَّة العاصمه*، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل هشتم، صفحه ۲۵۸ تا ۲۶۰ و پاورقی صفحه ۲۵۹، ذیل عنوان تحفه خداوند متعال به حضرت علی و حضرت فاطمه سلام الله علیهما پس از ازدواج.

فضیلت بیست و پنجم

در علو مقام سومین شخصیت خلقت یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

شب زفاف آن حضرت، جبرئیل و میکائیل با هفتاد هزار ملک «فرشته» به زمین آمدند تا آن علیا مخدره را به منزل مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ببرند.

ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال در آسمان فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج فرمود،

و سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا آن حضرت نیز در زمین فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تزویج نماید تا اهل زمین نیز مانند اهل آسمان «یعنی ملائکه» شاهد این وصلت مبارک و نورانی باشند.

شب زفاف صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل علیه السلام از ناحیه خداوند متعال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و هدیه خداوند متعال را به فاطمه زهرا سلام الله علیها اعطا فرمود،

و آنگاه جبرئیل و میکائیل هر کدام با هفتاد هزار مَلک «فرشته» آن علیا مخدّره را به منزل مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام بردند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

حدیث اول:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شب عروسی فاطمه زهرا سلام الله علیها پیراهن نو و تازه‌ای مهیا فرمود تا آن علیا مخدّره به جای پیراهن وصله‌دار خویش از آن استفاده نماید.

در این هنگام سائلی در زد و گفت:

من سائلم و از بیت نبوّت و رسالت پیراهن کهنه‌ای می‌خواهم.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها که صدای زن سائل را شنید تصمیم گرفت پیراهن وصله‌دار خویش را به او ببخشد که ناگاه متذکّر این آیه شریفه شد که خداوند متعال می‌فرماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ «آیه ۹۲ سوره آل عمران»،

لذا پیراهن نو و تازه خویش را به سائل اعطا فرمود،

و در همین هنگام به دستور خداوند متعال جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

خداوند متعال تو را سلام رساند،

و به من دستور فرمود که به فاطمه سلام برسانم و هدیه خداوند متعال را به

دخترت فاطمه بدهم،

و این هدیه خداوند متعال جامه‌ای است از جامه‌های بهشتی از جنس

سندس سبز «دیبای سبز».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سلام خداوند متعال را

به دخترش فاطمه زهرا سلام الله عليها ابلاغ فرمود، و سپس جامه بهشتی دیبای سبز را که خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام الله عليها هدیه نموده بود به دختر گرانقدر خویش داد تا آن را بپوشد و با آن لباس بهشتی که هدیه خداوند متعال بود عازم منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بشود.

این حدیث را قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق نقل نموده، و عبدالرحمن صفوری شافعی «از علمای اهل سنت» نیز در کتاب خویش به نام نزهة المجالس آن را آورده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها شب عروسی خویش براساس فرمایش خداوند متعال در آیه ۹۲ سوره آل عمران «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» لباس نو و تازه خویش را به زن سائل اعطا فرمود و به لباس کهنه و وصله دار خویش بسنده نمود،

و خداوند متعال نیز به خاطر این ایثار فاطمه زهرا سلام الله عليها جبرئیل را نازل فرمود و لباسی از لباس های بهشتی را به آن علیا مخدّره اعطا فرمود.

خداوند متعال در آیه ۹۲ سوره آل عمران می فرماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ، وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ، یعنی:

شما هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه که دوست

می دارید در راه خدا انفاق کنید،

و آنچه را که انفاق می کنید خداوند متعال از آن آگاه است.^۲

۱. جنة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل پانزدهم، صفحه ۴۲۶، شماره ۴۰، ذیل عنوان: پاره ای از مناقب حضرت زهرا سلام الله عليها از کتب عامّه «اهل سنت».

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳، ذیل عنوان: عروسی حضرت زهرا سلام الله عليها و مقدمات آن.

فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۸۵، حدیث ۴.

۲. تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۳ «ذیل آیه ۹۲ سوره آل عمران».

شرح لغات و توضیحات

برّ = خیر وسیع، کارهای خیر و نیک که نتیجه آن گسترده است و به دیگران می‌رسد.

انفاق = خرج کردن، هزینه کردن.

انْفَقَ الْمَالُ = مال را خرج کرد و مصرف نمود «مال را در راه خدا انفاق کرد». در آیات قبل از این آیه شریفه بحث درباره ایمان و کفر و نشانه‌ها و آثار آن بود،

و این آیه شریفه «آیه ۹۲ سوره آل عمران» به یکی از راه‌های وصول به حقیقت ایمان و مقام برّ و نیکوکاری اشاره می‌کند،

همان چیزی که بهترین علامت و نشانه ایمان و تقوا می‌باشد.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ، یعنی:

به حقیقت تقوا و طاعت الهی نمی‌رسید، یا:

از نیکان و ابرار یعنی از صالحان اتقیا نخواهید بود، مگر اینکه:

حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ، یعنی:

آنچه از اموال نفیس و ارزشمند که مورد علاقه و محبت شما می‌باشد در راه

خدا انفاق کنید، نه از اموال بی‌ارزش که خیلی به آن علاقه ندارید.

قابل ذکر است که:

برّ معنی وسیعی دارد و به تمام خیرات و نیکی‌ها اعم از ایمان و اعمال صالح

گفته می‌شود.

بنابراین:

رسیدن به مقام صالحین و نیکوکاران واقعی شرایط زیادی دارد که یکی از

آنها انفاق کردن از اموالی است که مورد علاقه انسان می‌باشد، نه انفاق از اموال

بی ارزش و کم ارزش که انسان به آنها علاقه چندانی ندارد.
 خداوند متعال برای جلب توجه انفاق کنندگان و برای پاکیزه ساختن خاطر
 آنها در انتهای آیه شریفه می فرماید:
 وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ، یعنی:
 آنچه را که از اموال خود در راه خدا انفاق می کنید «کم باشد یا زیاد، از اموال
 مورد علاقه شما باشد یا از اموالی که خیلی به آن علاقه ندارید، اموال ارزشمند
 باشد یا از اموال کم ارزش»،
 خداوند متعال از همه آنها آگاه است، یعنی:
 آنچه را که در راه خدا انفاق می کنید خداوند متعال از کمیّت و کیفیت آنها
 آگاه است و به آنها اجر و پاداش خواهد داد، یعنی:
 هرگز اعمال صالح انسانها «از جمله انفاق در راه خدا» گم نخواهد شد، و
 چگونگی آن «کمیّت و کیفیت آن» بر خداوند متعال مخفی نخواهد ماند.^۱

حدیث دوم:

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که:
 وقتی که شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها فرا رسید، وجود مقدّس
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم استر خویش را آورد و پارچه ای روی
 آن انداخت و سپس به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود تا سوار استر شود،
 و به سلمان فارسی نیز دستور فرمود تا مهار استر را بگیرد تا عازم منزل
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بشوند.
 در همین حال جبرئیل و میکائیل با هفتاد هزار ملک خدمت پیامبر اکرم صلی

۱. تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۳ تا ۱۵ «ذیل آیه ۹۲ سوره آل عمران».
 المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۴۳ و ۲۴۴ «ذیل آیه ۹۲ سوره آل عمران».
 مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۶۱ تا ۱۶۳ «ذیل آیه ۹۲ سوره آل عمران».
 مفردات راغب.

الله علیه و آله و سلم رسیدند و به آن حضرت عرض نمودند:
یا رسول الله:

ما از جانب خداوند متعال آمده‌ایم تا فاطمه زهرا سلام الله علیها را به منزل شوهرش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ببریم،
و در همان حال جبرئیل تکبیر گفت،
سپس میکائیل تکبیر گفت،
و سپس ملائکه تکبیر گفتند،
و به همین جهت از همان شب تکبیر گفتن در عروسی سنت شد.^۱
قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را شیخ طوسی در امالی، شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، علامه مجلسی در بحارالانوار نقل نموده‌اند،
و از علمای اهل سنت نیز ابن عساکر این حدیث شریف را در کتاب خویش
«تاریخ مدینه عشق» نقل نموده است.^۲

حدیث سوّم:

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که:
شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل و میکائیل با هفتاد هزار ملک نازل شدند تا فاطمه زهرا سلام الله علیها را به منزل شوهرش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ببرند.
جبرئیل در طرف راست فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار گرفت،

۱. امالی شیخ طوسی، جلد اول، مجلس دهم، صفحه ۵۶۵ تا ۵۶۷، حدیث ۲ «۴۶۴».

جُتَّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل چهاردهم، صفحه ۳۶۰، منقبت پنجم.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۷۹، حدیث ۵.
خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۶۶۴ مراسم عروسی فاطمه علیها سلام و صفحه ۸۴۳.

۲. جُتَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل چهاردهم، صفحه ۳۶۰، منقبت پنجم «پاورقی».

میکائیل در طرف چپ آن حضرت،
و هفتاد هزار ملک نیز در پشت سر آن علیا مخدّره سلام الله علیها قرار
گرفتند، و در حالی که خداوند متعال را تسبیح و تقدیس می نمودند حضرت
زهرا سلام الله علیها را به منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بردند.^۱
قابل ذکر است که :

این حدیث شریف را علاوه بر منابع شیعه، بسیاری از علمای اهل سنت نیز
نقل نموده اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.
خطیب خوارزمی در مقتل الحسین «جلد اوّل، صفحه ۶۶».
خطیب خوارزمی در مناقب «صفحه ۲۴۶».
خطیب بغدادی در تاریخ بغداد «جلد پنجم، صفحه ۷».
قندوزی در ینابیع المودّه «صفحه ۱۹۷».
ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان «جلد دوّم، صفحه ۷۴».
حموبنی در فرائد السّمطین.
احمد بن عثمان ذهبی در میزان الاعتدال «جلد اوّل، صفحه ۱۶۸»، و...^۲

توضیح:

۱- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها آنچنان مقام و جایگاه رفیعی در

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۶۹.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۲۲۲، حدیث ۴.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۸۰، حدیث ۷.
خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۶۵۸، حضور ملائکه در عروسی فاطمه علیها سلام
زندگانی فاطمه علیها سلام، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۱۵.

۲. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۶۹، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله
علیها «پاورقی».

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۲۸، صفحه ۵۸۰، حدیث ۷، ذیل
عنوان: ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها «پاورقی».
زندگانی فاطمه علیها سلام، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۱۵، عروسی حضرت زهرا سلام الله علیها.

پیشگاه خداوند متعال دارد که احدی از مخلوقات الهی غیر از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام قادر به درک این مقامات نمی باشد، و این موضوع فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام می باشد که در رابطه با علت نامگذاری آن علیا مخدّره به نام فاطمه «یکی از علل نامگذاری آن حضرت به اسم شریف فاطمه» فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

حضرت زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا:

تمام مخلوقات الهی از شناختن آن حضرت بازگرفته شده و جدا شده اند، یعنی:

مخلوقات الهی به حقیقت و به کُنه معرفت آن علیا مخدّره سلام الله علیها راه نیافته اند،

و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن حضرت نمی باشند. در مقدمه این کتاب شریف فاطمی، همچنین ذیل هیجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با این حدیث شریف توضیحاتی ارائه شده است.

۲- فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ اللَّهِ و وَليَّةُ اللَّهِ است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است، و ذیل نهمین فضیلت از فضائل بی شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را از نور عظمت خویش خلق فرموده است.

۳- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ اللَّهِ و وَليَّةُ اللَّهِ است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل هفدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال پس از تولد فاطمه زهرا سلام الله علیها ده حوریّه از حوریّه‌های بهشتی «ده حورالعین» را به سوی آن علیا مخدّره روانه فرمود تا آن حضرت را با آب کوثر شستشو بدهند،

گرچه آن علیا مخدّره مانند سایر معصومین علیهم السّلام کاملاً پاک و تمیز و مطهّر به دنیا آمد و نیاز به تطهیر نداشت.

۴- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وِلِیَّةُ الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل بیست و سومین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال حضرت زهرا را نامگذاری فرموده است،

ضمن اینکه خداوند متعال نام آن حضرت یعنی نام مبارک فاطمه را از نام خویش یعنی از نام فاطر مشتق نموده و به آن حضرت نهاده است.

۵- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وِلِیَّةُ الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را در آسمان به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تزویج فرمود،

و سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دستور فرمود تا آن

حضرت نیز در زمین فاطمه زهرا سلام الله علیها را به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب تزویج نماید تا اهل زمین نیز مانند اهل آسمان «یعنی ملائکه» شاهد و گواه این وصلت نورانی باشند.

۶- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّة الله و وَلیَّة الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل بیست و پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل نمود تا سلام خداوند متعال را به آن دو بزرگوار ابلاغ نماید،

و هدیه خداوند متعال را که جامه‌ای از جامه‌های بهشتی بود به فاطمه زهرا سلام الله علیها تحویل دهد.

۷- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّة الله و وَلیَّة الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل بیست و پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

خداوند متعال شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل و میکائیل را با هفتاد هزار ملک «فرشته» به زمین نازل فرمود تا آن علیا مخدّره را به منزل شوهرش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام ببرند.

۸- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّة الله و وَلیَّة الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است،

و ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی‌شمار آن حضرت در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

جسد مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها با حنوط بهشتی که جبرئیل به دستور خداوند متعال آورده بود حنوط گردید و به خاک سپرده شد، یعنی:

به دستور خداوند متعال جبرئیل با حنوط بهشتی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و حنوط بهشتی را تقدیم پیامبر اکرم نمود و آن حضرت نیز به دستور خداوند متعال آن را به سه قسمت تقسیم فرمود که یک سهم آن به خود پیامبر اکرم اختصاص یافت،

یک سهم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یک سهم نیز به فاطمه زهرا سلام الله علیها رسید،

و آن علیا مخدّره با آن حنوط بهشتی حنوط گردید و به خاک سپرده شد.

۹- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وَلِیَّةُ الله است و بعد از پدر بزرگوارش و بعد از شوهر گرانقدرش افضل و اشرف مخلوقات الهی است، و به حدّی قرب به درگاه الهی دارد که:

عقل کل و اوّلین شخصیت عالم خلقت و افضل و اشرف مخلوقات الهی یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اختیار تمام عالم امکان به دست مبارک او است و بر همه مخلوقات الهی ولایت دارد درباره ازدواج آن علیا مخدّره فرمود:

دخترم از آن خداوند متعال است،

و من درباره ازدواج دخترم هیچگونه اختیاری ندارم،

و اختیار ازدواج او فقط با خداوند متعال می‌باشد.

ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی‌شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث اوّل و توضیحات ذیل این حدیث

شریف» در این رابطه توضیحاتی به عرض رسیده است.
پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و پنجمین فضیلت از فضائل
بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی،
می پردازیم به بیست و ششمین فضیلت آن علیا مندره سلام الله علیها.

فضیلت بیست و ششم

در علو مقام سومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جبرئیل کراراً به محضر مقدس آن علیا مخدّره سلام الله علیها شرفیاب می شد و با آن حضرت سخن می گفت و آن وجود مقدس را تسلی می داد.
قابل ذکر است که:

حضرت زهرا سلام الله علیها پس از رحلت پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۷۵ روز در قید حیات بود و در این مدّت کوتاه، جبرئیل امین بارها و بارها یعنی مستمرّاً به محضر آن علیا مخدّره شرفیاب می شد و با آن حضرت سخن می گفت،

و دومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آن مطالب را می نوشت و آن را مکتوب می فرمود،

و این کتاب شریف که مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها نام دارد الآن در دست مبارک بقیة الله الاعظم حجّة بن الحسن القائم المهدی صلوات الله و سلامه علیه می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش حدیث به آن

اشاره خواهد شد.

ملاحظه فرمودید که:

جبرئیل امین در این مدت کوتاه ۷۵ روزه کراراً به محضر حضرت زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد، یعنی: این مرآورده مکرر صورت گرفته است، و شاید این فضیلت و این منقبت فاطمه زهرا سلام الله علیها «شرفیاب شدن جبرئیل امین به محضر آن علیا مخدّره بطور مکرر و مستمر آن هم در مدت کوتاه ۷۵ روزه» مهم ترین و یا یکی از مهم ترین فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها باشد، و شاید این نحوه مرآورده و نزول مکرر و مستمر جبرئیل امین آن هم در مدت کوتاه ۷۵ روزه غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم برای انبیاء عظام الهی نیز صورت نگرفته باشد، و این موضوع نیز یکی از دهها دلیل افضل بودن آن علیا مخدّره بر تمام انبیاء الهی و حجج خداوند متعال می باشد «غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم و حضرت امیر سلام الله علیهما».

حدیث:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْمًا،

وَ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا،

وَ كَانَ جِبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا،

فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا،

وَ يُطَيِّبُ نَفْسَهَا،

وَ يُخْبِرُهَا عَنِ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ،

وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا،
وَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ،
فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، يَعْنِي:

وجود مقدّس امام صادق عليه السّلام فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله عليها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم هفتاد و پنج روز در دنیا بود،

و به خاطر رحلت پدر بزرگوارش غم و اندوه سختی او را فرا گرفته بود،
و به همین جهت جبرئیل علیه السّلام مکرّر و پی در پی به حضور آن علیا
مخدّره می رسید و او را به خاطر از دست دادن پدر بزرگوارش تسلیت می داد،
و آن حضرت را خوش دل می ساخت،

و از حال پدر بزرگوارش و از مقامات پدر بزرگوارش به آن حضرت خبر
می داد،

و از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریّه و اولاد او روی خواهد داد او
را آگاه می نمود «اخبار و وقایع آینده را به حضرت زهرا سلام الله عليها بیان
می نمود»،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آنها را می نوشت،

و مجموعه این نوشته ها مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ می باشد.

این حدیث شریف را ابو عبیده از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل
نموده است.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۴۸، حدیث ۵، «حدیث ۶۳۳».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۲۳۶».

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۳۵، موضوع نهم، ذیل عنوان: مُحدّث بودن فاطمه زهرا سلام الله عليها.

فاطمه عليها سلام حلقة وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۰۴ «پاورقی».

مجلس بیست و یکم، ذیل عنوان: مصحف فاطمه عليها سلام گنجینه حوائج بشریت. ←

ملاحظه فرمودید که:

طبق این حدیث شریف و نورانی، وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز در دنیا بود،

و از فراق و دوری پدر بزرگوارش به شدت متأثر و اندوهگین بود، و در این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه، امین وحی الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السلام مکرّر به محضر فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد، و به آن حضرت تسلیت می گفت و آن علیا مخدّره را تسلیت می داد، همچنین از حال پدر بزرگوارش و از مقامات آن حضرت به فاطمه زهرا سلام الله علیها گزارش می داد،

همچنین از سرگذشت نسل و ذریّه اش و آنچه که بر سر ذریّه اش خواهد آمد «ذریّه حضرت زهرا» به فاطمه زهرا سلام الله علیها گزارش می داد، و وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز این مطالب را می نوشت،

و این نوشته ها که دستخط مبارک امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها نام دارد.

بنابراین:

مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها کتابی است که مطالب آن را جبرئیل به دستور خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل می نمود،

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد اوّل، صفحه ۱۳۰، ذیل عنوان: وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ.

جلد دهم، صفحه ۱۳۴، ذیل عنوان: وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ.

جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفتم، صفحه ۱۹۵، حدیث پنجم.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۷، توضیحات ذیل حدیث نهم.

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمدکاظم قزوینی، صفحه ۷۴.

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آن مطالب را می نوشت. این حدیث شریف و نورانی را روات متعدّدی از قبیل ابوبصیر، ابو عبیده، حماد بن عیسی، حسین بن ابی العلاء، سلیمان بن خالد و عبدالملک بن اعین از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده اند.^۱

به عرض رسید که:

حضرت جبرئیل که امین و وحی الهی است طی هفتاد و پنج روزی که فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پدر بزرگوارش در دنیا بود پیوسته و مکرّر به محضر آن علیا مخدّره سلام الله علیها شرفیاب می شد و ضمن تسلیت دادن به آن حضرت، اخبار و وقایع آینده و گذشته را نیز به دستور خداوند متعال به آن حضرت گزارش می نمود.

طبق نظر بسیاری از علما و فقها و اندیشمندان بزرگوار شیعه، شاید و بلکه به احتمال قریب به یقین این نحوه نزول مکرّر جبرئیل غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم برای سایر انبیاء عظام الهی نیز صورت نگرفته است،

و این مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام و منزلت انحصاری و اختصاصی آن حضرت می باشد که جبرئیل علیه السّلام مکرّر به محضر آن علیا مخدّره شرفیاب می شد و گزارش می داد.

آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی در کتاب خویش به نام خصائص فاطمیّه در رابطه با نزول جبرئیل و تشرّف او به محضر فاطمه زهرا سلام الله علیها می نویسد:

حضرت جبرئیل علیه السّلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طی هفتاد و پنج روز در هر شبانه روز پنج مرتبه بعد از اداء فرائض یومیّه

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۴۴ تا ۳۵۰، حدیث ۱ تا ۸ «حدیث ۶۲۹ تا ۶۳۶».

اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۵۵، حدیث ۱ «حدیث ۱۲۳۶».

«بعد از نمازهای واجب» خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها مشرف می شد،
و مشابه وحی تحدیث اخبار می کرد،
و فاطمه زهرا سلام الله علیها را تسلیت می داد،
و موصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها همین مطالب است که امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام آنها را مکتوب فرموده است «نوشته است»^۱.
آیت الله سید محمدحسن میرجهانی در کتاب جنة العاصمه در رابطه با تشرف
جبرئیل و سایر ملائکه الهی به محضر فاطمه سلام الله علیها می نویسد:
ملائکه الهی و اشرف و افضل و اعظم ملائکه الهی یعنی جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل بدون اذن فاطمه زهرا سلام الله علیها بر آن حضرت وارد
نمی شدند «اجازه می گرفتند و سپس به محضر آن علیا مخدّره سلام الله علیها
مشرف می شدند»،
و ملائکه الهی و اعظم ملائکه الهی یعنی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
عزرائیل از اطاعت فاطمه زهرا سلام الله علیها بیرون نیستند «موظف به اطاعت
از آن علیا مخدّره می باشند»،
و خداوند متعال عهد ولایت فاطمه زهرا سلام الله علیها را از جبرئیل و
میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و سایر ملائکه الهی گرفته است «جبرئیل و
میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و سایر ملائکه الهی به دستور خداوند متعال
ولایت فاطمه زهرا سلام الله علیها را پذیرفته اند و موظف به اطاعت از آن علیا
مخدّره می باشند»^۲.

در کتاب شرح جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» تألیف آیت الله جوادی آملی

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۲۰۸ و ۲۰۹، ذیل عنوان: تشرف
جبرئیل به محضر فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۲. جنة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، صفحه ۱۶۸، خصیصه شانزدهم، فصل ششم، ذیل عنوان: خصیصه های
فاطمه زهرا سلام الله علیها.

آمده که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل علیه السّلام مستمراً به حضور فاطمه زهرا سلام الله علیها می آمد و به آن علیا مخدّره تسلیت و تعزیت می داد،

و از حال پیامبر اکرم می گفت،

و اخبار آینده را به فاطمه زهرا سلام الله علیها گزارش می کرد،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آنها را می نوشت، و این

همان چیزی است که بعداً مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها نام گرفت.

تعبیر «كَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا» در حدیث شریفی که از امام صادق علیه السّلام نقل

شده به معنی تردّد و رفت و آمد جبرئیل علیه السّلام خدمت فاطمه زهرا سلام

الله علیها می باشد، یعنی:

در این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه جبرئیل علیه السّلام مرتّب خدمت

فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد.^۱

در قسمت دیگری از کتاب شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»

تألیف آیت الله جوادی آملی آمده که:

ما بدین سبب در برابر ائمه معصومین علیهم السّلام تسلیم هستیم و خود را

مکلف به اطاعت از آن ذوات مقدّسه می دانیم که این بزرگواران معصوم هستند

و مقام عصمت دارند،

و قول و فعل و تقریر آنها بر همگان حجّت است.

وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز حُجَّة الله است و مقام عصمت

دارد،

و به همین دلیل فرمایشات آن حضرت نیز بر همگان حجّت است و فرامین

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۱۳۰، ذیل عنوان: وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ.

آن علیا مخدّره نیز لازم الاتباع می باشد «یعنی اطاعت از فاطمه زهرا سلام الله علیها بر همگان واجب است همانطور که اطاعت از ائمه معصومین علیهم السّلام بر همگان واجب می باشد، زیرا آن علیا مخدّره حُجَّة الله است و مقام عصمت دارد، و قول و فعل و تقریر معصوم بر همگان حجت است».

در ادامه سخن و در ادامه بحث آمده که:

وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سلسله مقاماتی دارد که فهم آنها مقدور ما نیست،

و از جمله مقامات آن علیا مخدّره این است که:

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، جبرئیل علیه السّلام مکرّر خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد، و معارف الهی را بیان می کرد و حوادث آینده را گزارش می کرد،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز آنها را می شنید و سپس به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام املا می نمود،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آنها را می نوشت و نتیجه اش مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها شد.

همانطور که خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السّلام و به برخی دیگر از انبیاء دیگر صُحف اعطا فرموده،

به وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز صحیفه اعطا فرموده است «یعنی مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها»،

لیکن این صحیفه و این مُصحف شریف فاطمی، شریعت نیست بلکه دربردارنده اخبار غیبی و علوم و معارف الهی است.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دهم، صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴، ذیل عنوان: وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ.

توضیحی پیرامون مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها:

همانطور که قبلاً به عرض رسید،

جبرئیل علیه السلام که امین و حی الهی است طی مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه «از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تا زمان شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» بطور مکرّر خدمت حضرت زهرا سلام الله علیها می رسید و مرتّب با آن علیا مخدّره مرادّه داشت و به امر خداوند متعال مطالبی را به آن حضرت می گفت،

و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز آنها را می نوشت، و این مطالب که وحی خداوند متعال می باشد به نام مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها نامیده می شود که اخبار و وقایع گذشته و آینده از اوّل خلقت تا روز قیامت در این مصحف شریف فاطمی وجود دارد که انشاء الله تعالی در حدیث شریف ذیل آن را ملاحظه خواهید فرمود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

أُنزِلَ عَلَيْهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا، یعنی:

مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بر آن علیا مخدّره نازل شد.

و وجود مقدّس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش درباره مطالب و موضوعات مُصحف شریف فاطمی فرمودند:

فِيهِ خَيْرٌ مَا كَانَ وَ خَيْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

وَ فِيهِ خَيْرٌ سَمَاءٍ سَمَاءٍ،

وَ عَدَدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ،

وَ عَدَدُ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللهُ مُرْسَلًا وَ غَيْرِ مُرْسَلٍ،

وَ اَسْمَاءُ هُمْ وَ اَسْمَاءُ مَنْ اُرْسِلَ اِلَيْهِمْ،
 وَ اَسْمَاءُ مَنْ كَذَّبَ وَ مَنْ اَجَابَ مِنْهُمْ،
 وَ فِيهِ اَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ،
 یعنی:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام دربارہ مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها و مطالب و موضوعات این مُصحف شریف فرمودند:
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اخبار و وقایعی که تا به حال اتفاق افتاده «اخبار آنچه که تا به حال بوده»،
 و اخبار آنچه که تا روز قیامت خواهد بود.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اخبار یکایک آسمانها، و تعداد ملائکه و موجودات دیگری که در آسمانها هستند.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است تعداد همه انبیاء و فرستادگان خداوند متعال اعم از پیامبران مُرسَل و غیر مُرسَل،
 و اسامی تمام انبیاء و اسامی اقوامی که این پیامبران به سوی آنها فرستاده شده‌اند،

و اسامی کسانی که انبیاء الهی را تکذیب نمودند،
 و اسامی کسانی که به انبیاء الهی گرویدند و به آنها ایمان آوردند.
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است اسامی تمام مؤمنین و تمام کافرین از آغاز خلقت تا پایان آفرینش.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است نام شهرها و ویژگی‌های آنها
 چه در شرق جهان و چه در غرب.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است تعداد مؤمنین هر شهر و تعداد

کافرین آن، و خصوصیات و ویژگی های آنها.
در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله عليها است صفات و ویژگی های اقوام
گذشته،

و اسامی طاغوت هایی که به قدرت رسیده اند و مدّت حکومت آنها.
در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله عليها است مشخصات و نام ائمه معصومین
عليهم السّلام و مدّت امامت آن بزرگواران،
و موضوع رجعت آن ذوات مقدّسه.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله عليها است اسامی تمام مخلوقات الهی از
اوّل خلقت تا پایان آفرینش و مدّت عمر آنها.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله عليها است اسامی همه اهل بهشت «اسامی
همه بهشتیان» و اسامی همه اهل جهنّم «اسامی همه جهنّمیان» و خصوصیات
و ویژگی های آنها.

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله عليها است علم قرآن کریم به همان
گونه ای که نازل شده است،
و علم تورات و انجیل و زبور «یعنی علم همه کتب آسمانی» همانگونه که
نازل شده اند.

راوی این حدیث شریف که ابوبصیر است می گوید:
به محضر مقدّس امام باقر علیه السّلام عرض کردم:
یا بن رسول الله:

پس از فاطمه زهرا سلام الله عليها «پس از شهادت آن حضرت» مُصحف
فاطمه زهرا سلام الله عليها به چه کسی رسید؟

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها این مُصحف شریف فاطمی را به

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تحویل داد،
 و پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام مُصحف فاطمه
 زهرا سلام الله علیها به امام حسن مجتبی علیه السّلام رسید،
 و پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السّلام مُصحف فاطمه زهرا سلام
 الله علیها به امام حسین علیه السّلام رسید،
 و پس از شهادت امام حسین علیه السّلام این مُصحف شریف فاطمی به
 دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام تحویل داده شد،
 تا اینکه آن ذوات مقدّسه این مصحف شریف فاطمی را به صاحب این امر
 یعنی به وجود مقدّس بقیّة الله الاعظم حجّة بن الحسن القائم المهدي صلوات
 الله و سلامه علیه واگذار نمایند.^۱

آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی در کتاب جُنّة العاصمه در رابطه با
 مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها می نویسد:

از جمله علائم و نشانه‌هایی که دالّ بر ولایت کلیّه داشتن فاطمه زهرا سلام
 الله علیها می باشد نزول مُصحف بر آن حضرت می باشد.
 در مُصحف شریف فاطمه زهرا سلام الله علیها است:
 خبرهای آنچه که بوده «آنچه که اتّفاق افتاده»،

آنچه که خواهد بود «آنچه که تا روز قیامت اتّفاق خواهد افتاد»،
 شماره آنچه که در آسمانها است از نام‌های ملائکه و غیر آنها،
 شماره آنچه که خداوند متعال خلق فرموده است، از انبیاء و مرسلین و

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۰۴، مجلس بیست و یکم، ذیل عنوان: مُصحف حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها گنجینه حوائج بشریت.
 قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد دوم، بخش سوم، صفحه ۴۱۵ تا ۴۱۸، حدیث ۱۲/۹۰۱.

جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل هفتم، صفحه ۱۸۹، حدیث اول، ذیل عنوان: مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۲۶، حدیث ۹.

نام‌های ایشان،

نام‌های کسانی که انبیاء و مرسلین را تکذیب کرده‌اند،

نام‌های کسانی که به انبیاء و مرسلین ایمان آورده‌اند،

نام‌های همه اهل ایمان و همه اهل کفر از اوّلین و آخرین «نام‌های همه مؤمنین و کافرین از اوّل خلقت تا روز قیامت».

در مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها است خصوصیات و ویژگی‌های هر شهر و روستایی که تاکنون بنا شده و یا بنا خواهد شد، و تعداد مؤمنینی که در هر شهر و روستا زندگی نموده‌اند و یا زندگی خواهند کرد،

و تعداد کافرینی که در هر شهر و روستا زندگی نموده‌اند و یا زندگی خواهند کرد.

در مُصحف شریف فاطمی است صفات اهل بهشت و تعداد افرادی که وارد بهشت می‌شوند،

و صفات اهل جهنّم و تعداد افرادی که وارد جهنّم خواهند شد.

در مُصحف شریف فاطمی است علم تمام قرآن کریم به نحوی که نازل شده است،

و علم تورات و انجیل و زبور به نحوی که هر کدام از آنها نازل شده‌اند. نزول چنین مُصحف شریفی به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت بر این دارد که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها وَلِیَّةُ الله است،

و در داشتن ولایت کلّیه هم‌دوش و هم‌تراز پدر بزرگوار خویش و شوهر گرانقدر خویش می‌باشد.^۱

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت‌الله سیّد محمّدحسن میرجهانی، صفحه ۳۱۹ تا ۳۲۱، فصل دوازدهم، ذیل عنوان: بیان ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قابل ذکر است که:

ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است که: فاطمه زهرا سلام الله علیها وَیَّةُ الله است و دارای مقام ولایت کلیه می‌باشد و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش بر همه مخلوقات ولایت دارد. ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زنده بود و طی این مدت کوتاه هفتاد و پنج روزه «از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» جبرئیل علیه السلام مکرر به خدمت آن علیا مخدّره می‌رسید و به امر خداوند متعال اخبار گذشته و آینده را به آن حضرت گزارش می‌کرد،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز آنها را می‌نوشت که این نوشته‌ها و این کتاب شریف به مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها معروف است که طبق فرمایش امام باقر علیه السلام، خبر ما کانَ و ما یَکُونُ اِلی یَوْمِ الْقِیَامَةِ در آن مُصحف شریف وجود دارد.

غیر از جبرئیل علیه السلام، سایر ملائکه مقرب الهی نیز به دستور خداوند متعال مکرر خدمت آن علیا مخدّره نازل می‌شدند و با آن حضرت سخن می‌گفتند،

و به همین جهت فاطمه زهرا سلام الله علیها مُحدّثه می‌باشد، و مُحدّثه یکی از نام‌های شریف آن علیا مخدّره می‌باشد که انشاء الله تعالی در حدیث ذیل به آن اشاره خواهد شد.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به این دلیل مُحَدَّثَه نامیده شده که ملائکه الهی خدمت آن علیا منخدره نازل شده و با آن حضرت سخن می گفتند. امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ملائکه الهی خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت عرض می کردند:

یا فاطمةُ:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

یا فاطمةُ:

أُفْتِنِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ، یعنی:

ملائکه الهی به دستور خداوند متعال خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت عرض می کردند:

ای فاطمه:

خداوند متعال تو را برگزید «انتخاب کرد»،

و تو را پاک و مطهر نمود «از تمام عیوب و آلودگی ها»،

و تو را به تمام بانوان عالم برتری داد.

ای فاطمه:

به شکرانه این نعمات عظیم، پروردگارت را عبادت کن،

و برای پروردگارت سجده نما،

و همراه رکوع کنندگان برای پروردگارت رکوع کن.

امام صادق علیه السّلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:

ملائکه الهی با فاطمه زهرا سلام الله علیها سخن می گفتند،

و آن حضرت نیز با ملائکه الهی سخن می گفت،

و طی این صحبت ها بود که ملائکه الهی به فاطمه زهرا سلام الله علیها

عرض کردند:

يا فاطمةُ:

أَنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا،
وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا،
وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، يَعْنِي:

ملائکه الهی به فاطمه زهرا سلام الله عليها عرض کردند:

ای فاطمه:

مریم «مادر حضرت عیسی» سیده بانوان زمان خودش بود «حضرت مریم
برترین و با فضیلت ترین بانوی بانوان زمان خویش بود»،

لیکن:

ای فاطمه:

خداوند متعال تو را سیده و سرور بانوان زمان خودت،

و سیده و سرور بانوان زمان حضرت مریم،

و سیده و سرور بانوان تمام عالم قرار داده است، از اولین تا آخرین «از

ابتدای خلقت تا روز قیامت».

این حدیث را زید بن علی بن حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام

نقل نموده است.^۱

سَيِّد = آقا، بزرگ، سرور.

مَوْنَتْ سَيِّد می شود سَيِّدَه.

حدیث = سخن، خبر.

۱. علل الشرایع صدوق، جلد اول، باب ۱۴۶، صفحه ۵۹۵، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۵ «ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۲۵، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۱۴۷۶»، «ذیل آیات ۴۲ و ۴۳ سوره آل

عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۳۲ «ذیل آیات ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران».

جمع حديث می شود احاديث.

اصطلاحاً به فرمایشات وجود مقدس چهارده معصوم عليهم السلام حديث گفته می شود.

مُحَدَّثٌ = گوینده سخن، کسی که سخن می گوید.

مُحَدَّثٌ = شنونده سخن، کسی که به او سخن گفته می شود.

مُحَدَّثٌ اسم مفعول است،

و مؤنث آن می شود مُحَدَّثَةٌ.

قابل ذکر است که:

ائمه معصومین عليهم السلام مُحَدَّثٌ می باشند و وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها مُحَدَّثَةٌ، یعنی:

خداوند متعال ملائکه را خدمت آن بزرگواران نازل می فرمود و ملائکه الهی با آن ذوات مقدسه سخن می گفتند و مطالب و علوم و اخباری را که خداوند متعال امر فرموده بود به اطلاع آن بزرگواران می رساندند.^۱

در جلد دوم اصول کافی «کتاب الحجّه» پنج حديث نقل شده که طبق این احاديث شريف، ائمه معصومین عليهم السلام مُحَدَّثٌ می باشند «همچنانکه فاطمه زهرا سلام الله عليها نیز مُحَدَّثَةٌ بودند»، یعنی:

ملائکه الهی خدمت آن بزرگواران نازل شده و با آن ذوات مقدسه سخن می گفتند.^۲

لازم به ذکر است که:

ملائکه مقرب الهی در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم نیز خدمت فاطمه زهرا سلام الله عليها نازل شده و با آن حضرت سخن می گفتند

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۰، حديث ۴ «حديث ۶۹۹».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۳ تا ۱۵، حديث ۷۰۳ تا ۷۰۷.

کتاب الحجّه، باب مُحَدَّثٌ بودن ائمه معصومین عليهم السلام.

که انشاء الله تعالى در حدیث ذیل به آن اشاره خواهد شد.
 روزی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا سلام الله
 علیها و امام حسن و امام حسین علیهما السلام در محضر پیامبر اکرم صلی الله
 علیه و آله و سلم بودند،
 و در همین حال وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به
 خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ أَنْكَ تَعَلَّمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي،
 وَ أَكْرَمُ النَّاسِ عَلَيَّ،
 فَأَحِبِّ مَنْ أَحَبَّهُمْ،
 وَ ابْغِضْ مَنْ ابْغَضَهُمْ،
 وَ وَالٍ مَنْ وَالَاهُمْ، یعنی:
 خداوندا:

تو می دانی که اینها «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام» اهل بیت
 من هستند،

و گرامی ترین مردم می باشند،
 پس:

خداوندا:

دوست بدار هرکس را که آنان را دوست می دارد،
 و دشمن بدار هرکس را که با آنها دشمنی می نماید.
 سپس وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین
 علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي،

وَ خَلِيفَتِي عَلِيَّهَا مِنْ بَعْدِي، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

تو امام امت من هستی «تو امام مسلمین هستی»،

و تو خلیفه و جانشین من می باشی.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره دختر گرانقدر خویش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

و أَنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا،

فَيُسَلِّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا،

فَيَقُولُونَ:

يَا فَاطِمَةُ:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره دختر گرانقدر خویش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

دخترم فاطمه سیده و سرور بانوان عالم است از اولین و آخرین «از ابتدای خلقت تا روز قیامت»،

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که دخترم فاطمه در محراب عبادت خویش به عبادت می پردازد هفتاد

هزار ملک از ملائکه مقرب الهی به او سلام می کنند،

و به او می گویند:

ای فاطمه:

خداوند متعال تو را برگزید «انتخاب کرد»،
و تو را پاک و مطهر نمود،
و تو را بر تمام بانوان عالم برتری داد.
سپس وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رو به امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام نموده و فرمود:

یا عَلِيُّ:

إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي،
وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي،
يَسْنُوءُ نِي مَا سَاءَهَا،
وَيَسْرُنِي مَا تَسْرُّهَا،
وَهِيَ أَوْلَ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي،
فَأَحْسِنِ إِلَيْهَا بَعْدِي،
وَ أَمَّا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَهُمَا ابْنَايَ وَ رِيحَانَتَايَ،
وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ،
فَقَالَ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ،
إِنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ،
وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ،
وَ سَلِيمٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ،
وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ،
وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ،
وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ، يَعْنِي:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

ای علی:

دخترم فاطمه پاره تن من است،

دخترم فاطمه نورچشم من و میوه قلب من است،

هر چیزی که او را ناراحت کند مرا ناراحت می کند،

و هر چیزی که او را مسرور و خوشحال کند مرا خوشحال می کند.

دخترم فاطمه اولین نفر از اهل بیت من است که به من ملحق می شود،

پس:

ای علی:

بعد از من با او به نیکی رفتار کن.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

حسن و حسین دو ریحانه من «ریحانه = گل خوشبو» و دو پسر من و سید

و سرور جوانان بهشت می باشند.

آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست های مبارک

خویش را به سوی آسمان بلند کرد و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

من تو را شاهد می گیرم که:

من دوست می دارم کسی را که اینها را «یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین

علیهم السلام» دوست بدارد،

بُغض و کینه کسی را در دل دارم که بُغض و کینه اینها را در دل داشته باشد.

«بُغض = دشمنی، کینه، عداوت».

در مسالمت هستم با کسی که با آنها مسالمت داشته باشد «سِلْم = سلامتی، آشتی، صلح و صفا»،

و در جنگ هستم با کسی که با آنها در جنگ باشد.

دشمن هستم با دشمنان آنها،

و دوست هستم با دوستان آنها.

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

ملائکه مقرب الهی به دستور خداوند متعال به محضر مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شدند و با آن علیا مخدّره سخن می گفتند، و به همین جهت آن حضرت مُحدّثه می باشد،

و مُحدّثه یکی از نامهای مبارک آن علیا مخدّره است،

ضمن اینکه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه که فاطمه زهرا سلام الله علیها در قید حیات بود «از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» اشرف و افضل و اعظم ملائکه و امین وحی الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السلام به دستور خداوند متعال مکرّر و پیوسته خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شد و اخبار و وقایع عالم را خدمت آن علیا مخدّره گزارش می کرد،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۲۷، حدیث ۱۳۵ «حدیث ۱۴۸۰» «ذیل آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران». سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۵ تا ۷۸ ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، بخش ب: روایات خاصه.

جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۸۷، خصیصه شصتم. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۶ و ۱۰۷، توضیح شماره یک ذیل حدیث نهم. ۲. جُنّة العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۷۹، خصیصه سی و دوّم.

و وجود مقدّس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آنها را می نوشت،

و این نوشته ها به نام مُصحف فاطمه سلام الله علیها معروف می باشد که طبق فرمایش امام باقر علیه السّلام، خَبْرُ مَا كَانَ وَ خَبْرُ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ «اخبار و وقایع گذشته و آینده تا روز قیامت» در این مُصحف شریف فاطمی است، و این مصحف شریف الآن نزد وجود مقدّس بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله و سلامه علیه می باشد.

علامه امینی در کتاب خویش «فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها» در رابطه با مُحدّثه بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها می نویسد:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مُحدّثه می باشد،
و هنگام زیارت آن علیا مخدّره به آن بزرگوار عرض می کنیم:
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّبِيَّةُ النَّبِيَّةُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ.

در نتیجه، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در مقام مُحدّثه بودن «هم صحبت ملائکه بودن» با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام شریک می باشد،

و احراز این مقام جز برای ولیّ الله برای دیگران امکان پذیر نیست، و چون فاطمه زهرا سلام الله علیها ولیّة الله است، لذا:
در سایه مقام ولایت آن علیا مخدّره، ملائکه مقرب الهی خدمت آن حضرت شرفیاب شده و با آن بزرگوار سخن می گفتند.
در ادامه سخن علامه امینی آمده که:

هر پیامبر بعد از خودش یک «ولی» را جانشین قرار داده است،
و وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نیز وجود مقدّس

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار را اولیاء پس از خودش قرار داده است، و دارا بودن مقام و مرتبه والای مُحَدَّثُ بودن در اَمّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم جز برای این سیزده وجود مقدّس و معصوم «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم علیهم السّلام» برای هیچ یک از افراد اَمّت معقول و مقدور و میسور نیست، و تمام حرکات و گفتار و کردار فاطمه زهرا سلام الله علیها نمایانگر مقام مُحَدَّثُ بودن آن علیا مخدّره می باشد.^۱

۱. فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۳۵ تا ۲۳۷، موضوع نهم، ذیل عنوان: مُحَدَّثُ بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها.

فضیلت بیست و هفتم

در علو مقام سومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
روز قیامت آن علیا مخدّره سلام الله علیها سوار ناقه ای می شود که مهار ناقه را جبرئیل در دست دارد.

حدیث اول:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَقْبِلُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ...،
وَعَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ،
وَعَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ،
وَجَبْرَائِيلُ آخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ:
غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ،
فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا رَسُولٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غُضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ
فَاطِمَةُ، فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَازِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ، يَعْنِي:
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
وقتی که روز قیامت فرا می رسد دخترم فاطمه درحالی وارد صحرای محشر می شود که سوار بر یکی از ناقه های بهشتی است،

و هفتاد هزار مَلک «فرشته» در طرف راست،
و هفتاد هزار مَلک «فرشته» در طرف چپ آن علیا منخدره هستند،
و جبرئیل نیز زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست گرفته است،
و در همان حال جبرئیل با صدای بلند ندا می‌کند:
ای اهل مَحشر:

چشم‌های خویش را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و
آله و سلم عبور نماید،
و در آن هنگام هیچ پیامبر و رسول صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه
چشمان خویش را می‌بندد تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و
آله و سلم از صحرای محشر عبور نماید «همه اهل محشر چشمان خویش را
می‌بندند تا فاطمه زهرا سلام الله علیها از صحرای محشر عبور کند» و به مقابل
عرش خداوند متعال برسد.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله
علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که طبق این حدیث شریف نبوی، روز قیامت امین و وحی الهی

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس پنجم، صفحه ۳۵، حدیث ۴.
فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی،
مجلس دهم، صفحه ۱۶۶، ذیل عنوان: تشییع مخفیانه.
مجلس چهاردهم، صفحه ۲۱۴، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها در صحرای محشر.
مجلس شانزدهم، صفحه ۲۴۲، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها و اسم مبارکه.
فضائل حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۴۰ و ۲۴۱، موضوع دهم، ذیل عنوان: بشارت
بهشت به شیعیان حضرت زهرا سلام الله علیها.
جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵، فصل دوازدهم، ذیل عنوان: در بیان
ولایت کلّیه حضرت زهرا سلام الله علیها.
زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۳۰، ذیل عنوان: اوقاف
و صدقات جاریه حضرت زهرا سلام الله علیها.

يعنى حضرت جبرئيل عليه السلام در حالى كه زمام ناچه فاطمه زهرا سلام الله عليها را در دست دارد با صدای بلند ندا مى كند كه:

ای اهل محشر:

غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ.

این حدیث شریف در بسیاری از کتب معتبر اهل سنت نیز آمده که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

ابن اثیر در اسدالغابه «جلد پنجم، صفحه ۵۲۳».

حاکم نیشابوری در مستدرک «جلد سوّم، صفحه ۱۵۳».

حموینی در فرائد السمّین «جلد دوّم، صفحه ۴۹».

متقی هندی در کنز العمال «جلد دوازدهم، صفحه ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۸».

قندوزی در ینابیع المودّه «صفحه ۱۸۲».

ابن حجر در صواعق المحرّقه «صفحه ۲۸۹».

طبرانی در معجم الکبیر «جلد اوّل، صفحه ۱۰۸، حدیث ۱۸۰».

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه «جلد نهم، صفحه ۱۹۳»، و...^۱

حدیث شریف نبوی طولانی تر و مفصّل تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف که مرتبط با بحث بود اشاره شد، یعنی به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که روز قیامت، امین وحی الهی و اعظم ملائکه الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السلام زمام ناچه فاطمه زهرا سلام الله عليها را در دست دارد.

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۴۴ «پاورقی»، موضوع دهم، ذیل عنوان: بشارت بهشت به شیعیان حضرت زهرا سلام الله عليها.

حدیث دوم:

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

روز قیامت جبرئیل امین به دستور خداوند متعال ندا می کند:

أَيْنَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟

أَيْنَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ؟

أَيْنَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ؟

أَيْنَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ؟ یعنی:

روز قیامت جبرئیل به دستور خداوند متعال ندا می کند:

کجا است فاطمه «علیها سلام» دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و

سَلَّمَ؟

کجا است خدیجه دختر خویلد؟

کجا است مریم دختر عمران؟

کجا است آسیه دختر مزاحم؟

پس از این ندای جبرئیل، وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به پا

می خیزد، و در همین حال خداوند متعال اهل محشر را مورد خطاب قرار داده

و می فرماید:

يَا أَهْلَ الْجَمْعِ:

إِنِّي جَعَلْتُ الْكَرَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنِ، یعنی:

خداوند متعال اهل محشر را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای اهل محشر:

من امروز کرامت و بزرگی را برای محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

«علیهم السلام» قرار دادم.

خداوند متعال مجدداً اهل محشر را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

يَا أَهْلَ الْجَمْعِ،
 طَاطُؤُ الرُّؤُوسِ،
 وَ غَضُّوا الْأَبْصَارَ،
 فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةٌ تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ،
 فَيَأْتِيهَا جَبْرَائِيلُ بِنَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ،
 فَتَنَاحُ بَيْنَ يَدَيْهَا فَتَرْكَبُهَا،
 فَيَبْعَثُ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ لِيَسِيرُوا عَنْ يَمِينِهَا،
 وَ يَبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ لِيَسِيرُوا عَنْ سَارِهَا،
 حَتَّى يُصَيِّرُونَهَا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ،
 فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفَتُ، يَعْنِي:
 خداوند متعال اهل محشر را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:
 ای اهل محشر:

سرتان را پائین بیندازید،
 و چشم هایتان را ببندید،
 چرا که فاطمه به سوی بهشت در حرکت است.
 در همین حال جبرئیل علیه السلام ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت را می‌آورد،
 و رکاب ناقه را می‌گیرد «پیش پای فاطمه زهرا سلام الله علیها زانو می‌زند»
 تا حضرت فاطمه علیها سلام سوار ناقه شود.
 وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها بر ناقه بهشتی سوار شد،
 خداوند متعال دستور می‌فرماید تا یکصد هزار ملک «فرشته» در طرف
 راست و یکصد هزار ملک «فرشته» در طرف چپ فاطمه زهرا سلام الله علیها
 قرار بگیرند و آن علیا مخدره را به بهشت ببرند.
 وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها به در بهشت می‌رسد توقف می‌فرماید

«به پشت خویش نگاه می کند»،

و در همین حال خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را مخاطب ساخته و به او می فرماید:

يَا بِنْتَ حَبِيبِي:

مَا التَّفَاتِكِ،

وَ قَدْ أَمَرْتُ بِكَ إِلَى جَنَّتِي، یعنی:

خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید:

ای دختر حبیب من:

چرا داخل بهشت نمی شوی «چرا توقف کردی»؟

در حالی که من به تو امر کرده بودم که وارد بهشت من بشوی.

فاطمه زهرا سلام الله علیها به خداوند متعال عرض می کند:

يَا رَبِّ:

أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به خداوند متعال عرض می کند:

ای پروردگار من:

دوست دارم ارزش و مقام من در چنین روزی شناخته شود.

خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید:

يَا بِنْتَ حَبِيبِي:

إِرْجِعِي فَأَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبُّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، خُذِي بِيَدِهِ فَادْخُلِيهِ

الْجَنَّةَ، یعنی:

خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام الله علیها می فرماید:

ای دختر حبیب من:

برگرد و نگاه کن،

هر کس در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان را دارد، دست او را بگیر و او را به بهشت داخل نما.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمود:
به خدا قسم:

فاطمه زهرا سلام الله عليها روز قیامت شیعیان و مُحَبِّين خویش را جدا می کند و برمی گزیند،

همانگونه که یک پرنده دانه خوب را از بد جدا می کند.^۱

حدیث شریف طولانی تر و مفصل تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که صراحتاً بیان می فرمود که:

روز قیامت امین و وحی الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السلام ناقه ای از ناقه های بهشتی را می آورد و رکاب ناقه را می گیرد تا وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها سوار آن ناقه بهشتی شده و عازم بهشت گردد.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۳۴۳ تا ۳۴۵، ذیل عنوان: وَ شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ.

سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۹ تا ۸۴، ذیل عنوان: فضائل حضرت زهرا سلام الله عليها. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸، فصل ششم، ذیل عنوان: خصیصه های فاطمه زهرا سلام الله عليها.

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبط، جلد دوم، بخش سوم، صفحه ۴۰۳ تا ۴۳۳، حدیث ۲۲/۹۱۱.

فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳۶، صفحه ۷۷۳ و ۷۷۴، حدیث ۴، ذیل عنوان: مقام فاطمه زهرا سلام الله عليها در روز قیامت.

زندگانی فاطمه زهرا سلام الله عليها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۲۷ تا ۴۲۹، ذیل عنوان: اوقاف و صدقات جاریه فاطمه زهرا سلام الله عليها.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمدباقر کجوری مازندرانی، صفحه ۳۴۹، مورد چهل و سوم، خصیصه یازدهم از پنجاه خصیصه فاطمه زهرا سلام الله عليها.

حدیث سوّم:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر بزرگوار خویش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

دخترم:

من اولین کسی هستم که روز قیامت از قبر بیرون می آیم، بعد از من شوهر تو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از قبر بیرون می آید،

آنگاه خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را با هفتاد هزار ملک «فرشته» به سوی تو می فرستد،

و در همان حال بر قبر تو هفت قبه نور برافراشته می شود، سپس اسرافیل با سه جامه نور بر سر قبر تو حاضر می شود و به تو می گوید: ای فاطمه:

ای دختر محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»:

برخیز و به سوی محشر بیا.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

پس از اسرافیل یکی از ملائکه مقرب الهی با ناقه ای از نور «با مرکبی از نور» به سوی تو می آید و تو سوار آن مرکب می شوی، و درحالی که روفائیل زمام مرکب تو را در دست دارد هفتاد هزار ملک نیز تو را همراهی می نمایند، و درحالی که تو به سوی محشر در حال حرکت می باشی، هفتاد هزار ملک به استقبال تو می آیند و با دیدن تو اظهار مسرت و خوشحالی می کنند. در ادامه مسیر تو، مادر گرانقدر تو حضرت خدیجه علیها سلام با هفتاد هزار ملک به استقبال تو می آیند،

همچنین مریم دختر عمران «مادر حضرت عیسی»، آسیه دختر مزاحم «همسر

فرعون» و حضرت حوّا به استقبال تو می آیند، سپس به دستور خداوند متعال منبری از نور برای تو برافراشته می شود و تو بر بالای آن منبر قرار می گیری، و در همین حال به دستور خداوند متعال جبرئیل نزد تو می آید و می گوید: ای فاطمه: حاجات خویش را از خداوند متعال درخواست نما، و تو نیز حاجات خود را از خداوند متعال درخواست می نمایی و خداوند متعال نیز حاجات تو را مستجاب می فرماید.^۱

توضیح:

در کتاب علامه امینی، همچنین در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت و در کتاب جُمَّة العاصمه ذیل این حدیث شریف توضیحات جالب و سودمندی ارائه شده که خلاصه ای از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید. در کتاب فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها تألیف علامه امینی در توضیح ذیل حدیث اوّل آمده که: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت سوار بر مرکب های متفاوتی است به تناسب مواقع متعدّد محشر، یعنی: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در مواقع متعدّد محشر سوار بر مرکب های مختلفی است، که در برخی از این مواقع هفتاد هزار ملک و در برخی از مواقع صد هزار ملک در اطراف آن حضرت حضور دارند.

۱. زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۴۲۹ و ۴۳۰، ذیل عنوان: اوقاف و صدقات جاریه فاطمه زهرا سلام الله علیها. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۷۷۴ تا ۷۷۶، حدیث ۵، فصل ۳۶، ذیل عنوان: مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها در روز قیامت.

در چند موقف از مواقف محشر جبرئیل امین زمام ناقه و مرکب فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست دارد،
و در بعضی از مواقف نیز دیگر ملائکه مقرب الهی از قبیل روفائیل زمام ناقه آن علیا مخدّره را در دست دارند.
هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها به سوی عرش الهی سیر می کند مرکب خاصی دارد،
هنگامی که از عرش به سوی بهشت حرکت می فرماید مرکب مخصوص دیگری دارد،
هنگام ورود به بهشت و هنگام سیر در فضای رحمت الهی دارای مرکب های خاص و گوناگون از مرکب های بهشتی می باشد،
و در علو مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
جبرئیل امین مهار ناقه بهشتی فاطمه زهرا سلام الله علیها را در محشر به دست دارد.
قابل ذکر است که:

جبرئیل امین نماینده خاص خداوند متعال در هر مکان و موقفی است،
و اگر در برخی از آیات شریفه قرآن کریم و احادیث شریف عنوان شده که «خدا آمد»،

علما و فقها همه را حمل بر آمدن نماینده مخصوص خداوند متعال یعنی جبرئیل نموده اند، لذا:

هنگام ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها به عرصه محشر، اعظم ملائکه الهی یعنی جبرئیل امین مهار مرکب آن علیا مخدّره را در دست می گیرد و با افتخار اهل محشر را مخاطب قرار داده و می گوید:

عُضُوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، یعنی:

ای اهل محشر:

چشمان خود را ببندید تا فاطمه سلام الله علیها دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور نماید.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در والاترین مناقب و برترین مقامات با پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش مشترک می باشد،

و این فضائل و مناقب و مراتب عالی آن علیا مخدّره سلام الله علیها همگی مبین این مطلب هستند که آن حضرت وَلِيَّةُ اللَّهِ می باشد.^۱
در قسمت دیگری از این کتاب شریف آمده که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت و در عرصه محشر دارای مرکب‌هایی است مخصوص به خود، که:

گاهی از نور است،

گاهی از یاقوت است،

گاهی از زمرد است،

و یکی از مرکب‌های آن حضرت نیز عَضْبَاء نام دارد.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها هنگام سیر در مواقع متعدّد محشر مرکب‌های مختلفی دارد.

هنگام ورود به محشر،

هنگام داخل شدن به بهشت،

هنگام سیر در بهشت،

و در هر موقفی سوار بر مرکب مخصوص خویش می باشد،

و اینکه در احادیث مختلف مرکب‌های آن علیا مخدّره متنوّع ذکر شده، و

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله علامه امینی، صفحه ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۵۰، موضوع دهم، ذیل عنوان: بشارت بهشت به شیعیان حضرت زهرا سلام الله علیها.

تعداد ملائکه حاضر در محضر آن بزرگوار متفاوت عنوان شده به سبب همین تعدد مواقف و منازل است.

این منقبت فاطمه زهرا سلام الله علیها که در میان تمام بانوان اهل بهشت تنها بانویی است که سوار بر مرکب محشور می شود،

و مخصوصاً اینکه اعظم ملائکه الهی یعنی جبرئیل امین زمام مرکب آن حضرت را در دست دارد،

و با توجه به اینکه در این فضیلت «سوار بر مرکب محشور شدن» با وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بطور همسان اشتراک دارد، خود دلیل و برهان قاطع و روشنی است که آن علیا مخدّره دارای مقام شامخ ولایت بوده و وَلیَّةُ الله است.^۱

در کتاب جَنَّة العاصمه تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی در توضیح ذیل حدیث اول آمده که:

از جمله علائم و نشانه‌هایی که دالّ بر ولایت کلیّه داشتن فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد کیفیت ورود آن علیا مخدّره به محشر است، و در حدیث شریف آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: وقتی که روز قیامت می شود، دخترم فاطمه زهرا سلام الله علیها درحالی که سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی است وارد محشر می شود،

درحالی که در طرف راست آن حضرت هفتاد هزار مَلک «فرشته»، و در طرف چپ آن حضرت نیز هفتاد هزار مَلک «فرشته» قرار گرفته‌اند، و جبرئیل نیز درحالی که زمام ناقه آن حضرت را در دست دارد با صدای بلند ندا می کند که:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۲۴ تا ۳۲۶، موضوع چهاردهم، ذیل عنوان: تقدّم فاطمه زهرا سلام الله علیها در ورود به بهشت.

ای اهل محشر:

چشمان خویش را ببندید تا فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از محشر عبور نماید.

در ادامه مطلب در کتاب *جُنَّة العاصمه* آمده که:

نیازمند بودن همه انبیاء و مرسلین در دنیا و آخرت به شفاعت وجود مقدّس

فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و امارت آن حضرت بر تمام اهل محشر «غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» طبق احادیث و روایات فراوانی که از طریق خاصّه و عامّه «شیعه و سنی» نقل شده دالّ بر این است که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و لایة الله است و دارای مقام ولایت

مطلقه می باشد.

«امارت = فرمانروایی، فرماندهی، ولایت، امیر شدن»^۱

در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی در رابطه با کیفیت ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها به محشر آمده که:

کیفیت ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها به محشر به این نحو است که:

هفتاد هزار ملک در طرف راست آن حضرت،

و هفتاد هزار ملک در طرف چپ آن حضرت مستقر می شوند،

و زمام مرکب آن علیا مخدّره نیز در دست جبرئیل امین است.^۲

۱. *جُنَّة العاصمه*، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل دوازدهم، ذیل عنوان: ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵.

۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۱۶۶ و ۳۸۸، مجلس دهم، ذیل عنوان: تشییع مخفیانه فاطمه زهرا سلام الله علیها، مجلس بیست و هفتم «فاطمه علیها سلام حوراء انسیّه و جامع غیب و شهود».

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت در رابطه با کیفیت ورود فاطمه زهرا سلام الله علیها به محشر آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ:

يَا أَهْلَ الْجَمْعِ،

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ:

نَكِسُوا رُؤُوسَكُمْ،

طَاطَؤُوا رُؤُوسَكُمْ،

وَ عَضُّوا أَبْصَارَكُمْ،

حَتَّى تَمَرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی که روز قیامت می شود منادی ندا می دهد که:

ای اهل محشر:

ای گروه خلائق:

سرهای خودتان را به پائین بیندازید،

و چشم‌های خودتان را ببندید،

تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از محشر عبور

نماید.^۱

این حدیث شریف را علاوه بر شیعه بسیاری از اعظام اهل سنت نیز به طرق متعدّد نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.

احمد بن حنبل در فضائل الصّحابه «جلد دوّم، صفحه ۹۵۷».

طبری در ذخائر العقبی «صفحه ۴۸».

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۱۰، مجلس چهاردهم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها در صحرای محشر.

ابن حجر در صواعق المحرقة «صفحه ۱۹۰».

قندوزی در ینابیع المودّه «جلد دوّم، صفحه ۱۳۶ و ۴۷۷».

طبرانی در معجم الكبير «جلد اوّل، صفحه ۱۰۸».

خوارزمی در مقتل الحسين «جلد اوّل، صفحه ۹۵».

ابن صباغ در فصول المهمّه «جلد اوّل، صفحه ۶۶۵ و ۶۶۶».

زرنندی حنفی در نظم در السّمطين «صفحه ۱۸۲ و ۱۸۳».

حاکم نیشابوری در مستدرک «جلد سوّم، صفحه ۱۵۳».

سیوطی در خصائص الكبرى «جلد دوّم، صفحه ۲۲۵».

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد «جلد هشتم، صفحه ۱۳۶».

متقی هندی در کنز العمال «جلد دوازده، صفحه ۱۰۹»، و...^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

خطاب در این حدیث شریف متوجّه تمام کسانی است که در صحرای
محشر حاضر شده‌اند.

خطاب به تمام اوّلین و آخرین در صحرای محشر است که:
ای اهل محشر:

چشم‌های خودتان را ببندید،

نه تنها چشم‌های خودتان را ببندید، بلکه:

خم شوید و سرهای خودتان را پائین بیندازید تا فاطمه زهرا سلام الله علیها
دختر گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از صحرای محشر عبور
نماید.

آنچه که محیّرالعقول است این است که:

طبق این حدیث شریف تمام انبیاء، تمام مرسلین، تمام شهداء، و تمام

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۱۰ و ۲۱۱ «پاورقی»،
مجلس چهاردهم «فاطمه زهرا سلام الله علیها در صحرای محشر».

صدیقین چشم‌هایشان بسته می‌شود.

معنی این حدیث شریف این است که:

عظمت وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت آنگونه ظهور می‌کند که همه چشم‌ها حتی چشم انبیاء و مرسلین هم خیره می‌شود، بلکه:

سرهای همه انبیاء و صدّیقین و شهدا و صالحین باید پائین بیفتد تا وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها از صحرای محشر عبور نماید و به طرف عرش الهی برود.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

۱- شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل با هفتاد هزار مَلک «فرشته» به زمین آمدند تا آن علیا مخدّره را به منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام ببرند.

ذیل بیست و پنجمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۲- پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم جبرئیل علیه السّلام مکرّر و پیوسته به محضر مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می‌شد و آن علیا مخدّره را تسلّی می‌داد و با آن حضرت سخن می‌گفت، و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نیز آن مطالب را

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳، مجلس چهاردهم «فاطمه زهرا سلام الله علیها در صحرای محشر».

می نوشت که به نام مُصحف فاطمه علیها سلام معروف می باشد.
ذیل بیست و ششمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۳- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت سوار ناقه ای از ناقه های بهشتی می شود که حضرت جبرئیل علیه السّلام زمام آن ناقه را در دست دارد.

ذیل بیست و هفتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

جهت پی بردن به عظمت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و مقام و منزلت آن علیا مخدّره لازم است توضیحات مختصری در رابطه با اعظم ملائکه خداوند متعال و امین وحی الهی یعنی حضرت جبرئیل علیه السّلام ارائه شود تا بفهمیم زمام ناقه حضرت زهرا سلام الله علیها را روز قیامت چه شخصیت عظیم الشّانی در دست می گیرد، با علم به اینکه جز ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام هیچ کس نمی تواند به حقیقت و به کُنّه مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها پی ببرد،

و این موضوع فرمایش امام صادق علیه السّلام است که در رابطه با نامگذاری آن حضرت به نام مبارک فاطمه فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

حضرت زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد،

زیرا تمام مخلوقات از شناختن آن علیا مخدّره بازگرفته شده و جدا شده‌اند،

یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند و قادر به رسیدن به کُنه مقامات آن علیا مخدّره نمی‌باشند،

که انشاءالله تعالی ذیل بیست و نهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی راجع به آن توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

توضیحاتی پیرامون مقام و منزلت حضرت جبرئیل علیه السّلام:

۱- جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل چهار مَلک مقرب الهی هستند «چهار فرشته مقرب خداوند متعال هستند».

لیکن مقام حضرت جبرئیل از مقام سه ملک دیگر برتر و بالاتر می‌باشد.^۱

۲- جبرئیل امین مقرب‌ترین فرشته الهی است.^۲

۳- جبرئیل امین نماینده خاص خداوند متعال در هر مکان و موقعی است، و اگر در برخی از آیات شریفه قرآن کریم و در برخی از احادیث شریف عنوان شده که خدا آمد،

علما و فقها این جملات را حمل بر آمدن نماینده مخصوص و ویژه خداوند متعال یعنی جبرئیل نموده‌اند.^۳

۴- زمام ناچه فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت در دست جبرئیل است، دستی که حضرت ابراهیم علیه السّلام منتظر بود تا صُحف را در دست او

ببیند،

۱. تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۴۱۹ «ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و دوم، صفحه ۵۰۱ «ذیل آیات پنجم تا دوازدهم سوره نجم».

۳. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۴۲ و ۲۴۳، موضوع دهم: ذیل عنوان: بشارت بهشت به شیعیان حضرت زهرا سلام الله علیها.

دستی که موسی کلیم الله چشم به راه بود تا تورات را از آن دست بگیرد،
دستی که عیسی روح الله منتظر بود تا انجیل را از آن دست بگیرد،
این دست «یعنی دست جبرئیل» روز قیامت زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله
علیها را در دست می گیرد.^۱

در بعضی از سوره های مبارکه قرآن کریم و آیات شریفه آن نیز در رابطه
با جبرئیل امین و ویژگی های این پیک وحی الهی که مقرب ترین فرشته الهی
است مطالبی عنوان شده که به اختصار به آنها اشاره می شود.

الف: سوره تکویر:

در سوره مبارکه تکویر از جبرئیل امین صحبت به میان آمده و به پنج ویژگی
از ویژگی های این پیک وحی الهی اشاره شده است.
قابل ذکر است که:

سوره مبارکه تکویر عمدتاً حول دو محور می باشد،
محور اول این سوره مبارکه در رابطه با حوادث هولناک پایان دنیا و ویران
شدن آن و آغاز قیامت می باشد،
که طی آن:

۱- طومار خورشید درهم پیچیده می شود، یعنی:

خورشید خاموش و تاریک می شود.

۲- ستارگان بی فروغ می شوند، یعنی:

ستارگان فروریخته و تیره و تار می شوند.

۳- کوه ها به حرکت درمی آیند،

و در آخرین مرحله کوه ها به غبار پراکنده ای تبدیل می شوند.

محور دوم سوره مبارکه تکویر در رابطه با عظمت قرآن کریم و ویژگی ها و

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۴۱ و ۲۴۲، مجلس
شانزدهم «فاطمه زهرا سلام الله علیها و اسم مبارکه».

مقامات آورنده آیات شریفه آن «برخی از ویژگی‌ها و مقامات پیک وحی الهی یعنی جبرئیل امین»، و صدق گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. خداوند متعال در آیات ابتدایی سوره مبارکه تکویر، پس از بیان حوادث هولناک پایان این جهان «حوادث هولناک پایان دنیا» به تعدادی از مخلوقات خویش از قبیل ستارگان و حرکت آنها و به پیدایش شب و روز اشاره می‌کند تا مطلب بسیار مهمی را بیان فرماید «گرچه همه فرمایشات خداوند متعال بسیار مهم است».

خداوند متعال پس از این سوگندها به اهمیّت و عظمت قرآن کریم و به برخی از ویژگی‌ها و مقامات جبرئیل امین پرداخته و می‌فرماید:

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ «آیه ۱۹»
ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ «آیه ۲۰»
مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ «آیه ۲۱»

شرح لغات و توضیحات

قَوْلُ = سخن، گفتار، کلام.

رَسُولُ = فرستاده شده.

کریم = بزرگوار.

ذِي قُوَّةٍ = صاحب قدرت.

ذِي الْعَرْشِ = صاحب عرش «یعنی خداوند متعال».

مَكِينٍ = صاحب مقام و منزلت، دارای مقام و منزلت.

ثَمَّ = اسم اشاره است برای دور.

مُطَاعٍ = اطاعت شونده، کسی که فرمانش اطاعت می‌شود.

مُطِيعٍ = اطاعت کننده، فرمانبردار.

امین = امانت دار، کسی که بتوان به او اعتماد کرد، طرف اعتماد، درستکار^۱
 خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره تکویر درباره قرآن کریم و درباره جبرئیل
 امین که آورنده وحی الهی است می فرماید:

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، یعنی:

یقیناً این قرآن، کلام فرستاده بزرگواری است که از سوی خداوند متعال به
 پیامبرش آورده است،

و مراد از رسول در این آیه شریفه، جبرئیل می باشد.

این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره تکویر» جواب قسم است، و ضمیر در کلمه إِنَّهُ
 به قرآن کریم باز می گردد.

در اینکه در این آیه شریفه قول به جبرئیل امین نسبت داده شده و از او به
 عنوان رسول یاد شده می فهماند که:

در حقیقت، قول از آن خداوند متعال است،

و نسبتش به جبرئیل نسبت رسالت به رسول است، یعنی:

قرآن کریم کلام خداوند متعال است،

و جبرئیل که در این آیه شریفه از او به عنوان رسول یاد شده آورنده وحی
 الهی می باشد، یعنی:

جبرئیل امین قرآن کریم و آیات شریفه آن را از سوی خداوند متعال به پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره تکویر» حضرت جبرئیل را
 کریم توصیف فرموده است، یعنی:

حضرت جبرئیل به عنوان پیک وحی الهی نزد خداوند متعال کرامت و
 احترام دارد،

و در عظمت حضرت جبرئیل علیه السّلام همین بس، که:
خداوند متعال او را کریم معرفی فرموده است.

این آیه شریفه «آیه ۱۹ سوره تکویر» پاسخ قاطع و محکمی است به کسانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را متهم می کردند که قرآن کریم از ناحیه خداوند متعال نیست و ساخته و پرداخته خود آن حضرت می باشد.^۱
در آیه بعد «آیه ۲۰ سوره تکویر» خداوند متعال به اوصاف دیگر جبرئیل امین پرداخته و می فرماید:

ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ، یعنی:
جبرئیل صاحب قدرت است،

و نزد صاحب عرش یعنی نزد خداوند متعال مقام و منزلت والایی دارد.
خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۰ سوره تکویر» حضرت جبرئیل را صاحب قدرت توصیف فرموده،
و او را مکین یعنی صاحب مقام و منزلت والا معرفی فرموده است.
ناگفته پیدا است که:

شخص باید قدرت و نیروی عظیم و فوق العاده ای داشته باشد، و دارای مقام و منزلت ویژه و والایی باشد،
که خداوند متعال او را صاحب قدرت و دارای مقام و منزلت والا معرفی بفرماید،

و البتّه همه اینها را خداوند متعال به جبرئیل اعطا فرموده است.
در آیه بعد «آیه ۲۱ سوره تکویر» نیز خداوند متعال به اوصاف دیگر جبرئیل امین پرداخته و می فرماید:

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۳۷، «ذیل آیه ۱۹ سوره تکویر».
المیزان، جلد چهارم، صفحه ۸۹، «ذیل آیه ۱۹ سوره تکویر».
تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۱۷۷، ۲۰۲ و ۲۰۳، «ذیل آیه ۱۹ سوره تکویر».

مُطَاعٍ تَمَّ آمِينَ، یعنی:

حضرت جبرئیل فرمانروای ملائکه الهی می باشد،

و امین است.

همانطور که در بخش مربوط به شرح لغات و توضیحات ملاحظه فرمودید مُطَاع به معنی کسی است که فرمانش اطاعت می شود «یعنی اطاعت شونده»، و تَمَّ اسم اشاره به دور می باشد، لذا: تعبیر به تَمَّ در این آیه شریفه «آیه ۲۱ سوره تکویر» ناظر به این حقیقت مهم است که:

پیک وحی خداوند متعال یعنی حضرت جبرئیل علیه السّلام در بین همه ملائکه الهی نافذالکلمه است و مورد اطاعت همه ملائکه الهی می باشد،

ضمن اینکه امین است، یعنی:

در ابلاغ وحی امانت دار است،

و در ابلاغ وحی الهی کمترین دخل و تصرفی نمی کند.^۱

قابل ذکر است که:

تعبیر عِنْدَ «نزد» در آیه ۲۰ سوره تکویر «ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذی الْعَرْشِ مَکِینٍ» به معنی نزدیکی مکانی جبرئیل به خداوند متعال نیست،

چرا که خداوند متعال جسم نیست که در مکان خاصی استقرار داشته باشد «چرا که خداوند متعال مکان ندارد»، لذا:

تعبیر عِنْدَ «نزد» در این آیه شریفه «آیه ۲۰ سوره تکویر» حضور مقامی و قُرب معنوی جبرئیل امین در پیشگاه خداوند متعال می باشد.^۲

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۳۸، «ذیل آیه ۲۱ سوره تکویر».

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۹۱ و ۹۲ «ذیل آیه ۲۱ سوره تکویر».

تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴ «ذیل آیه ۲۱ سوره تکویر».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۰۴، «ذیل آیه ۲۰ سوره تکویر».

به عنوان حُسن ختام این بحث در رابطه با قدرت و قوت جبرئیل امین و امانت‌دار بودن او به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت جبرئیل علیه السّلام فرمود:

خداوند متعال تو را چه خوب ستوده و در رابطه با تو فرموده:
ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ «آیه ۲۰ سوره تکویر».

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ «آیه ۲۱ سوره تکویر»، یعنی:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به جبرئیل علیه السّلام فرمود:

خداوند متعال تو را چه خوب ستوده و فرموده:

جبرئیل صاحب قدرت است،

و نزد خداوند صاحب عرش قُرب و مقام دارد،

و فرمانروای ملائکه است،

و امین است و امانت‌دار وحی الهی می‌باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش

خویش به جبرئیل فرمود:

ای جبرئیل:

نمونه‌ای از قدرت و امانت خود را بیان کن.

جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

یا رسول الله:

نمونه قدرت و نیروی من این است که:

وقتی مأمور تخریب و نابود کردن شهرهای قوم لوط شدم، چهار شهر قوم

لوط را از اعماق زمین کندم و به آسمان‌ها بردم، و سپس آنها را واژگون نمودم،

و اما نمونه امانت داری من این است که:

هیچ دستوری از ناحیه خداوند متعال به من صادر نشده که من از آن تخطی نموده باشم «دقیقاً طبق دستور خداوند متعال انجام وظیفه نموده‌ام».^۱
ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ سوره مبارکه تکویر به پنج صفت و پنج ویژگی از ویژگی‌های پیک وحی الهی یعنی جبرئیل امین اشاره نموده و فرموده که:

۱- جبرئیل، کریم است «بزرگوار است».

۲- جبرئیل، صاحب قدرت و نیروی فوق‌العاده است.

۳- جبرئیل نزد خداوند متعال صاحب مقام و منزلت والا می‌باشد.

۴- جبرئیل، مُطاع است «جبرئیل فرمانروای ملائکه است».

۵- جبرئیل، امین است «جبرئیل، امانت‌دار است».

جبرئیل با داشتن این صفات و ویژگی‌ها و دارا بودن این مقامات رفیع و والا، روز قیامت زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست می‌گیرد تا آن حضرت از محشر عبور نموده و به طرف عرش خداوند متعال رهسپار شود. کسی که زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست می‌گیرد دارای چنین مقامات رفیعی است،

حال ببینید کسی که سوار ناقه شده «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها» دارای چه مقام رفیع و والایی می‌باشد.

به عرض رسید که:

در سوره‌های مختلف قرآن کریم و آیات شریفه آن به بعضی از مقامات

۱. مجمع البیان، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹ «ذیل آیات ۱۹ تا ۲۱ سوره تکویر».

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۴۷۹، «ذیل آیات ۱۹ تا ۲۱ سوره تکویر».

تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵ «ذیل آیات ۱۹ تا ۲۱ سوره تکویر».

و ویژگی های حضرت جبرئیل علیه السّلام اشاره شده که در بخش الف به مقامات و ویژگی های جبرئیل علیه السّلام در سوره مبارکه تکویر اشاره شد، و انشاء الله تعالی در ادامه بحث به چند سوره مبارکه دیگر نیز اشاره می شود.

ب: سوره بقره

در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره عنوان شده که:

هرکس دشمن جبرئیل باشد در حقیقت دشمن خداوند متعال است، و هرکس دشمن خدا و ملائکه و پیامبران و جبرئیل و میکائیل باشد، خداوند متعال دشمن او است.

خداوند متعال در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره بقره می فرماید:

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ «آیه ۹۷».

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ ميكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ «آیه ۹۸» یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
ای پیامبر:

به آنها بگو «به آنهایی که می گویند ما با جبرئیل دشمن هستیم»:
کسی که دشمن جبرئیل باشد در حقیقت دشمن خدا است،
زیرا:

جبرئیل به فرمان خداوند متعال قرآن را بر قلب تو «یعنی پیامبر اکرم» نازل کرده است،

قرآنی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند،

قرآنی که مایه هدایت و بشارت برای مؤمنین است «آیه ۹۷».

در آیه بعد «آیه ۹۸» همین موضوع با تأکید بیشتر که توأم با تهدید نیز

می باشد آمده است،

و خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۹۸» می فرماید:

هرکس دشمن خدا و دشمن ملائکه و دشمن فرستادگان الهی «یعنی انبیاء الهی» و دشمن جبرئیل و میکائیل باشد،
خداوند متعال دشمن او است،
و خداوند متعال دشمن کافران است.^۱
شان نزول آیات ۹۷ و ۹۸ سوره بقره:

یکی از علمای یهود به نام ابن صوریبا به همراه عده‌ای از یهودیان فدک در مدینه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و از آن حضرت سوالاتی پرسیدند که از جمله آنها این سؤال بود که:

آنها از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که:
کدام فرشته بر تو نازل می شود؟

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود: جبرئیل. یهودیانی که در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند و دنبال بهانه‌ای بودند که به پیامبر اکرم ایمان نیاورند، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند:

جبرئیل دشمن ما است،

و دستوره‌ای مشکل درباره جهاد و جنگ می آورد،

اگر فرشته وحی تو میکائیل بود به تو ایمان می آوردیم و مسلمان می شدیم «همانطور که عرض شد این مطلب بهانه‌ای بیش نبود، زیرا آنها قصد نداشتند که به پیامبر اکرم ایمان بیاورند».^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۱۷ و ۴۱۸، «ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

۲. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴ «ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

المیزان، جلد دوم، صفحه ۲۱ «بحث روایتی ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۱۵ تا ۴۱۸ «ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

توضیح:

۱- نام حضرت جبرئیل سه بار در قرآن کریم آمده «آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره، و آیه ۴ سوره تحریم»،

و نام حضرت میکائیل یک بار در قرآن کریم آمده است «آیه ۹۸ سوره بقره».

۲- جبرئیل علیه السّلام مقربترین فرشته خداوند متعال است و فرمانروای ملائکه الهی است، و پیک وحی الهی می باشد.

۳- در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نحل پیک وحی الهی، رُوحُ الْقُدُسِ معرفی شده است،

و در آیه ۱۹۳ سوره شعراء آمده که:

قرآن کریم را روح الامین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است.

مفسرین محترم تصریح نموده اند که:

منظور از رُوحُ الْقُدُسِ و رُوحُ الْأَمِینِ در این آیات شریفه «آیه ۱۰۲ سوره نحل و آیه ۱۹۳ سوره شعراء» جبرئیل علیه السّلام می باشد^۱ که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد، بنابراین:

طبق نصّ صریح قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره بقره، حضرت جبرئیل علیه السّلام به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل نموده است.

حضرت جبرئیل علیه السّلام با این مقام و منزلت وصف ناشدنی، روز قیامت رکاب می گیرد تا فاطمه زهرا سلام الله علیها سوار بر ناقه بهشتی شود، و سپس زمام ناقه را به دست می گیرد تا فاطمه زهرا سلام الله علیها از محشر عبور نموده و رهسپار عرش الهی شود «تا به مقابل عرش الهی برسد».

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۱۹، ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره.

فاطمه زهرا سلام الله عليها آنچنان مقام و منزلت رفيع و وصف ناپذيري دارد که جبرئيل امين زمام ناچه آن حضرت را به دست می گیرد تا از صحراي محشر عبور نماید.

مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله عليها به قدری عظيم و رفيع است که غير از وجود مقدس پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم و غير از ائمه معصومين عليهم السلام احدی از مخلوقات الهی از آن آگاهی ندارد، و غير از آن ذوات مقدسه احدی از مخلوقات الهی قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات آن علیا مخدّره نمی باشد،

و این مطلب فرمایش امام صادق علیه السلام می باشد که درباره فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمود:

أِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

حضرت زهرا سلام الله عليها فاطمه نامیده شد، زیرا:

تمام مخلوقات از شناختن آن حضرت بازگرفته شده اند، یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن علیا مخدّره راه نیافته اند،

و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی باشند.

«کُنه = ذات، حقیقت، واقعیت، نهایت».

ج: سوره نحل:

خداوند متعال در آیه ۱۰۲ سوره نحل وجود مقدس پيامبر اکرم صلی الله

عليه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ،

یعنی:

خداوند متعال وجود مقدس پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم را مورد

خطاب قرار داده و می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

قرآن کریم و آیات شریفه آن را رُوحُ الْقُدُسُ از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است،

تا افراد با ایمان را ثابت قدم نماید،

و هدایت و بشارتی باشد برای عموم مسلمانان.^۱

رُوحُ الْقُدُسُ یا روح مقدّس همان پیک وحی الهی یعنی جبرئیل امین علیه السّلام می باشد که به دستور خداوند متعال آیات شریفه قرآن کریم را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل می کند.^۲

در مجمع البیان نیز مقصود از رُوحُ الْقُدُسُ، حضرت جبرئیل علیه السّلام عنوان شده و این آیه شریفه «آیه ۱۰۲ سوره نحل» اینطور معنی شده: خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می فرماید:

ای پیامبر:

به مردم بگو:

جبرئیل از جانب پروردگارت به حق نازل شده،

تا مردم مؤمن را ثابت قدم سازد،

و هدایت و بشارتی باشد برای مسلمانان.^۳

در المیزان در توضیح ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۰۲ سوره نحل» آمده که:

منظور از رُوحُ الْقُدُسُ همان جبرئیل است که در آیه ۱۹۳ سوره شعراء به رُوحُ الْأَمِین تعبیر شده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۴۳۹، «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

۲. تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۴۴۲، «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

۳. مجمع البیان، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰، «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

اضافه روح به قدس به منظور اختصاص می باشد، یعنی:
 روحی که از هر نوع قذارت، پاک و طاهر است،
 و از خطا و اشتباه منزّه می باشد.
 «قذارت = پلیدی، ناپاکی»^۱.

به عنوان حسن ختام این بحث به یک حدیث شریف که از ناحیه وجود
 مقدّس امام باقر علیه السّلام صادر شده اشاره می شود.
 وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:
 مقصود از رُوحُ القُدّس در این آیه شریفه «آیه ۱۰۲ سوره نحل» جبرئیل است
 که پاک و طاهر می باشد.^۲

د: سوره شعراء

خداوند متعال در آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء می فرماید:

وَ اِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ «آیه ۱۹۲».

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ «آیه ۱۹۳»، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

مسلماً این قرآن کریم از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است «آیه ۱۹۲».

قرآن کریم را رُوحُ الْأَمِينُ یعنی جبرئیل نازل نموده است «آیه ۱۹۳».^۳

توضیح:

ضمیر اِنَّهُ در آیه ۱۹۲ سوره شعراء به قرآن کریم بازمی گردد،

۱. المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۷۰ «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

۲. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۱۳۵ «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۲۳۳ «حدیث ۵۸۴۶»، «ذیل آیه ۱۰۲ سوره نحل».

۳. مجمع البیان، جلد هیجدهم صفحه ۵۹ و ۶۰ «ذیل آیه ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۰۰ تا ۲۰۳ «ذیل آیه ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۷۱ و ۳۷۲ «ذیل آیه ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء».

یعنی:

قرآن کریم کتابی است که از ناحیه پروردگار جهانیان نازل شده است. منظور از رُوحُ الْأَمِينِ در آیه ۱۹۳ سوره شعراء جبرئیل علیه السَّلَام است که فرشته وحی می باشد.

خداوند متعال در آیه ۱۰۲ سوره نحل، جبرئیل علیه السَّلَام را رُوحُ الْقُدُس خوانده،

و در آیه ۱۹۳ سوره شعراء جبرئیل علیه السَّلَام را رُوحُ الْأَمِينِ عنوان فرموده است،

و این امر دلالت بر این دارد که:

جبرئیل علیه السَّلَام مورد اعتماد خداوند متعال است،

و امین در رساندن وحی به پیامبر او یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و

آله و سلم می باشد، یعنی:

نه چیزی از وحی را تغییر می دهد،

و نه آن را تحریف و جابه جا می نماید.

ضمیر در نَزَلَ بِهِ در آیه ۱۹۳ سوره شعراء به قرآن کریم بازمی گردد، یعنی:

قرآن کریم را رُوحُ الْأَمِينِ یعنی حضرت جبرئیل علیه السَّلَام نازل کرده

است.^۱

اینکه خداوند متعال جبرئیل را روح خوانده به این علت است که:

جبرئیل وسیله احیاء دین، و به قولی وسیله احیاء ارواح انسانها می باشد،

و منظور از قُدُس، طهارت و پاکیزگی است.^۲

خداوند متعال جبرئیل علیه السَّلَام را در آیه ۱۹۳ سوره شعراء با دو عنوان

۱. المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۰۱ تا ۲۰۳ «ذیل آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء».

۲. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۱ «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۰ «ذیل آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء».

توصیف فرموده است:

۱- عنوان روح،

روحي که سرچشمه حیات است،

۲- عنوان امین،

که شرط اصلی هدایت و رهبری است.^۱

ملاحظه فرمودید که:

حضرت جبرئیل علیه السلام که پیک وحی الهی و مقربترین فرشته خداوند متعال است،

و در قرآن کریم از او به عنوان رُوحُ الْقُدُسُ و رُوحُ الْأَمِين یاد شده به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل نموده است.

این مطلب در آیات شریفه فراوانی از جمله در آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره، آیه ۱۰۲ سوره نحل، آیه ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره شعراء و آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ سوره تکویر مطرح شده که در چهار بخش «الف» «ب» «ج» «د» تقدیم حضورتان شد. در سه آیه شریفه دیگر نیز حضرت جبرئیل علیه السلام به عنوان رُوحُ الْقُدُسُ یاد شده که به حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است، لیکن:

در این سه آیه شریفه هدف از نزول جبرئیل امین، کمک کردن و یاری نمودن حضرت عیسی علیه السلام بوده است.

بنابراین:

وظیفه جبرئیل علیه السلام به عنوان مقربترین فرشته الهی، علاوه بر نازل نمودن وحی الهی، کمک نمودن به انبیاء الهی نیز می باشد که انشاء الله تعالی ذیلاً در دو بخش «هـ» و «و» ملاحظه خواهید فرمود.

۱. تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۷۲ «ذیل آیه ۱۹۳ سوره شعراء».

هـ: خداوند متعال در آیه ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره می فرماید:
 وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، یعنی:
 خداوند متعال می فرماید:

ما به عیسی بن مریم دلائل و نشانه‌های روشن دادیم،
 و او را با رُوحِ الْقُدُسِ «بوسیله رُوحِ الْقُدُسِ» تأیید نمودیم.^۱

توضیح:

۱- منظور از رُوحِ الْقُدُسِ، پیک وحی خداوند متعال یعنی جبرئیل است.
 اگر خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۵۳ سوره بقره» و در آیه ۸۷ سوره
 بقره تأیید به رُوحِ الْقُدُسِ یعنی جبرئیل علیه السّلام را درباره حضرت عیسی
 علیه السّلام بیان فرموده به خاطر آن است که جبرئیل سهم بیشتری در رابطه با
 حضرت عیسی نسبت به بسیاری از انبیاء دیگر داشته است.^۲

۲- در مجمع البیان ذیل آیه ۸۷ و آیه ۲۵۳ سوره بقره آمده که:
 خداوند متعال می فرماید:

ما به عیسی بن مریم دلایل و حجّت‌های فراوان دادیم، از قبیل:
 زنده کردن مرده‌ها،

شفا بخشیدن کور مادرزاد و مبتلایان به بیماری برص،

خبر دادن از آنچه که مردم در خانه‌های خود ذخیره می کنند، و...

و او را «عیسی بن مریم را» به وسیله رُوحِ الْقُدُسِ یعنی به وسیله جبرئیل
 توانایی دادیم و کمک نمودیم.^۳

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۹۰ «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۸ «ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره».

۲. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۸ «ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره».

۳. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۰ و ۲۵۱ «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۱۰۲ «ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره».

۳- در تفسیر صافی ذیل آیه ۸۷ و آیه ۲۵۳ سوره بقره آمده که:

خداوند متعال می فرماید:

ما به عیسی بن مریم نشانه‌های آشکاری عطا کردیم، مانند:

زنده کردن مردگان، شفای کور مادرزاد، خبر دادن به آنچه که مردم می خورند و آنچه که در خانه‌هایشان ذخیره می کنند، و...

و او را «عیسی بن مریم را» با رُوحِ الْقُدُس یعنی با جبرئیل کمک کردیم.^۱

و: خداوند متعال در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه مائده می فرماید:

يَا عِيسَىٰ بَنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلٰى وَالِدَتِكَ اِذْ اَيْدٰتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا...، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ای عیسی بن مریم:

یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت عطا کردم،

آنگاه که تو را به وسیله جبرئیل «رُوحِ الْقُدُس» تأیید و تقویت کردم «توانا ساختم» که در گهواره و در بزرگسالی با مردم سخن می گفتی، و آنگاه که کتاب و حکمت و تورات و انجیل به تو آموختم و...^۲

ملاحظه فرمودید:

۱- جبرئیل، رسول و پیک وحی خداوند متعال است «آیه ۱۹ سوره مبارکه

تکویر».

۲- خداوند متعال جبرئیل را کریم معرّفی فرموده است «آیه ۱۹ سوره تکویر».

۳- خداوند متعال جبرئیل را صاحب قوّت و قدرت توصیف فرموده است

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۳۹، «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۸۸ «ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره».

۲. مجمع البیان، جلد هفتم، صفحه ۲۲۵ «ذیل آیه ۱۱۰ سوره مائده».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۵۰۲ «ذیل آیه ۱۱۰ سوره مائده».

تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۱۵۵ «ذیل آیه ۱۱۰ سوره مائده».

«آیه ۲۰ سوره تکویر».

۴- جبرئیل نزد خداوند متعال صاحب مقام و منزلت والا می باشد «آیه ۲۰ سوره تکویر».

۵- خداوند متعال جبرئیل را مُطاع توصیف فرموده است «جبرئیل فرمانروای ملائکه الهی است» «آیه ۲۱ سوره تکویر».

۶- خداوند متعال جبرئیل را امین معرفی فرموده است «آیه ۲۱ سوره تکویر». ذیل حدیث سوّم «بخش الف» در رابطه با بندهای ششگانه فوق‌الاشاره توضیحات کاملی ارائه شده است.

۷- جبرئیل مقرب‌ترین فرشته الهی و پیک وحی خداوند متعال است و به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل فرموده است «آیه ۹۷ سوره مبارکه بقره». ذیل حدیث سوّم «بخش ب» در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۸- جبرئیل مقرب‌ترین فرشته الهی و پیک وحی خداوند متعال است و به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل فرموده است، و خداوند متعال از جبرئیل به عنوان رُوحُ الْقُدُس یاد فرموده است «آیه ۱۰۲ سوره نحل».

ذیل حدیث سوّم «بخش ج» در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است. ۹- جبرئیل مقرب‌ترین فرشته الهی و پیک وحی خداوند متعال است و به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل نموده است،

و خداوند متعال از جبرئیل به عنوان رُوحُ الْأَمین یاد فرموده است «آیه ۱۹۲

و ۱۹۳ سوره شعراء».

ذیل حدیث سوّم «بخش د» در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است. قابل ذکر است که:

جبرئیل که در قرآن کریم از او به عنوان رُوحُ الْقُدُس و رُوحُ الْأَمین یاد شده مَلَكِ مَقْرَبِ الْهَى و پیک وحی خداوند متعال است، و به دستور خداوند متعال قرآن کریم را بر قلب مبارک پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم نازل نموده است.

جبرئیل به عنوان پیک وحی الهی، علاوه بر آوردن وحی، وظیفه کمک نمودن به انبیاء الهی را نیز برعهده داشته است که به عنوان دهمین فضیلت جبرئیل علیه السَّلَام ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود.

۱۰- جبرئیل مَقْرَبِ تَرین مَلَكِ الْهَى و پیک وحی خداوند متعال است و خداوند متعال در آیات ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره و آیه ۱۱۰ سوره مائده از او به عنوان رُوحُ الْقُدُس یاد نموده،

و به او دستور فرموده تا حضرت عیسی را کمک نموده و او را یاری نماید «آیات ۸۷ و ۲۵۳ سوره بقره و آیه ۱۱۰ سوره مائده».

ذیل حدیث سوّم «بخش هـ» و «بخش و» در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

همچنین در رابطه با مقام و منزلت جبرئیل علیه السَّلَام آمده که:

۱۱- جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل چهار مَلَكِ «فرشته» مَقْرَبِ الْهَى هستند، لیکن:

مقام جبرئیل امین علیه السَّلَام از مقام سه مَلَكِ دیگر برتر و بالاتر می باشد.^۱

۱۲- جبرئیل امین علیه السَّلَام مَقْرَبِ تَرین مَلَكِ الْهَى است.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۱۹ «ذیل آیه ۹۷ و ۹۸ سوره بقره».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و دوّم، صفحه ۵۰۱ «ذیل آیات پنجم تا دوازدهم سوره نجم».

۱۳- جبرئیل امین علیه السَّلام نماینده خاص خداوند متعال در هر مکان و موقفی است،

و اگر در برخی از آیات شریفه قرآن کریم و در برخی از احادیث شریف عنوان شده که خدا آمد،

علما و فقهاء این جملات را حمل بر آمدن نماینده خاص و ویژه خداوند متعال نموده‌اند، یعنی:

مقصود از خدا آمد این است که:

نماینده خاص و ویژه خداوند متعال یعنی جبرئیل آمد.^۱

۱۴- جبرئیل امین علیه السَّلام امام الملائکه و خلاصه ملکوتیان است.^۲ جبرئیل امین علیه السَّلام با این مقامات رفیع و والا که خداوند متعال در قرآن کریم از او به عنوان:

کریم «بزرگوار» «آیه ۱۹ سوره تکویر»،

مکین «صاحب مقام و منزلت رفیع و والا» «آیه ۲۰ سوره تکویر»،

ذی قُوَّة «صاحب قدرت و نیرو» «آیه ۲۰ سوره تکویر»،

مُطَاع «اطاعت شونده، فرمانروای ملائکه الهی» «آیه ۲۱ سوره تکویر»،

امین «امانت‌دار در ابلاغ وحی الهی به انبیاء» «آیه ۲۱ سوره تکویر»،

رُوحُ الْقُدُس «آیه ۱۰۲ سوره نحل»،

و رُوحُ الْأَمین یاد فرموده «آیه ۱۹۳ سوره شعراء»،

این جبرئیل با این همه مقامات رفیع و والا:

۱- شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها همراه با میکائیل با هفتاد هزار ملک «فرشته» به زمین آمدند تا فاطمه زهرا سلام الله علیها را به منزل مولی

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۴۲ و ۲۴۳، موضوع دهم، ذیل عنوان: بشارت

بهشت به شیعیان حضرت زهرا سلام الله علیها.

۲. خصائص فاطمیه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۹۹ و ۲۰۱، ذیل عنوان: مقام جبرئیل علیه السَّلام.

الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام ببرند.

ذیل بیست و پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در رابطه با نزول جبرئیل و میکائیل به محضر مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در شب زفاف آن علیا مخدّره توضیحات کاملی ارائه شده است.

۲- شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها جبرئیل امین به دستور خداوند متعال به زمین نازل شد،

و هدیه خداوند متعال را که جامه‌ای از جامه‌های بهشتی بود به فاطمه زهرا سلام الله علیها اعطا نمود.

ذیل بیست و پنجمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحاتی به عرض رسیده است.

۳- وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هفتاد و پنج روز در دنیا بود، و طیّ این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه «از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تا زمان شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» جبرئیل علیه السّلام بطور پیوسته و مکرّر خدمت آن علیا مخدّره شرفیاب می شد و آن حضرت را تسلّی می داد،

و به دستور خداوند متعال اخبار گذشته و آینده را به آن حضرت گزارش می نمود،

و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نیز آنها را می نوشت،

و این نوشته‌ها و این مطالب که وحی خداوند متعال می باشد و به وسیله

جبرئیل علیه السَّلام نازل شده مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها نامیده می شود که طبق فرمایش امام باقر علیه السَّلام، خبر ماکانَ و ما یَکُونُ اِلی یَوْمِ الْقِیَامَةِ در آن مُصحف شریف فاطمی ثبت و ضبط است، یعنی:

اخبار و وقایع گذشته و آینده از اوّل خلقت تا روز قیامت در این مُصحف شریف فاطمی وجود دارد.

ذیل بیست و ششمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۴- وقتی که فاطمه زهرا سلام الله علیها به شهادت رسید «هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»،

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام جسد مطهّر فاطمه زهرا سلام الله علیها را با حنوط بهشتی که جبرئیل امین علیه السَّلام آن را به دستور خداوند متعال آورده بود حنوط نمود و به خاک سپرد.

ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث چهاردهم و توضیحات ذیل این حدیث شریف» در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۵- روز قیامت اوّلین فردی که از قبر بیرون می آید اوّلین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.

دوّمین فردی که از قبر بیرون می آید دوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام می باشد.

پس از اینکه این دو وجود مقدّس از قبر بیرون آمدند جبرئیل امین با هفتاد هزار ملک «فرشته» به طرف قبر مطهّر فاطمه زهرا سلام الله علیها می رود،

و در همین حال اسرافیل نیز برکنار قبر مطهّر آن علیا مخدّره حاضر شده و

به آن حضرت عرض می کند که:

ای فاطمه:

ای دختر حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»:

برخیز و به محشر بیا،

و بدین ترتیب سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان سوّمین نفر سر از قبر بیرون می آورد، در حالی که جبرئیل امین علیه السّلام به دستور خداوند متعال با هفتاد هزار ملک به استقبال آن علیا مخدّره آمده است.

وقتی هم که آن علیا مخدّره در مقابل عرش الهی قرار گرفت، جبرئیل امین به دستور خداوند متعال به محضر مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب می شود و به آن حضرت عرض می کند:

ای فاطمه:

حاجات خویش را از خداوند متعال درخواست نما،

و آن علیا مخدّره نیز حاجات خویش را از خداوند متعال درخواست می نماید،

و خداوند متعال نیز حاجات آن علیا مخدّره را مستجاب می فرماید.

ذیل بیست و هفتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث سوّم و توضیحات ذیل این حدیث شریف» توضیحات کاملی ارائه شده است.

۶- وقتی که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در محشر مستقر شد، در یکی از مواقف محشر جبرئیل امین به دستور خداوند متعال ناقه ای از ناقه های بهشتی را می آورد،

و رکاب ناقه را می گیرد «پیش پای فاطمه زهرا سلام الله علیها زانو می زند»

تا فاطمه زهرا سلام الله عليها سوار ناقه شود.

ذیل بیست و هفتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث دوّم» در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۷- وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها روز قیامت سوار ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی می‌شود که هفتاد هزار ملک «فرشته» در طرف راست آن حضرت،

و هفتاد هزار ملک «فرشته» در طرف چپ آن حضرت هستند، و جبرئیل علیه السلام نیز زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله عليها را در دست گرفته است،

و در همین حال:

جبرئیل با صدای بلند ندا می‌کند که:

ای اهل محشر:

چشم‌های خویش را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور نماید،

و در آن هنگام هیچ پیامبر و رسول و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه چشمان خویش را می‌بندد تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از صحرای محشر عبور نماید.

ذیل بیست و هفتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث اوّل و توضیحات ذیل این حدیث شریف» در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

در توضیحات ذیل حدیث سوّم «احادیث مربوط به بیست و هفتمین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله عليها» به عرض رسید که:

به تناسب مواقع متعدّد محشر، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها روز قیامت سوار بر مرکب‌های متفاوتی است که در برخی از این مواقع هفتاد هزار ملک «فرشته»، و در برخی از مواقع صد هزار ملک در اطراف آن علیا مخدّره حضور دارند.

در برخی از مواقع محشر جبرئیل امین زمام ناچه فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست دارد،

و در برخی از مواقع نیز دیگر ملائکه مقرب الهی زمام ناچه آن حضرت را در دست دارند، لذا:

تعدّد مرکب‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها در روز محشر، و تعدّد ملائکه الهی که زمام ناچه آن علیا مخدّره را در دست دارند، به خاطر تعدّد مواقع محشر می‌باشد.

ملاحظه فرمودید که:

جبرئیل امین به عنوان مقرب‌ترین فرشته خداوند متعال و به عنوان فرمانروای ملائکه الهی مفتخر است که روز قیامت با هفتاد هزار ملک به استقبال فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌آید تا آن علیا مخدّره سر از قبر بیرون بیاورد.

پس از خروج فاطمه زهرا سلام الله علیها از قبر نیز جبرئیل امین ناچه‌ای از ناچه‌های بهشتی را می‌آورد و رکاب می‌گیرد «پیش پای فاطمه زهرا سلام الله علیها زانو می‌زند» تا آن علیا مخدّره سوار بر مرکب شود،

و سپس جبرئیل امین علیه السّلام زمام ناچه آن حضرت را در دست می‌گیرد تا آن بزرگوار از محشر عبور نماید و به کنار عرش الهی برسد،

و همه اینها مبین مقام و منزلت و صف‌ناپذیر فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد که زمام ناچه‌اش را روز قیامت فرمانروای ملائکه و مقرب‌ترین ملک الهی یعنی جبرئیل امین علیه السّلام در دست می‌گیرد.

مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان سوّمین شخصیت عالم خلقت به قدری رفیع و والا است که جبرئیل امین به گرفتن زمام ناقه آن علیا مخدّره در روز قیامت قناعت نمی کند،

بلکه از خداوند متعال درخواست می نماید تا او را خادم فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوار آن حضرت و شوهر گرانقدرش و دو فرزند بزرگوارش حسنین علیهم السّلام قرار دهد که انشاء الله تعالی در حدیث ذیل به عنوان حُسن ختام این بحث آن را ملاحظه خواهید فرمود.

طبق حدیث شریفی که ابوذر غفاری از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده آمده که:

جبرئیل و اسرافیل با یکدیگر صحبت می نمودند و ضمن بیان فضائل و مقامات خویش به داشتن این فضائل و مقامات رفیع و والا مباهات می نمودند، و در همین حال خداوند متعال به جبرئیل و اسرافیل وحی نازل نمود و به آنها فرمود:

فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي:

لَقَدْ خَلَقْتُ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْكُمْ،

قالا:

يا رَبِّ:

أَوْ تَخْلُقُ خَيْرًا مِنَّا؟

قال اللهُ تَعَالَى:

نَعَمْ،

وَ أَوْحَى إِلَى حُجْبِ الْقَدْرَةِ انْكَشَفِي،

فَأَنكَشَفْتُ،

فَإِذَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،

وَعَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ، يَعْنِي:

خداوند متعال به جبرئیل و اسرافیل فرمود:

به عزّت و جلالم سوگند:

کسی را «کسانی را» خلق نموده‌ام که از شما بهتر و برتر می‌باشند.

جبرئیل و اسرافیل به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا «پروردگارا»:

آیا مخلوقی بهتر از ما خلق فرموده‌ای؟

خداوند متعال به جبرئیل و اسرافیل فرمود:

آری،

و آنگاه خداوند متعال اشاره فرمود «دستور فرمود» تا مطلب آشکار شود،

و در این هنگام جبرئیل و اسرافیل دیدند که بر ساق عرش نوشته شده است

که:

خدایی جز خداوند یگانه نیست،

مُحَمَّدٌ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» رَسُولُ خدَا اسْت،

و علی و فاطمه و حسن و حسین «عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» برترین و بهترین مخلوقات

خداوند متعال هستند.

جبرئیل امین وقتی این جملات را بر ساق عرش الهی مشاهده کرد به

خداوند متعال عرض کرد:

فَقَالَ جِبْرَائِيلُ:

يَا رَبِّ:

فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ إِلَّا جَعَلْتَنِي خَادِمَهُمْ «أَنْ تَجْعَلَنِي خَادِمَهُمْ».

فَقَالَ اللهُ تَعَالَى:

قَدْ فَعَلْتُ فَجَبْرَائِيلُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ،

وَ إِنَّهُ لَخَادِمُنَا، يَعْنِي:

جبرئیل به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

از تو درخواست می‌کنم به حقّ این بزرگواران «به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» مرا خادم ایشان قرار دهی. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال نیز درخواست و تقاضای جبرئیل را پذیرفت،

و جبرئیل از اهل بیت قرار گرفت،

و او «یعنی جبرئیل» خادم و خدمتگزار ما می‌باشد.^۱

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان» در توضیح ذیل این

حدیث شریف آمده که:

طبق این حدیث شریف نبوی، بزرگ‌ترین افتخار فرشتگان اعظم الهی مانند

جبرئیل و اسرافیل خدمتگزاری آنان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و

ائمه معصومین علیهم السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،

و تمسّک به آستان مقدّس وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مایه

مباهات جبرئیل و اسرافیل و سایر فرشتگان اعظم الهی است.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۶ و ۱۶۷، ذیل عنوان: قَبِلَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ.

ارشاد القلوب دیلمی «با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی»، جلد دوم، صفحه ۳۳۳، ذیل عنوان: اهل بیت علیهم السّلام از ملائکه مقرب الهی برتر می‌باشند.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت‌الله سید احمد مستنبط، جلد اول، بخش اول، صفحه ۹۶ و ۹۷، حدیث ۱۷.

قابل ذکر است که:

مباهات جبرئیل و اسرافیل و سایر فرشتگان مقرب الهی به خدمتگزاری وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مبین معرفت و شناخت آنها به مقام و منزلت والا و رفیع چهارده معصوم علیهم السلام می باشد، و به همین جهت است که جبرئیل امین علیه السلام از خداوند متعال درخواست می کند تا او را خادم فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش قرار بدهد.^۱

توضیح:

۱- ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کاملی ارائه شد و ده حدیث از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد و به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و لية الله است و دارای مقام ولایت کلیه می باشد،

و مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر تمام مخلوقات الهی ولایت دارد.

۲- ذیل چهاردهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کاملی ارائه شد و هفت حدیث از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد و به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و لية الله است و دارای مقام ولایت

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۶ و ۱۶۷، ذیل عنوان: قَبِّلَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ.

کَلِّیَّه می باشد،

و مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام واجب الاطاعه است،

و خداوند متعال اطاعت از آن علیا مخدّره را مانند پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام بر همه مخلوقات واجب فرموده است که به عنوان نمونه فقط به یکی از این احادیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام در رابطه با واجب الاطاعه بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً الطَّاعَةَ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

به قطع و یقین اطاعت از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر همه مخلوقات خداوند متعال از جنّ و انس «اجنّه و انسانها» و پرندگان و چهارپایان و انبیاء الهی و ملائکه واجب می باشد «خداوند متعال اطاعت از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها را بر همه مخلوقات خویش واجب فرموده است»^۱.
ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و لِيَّةُ الله است،

و مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمّدحسن میرجهانی:

فصل ششم، صفحه ۱۷۲، خصیصه بیست و یکم، ذیل عنوان: خصیصه های حضرت زهرا سلام الله علیها.

فصل هفتم: صفحه ۱۹۱ و ۱۹۳، حدیث اول، ذیل عنوان: مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها.

فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۰، ذیل عنوان: ولایت کَلِّیَّه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، بخش سوم، صفحه ۴۱۷،

حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۲، حدیث ۸، ذیل

عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها بر تمامی موجودات برتری دارد.

بر تمام مخلوقات الهی ولایت دارد،

و خداوند متعال اطاعت از آن علیا مخدّره را مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام بر تمام مخلوقات خویش و از جمله بر تمام ملائکه خویش واجب فرموده است، لذا:

هیچ جای تعجّب ندارد که اعظم ملائکه الهی و مقرب ترین فرشته الهی و فرمانروای ملائکه یعنی جبرئیل امین علیه السّلام:

۱- شب زفاف فاطمه زهرا سلام الله علیها با هفتاد هزار ملک به زمین بیاید تا آن علیا مخدّره را به منزل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام ببرد «بیست و پنجمین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۲- پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بطور مکرّر و پیوسته به محضر مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها شرفیاب شود،

و ضمن تسلی دادن آن علیا مخدّره، اخبار و وقایع گذشته و آینده را به آن حضرت گزارش نماید «بیست و ششمین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۳- روز قیامت زمام ناقه فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست بگیرد تا آن علیا مخدّره از محشر عبور نموده و به مقابل عرش الهی برسد «بیست و هفتمین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

۴- از خداوند متعال درخواست نماید تا او را خادم و خدمتکار فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام از نسل و ذریه اش قرار دهد «مفاد حدیث شریفی که ابوذر غفاری از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید».

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و هفتمین فضیلت از فضائل

بی شمار فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم
به بیست و هشتمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

فضیلت بیست و هشتم

در علو مقام سومین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

تا زمانی که آن علیا مخدّره سلام الله علیها در قید حیات بود ازدواج با زنان دیگر برای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام حرام بود،

و حتی در آخرت و در بهشت نیز حضرت امیرعلیه السّلام غیر از حضرت زهرا سلام الله علیها همسر دیگری ندارد،

و حورالعین خدمتکار و خدمتگزار حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما می باشند،

نه اینکه حورالعین همسر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام باشند. ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال فاطمه زهرا سلام الله علیها را در آسمان به عقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درآورد،

و سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمود تا آن حضرت در زمین نیز دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها را به عقد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در بیاورد تا اهل زمین نیز مانند اهل آسمان شاهد این وصلت نورانی باشند.

همچنین در حدیث چهاردهم ذیل بیست و چهارمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در وصیت‌نامه خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد که:

یا عَلِيُّ:

أَنَا فَاطِمَةٌ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ،
 زَوْجَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،
 حَنْطِنِي وَ غَسِّلْنِي وَ كَفِّنِي بِاللَّيْلِ وَ ...، يَعْنِي:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در وصیت‌نامه خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض نمود که:

یا علی:

من فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم،
 و خداوند متعال مرا به تو تزویج فرمود،
 تا در دنیا و آخرت برای تو باشم «خداوند متعال مرا به عقد تو درآورد تا در دنیا و آخرت همسر تو باشم».

یا علی:

مرا شبانه حنوط کن و غسل بده و کفن نما و ..!

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۶۵، مجلس دوم، ذیل عنوان: فاطمه علیها سلام اولین کسی که وارد بهشت می‌شود.

صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳، مجلس دوازدهم، ذیل عنوان: وجوب عزاداری در مصیبت فاطمه زهرا سلام الله علیها
 صفحه ۲۶۵ تا ۲۶۸، مجلس هیجدهم، ذیل عنوان: نور ذریه حضرت زهرا سلام الله علیها.
 سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۳۷ و ۲۳۸، ذیل عنوان: وصیت‌نامه حضرت زهرا سلام الله علیها.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۴۲، صفحه ۱۷۸، حدیث دوم.
 جنة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۶۸۵.
 تحقیقی درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۴۰۴.
 فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۹، صفحه ۴۰۸، حدیث ۱۹.

این فرمایش نورانی فاطمه زهرا سلام الله عليها مبين اين مطلب است که:
 فاطمه زهرا سلام الله عليها يگانه همسر اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام در آخرت «در بهشت» می باشد،
 و تا زمانی که آن عليا مخدّره در قيد حیات بود يگانه همسر مولي الموحدين اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام بود،
 و دو حديث شريف ذيل صراحتاً اين موضوع را بيان می فرمايند.
 حديث اول که ملاحظه خواهيد فرمود صراحتاً اشاره می فرمايد که:
 تا زمانی که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در قيد حیات بود ازدواج با زنان ديگر برای اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام حرام بود،
 و در حديث دوم ملاحظه خواهيد فرمود که:
 در آخرت و در بهشت نیز اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام غير از فاطمه زهرا سلام الله عليها همسر ديگري ندارد، يعنی:
 در آخرت و در بهشت، حورالعین خدمتکار و خدمتگزار و خادم اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام هستند،
 نه اينکه حورالعین همسر آن حضرت می باشند.

حديث اول:

وجود مقدّس امام صادق عليه السلام فرمودند:

حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النِّسَاءَ عَلَيَّ عَلِيَّهِ السَّلَامُ،

ما دامت فاطمة عليها سلام حَيَّة، يعنی:

وجود مقدّس امام صادق عليه السلام فرمودند:

خداوند متعال تا زمانی که فاطمه زهرا سلام الله عليها در قيد حیات بود همه زنان را بر اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام حرام نموده بود «تا زمانی

که فاطمه زهرا سلام الله علیها زنده بود (در دنیا بود) خداوند متعال ازدواج با تمام زنان را بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حرام فرموده بود.^۱ این حدیث شریف را ابوبصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

در حدیث دیگری که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام صادر شده آمده است که:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ النِّسَاءَ عَلَيَّ عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً، يَعْنِي:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال حرام کرد زنان را بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، مادامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها زنده بود «مادامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها در قید حیات بود، خداوند متعال همه زنان را بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حرام فرموده بود».^۲

۱. امالی شیخ طوسی، جلد اول، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۷ «حدیث ۴۸» «مجلس دوم» - شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد چهارم، صفحه ۲۲۸، ذیل عنوان: وَتَرَا جَمَّةً لَوْحِيه. جُمَّةُ الْعَاصِمِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۷۹، خصیصه سی ام. جُمَّةُ الْعَاصِمِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۸۶، خصیصه پنجاه و چهارم. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سید محمدکاظم قزوینی، صفحه ۸۱، حدیث ۹. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۷، صفحه ۶۰، حدیث پنجم. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۱۷، حدیث ۹. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۰۷، حدیث ۶. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۶۷۵، خصیصه سی و ششم از پنجاه خصیصه. ۲. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۳۲۷، خصیصه نهم از پنجاه خصیصه قبل از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، ذیل عنوان: همسر معصومه باید معصوم باشد. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۴۷، حدیث دوم.

حدیث دؤم:

روز ازدواج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام با فاطمه زهرا سلام الله علیها، وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

سر خود را به سوی آسمان بلند کن و بین چه می بینی.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به سوی آسمان نگاه کرد و سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

یا رسول الله:

دخترهای زینت کرده ای را می بینم که هدایا و تحفه هایی به همراه دارند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن

ابطالب علیه السّلام فرمود:

یا علی:

اینها خدمتگزاران و خدمتکاران تو و فاطمه زهرا در بهشت می باشند.

راوی این حدیث شریف که عمّار یاسر می باشد می گوید:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود تا مقداری

عطر به عنوان هدیه به فاطمه زهرا سلام الله علیها تقدیم کنم.

عمّار یاسر می گوید:

روز بعد طبق دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم با مقداری عطر

به منزل فاطمه زهرا سلام الله علیها رفتم و به محضر آن علیا مخدّره شرفیاب

شدم و به آن علیا مخدّره عرض کردم:

پدر بزرگوار تو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من دستور فرمود

تا این عطر را به عنوان هدیه به شما تقدیم نمایم.

فاطمه زهرا سلام الله عليها به من فرمود:

ای عمّار:

به خدا قسم:

حورالعین برای من از آسمان عطر آوردند،

و در میان این حورالعین، حوریه‌ای بود بسیار زیبا و خوش رو مانند ماه شب چهارده.

فاطمه زهرا سلام الله عليها در ادامه فرمایش خویش فرمود:

من به آن حوریه گفتم:

این عطر و این بوی خوش را چه کسی فرستاده است؟

حوریه گفت:

خازن بهشت این عطر و بوی خوش را به شما تقدیم نموده «یعنی به فاطمه

زهرا سلام الله عليها»،

و به این حوریه‌ها «به این حورالعین» دستور فرموده تا همراه من خدمت

شما شرفیاب شوند.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

در دست راست هر کدام از این حوریه‌ها میوه‌ای از میوه‌های بهشتی بود،

و در دست چپ هر کدام از حوریه‌ها گلی از گل‌های بهشتی.

فاطمه زهرا سلام الله عليها می‌فرماید:

به این حورالعین «به این حوریه‌ها» گفتم:

شما برای کی هستید «شما برای چه کسانی هستید»؟

حورالعین گفتند:

ما برای تو و اهل بیت تو و شیعیان تو هستیم.

فاطمه زهرا سلام الله عليها می‌فرماید:

به این حورالعین «به این حوریه‌ها» گفتیم:

آیا در بین شما کسی هست که در بهشت همسر پسرعموی من علی بن ابیطالب علیه السلام باشد؟

حورالعین به من گفتند:

یا فاطمةُ:

أَنْتِ زَوْجَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...، یعنی:

حورالعین به فاطمه زهرا سلام الله علیها عرض کردند:

ای فاطمه:

در دنیا و آخرت، فقط تو همسر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستی،

و ما «یعنی حورالعین» خدمتکار و خدمتگزار شما می‌باشیم.^۱

توضیح:

الف: در کتاب خصائص فاطمیّه و در توضیح این حدیث شریف «حدیث دوّم که عمّاریاسر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل نموده» آمده است که:

خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را شوهر فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار داده است،

و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خلق نفرموده بود هیچکس لیاقت همسری فاطمه زهرا سلام الله علیها را نداشت و کسی را نصیب همسری با آن علیا منحدره نبود،

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل چهاردهم، صفحه ۳۴۵ تا ۳۴۷، منقبت اوّل، ذیل عنوان: پاره‌ای از مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۷۸۰ و ۷۸۱، خصیصه چهل و پنجم از پنجاه خصیصه، ذیل عنوان: علی علیه السلام تنها همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

و حتّی این مطلب اختصاص به دنیا ندارد، یعنی:
در آخرت و در بهشت نیز امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام غیر از
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همسر دیگری ندارد،
و این قضیّه دلالت بر شرافت کلّیّه فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد،
و این موضوع را خداوند متعال به حبیبه خود فاطمه زهرا سلام الله علیها
اختصاص داده است، یعنی:

حورالعین در بهشت نسبت به مردان مؤمنی که وارد بهشت شده‌اند نسبت
زوجیّت و همسری دارند «یعنی حورالعین همسر مردان اهل بهشت هستند»،
غیر از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام که در بهشت
غیر از فاطمه زهرا سلام الله علیها همسر دیگری ندارد،
و حورالعین در بهشت کنیز و خدمتکار آن حضرت «یعنی حضرت امیر علیه
السّلام» می‌باشند،

و حدیث شریفی را که ملاحظه فرمودید «حدیث دوّم که عمّاریاسر از وجود
مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده» دلیل بر این مدّعا و
شاهد بر مراد می‌باشد.^۱

ب: انشاء الله تعالی ذیل سی و دوّمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود
مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف ملاحظه خواهید فرمود
که:

خداوند متعال در سوره هَلْ آتی «سوره انسان» از نعمات فراوانی یاد نموده
که در بهشت به ابرار یعنی به خمسه طیّبه علیهم السّلام «یعنی حضرت محمّد
و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمّه معصومین علیهم
السّلام اعطا می‌شود،

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۷۷۹ و ۷۸۰، خصیصه چهل و پنجم از پنجاه
خصیصه، ذیل عنوان: علی علیه السّلام تنها همتای فاطمه زهرا سلام الله علیها.

لیکن چون یکی از ابرار مدّنظر آیات شریفه هلّ اّتی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لذا:

خداوند متعال به احترام آن علیا مخدّره از حورالعین نام نبرده است، و این موضوع نیز شاید تلویحاً اشاره به این مطلب باشد که:

وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در بهشت غیر از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همسر دیگری ندارد، و حورالعین کنیز و خدمتکار حضرت امیر علیه السّلام می باشند.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و هشتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم به بیست و نهمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

فضیلت بیست و نهم

در علوّ مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها به لیله قدر تأویل شده است،
لذا:

غیر از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام هیچکس قادر به شناختن آن حضرت و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشد.
انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از لیله مبارکه قدر «شب قدر» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد که در آیه سوّم و چهارم سوره دخان و آیات اوّل تا سوّم سوره قدر راجع به آن صحبت شده است «راجع به شب قدر و اهمّیت این شب مبارک».
قبل از درج این احادیث شریف و نورانی لازم است به اهمّیت و عظمت لیله قدر «شب قدر» اشاره شود، تا هنگامی که عنوان شد منظور از لیله مبارکه قدر و منظور از تأویل لیله مبارکه قدر وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد آن موقع به مقام و منزلت والا و رفیع فاطمه زهرا سلام الله علیها پی ببریم و آگاه شویم،

گرچه رسیدن به حقیقت و کُنه مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها طبق فرمایش

امام صادق علیه السَّلام غیر از ذوات مقدَّسه معصومین علیهم السَّلام برای احدی از مخلوقات الهی امکان پذیر نمی باشد،
و این موضوع فرمایش امام صادق علیه السَّلام است که:
إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِّمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.
انشاء الله در ادامه بحث و در بخش حدیث به این حدیث نورانی و شریف اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در آیه ۱۸۵ سوره بقره می فرماید:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، یعنی:

ماه رمضان ماهی است که قرآن کریم در آن ماه نازل شده است، بنابراین:
بطور قطع و یقین قرآن کریم در ماه رمضان بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است،
و آیات شریفه سوره دخان و سوره قدر تصریح می فرمایند که قرآن کریم در ماه رمضان و لیله مبارکه قدر «شب قدر» بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.

خداوند متعال در آیات اول تا چهارم سوره دخان می فرماید:

حم «آیه ۱».

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ «آیه ۲».

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ «آیه ۳».

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ «آیه ۴»، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

حم «آیه ۱»

«حم» از حروف مقطعه قرآن کریم است،

و بعضی از مفسرین محترم نیز «حم» را به عنوان سوگند و قسم تفسیر

نموده‌اند،

که با سوگند دیگری که در آیه بعد آمده «آیه دوّم سوره دخان» دو سوگند و دو قسم پی در پی را تشکیل می‌دهد، تا خداوند متعال مطلب بسیار مهمی را بیان بفرماید، گرچه همه فرمایشات خداوند متعال بسیار مهم می‌باشد.^۱

در آیه دوم سوره دخان خداوند متعال به قرآن کریم سوگند یاد کرده و می‌فرماید:

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

قسم به کتاب مُبِين، یعنی:

قسم به کتاب مُبِين و کتاب آشکار، یعنی قسم به قرآن کریم، کتابی که:

محتوای آن روشن،

معارف آن آشکار،

تعلیمات آن زنده،

احکام آن سازنده،

و برنامه‌های آن حساب شده است،

و کتابی است که خود دلیل حَقَّانیت خویش است.

حرف «و» در این آیه شریفه «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» او سوگند است،

و مقصود از کتاب مبین، قرآن کریم می‌باشد.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۸ «ذیل آیه اوّل سوره دخان».

۲. مجمع البیان، جلد بیست و دوّم، صفحه ۲۸۶ «ذیل آیه دوّم سوره دخان».

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۲۱۱ «ذیل آیه دوّم سوره دخان».

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۸ و ۱۵۹ «ذیل آیه دوّم سوره دخان».

خداوند متعال پس از سوگند یاد کردن به قرآن کریم، در آیه بعد «آیه سوّم سوره دخان» می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ، یعنی:

بطور مسلّم ما قرآن را در لילה مبارکی نازل نمودیم.

منظور از لילה مبارکی که قرآن کریم به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده شب قدر می باشد،

و منظور از مبارک بودن شب قدر این است که:

شب قدر ظرفیت خیر کثیر و خیر فراوان را داشت،

و قرآن کریم خیر کثیری بود که در لילה مبارکه قدر «شب مبارک قدر» بر

قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل گشت.

مبارک از ماده برکت است به معنی خیر کثیر یعنی:

خیر کثیر و فراوان و جاویدان.^۱

انشاء الله تعالی در ادامه بحث درباره نزول دفعی قرآن کریم در شب قدر و

نزول تدریجی قرآن کریم طی ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم توضیحات مختصری به عرض خواهد رسید.

آیه بعد «آیه چهارم سوره دخان» توصیف و توضیحی است برای شب قدر،

و خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه چهارم سوره دخان» می فرماید:

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، یعنی:

در شب قدر هر امری براساس حکمت تدبیر می گردد.

ضمیم در فیها به لילה برمی گردد،

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۶ «ذیل آیه سوّم سوره دخان».

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۲۱۱ «ذیل آیه سوّم سوره دخان».

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۹ «ذیل آیه سوّم سوره دخان».

و تعبیر به «يُفَرِّقُ» اشاره به این است که همه امور و مسائل سرنوشت ساز در شب قدر مقدر می شود،
و تعبیر به «حَكِيم» بیانگر استحکام این تقدیر الهی و حکیمانه بودن آن می باشد، لذا:

معنی آیه شریفه «آیه چهارم سوره دخان» این می شود که:
شب قدر شبی است که در آن شب هر امری از امور طبق حکمت الهی تفصیل و تبیین می شود «تنظیم و تعیین می گردد»^۱.
احادیث مرتبط با این آیات شریفه «آیه اول تا چهارم سوره دخان» در خاتمه بحث و در بخش حدیث به عرض خواهد رسید.
در سوره مبارکه قدر نیز صحبت در رابطه با ليله قدر «شب قدر» و عظمت این شب مبارک می باشد که ذیلاً به اختصار به آن اشاره می شود.
خداوند متعال در آیات اول تا پنجم سوره قدر می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «آیه ۱».
وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ «آیه ۲».
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ «آیه ۳».
تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ «آیه ۴».
سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ «آیه ۵».

شرح لغات و توضیحات

قَدْرٌ = تقدیر و اندازه گیری.

تقدیر = هر چیزی را متناسب با شرایط خود و به مقتضای حکمت قرار دادن.

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۲۸۹ «ذیل آیه چهارم سوره دخان».
المیزان، جلد بیست و پنجم، صفحه ۲۱۴ «ذیل آیه چهارم سوره دخان».
تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه چهارم سوره دخان».
تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۱۰ «ذیل آیات سوره قدر».

سَلْم و سَلَامَة = عاری بودن از عیوب و آفات ظاهری و باطنی.

سَلَام = مصدر است، یعنی سالم بودن، سلامت بودن.^۱

سوره مبارکه قدر نزول قرآن کریم در شب قدر را بیان می‌فرماید «همچنانکه آیه سوّم سوره دخان نزول قرآن کریم را در شب قدر بیان می‌فرماید و در صفحات قبل به آن اشاره شد»،

و سپس به تعظیم ليله قدر «شب قدر» پرداخته و آن شب مبارک را از هزار ماه برتر و بالاتر دانسته است.

همچنین در این سوره مبارکه «سوره مبارکه قدر» بیان می‌شود که ملائکه الهی و روح در این شب با عظمت «شب قدر» به اذن خداوند متعال نازل می‌شوند برای تقدیر امور عالم.

خداوند متعال در اوّلین آیه این سوره مبارکه می‌فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، یعنی:

ما قرآن کریم را در شب قدر نازل کردیم.

ضمیر در کلمه أَنْزَلْنَاهُ به قرآن کریم باز می‌گردد،

و این ابهام ظاهری برای بیان عظمت و اهمیّت قرآن کریم می‌باشد، ضمن اینکه:

تعبیر به إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ «ما آن را نازل کردیم» نیز اشاره دیگری است بر عظمت و

اهمیّت قرآن کریم،

همچنین:

نزول قرآن کریم بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در

لیله مبارکه قدر «شب قدر» که شب تقدیر مقدرات انسان‌ها و تدبیر امور عالم

می‌باشد دلیل دیگری است بر عظمت و اهمیّت قرآن کریم،

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۴ و ۳۲۸ «ذیل آیات سوره قدر».

همچنین:

این امر «نزول قرآن کریم بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ليله مبارکه قدر» دلیلی بر عظمت و اهميت شب قدر نیز می باشد که ظرفیت نزول قرآن کریم و این خیر کثیر را داشت، و منظور از مبارک بودن شب قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ، آیه سوّم سوره دخان» این است که ظرفیت نزول قرآن کریم و ظرفیت خیر کثیر و فراوان را داشت.^۱

بنابراین:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ما قرآن کریم را در شب قدر نازل کردیم.

این آیه شریفه «آیه اوّل سوره قدر» بیان می فرماید که:

تمام قرآن کریم در شب قدر نازل شده است،

نه بعضی از آیات شریفه آن، زیرا:

در این آیه شریفه تعبیر به انزال قرآن کریم شده است که نازل کردن جمعی و یک جا و یک پارچه را بیان می فرماید، نه تنزیل که به معنای نازل کردن تدریجی است.

در آیات اوّل تا چهارم سوره دخان نیز تعبیر به انزال قرآن کریم شده و خداوند متعال پس از سوگند خوردن به تمام کتاب «به همه قرآن کریم که همان کتاب مبین باشد» فرمود:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ «آیه سوّم سوره دخان»، یعنی:

ما تمام قرآن کریم را یک جا و یک پارچه و در یک شب «شب قدر» نازل کردیم.

۱. المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۲۱۱، ذیل آیه سوّم سوره دخان.

در بعضی از آیات شریفه قرآن کریم کلمه تنزیل به کار برده شده که حاکی از نزول تدریجی قرآن کریم می باشد، و از مجموعه این آیات شریفه «که هم تعبیر به انزال قرآن کریم شده و هم تعبیر به تنزیل» استفاده می شود که:

قرآن کریم دارای دو نوع نزول بوده است «قرآن کریم دو جور نازل شده است»:

۱- نزول دفعی «نزول یک پارچه در یک شب معین یعنی در شب قدر»،
یعنی:

تمام قرآن کریم یک جا و یک پارچه در ماه رمضان و در شب قدر به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.

۲- نزول تدریجی، یعنی:

آیات شریفه قرآن کریم طی ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم بر حسب شرایط و حوادث و نیازها به آن حضرت نازل شده است.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه دوّم سوره قدر» برای بیان عظمت و اهمّیت شب قدر می فرماید:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، یعنی:

تو چه می دانی شب قدر چیست.

این آیه شریفه عظمت و اهمّیت فوق العاده لیله مبارکه قدر را بیان می فرماید،

یعنی:

امکان داشت که به جای لَيْلَةُ الْقَدْرِ در این آیه شریفه «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»

ضمیر به کار برده شود و عنوان شود که:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ، یعنی:

خداوند متعال به جای استفاده از ضمیر، هم در آیه دوّم و هم در آیه سوّم

سوره قدر، كلمه لَيْلَةُ الْقَدْرِ را بيان نموده و فرموده:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ «آيه دوّم سوره قدر»،

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ «آيه سوّم سوره قدر»،

و اين قضيه مبين عظمت و اهميت ويژه و فوق العاده شب قدر مي باشد.

خداوند متعال در آيه سوّم سوره قدر نيز اهميت و عظمت شب قدر را بيان

نموده و مي فرمايد:

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، يعنى:

شب قدر از هزار ماه بهتر است.

در آيه دوّم سوره قدر بطور اجمال به اهميت و عظمت شب قدر اشاره شده،

ليكن آيه سوّم سوره قدر علت و دليل اهميت و عظمت شب قدر را بيان

مي فرمايد «يا يكي از دلايل اهميت و عظمت شب قدر»، و آن اين است كه:

شب قدر از هزار ماه بهتر مي باشد.

منظور از بهتر بودن شب قدر از هزار ماه، بهتر بودنش از نظر فضيلت عبادت

مي باشد، يعنى:

عبادت و شب زنده داري در شب قدر بهتر از عبادت و شب زنده داري هزار

ماه مي باشد، يعنى:

فضيلت و ثواب عبادت در آن يك شب «شب قدر» از فضيلت و ثواب

عبادت هزار ماه بيشتر است.

هزار ماهي كه در آن شب قدر وجود نداشته باشد.

خداوند متعال در آيه بعد «آيه چهارم سوره قدر» به توصيف بيشترى از شب

قدر پرداخته و مي فرمايد:

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ، يعنى:

در شب قدر ملائكه و روح به اذن پروردگارشان نازل مي شوند تا هر امر و

هر کاری را تدبیر و تقدیر کنند، یعنی:

همه امور را تقدیر نمایند.

منظور از روح در این آیه شریفه ممکن است:

الف: جبرئیل امین باشد که روح الامین نیز نامیده می شود.

ب: یا اینکه مخلوق عظیمی باشد مافوق ملائکه.

به هر حال منظور از روح هر کدام از دو احتمال فوق که باشد معنی آیه

شریفه «آیه چهارم سوره قدر» تغییر نمی کند، لذا:

معنی آیه شریفه «آیه چهارم سوره قدر» این می شود که:

در شب قدر ملائکه الهی به همراه روح «جبرئیل - مخلوقی مافوق ملائکه»

به امر و به اذن خداوند متعال نازل می شوند تا حوادث یک سال را تقدیر نمایند

«از شب قدر همان سال تا شب قدر سال دیگر».

قابل ذکر است که:

تَنْزَلُ فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد، یعنی:

شب قدر مخصوص به زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و زمان

نزول قرآن کریم نبوده،

بلکه امری است مستمر و شبی است مداوم که همه ساله تکرار می شود،

یعنی:

هر سال در ماه رمضان و در لیله مبارکه قدر «شب قدر» ملائکه الهی خدمت

ولّی امر نازل می شوند،

و هر سال در شب قدر امور به ولّی امر «حجّت خدا و امام معصوم و

منصوب از ناحیه خداوند متعال» عرضه می شود و این مسئله اختصاص به زمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ندارد.

در آیات اوّل تا چهارم سوره دخان نیز ملاحظه فرمودید که بحث در آن

آیات شریفه در رابطه با شب پربرکتی بود که قرآن کریم در آن شب نازل شده است «یعنی ليله مبارکه قدر»،

و در آیه چهارم سوره دخان آمده که:

خداوند متعال می فرماید:

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، یعنی:

در شب قدر هر امری «همه امور» براساس حکمت الهی تدبیر، تقدیر و تبیین می شود.

يُفْرَقُ فَعْلٌ مُضَارِعٌ اسْتِوَاءً وَ اسْتِمْرَارًا رَا مِي رَسَانَدًا،

و در این صورت معنی آیه چهارم سوره دخان این می شود که:

هر سال در شب قدر همه امور آن سال که باید تا سال بعد جریان یابد تقدیر و تبیین می شود و خصوصیاتش مشخص می گردد،

بنابراین:

تا دنیا باقی است هر سال در شب قدر همان سال ملائکه الهی و روح خدمت امام معصوم علیه السلام نازل می شوند و مقدرات انسانها را تا شب قدر سال بعد تقدیر می کنند.

این موضوع به روشنی اثبات می کند که تا دنیا باقی است باید حجت خداوند متعال روی زمین باشد تا امور دنیا خدمت حجت خداوند متعال عرضه بشود، و در این رابطه احادیث فراوانی در تفاسیر شریف صافی و برهان و نورالثقلین از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که ملائکه الهی و روح هر سال در ماه رمضان و در ليله مبارکه قدر خدمت امام معصومی که در آن زمان زندگی می کند شرفیاب می شوند «بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، ملائکه الهی و روح هر سال در ماه رمضان و در شب قدر خدمت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن القائم المهدي صلوات

الله و سلامه عليه نازل می شوند» و امور عالم را به محضر آن امام معصوم عرضه می نمایند،

و چون این موضوع به بحث ما مرتبط نیست از درج و نقل این احادیث نورانی و شریف خودداری می گردد.

بحث ما در رابطه اهمیت و عظمت ليله مبارکه قدر است، و اینکه منظور از ليله مبارکه قدر در آیات شریفه سوره دخان و سوره قدر، وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد «تأویل آیات شریفه و معنی باطنی آیات شریفه نه تفسیر و معنی ظاهری آیات شریفه» که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه پنجم سوره قدر» یکی دیگر از ویژگی ها و امتیازات شب قدر را بیان نموده و می فرماید:

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ، یعنی:

شب قدر شبی است آکنده از سلامت و خیر و رحمت تا طلوع صبح، یعنی:

شب قدر شبی است خاص و ویژه و سرشار از سلامت و خیر و رحمت از

اوّل شب تا طلوع صبح^۱.

ملاحظه فرمودید که:

۱- در آیه ۱۸۵ سوره بقره بیان شده که قرآن کریم در ماه مبارک رمضان بر

قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است.

۲- در آیات اوّل تا چهارم سوره دخان بیان شده که قرآن کریم در ليله مبارکه

۱. مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۱۹۷ و ۲۰۵ «ذیل آیات شریفه سوره قدر».

المیزان، جلد سی و پنجم، صفحه ۲۱۴ تا ۲۱۶ «ذیل آیه چهارم سوره دخان».

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۲ تا ۳۲۷ و ۳۳۰ و ۳۳۱ «ذیل آیات شریفه سوره قدر».

تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۴ «ذیل آیه اوّل تا هشتم سوره دخان».

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۰۵ تا ۲۰۷ و ۲۱۰ و ۲۱۴ «ذیل آیات شریفه سوره قدر».

«در شب مبارکی» به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده،

و در آن شب مبارک «لیله مبارکه قدر» هر امری «همه امور» براساس حکمت خداوند متعال تقدیر و تبیین می شود.

۳- در آیه اول سوره مبارکه قدر تصریح شده که قرآن کریم در شب قدر نازل شده است،

بنابراین:

الف: قرآن کریم در ماه مبارک نازل شده است.

ب: قرآن کریم در لیله مبارکه «در شب مبارک» نازل شده است.

ج: شب مبارکی که قرآن کریم در آن نازل شده **لَيْلَةُ الْقَدْرِ** می باشد «شب مبارکی که قرآن کریم در آن نازل شده شب قدر می باشد».

اهمیت و عظمت شب قدر در فرمایش خداوند متعال:

لیله مبارکه قدر «شب قدر» شبی است که:

۱- خداوند متعال آن شب را مبارک دانسته است «آیه سوّم سوره دخان». وقتی خداوند متعال شبی را مبارک بداند، مبارک بودن آن شب و پربرکت بودن آن شب و حقیقت آن شب مبارک را جز خداوند متعال و به اذن خداوند متعال جز وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که حجّت خداوند متعال می باشند احدی از مخلوقات الهی نمی داند.

شب قدر شبی است که:

۲- همه امور عالم تا شب قدر سال دیگر براساس حکمت خداوند متعال تبیین و تنظیم و تعیین می گردد «آیه چهارم سوره دخان».

شب قدر شبی است که:

۳- خداوند متعال قرآن کریم را در آن شب مبارک به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل نموده است «آیه سوّم سوره دخان و آیه اوّل سوره قدر».

این نحوه نزول قرآن «نزول یکجا و یک پارچه قرآن کریم به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» نزول دفعی نام دارد که در صفحات قبل راجع به آن توضیحات مختصری ارائه شد.

۴- ليله مبارکه قدر «شب قدر» به حدی عظمت و اهمیّت دارد که خداوند متعال می فرماید:

تو چه می دانی که شب قدر چیست «شما چه می دانید که شب قدر چیست» «آیه دوّم سوره قدر».

۵- شب قدر از هزار ماه بهتر است «آیه سوّم سوره قدر».

۶- ملائکه الهی و روح «جبرئیل امین یا مخلوقی مافوق ملائکه» در شب قدر برای تقدیر امور عالم خدمت حجّت خداوند متعال و امام معصوم و منصوب از ناحیه خداوند متعال نازل می شوند «آیه چهارم سوره قدر».

۷- ليله مبارکه قدر شبی است سرشار از سلامت و خیر و رحمت از اوّل شب تا طلوع صبح «آیه پنجم سوره قدر».

همچنین در احادیث شریف آمده که:

۸- در ليله مبارکه قدر رحمت خداوند متعال شامل حال همه مؤمنینی می شود که در آن شب مبارک رو به سوی خداوند متعال می آورند.

۹- در ليله مبارکه قدر باب عذاب الهی مسدود است،

و مکر و کید شیاطین موثر واقع نمی شود،

و در بعضی از احادیث شریف آمده که:

۱۰- در ليله مبارکه قدر شياطين در غل و زنجير هستند.

۱۱- طبق نظر بعضی از بزرگان، شب قدر را از این جهت شب قدر نامیده‌اند که دارای قدر و شرافت عظیمی است،

نظیر آنچه که در آیه ۷۴ سوره حج آمده که خداوند متعال می‌فرماید:
 مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ، یعنی:

آنها قدر خداوند متعال را نشناختند.^۱

۱۲- احادیث متعددی از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده و این احادیث شریف تصریح می‌فرمایند که:

شب قدر از مواهب الهی بر امت اسلام است و امت‌های پیشین از این موهبت برخوردار نبوده‌اند،

چنانچه در حدیث شریفی که از ناحیه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده آمده است که:

إِنَّ اللَّهَ وَهَبَ لِأُمَّتِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ،
 لَمْ يُعْطِهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 خداوند متعال شب قدر را به امت من بخشیده،

و احدی از امت‌های پیشین از این موهبت برخوردار نبودند.^۲

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که منظور از ليله مبارکه قدر «شب قدر» وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد،

و ليله مبارکه قدر به آن علیا مخدّره تأویل شده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۱۰ و ۲۱۱، ذیل آیات شریفه سوره قدر.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۱۴، ذیل آیات شریفه سوره قدر.

حدیث اول:

یعقوب بن جعفر بن ابراهیم می گوید:

من در محضر مبارک وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام بودم که مردی مسیحی خدمت آن حضرت شرفیاب شد و به آن حضرت عرض کرد: برای من درباره کتابی که خداوند متعال به حضرت محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» نازل نموده و با آن حضرت سخن گفته حرف بزن و تفسیر و معنی باطنی این آیات قرآن را به من بیان کن که می فرماید:

حم «آیه اول سوره دخان»

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ «آیه دوّم سوره دخان».

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ «آیه سوّم سوره دخان».

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ «آیه چهارم سوره دخان».

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام در پاسخ به سؤال مرد مسیحی درباره معنی باطنی «تأویل» آیات اول تا چهارم سوره دخان فرمود:

منظور از «حم»، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.

منظور از کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره دخان» امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السّلام است.

منظور از لیله مبارکه در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره دخان» فاطمه زهرا

سلام الله علیها می باشد.

و منظور از فیها یُفرقُ کُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ «آیه چهارم سوره دخان» این است که:

يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ،

فَرَجُلٌ حَكِيمٌ، وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، یعنی:

منظور از لیله مبارکه «منظور از شب مبارکه قدر» در آیه سوّم سوره دخان،

فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که از آن حضرت خیر کثیر خارج می شود

و بیرون می آید،

و آن خیر کثیر که از فاطمه زهرا سلام الله علیها خارج می شود و بیرون می آید مرد حکیم و مرد حکیم و مرد حکیم می باشد.
مرد نصرانی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد:
صِفَ لِي الْأَوَّلَ وَالْآخِرَ مِنْ هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ، یعنی:
مرد نصرانی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد:
اولین و آخرین این رجال حکیم را «مردان حکیم را» معرفی فرما و توصیف نما.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام در پاسخ به سؤال مرد مسیحی فرمود:

إِنَّ الصِّفَاتِ تَشْتَبِهُ،

وَ لَكِنَّ الثَّالِثَ مِنَ الْقَوْمِ أَصْفُ لَكَ مَا يَخْرُجُ مِنْ نَسْلِهِ،

وَ إِنَّهُ عِنْدَكُمْ لَفِي الْكُتُبِ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَيْكُمْ،

إِنْ لَمْ تُغَيِّرُوا وَ تُحَرِّفُوا وَ تُكْفِرُوا وَ قَدِيمًا مَا فَعَلْتُمْ، یعنی:

وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام به مرد مسیحی فرمود:

صفات این رجال حکیم «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که خیر کثیر هستند و از نسل فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند» به یکدیگر شباهت دارد «صفات ائمه معصومین علیهم السلام مانند هم می باشد»، لیکن:

من سوّمین رَجُلٍ از این رجال حکیم را برای تو معرفی می کنم که بقیه این رجال حکیم از نسل او می باشند «من سومین رجل از این رجال حکیم را برای تو معرفی می کنم و می گویم که چه کسی از نسل او ظاهر خواهد شد» (یعنی امام زمان علیه السلام)،

و اوصاف او «یعنی امام زمان علیه السلام» در کتاب هایی که بر شما نازل شده بیان شده است، اگر آن را تغییر نداده باشید و تحریف نکرده باشید،

که البتّه در گذشته چنین کاری کرده‌اید.
 مرد مسیحی به امام کاظم علیه السّلام عرض کرد:
 من آنچه را که بدانم از شما پنهان نمی‌کنم.
 و به شما دروغ نمی‌گویم و شما را تکذیب نمی‌کنم،
 زیرا شما راست و دروغ بودن سخنان مرا به خوبی می‌دانید.
 به خدا قسم:

خداوند متعال از فضل و نعمت خویش آنقدر به شما اعطا فرموده که به
 ذهن هیچ انسانی خطور نمی‌کند،
 و احدی نمی‌تواند آن را پنهان کند و نادیده بگیرد،
 و هر چه من در این باره بگویم حق است و درست،
 و مطلب آنچنان است که شما فرمودید «آنچه که فرمودی درست است و
 مطابق واقع»^۱.

توضیح:

الف: حدیث شریف طولانی‌تر و مفصّل‌تر از این است که ملاحظه فرمودید،
 فقط به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که بیان می‌فرمود منظور از ليله

۱. اصول کافی، جلد دوم، باب زندگانی موسی بن جعفر سلام الله علیهما، صفحه ۳۸۸ تا ۳۹۴، حدیث ۴ «حدیث ۱۲۸۴».
 تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۳۸ «ذیل آیات اوّل تا چهارم سوره دخان».
 تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۲۵۹ تا ۲۶۴، حدیث ۱ «ذیل آیات اوّل تا چهارم سوره دخان».
 تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۸۷۳ تا ۸۷۵، حدیث ۱۴ «حدیث ۱۰۲۶۸» «ذیل آیات اوّل تا چهارم
 سوره دخان».

فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی،
 صفحه ۹۶، مجلس پنجم «ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها گوهر ناشناخته».
 صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲، مجلس ششم «ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها».
 صفحه ۳۳۲ تا ۳۳۹، مجلس بیست و سوم «ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها ليله مبارکه».
 جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، بخش خاتمه، صفحه ۲۳۱، مطلب شانزدهم.
 قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف سید احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش سوم، صفحه
 ۴۱۳ و ۴۱۴، حدیث ۱۸/۲۶۹.

مبارکه در این آیه شریفه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، آیه سوّم سوره دخان» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها می باشد که طبق فرمایش نورانی امام کاظم علیه السّلام یَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ، یعنی:

منظور از ليله مبارکه در آیه سوّم سوره دخان که خیر کثیر و خیر فراوان از او خارج می شود وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها است، و منظور از خیر کثیر و خیر فراوان که از آن علیا مخدّره سلام الله عليها خارج می شود یازده امام معصوم علیهم السّلام از نسل و ذرّیه آن حضرت می باشد، از وجود مقدّس امام مجتبی سلام الله عليه تا وجود مقدّس حجة بن الحسن القائم المهدي صلوات الله و سلامه عليه «حلقه وصل رسالت و امامت، صفحه ۳۳۸ و ۳۳۹».

ب: آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و باطنی و بلکه بطونی، و به عبارت دیگر:

آیات شریفه قرآن کریم ظهري دارند و بطنی،
و هر بطن آن بطنی دارد تا هفت بطن دیگر،
و به عبارت دیگر:

آیات شریفه قرآن کریم تنزیلی دارند و تأویلی،
ظاهر آیات شریفه قرآن کریم تنزیل آن است،
و باطن آیات شریفه قرآن کریم تأویل آن.

منظور از تنزیل «ظاهر آیات شریفه قرآن کریم» معنایی است که در نظر ابتدایی از آیه شریفه به ذهن انسان خطور می کند.^۱

آنچه که مفسّرین محترم می گویند مربوط به ظاهر آیات شریفه قرآن کریم

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۷ و ۱۴۱ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد اوّل، مقدّمه چهارم، صفحه ۴۸ و ۵۰، حدیث سوّم و سیزدهم.

تفسیر برهان، جلد اوّل، گفتار اوّل، فصل اوّل، باب اوّل، صفحه ۳۶ و ۳۷.

تفسیر برهان، جلد دوّم، مبحث هفتم، صفحه ۶۷، حدیث ۱۰.

می باشد یعنی تنزیل آیات شریفه قرآن کریم،
 اما بطون قرآن کریم و تاویل آیات شریفه قرآن کریم را فقط حضرات
 معصومین علیهم السلام می دانند و لاغیر.^۱

خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید:
 هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ،
 فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ
 تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
 ای پیامبر:

اوست خدایی که قرآن کریم را بر تو نازل فرمود،
 که برخی از آیات شریفه آن محکم است «صریح و روشن».
 که این آیات محکم، اصل و اساس قرآن کریم هستند،
 و برخی از آیات قرآن کریم، متشابه می باشند «در بدو امر پیچیده و مبهم به
 نظر می رسند».

کسانی که در دلشان انحراف است «کسانی که دل آنها تمایل به باطل دارد» به
 دنبال آیات متشابه می روند «رفته» تا با تاویل کردن آن ها فتنه ایجاد کنند «مردم
 را گمراه کنند».

درحالی که تاویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از خداوند متعال و غیر از
 راسخون در علم هیچ کس نمی داند.^۲
 ملاحظه فرمودید که:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و چهارم، صفحه ۳۶۸ «ذیل آیات ۲۸ تا ۳۰ سوره ملک».

۲. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۲۳۰ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۰۲ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۶۹ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران فرمود:

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، یعنی:

تأویل آیات شریفه قرآن کریم را «معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم و بطون آیات شریفه قرآن کریم» غیر از خداوند متعال و غیر از راسخون در علم، احدی از مخلوقات الهی نمی داند.

راسخون در علم کسانی هستند که در علم و اعتقاد خویش محکم و استوار و ثابت قدم بوده،

و هرگز قلوب آنها منحرف نمی شود،

و هرگز قلوب آنها از حق به باطل توجه پیدا نمی کند،

و هرگز از فتنه و فساد تبعیت نمی کنند،

و این افراد همان مطهرین هستند که خداوند متعال آنها را از هرگونه رجس و پلیدی و گناه دور نموده و آنها را تطهیر نموده است «اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب معروف به آیه تطهیر، که طبق این آیه شریفه و احادیث ذیل این آیه شریفه خداوند متعال وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام را از هرگونه رجس و پلیدی و گناه دور نموده و آنها را پاک و مطهر ساخته و به آن ذوات مقدسه مقام عصمت اعطا فرموده است، و ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است»^۱.

احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده اند.

مقصود از راسخون در علم در آیه هفتم سوره آل عمران ما هستیم «وجود

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۴ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۰۴ تا ۵۰۹ و ۵۱۶ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۵۶۴ و ۵۶۵ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام»،

و فقط ما تأویل آیات شریفه قرآن کریم را می دانیم و لاغیر.

در کتاب شریف اصول کافی و تفاسیر شریف صافی، برهان و نورالثقلین به تعدادی از این احادیث شریف اشاره شده که به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می شود.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، آیه هفتم سوره آل عمران» فرمودند:

نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ،

وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» راسخون در علم هستیم،

و ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» تأویل آیات شریفه قرآن کریم را می دانیم.

این حدیث شریف را ابوبصیر و ابی الصباح کنانی از وجود مقدّس امام

صادق علیه السّلام نقل نموده اند.^۱

فرمایش نورانی امام کاظم علیه السّلام در رابطه با آیات اوّل تا چهارم سوره

دخان «حدیث اوّل که یعقوب بن جعفر بن ابراهیم از وجود مقدّس امام کاظم

علیه السّلام نقل نموده و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید» تأویل

و معنی باطنی آیات اوّل تا چهارم سوره مبارکه دخان است که آن حضرت

فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۰۸، حدیث ۱ «حدیث ۵۴۹».

اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۴۷۹».

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۲ «بحث روایتی ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۵۶۵ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۵، حدیث ۳ و ۵ «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۷۹، حدیث ۳۳ «حدیث ۱۳۷۸» «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۷۹، حدیث ۳۴ «حدیث ۱۳۷۹» «ذیل آیه هفتم سوره آل عمران».

منظور از «حم»، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.
منظور از کتاب مُبین در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره دخان» امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام است.

منظور از ليله مبارکه در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره دخان» فاطمه زهرا
سلام الله علیها می باشد،

و منظور از فیها یُفرقُ کُلُّ امرٍ حکیمٍ «آیه چهارم سوره دخان» این است که:
يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ،

فَرَجُلٌ حَكِيمٌ، وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، یعنی:

منظور از ليله مبارکه در آیه سوّم سوره دخان «منظور از شب قدر در آیه سوّم
سوره دخان» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،
که از آن علیا مخدّره خیر کثیر خارج می شود و بیرون می آید «يَخْرُجُ مِنْهَا
خَيْرٌ كَثِيرٌ»،

و منظور از خیر کثیر که از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها خارج
می شود یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل و ذرّیه آن حضرت می باشد «از
امام مجتبی علیه السلام تا امام زمان صلوات الله و سلامه علیه»^۱
ج: در این حدیث شریف «حدیث اوّل که یعقوب بن جعفر بن ابراهیم از
وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام نقل نموده» ملاحظه فرمودید که وجود
مقدّس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

تأویل و معنی باطنی آیه سوّم و چهارم سوره دخان «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ،
فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، یعنی:
منظور از ليله مبارکه قدر فاطمه زهرا سلام الله علیها است که خیر کثیر از آن

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، (مجلس بیست و سوم) صفحه
۳۳۸ و ۳۳۹.

حضرت بیرون می آید و خارج می شود،
و منظور از خیر کثیر نیز یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن علیا منخدره
می باشد که انشاء الله تعالی در ادامه بحث نیز به آن اشاره خواهد شد.
ذیل هشتمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله
علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کوثر است و شأن نزول سوره
مبارکه کوثر درباره آن علیا منخدره می باشد،

و این سوره مبارکه «سوره مبارکه کوثر» مژده و بشارتی است از ناحیه
خداوند متعال به وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم که خیر
کثیر و کثرت نسل را از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن حضرت «یعنی
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم» اعطا خواهد فرمود.

خداوند متعال در سوره مبارکه کوثر وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه
و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می فرماید:

ای پیامبر:

ما به تو کوثر اعطا فرمودیم «کوثر = خیر کثیر، نعمت فراوان».

در توضیحات ذیل هشتمین فضیلت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله
علیها به عرض رسید که:

عَلَامَه طِبَاطِبَائِي فِي تَفْسِيرِ الْمِيزَانِ ذِيلِ آيَةِ أَوَّلِ سُورَةِ مَبَارَكَةِ كُوْثَرِ «جلد
چهلّم، صفحه ۴۱۰» می گوید:

مراد از کوثر در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره مبارکه کوثر» تنها و تنها کثرت
ذریّه است که خداوند متعال از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها به پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم ارزانی داشته و برکتی است که در نسل آن حضرت قرار داده است،

و به عبارت دیگر:

مراد از کوثر در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره مبارکه کوثر» هم خیر کثیر است و هم کثرت ذرّیه.

چیزی که هست کثرت ذرّیه یکی از مصادیق خیر کثیر است، و مقصود از شأن نزول سوره مبارکه کوثر و احادیث شریفی که نقل شده وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که نسل و ذرّیه پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلم بوسیله همین بانوی بزرگوار در سراسر جهان انتشار یافت.^۱

د: در قسمت‌های مختلف کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تالیف آیت الله وحید خراسانی در رابطه با این حدیث شریف «حدیث اوّل که یعقوب بن جعفر بن ابراهیم از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام نقل نموده» و در توضیح این حدیث شریف آمده که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها لَيْلَةُ الْقَدْرِ و منزل قرآن کریم است. خداوند متعال در آیه سوّم سوره دخان می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ.

طبق حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام صادر شده، ليله مبارکه وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها است که هر امر حکیمی در آن ليله مبارکه، معین می گردد.^۲

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰، ۴۱۴ و ۴۱۵ «ذیل آیات شریفه سوره کوثر».
مجمع البیان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱ «ذیل آیات شریفه سوره کوثر».
تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۳۵۹ و ۴۰۲ «ذیل آیات شریفه سوره کوثر».
۲. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، صفحه ۹۶ «مجلس پنجم».

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی آمده که:

روز قیامت وقتی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سر از خاک برمی دارد سوار بر بُراق می شود و عازم بهشت می گردد،
و فقط یک سواره جلو پیامبر اکرم است،
و اولین و آخرین پشت سر آن حضرت،
و آن یکه سواری که فقط او جلوتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می رود و جلوتر از پیامبر اکرم قدم به بهشت می گذارد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد.

مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها چنین مقامی است.
وقتی روشن شد که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها چه شخصیتی است،

در این صورت سِرِّ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبَارَكَةٍ، آیه سوّم سوره دخان» معلوم می شود،

و طبق حدیث شریفی که از ناحیه وجود مقدس امام کاظم علیه السلام صادر شده، لیل مبارکه در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره دخان» وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

همچنین در انجیل آمده که:

خداوند متعال به حضرت عیسی فرمود:

ای عیسی:

تصدیق کن نبیّ اُمّی یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را،

که نسل او از مبارکه است، یعنی:

نسل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از فاطمه زهرا سلام الله

علیها می باشد،

که یکی از اسامی آن علیا مخدّره مبارکه است «در انجیل از فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان مبارکه یاد شده است»^۱.

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت تألیف آیت الله وحید خراسانی آمده که:

منظور از وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ «آیه دوّم سوره دخان» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام است.

کتاب الله اعظم دو کتاب است،

کتاب تدوین،

و کتاب تکوین.

کتاب تدوین قرآن کریم،

و کتاب تکوین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد،

لذا آن حضرت فرمود:

أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ.

قرآن کریم که بین دو جلد قرار گرفته قرآن صامت است،

و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام قرآن ناطق.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام باطن قرآن کریم است.

ظاهر کتاب مُبین در این آیه شریفه «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، آیه دوّم سوره دخان»

قرآن مابین دفتین است «قرآنی که بین دو جلد قرار گرفته است»،

و باطن کتاب مُبین در این آیه شریفه «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، آیه دوّم سوره دخان»

نفس قدّیس ولیّ الله اعظم می باشد. «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام

أَوْلِيَاءُ اللَّهِ و حُجَجِ اللَّهِ می باشند و قرآن ناطق هستند و باطن قرآن کریم می باشند.»

۱. حلقه وصل رسالت و امامت، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲ «مجلس ششم».

لیله مبارکه در این آیه شریفه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبَارَكَةٍ، آیه سوّم سوره دخان» فاطمه زهرا سلام الله علیها است که کتاب مُبین در آن نازل شده است. اینجا است که عقل متحیر می شود.

چه کسی می تواند فاطمه زهرا سلام الله علیها را بشناسد؟ آن شب مبارک «لیله مبارکه» که هم قرآن صامت و هم قرآن ناطق در آن نازل شده وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها است.^۱ در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت (صفحه ۳۳۹) تألیف آیت الله وحید خراسانی آمده که: مراد از امر حکیم در این آیه شریفه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، آیه چهارم سوره دخان» چیست؟

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام در رابطه با اینکه مراد از امر حکیم در این آیه شریفه «آیه چهارم سوره دخان» چیست فرمودند:

فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ، یعنی:

یک امر حکیم حسن بن علی است «امام مجتبی علیه السّلام»،
 یک امر حکیم حسین بن علی است «امام حسین علیه السّلام»،
 یک امر حکیم علی بن الحسین است «امام سجّاد علیه السّلام»،
 یک امر حکیم محمّد بن علی است «امام باقر علیه السّلام»،
 یک امر حکیم جعفر بن محمّد است «امام صادق علیه السّلام»،
 یک امر حکیم موسی بن جعفر است «امام کاظم علیه السّلام»،
 یک امر حکیم علی بن موسی است «امام رضا علیه السّلام»،
 یک امر حکیم محمّد بن علی است «امام جواد علیه السّلام»،
 یک امر حکیم علی بن محمّد است «امام هادی علیه السّلام»،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، صفحه ۳۳۲ تا ۳۳۸، مجلس بیست و سوّم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها لیله مبارکه.

یک امر حکیم حسن بن علی است «امام عسکری علیه السّلام»،
آخر امر حکیم که مُفَرَّق «جدا شده» از آن ليله مبارکه است وجود مقدّس
حجّة بن الحسن العسکری است «امام زمان علیه السّلام»،
و خلاصه کلام اینک:

هر چه هست از وجود مبارک این حقیقت مقدّسه است «یعنی وجود مقدّس
فاطمه زهرا سلام الله علیها که تأویل ليله مبارکه در آیه سوّم سوره دخان
می باشد»، که:

کتاب مُبین در او است،

تمام ائمّه معصومین علیهم السّلام که حاملین علم الهی می باشند در او
هستند،

و در یک کلام:

همه، میوه وجود پر برکت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشند.^۱
ملاحظه فرمودید که:

طبق حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام نقل شد
«حدیث شریفی که یعقوب بن جعفر بن ابراهیم از وجود مقدّس امام کاظم
علیه السّلام نقل نموده» و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید منظور از ليله
مبارکه در آیه سوّم سوره دخان «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» وجود مقدّس فاطمه
زهرا سلام الله علیها می باشد که راجع به آن توضیحاتی ارائه شد.

انشاء الله تعالی در حدیث دوّم نیز ملاحظه خواهید فرمود که منظور از ليله
در آیه اوّل سوره مبارکه قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» نیز وجود مقدّس فاطمه
زهرا سلام الله علیها می باشد.

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۳۶ تا ۳۳۹، مجلس بیست
و سوّم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها ليله مبارکه.

حدیث دوم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

منظور از لیله در آیه اوّل سوره قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها است،
و منظور از قدر در آیه اوّل سوره قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» خداوند متعال می باشد.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامَ حَقِّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

پس:

اگر کسی آنچنانکه شایسته مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد آن حضرت را بشناسد شب قدر را درک کرده است «هرکس آنگونه که حق معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها است آن حضرت را بشناسد لیلۀ القدر را درک نموده است».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ:

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد،

زیرا:

همه مخلوقات الهی از شناختن فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگرفته شده و

جدا شده اند، یعنی:

مخلوقات الهی به حقیقت و به کُنّه مقام آن حضرت راه نیافته اند، و قادر به

رسیدن به حقیقت و به گنه مقامات آن علیا مخدّره نمی‌باشند^۱.

توضیح:

ذیل بیست و سومین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:
نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله علیها بوسیله خداوند متعال صورت گرفته است،

و خداوند متعال نام آن حضرت را «یعنی نام فاطمه را» از نام خویش مشتق نموده و به آن علیا مخدّره اعطا فرموده است.

قابل ذکر است که:

کلمه فاطمه از فطم مشتق شده است،

و فطم در لغت عرب به معنای جدا کردن و انفصال می‌باشد، مثلاً:

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی: صفحه ۳۶ و ۳۷، مجلس اوّل، ذیل عنوان: احقاق حقّ فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- صفحه ۹۶، مجلس پنجم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها گوهر ناشناخته.
- صفحه ۱۲۰، مجلس ششم، ذیل عنوان: جوهر جسمانی و روحانی فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- صفحه ۱۴۲، مجلس هشتم، ذیل عنوان: میوه درخت طوبی.
- صفحه ۲۰۹، مجلس چهاردهم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها در صحرای محشر.
- صفحه ۳۱۵، مجلس بیست و دوم، ذیل عنوان: مایه جسمانی فاطمه زهرا سلام الله علیها برتر از جایگاه حضرت ابراهیم.
- صفحه ۳۳۸، مجلس بیست و سوم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها لیله مبارکه در قرآن کریم.
- سوگنامه فدک، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۷۹.
- جُنة العاصمه، تألیف آیت‌الله سید محمدحسن میرجهانی:
- فصل ششم، صفحه ۱۸۶ و ۱۸۷، خصیصه پنجاه و هشتم «ذیل عنوان: خصیصه‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها».
- فصل دوازدهم، صفحه ۳۱۲، ذیل عنوان: ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۴، حدیث ۳، ذیل عنوان: نام‌های فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- جلوه نور، تألیف آیت‌الله سعادت پرور، فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴، حدیث هشتم.
- قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت‌الله سید احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش سوم، صفحه ۴۱۳، حدیث ۱۸/۲۶۹.
- خصائص فاطمیّه، تألیف آیت‌الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۳، وجه هفتم، ذیل عنوان: خداوند متعال فاطم و قاطع است.

فَطِمَ الرَّضِيعُ، یعنی:

طفل از شیر جدا شد، طفل از شیر باز داشته شد، یا:

فَطَمْتُ الرَّضِيعَ، یعنی:

بازداشتم طفل شیرخوار را از شیر خوردن، طفل شیرخوار را از شیر خوردن

جدا کردم.^۱

در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، جَنَّةُ العاصمه، فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، جلوه نور و...، ذیل این حدیث شریف «حدیث دوّم که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد» توضیحاتی ارائه شده که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

الف: در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت آمده که:

روایت زیاد است و اهل روایت بسیار،

لیکن:

آنچه کم است درایت است «درایت حدیث»،

هم درایت کم است و هم اصل درایت «درایت = دانستن، دریافتن، آگاهی،

دانایی، معرفت و شناختی که پس از تفکّر و اندیشیدن حاصل می‌شود».

روایات و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام از جهت علوّ

مطالب و فراتر بودن آنها از رسیدن عقول و افکار، درک و درایتشان در غایت

صعوبت و اشکال است،

لیکن به مقتضای قاعده میسور باید در مطالب بحث کرد.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در رابطه با این آیه شریفه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي

لَيْلَةِ الْقَدْرِ، آیه اوّل سوره قدر» فرمودند:

۱. سوگنامه فدک، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۵.

جَنَّةُ العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پنجم، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۹.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۱۹۷.

الَّيْلَةَ فَاطِمَةَ،
وَ الْقُدْرُ اللَّهُ.

این متن حدیث است،
و بحث در هر جمله‌ای محتاج به وقتی دامنه‌دار است.
در ادامه حدیث شریف آمده که:
فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ حَقٌّ مَعْرِفَتِهَا،
فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقُدْرِ، یعنی:
کسی که به این معرفت برسد،
لیکن به حقّ المعرفه،
در آن صورت آن شبِ قدری را که در دسترس احدی نیست درک خواهد
کرد.

در ادامه حدیث شریف آمده که:
إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،
لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:
به راستی فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا:
خلائق از معرفت آن حضرت منقطع شده‌اند «خلق از معرفت آن علیا مخدّره
بازداشته شده‌اند».

این چه شخصیت عظیم‌الشّانی است که برتر از آن است که خلق او را
بشناسد؟

ما باید در این مطلب تعقل کنیم،
و اینجا جایی است که اعظم بشریت و انسانیت باید تأمل کنند که مسئله
چیست «اعاظم = بزرگان، بزرگواران».
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها لَيْلَةُ الْقُدْرِ و منزل قرآن کریم است.

در جای دیگر، قرآن کریم فرموده:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ «آیه سوّم سوره دخان»،

و در تأویل این آیه شریفه نیز بیان شده که:

منظور از ليله مبارکه در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره دخان» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها است که هر امر حکیمی در آن ليله مبارکه معین می‌گردد.

در حدیث شریف دیگری که در رابطه با نامگذاری فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد آمده که:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.

خَلَقَ أَوْسَعُ مِنْ نَاسٍ أَسْتِ «أَوْسَعُ يَعْنِي وَسِيعُ تَر».

و دامنه این کلمه جنّ و انس و ملائکه را در برمی‌گیرد، یعنی:

همه مخلوقات از این معرفت باز داشته شده‌اند.

چه خبر است؟

این علیا مخدّره کیست؟

و در این بانوی بزرگوار «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها» چه حقیقتی پنهان

است که این اندازه از دسترس عقول و افکار برتر و بالاتر است؟^۱

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت

آمده که:

ما نسبت به قضیّه فاطمه زهرا سلام الله علیها، هم قاصریم و هم مقصّر.

أَمَّا قَاصِرِیمُ زَیْرًا:

طبق فرمایش امام صادق علیه السّلام:

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت‌الله وحید خراسانی، صفحه ۹۵ تا ۹۷، مجلس پنجم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها گوهر ناشناخته.

أَنَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا خلایق از معرفت آن علیا مخدّره منقطع و عاجزند».

فهم این حدیث شریف بسیار مشکل است.

فاطمه یعنی فطم کننده،

و خَلَقَ کلمه‌ای است که بر همه کائنات اطلاق می‌شود،

و سِرِّ اسم فاطمه این است که:

خَلَقَ از معرفت او «از شناختن آن علیا مخدّره» منقطع است،

و خلاصه کلام اینک:

عقول و ادراکات همه مخلوقات در مقابل عظمت فاطمه زهرا سلام الله علیها کوتاه است.

همانطور که چشم ما نمی‌تواند به جرم خورشید نگاه کند،

بلکه فقط می‌تواند بر شعاع خورشید بر در و دیوار نظر کند،

و اگر چشم بخواهد به جرم آفتاب دوخته شود کور می‌شود.

همانطور که بَصَر ما «چشم ما» از اینکه جرم آفتاب را درک کند قاصر است،

بصیرت ما و همه مخلوقات نیز از اینکه خورشید منظومه ملکوت، یعنی

مقامات وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها را ببیند و درک کند قاصر

است، و این قصور ما است^۱.

ب: در کتاب جُنَّة العاصمه در رابطه با این حدیث شریف و در توضیح این

حدیث شریف «أَنَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» آمده که:

از جمله علائم و نشانه‌هایی که دالّ بر ولایت کلیّه داشتن فاطمه زهرا سلام

الله علیها می‌باشد این است که:

تمام خلایق «همه مخلوقات» عاجز و ناتوان هستند که بتوانند حقیقت و

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۲۰۹، مجلس چهاردهم، ذیل عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها در محشر.

نورانیّت و درجات و مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها را بشناسند، همچنانکه عاجز و ناتوان هستند که حقیقت و نورانیّت و درجات و مقامات سیزده امام معصوم دیگر را بشناسند، و در رابطه با عجز و ناتوانی مخلوقات الهی از پی بردن به حقیقت و نورانیّت و درجات و مقامات وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حدیثی از ناحیه وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام صادر شده که آن حضرت فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا: تمام مخلوقات الهی از شناختن آن حضرت بازگرفته شده و جدا شده‌اند، یعنی:

به حقیقت و به کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند، و قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند «کُنه = گوهر هر چیز، پایان چیزی، حقیقت، واقعیّت، نهایت، ذات»^۱. قابل ذکر است که:

ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها وَ لِيَّةُ اللهُ است و دارای مقام ولایت کلّیه می‌باشد،

و مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و مانند ائمّه معصومین علیهم السّلام بر تمام مخلوقات الهی ولایت دارد. ج: در کتاب خصائص فاطمیّه آمده که:

۱. جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله محمدحسن میرجهانی، صفحه ۳۱۱ و ۳۱۲، فصل دوازدهم، ذیل عنوان: بیان ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در رابطه با وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

مَنْ عَرَفَهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ،
وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هر کس به حقّ معرفت، فاطمه زهرا سلام الله علیها را بشناسد شب قدر را درک کرده است،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد،

برای اینکه همه مخلوقات الهی به حقیقت و کُنه معرفت آن وجود مقدّس راه نیافته‌اند، یعنی:

قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشند.

در این حدیث شریف دو مطلب قابل توجه و تأمل است:

اوّل اینکه عرفان و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها به حقّ المعرفه «آنچنانکه شایسته شناختن آن علیا مخدّره می‌باشد» به منزله درک شب قدر می‌باشد،

و دوّم اینکه مخلوقات الهی از رسیدن به حقیقت معرفت آن علیا مخدّره منقطع شده‌اند.

انتهای این حدیث شریف خبر از یک امر محال داده است،

و آن امر محال این است که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها شناخته نمی‌شود، یعنی:

هیچکس قادر به رسیدن به حقیقت و کُنه مقام آن حضرت نمی‌باشد،

و از این موضوع استنباط می‌شود که:

حقیقت شب قدر را کسی نمی‌تواند ادراک کند «حقیقت شب قدر و کُنه این لیله مبارکه را»،

همچنانکه حق معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها را نیز کسی نمی‌تواند درک نماید، زیرا وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها خود لیله قدر می‌باشد، و حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شده صریحاً به این موضوع اشاره می‌فرماید که: **الَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ**، یعنی:

مقصود از لیله قدر در آیه اوّل سوره قدر وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد که هیچکس قادر به رسیدن به کُنه مقام آن علیا مخدّره نمی‌باشد. معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها دو قسم و دو گونه است: قسم اوّل، معرفت و شناخت اسم و نَسَب آن حضرت می‌باشد که مردم آن را می‌شناسند،

لیکن قسم دوّم، معرفت و شناخت مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها و رسیدن به حقیقت و به کُنه مقامات و کمالات و فضائل و مناقب آن علیا مخدّره است، که البتّه این قسم از معرفت برای احدی از مخلوقات الهی حاصل نمی‌شود «غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام».

در حدیث شریف نبوی است که:

روزی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست گرفته و فرمودند:

مَنْ عَرَفَهَا عَرَفَهَا،

وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيَّ.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این فرمایش نورانی خویش خواسته تا اتحاد خودش با فاطمه زهرا سلام الله علیها را به مردم بفهماند و تفهیم نماید.

این فرمایش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دلالت بر کمال فضل و شرف فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد،

و به مردم می فهماند که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها را اینگونه بشناسید،

و او را چون روحی در قالب من و در قلب من بدانید.

این قسم از شناخت و معرفت نتیجه اش این می شود که:

مردم باید با روح و قلب و پاره تن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

یعنی با فاطمه زهرا سلام الله علیها همانگونه عمل کنند که با وجود مقدس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام می دادند،

و به همین جهت است که:

احترام به فاطمه زهرا سلام الله علیها و محبت داشتن به آن علیا مخدّره

احترام به پیامبر اکرم و محبت داشتن به آن حضرت است،

و دشمنی با فاطمه زهرا سلام الله علیها دشمنی با پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم می باشد،

و دوستی و دشمنی با آن حضرت نیز دوستی و دشمنی با خداوند متعال

است.^۱

د: در کتاب فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

سلم ذیل این حدیث شریف «فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ عَلَيَّهَا سَلَامَ حَقِّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ

لَيْلَةَ الْقَدْرِ، یعنی هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را آنچنانکه باید و شاید

بشناسد، همانا به درک شب قدر نائل شده است» آمده که:

تشابه فاطمه زهرا سلام الله علیها با شب قدر از چند جهت می باشد که

عبارتند از:

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۳ تا ۱۶۵، ذیل عنوان: معرفت به مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۱- مقام و منزلت و عظمت شب قدر از دید مردم پنهان و قدرش مجهول است و مردم راهی به شناخت کُنه آن ندارند، و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز این چنین است، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها همچون شب قدر، قدرش نامعلوم و قبر مطهرش ناپیدا است.

۲- همچنانکه در شب قدر امور سربسته باز می شود و از هم جدا می گردد، فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز میان حقّ و باطل و مؤمن و کافر تفاوت می نهد «هرکس آن علیا مخدّره را دوست داشته باشد و ولایت آن حضرت را بپذیرد مؤمن است، و هرکس با آن علیا مخدّره دشمن باشد و ولایت آن حضرت را انکار کند کافر است».

۳- همچنانکه شب قدر ظرف و پیمانهای برای نزول آیات شریفه قرآن کریم گردید،

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز ظرفی شد تا امامت و قرآن کریم را در خود بگنجاند.

۴- شب قدر، زمان و وقت عروج اولیاء الهی است، و دوستی و محبّت به فاطمه زهرا سلام الله علیها و اقرار به فضیلت و برتری آن علیا مخدّره نیز نردبان صعود به نبوّت و رسالت می باشد، و در حدیث شریفی آمده که:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا.

۵- همچنانکه شب قدر منشأ فیوضات و برکات است،

توسّل به فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز موجب نزول خیرات است، و باعث دفع شرور و فتنه ها می شود «به نقل از فرائد السّمطین حموینی از علمای

معروف اهل سنت^۱.

هـ: در کتاب جلوه نور آمده که:

خداوند متعال در آیه اوّل سوره قدر می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، یعنی:

ما قرآن کریم را در شب قدر نازل کردیم.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه فرمودند:

الَّيْلَةُ فَاطِمَةُ،

وَ الْقَدْرُ اللَّهُ،

فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا،

فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، یعنی:

منظور از لیلّه در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره قدر» وجود مقدّس فاطمه

زهرا سلام الله علیها است «تأویل آیه شریفه»،

و منظور از قدر در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره قدر»، الله می باشد «تأویل

آیه شریفه»،

و هر کس فاطمه زهرا سلام الله علیها را حقیقتاً بشناسد،

شب قدر را درک نموده است.

خداوند متعال در آیه سوّم و چهارم سوره دخان می فرماید:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ،

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، یعنی:

ما قرآن کریم را در شب قدر نازل کردیم،

در آن شب «شب قدر» تمام امور استوار مقرر می گردد.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام درباره این آیات شریفه «آیه سوّم و

۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، صفحه ۲۰۰ و ۲۰۱، فصل ۱۵ «نامهای فاطمه زهرا سلام الله علیها».

چهارم سوره دخان» فرمودند:

منظور از ليله مبارکه در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره دخان» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها است «تأویل آیه شریفه»،
و منظور از فیها یُفَرِّقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ، این است که:
خارج می شود از آن ليله مبارکه، رَجُلٌ حَکِیمٌ، یعنی:
از فاطمه زهرا سلام الله علیها خیر فراوان و مردان حکیم و فرزانه متولّد می شود «یعنی یازده امام معصوم علیهم السّلام».

در ادامه توضیح ذیل این آیات شریفه و احادیث شریف آمده که:
قرآنی که در شب قدر بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده این کتاب مدوّن و ظاهر قرآن کریم نیست، بلکه:
آنچه که در شب قدر «لیله مبارکه قدر» بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده حقیقت قرآن کریم است،
و این نزول نیز نزول دفعی بوده است.

حال، با توجّه به اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم با مقام نورانیّت خویش و با ولایت مطلقه خویش که از مقام ولایت کلیّ الهی جدا نیست، در شب قدر حقیقت قرآن کریم را دریافت نموده است،
و نیز با توجّه به اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمّه معصومین علیهم السّلام در مقام نورانیّت و مقام ولایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم جدا نیستند، لذا:

به این اعتبار، این آیات شریفه «آیه اوّل سوره قدر و آیه سوّم و چهارم سوره دخان» به هر کدام از حضرات معصومین علیهم السّلام نیز نسبت داده می شود،
یعنی:

این آیات شریفه به این ذوات مقدّسه نیز تأویل می شود،
بنابراین:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها تأویل ليله در آیه اوّل سوره قدر و آیه سوّم سوره دخان می باشد،

و این علیا مخدّره با مقام نورانیت خویش و با مقام ولایت خویش قرآن کریم را دریافت نموده است، زیرا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها یکی از معصومین علیهم السّلام می باشد،

و در مقام نورانیت و در مقام ولایت هم ردیف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه معصومین علیهم السّلام می باشد، لذا:

طبق فرمایش امام صادق و امام کاظم علیهما السّلام منظور از ليله در آیه اوّل سوره قدر و آیه سوّم سوره دخان وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها می باشد «تأویل آیات شریفه»،

و قرآن کریم در ظرف وجودی آن علیا مخدّره نازل شده است.

اما علّت اینکه چرا قدر در این حدیث شریف «حدیثی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید» به الله تأویل شده، شاید به اعتبار جامعیت وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در تجلیات اعظم الهی باشد «جامعیت فاطمه زهرا سلام الله عليها در مظهریت اسماء و صفات خداوند متعال»، هر چند ممکن است اضافه «لَيْلَهُ» به «قَدْر» در ظاهر آیه شریفه «آیه اوّل سوره قدر»،

و اضافه «لَيْلَهُ» به «الله» در تأویل آیه شریفه «آیه اوّل سوره قدر» اضافه تشریفیه باشد،

مثل اضافه «ید» و «بیت» به «الله» در یدالله و بیت الله.^۱

۱. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور:

فصل ۱۲، صفحه ۱۰۴ و ۱۰۵، حدیث هشتم «علم و معرفت و دیگر کمالات فاطمه زهرا سلام الله عليها». بخش خاتمه، صفحه ۲۳۱ و ۲۳۲، مطلب ۱۶ «فضائل دیگر فاطمه زهرا سلام الله عليها».

توضیح:

در رابطه با اینکه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال و خلیفه الله می باشند و به همین جهت قادر به انجام هر کاری می باشند، در کتاب ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره» تألیف آیت الله جوادی آملی آمده که:

استمرار خلافت حضرات معصومین علیهم السّلام «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» و اینکه آن ذوات مقدّسه مجرا و مجلای همیشگی فیض الهی هستند «مَجَلی = محلّ جلوه، محلّ نمایش»، از لوازم اصلی تعطیل ناپذیری مقامات و تجلیات الهی است،

چرا که فیض الهی تنها از راه و سائط به قابل می رسد «قابل = پذیرا، پذیرنده، مستعد قبول، لایق، سزاوار»، زیرا:

قابل، توان دریافت بی واسطه فیض الهی را ندارد،

گرچه خداوند متعال می تواند به هر موجودی فیض برساند.

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام خلفاء خداوند متعال «خلیفه الله» و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند و قادر به انجام هر کاری هستند، یعنی:

هر کاری که از ذات اقدس اله «یعنی خداوند متعال» به صورت استقلالی برمی آید، از آن ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» به شکل تبعی برمی آید «یعنی خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است».

در دعای معروف رجبیه که از ناحیه وجود مقدّس امام زمان علیه السّلام صادر شده و به برخی از مقامات وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اشاره می فرماید آمده است که:

لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ.

این قسمت از دعای شریف رجبیه درباره مقام ذات خداوند متعال نیست،

زیرا:

ذات اقدس اله منطوقه ممنوعه ای است که حضرات معصومین علیهم السلام

نیز از ورود به آن عاجز هستند،

بنابراین:

این فقره از دعای شریف رجبیه مربوط به مقام فعل خداوند متعال است،

یعنی:

هر کاری که از خداوند متعال به صورت استقلالی برمی آید،

از ذوات مقدسه چهارده معصوم علیهم السلام نیز به صورت تبعی بر می آید،

یعنی:

خداوند متعال قادر مطلق است و قادر به انجام هرکاری است، و وجود

مقدس چهارده معصوم علیهم السلام نیز که خلیفه الله هستند قادر به انجام هر

کاری می باشند، لیکن این قدرت را خداوند متعال به آن ذوات مقدسه اعطا

فرموده است نه اینکه بالاستقلال دارای این قدرت باشند^۱.

و: در کتاب جُنَّة العاصمه آمده که:

لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي آيَةِ سُوْرَةِ قَدْرِ وَ لَيْلَةُ مُبَارَكَةِ فِي آيَةِ سُوْمِ سُورَةِ دُخَانٍ بِه

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها تفسیر و تأویل شده است «حدیث

اوّل و حدیث دوّم که از وجود مقدس امام صادق و امام کاظم علیهما السلام

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبَان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد سوّم، صفحه ۲۸۷، ذیل عنوان: الْمُقْرَبُونَ «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِمَّةُ الرَّاشِدُونَ...».

جلد چهارم، صفحه ۳۰۹ و ۳۱۰، ذیل عنوان: وَ أَرَكْنَا لِتَوْحِيدِهِ.

جلد هفتم، صفحه ۲۹۴ و ۲۹۵، ذیل عنوان: وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ.

شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتِين»، تألیف آیت الله ضیاء آبادی، جلد دوّم، صفحه ۲ «رَضِيكُمُ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ».

حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۱۶ و ۲۳ «پاورقی» و صفحه ۲۸ و ۲۹ ذیل عنوان:

مفاد و معنای حدیث لَوْلَا فَاطِمَةَ.

نقل شد و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید»،
چنانچه از وجود مقدس امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت
درباره این آیه شریفه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فرمودند:

الَّيْلَةُ فَاطِمَةُ،

وَ الْقَدْرُ اللَّهُ، یعنی:

منظور از لَيْلَهُ در این آیه شریفه «آیه اول سوره قدر» وجود مقدس فاطمه
زهرا سلام الله علیها است «تأویل آیه شریفه»،

و منظور از قَدْر در این آیه شریفه «آیه اول سوره قدر» الله می باشد، لذا:

لَيْلَةُ الْقَدْرِ، یعنی:

فاطمه خدا،

بنابراین:

فاطمه زهرا سلام الله علیها از حیث عظمت مقامی که دارد اضافه تشریفی به
خداوند متعال شده است «مثل: بیت الله یعنی خانه خدا، شَهْرُ الله یعنی ماه خدا،
يَدُ الله یعنی دست خدا و...»^۱

ز: در کتاب قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام درباره آیه
اول سوره قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و فرمایش امام صادق علیه السلام «الَّيْلَةُ
فَاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُ اللَّهُ» و در توضیح ذیل این احادیث شریف آمده که:

شاید راز تشبیه فاطمه زهرا سلام الله علیها به لَيْلَةُ الْقَدْرِ، پنهان بودن و در
پرده بودن معرفت و شناخت آن علیا مخدّره توسط مردم می باشد،

همچنانکه شب قدر پنهان است، یعنی:

شاید راز تشبیه فاطمه زهرا سلام الله علیها به شب قدر این باشد که:

هر دو آنها «فاطمه زهرا سلام الله علیها و شب قدر» از نظرها پنهان و در پرده

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۸۶ و ۱۸۷، خصیصه پنجاه و هشتم.

می باشند «عظمت و اهمیت آنها»،

و به خاطر همین است که خداوند متعال در آیه دوّم سوره قَدْر که در رابطه با شب قَدْر می باشد، آیه شریفه را با دو استفهام آورده و بیان فرموده:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، یعنی:

تو چه می دانی شب قدر چیست «شما چه می دانید شب قدر چیست». خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره قَدْر» دو استفهام آورده تا:

۱- بزرگی و عظمت و شأن شب قدر را بیان فرماید.

۲- عاجز بودن شناخت شب قدر را برای غیر حضرات معصومین علیهم

السّلام ثابت کند، زیرا:

شب قدر را غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام «یعنی وجود مقدّس

چهارده معصوم علیهم السّلام» افراد دیگری نمی شناسند.

۳- و یا شاید مقصود این است که:

هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را آنگونه که سزاوار است بشناسد،

و به حقیقت معرفت آن علیا مخدّره پی ببرد،

پرده از مقابل چشمان او کنار می رود و جلال و عظمت آن حضرت و فرود

آمدن ملائکه الهی خدمت آن بزرگوار را در ليله مبارکه قدر می بیند،

و یقین پیدا می کند که آن شب، ليله مبارکه قدر است،

و در حقیقت، درک شب قدر همین است.^۱

توضیح:

ذیل بیست و ششمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا

سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی ملاحظه فرمودید که:

۱. قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش سوّم، صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴، حدیث ۱۸/۲۶۹.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم هفتاد و پنج روز در قید حیات بود و طیّ این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه «از زمان رحلت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم تا زمان شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها» اعظم و اشرف ملائکه الهی و امین وحی الهی یعنی جبرئیل امین علیه السّلام کراراً به محضّر آن علیا مخدّره شرفیاب می شد و با آن حضرت سخن می گفت،

و وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام نیز آن مطالب را مکتوب می فرمود «می نوشت» و این نوشته ها به مُصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها معروف است،

و این مُصحف شریف فاطمی اکنون نزد وجود مقدّس بقیّة الله الاعظم حجّة بن الحسن القائم المهدی صلوات الله و سلامه علیه می باشد. پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با بیست و نهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم به سی امین فضیلت آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

فضیلت سی‌ام

در علو مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس که وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره آن حضرت فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها صدّیقه کبری است،

و امت‌های گذشته به معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده‌اند «قرون و

اعصار گذشته بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره دور زده است، یا:

معرفت و شناخت آن حضرت محور فکر گذشتگان بوده است»^۱.

در کتاب حَبْلِ مَتِينِ تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ ضِيَاءِ آبَادِي وَ كِتَابِ جُنَّةِ الْعَاصِمَةِ

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوّم، صفحه ۶۳۹، حدیث ۶ «حدیث ۱۳۹۹» «مجلس سی و ششم».

جُنَّةِ الْعَاصِمَةِ، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ مِيرْجَهَانِي، فَصْلِ دَوَاذِمِ، صَفْحَةِ ۳۲۲.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ سَيِّدِ اَحْمَدِ مُسْتَبْنَطِ، جِلْدِ اَوَّلِ، بَخْشِ سَوِّمِ، صَفْحَةِ ۴۰۸ و ۴۱۲، حدیث ۷/۲۵۸ و ۱۵/۲۶۶.

خصائص فاطمیّه، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ كِجُورِي مَازَنْدِرَانِي، صَفْحَةِ ۱۱۳ و ۱۱۶.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ رَحْمَانِي هَمْدَانِي، فَصْلِ هَفْتَمِ، صَفْحَةِ ۱۲۰، حدیث ۱ و فصل ۱۵، صفحه ۲۵۵، حدیث ۵.

جلوه نور، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ سَعَادَتِ پُرُورِ، فَصْلِ ۱۶، صَفْحَةِ ۱۲۸، حدیث چهارم.

حَبْلِ مَتِينِ، تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ ضِيَاءِ آبَادِي، جِلْدِ اَوَّلِ، صَفْحَةِ ۱۷۹ و ۱۹۲ ذیل عنوان: وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْأَخِرَةِ وَ الْأُولَى.

آیت الله میرجهانی و کتاب خصائل فاطمیة تألیف آیت الله کجوری مازندرانی و در کتاب فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تألیف آیت الله رحمانی همدانی ذیل این حدیث نورانی و شریف «هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» توضیحات بسیار مفید و سودمندی ارائه شده که خلاصه‌ای از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

الف: در کتاب حَبْلِ مَتِين «شرح زیات جامعه کبیره» ذیل این حدیث شریف «هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» در رابطه با عظمت معرفت به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بحثی مطرح شده تحت عنوان «هویت آسمانی انبیاء بر محور شناخت حضرت زهرا سلام الله علیها» که خلاصه و چکیده‌ای از آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

آنچه انبیاء الهی علیهم السلام داشته‌اند از مقام ولایت مطلقه اهل بیت علیهم السلام به آنها عنایت شده است، چنانچه در حدیث شریف آمده که:

سند نبوت هیچ پیامبری امضاء نشده مگر با اذعان به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان معصومش «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام»،

و بلکه بر اساس معرفت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، و این حدیث شریف که درباره آن علیا مخدّره می‌فرماید:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

این حدیث شریف مبین این مطلب است که:

هویت آسمانی انبیاء پیشین بر محور شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها و اذعان به فضیلت آن علیا مخدّره مستقر گشته است،

بنابراین:

صاحب اصلی تمام فضائل و کمالات آسمانی انبیاء الهی، اهل بیت نبوت ختمیه «اهل بیت پیامبر خاتم» هستند، که از آنها نشأت گرفته و به آنها بازمی‌گردد «از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشأت گرفته و به آن بزرگواران بازمی‌گردد»، آنگونه که تمام حقایق هستی از خداوند متعال نشأت گرفته و به خداوند متعال بازمی‌گردد.^۱

در قسمت دیگری از کتاب حَبْلِ مَتین در رابطه اینکه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام حجت خداوند متعال بر مخلوقات الهی می‌باشند آمده که: اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حجت‌های خداوند متعال بر مردم هستند، هم در دنیا و هم در آخرت، و این موضوع فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره است که:

حُجِّجِ اللهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

حجت بودن اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر مردم در دنیا روشن است،

و در آخرت نیز حجت بودنشان معلوم است، و به اذن خداوند متعال آن ذوات مقدسه فرمانروای محشر می‌باشند، اما مقصود از حجت بودن اهل بیت پیامبر اکرم در «أولی» چیست که در زیارت شریف جامعه کبیره آمده:

حُجِّجِ اللهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتین»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۱۷۹ و ۱۸۰، ذیل عنوان: «وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» موضوع: هویت آسمانی انبیاء بر محور شناخت حضرت زهرا سلام الله علیها.

برای کلمه «اولی» معانی مختلفی گفته شده است، یعنی:
 بعضی احتمال داده‌اند که مراد از «أولی» دوران رجعت باشد، از آن نظر که نسبت به عالم آخرت دوران ابتدا و اول است.
 برخی احتمال داده‌اند که مراد از «أولی» عالم ذر باشد که عالمی قبل از این عالم بوده،

و گفته شده که در آنجا «یعنی در عالم ذر» از انسان‌ها در رابطه با ربوبیت خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام اقرار گرفته‌اند که ما از چگونگی آن آگاهی نداریم، و شاید بهتر این باشد که بگوییم:

ما اجمالاً می‌دانیم که مقدم بر این عالم «عالم دنیا» عالمی و یا عوالمی «یعنی عالم‌هایی» وجود داشته که ما از تفصیل آن عوالم اطلاعی نداریم، و همین قدر معتقدیم که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حجت بر آن عوالم نیز هستند.

برخی نیز احتمال داده‌اند که مراد از «أولی» اعصار انبیاء پیشین و امت‌های آنان است که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام» بر آنها حجت بوده‌اند، حجت بر انبیاء الهی و امت‌های آنان،

از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، همچنانکه در این حدیث شریف درباره وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها آمده که:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، یعنی:

پیشینیان، از پیامبران و امت‌هایشان بر محور معرفت آن نور خدا یعنی فاطمه

زهرا سلام الله عليها می چرخیده اند!

توضیح:

ذیل یازدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها حُجَّةُ الله است، یعنی: آن علیا مخدّره حُجَّتِ خداوند متعال بر مخلوقات الهی است،

بلکه، آن علیا مخدّره حُجَّةُ اللهِ عَلَی الْحُجَجِّ، می باشد،

و این موضوع فرمایش نورانی امام عسکری علیه السّلام است که درباره فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمودند:

نَحْنُ حُجَجُ اللهِ عَلَی خَلْقِهِ،

وَ جَدُّنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللهِ عَلَيْنَا، یعنی:

وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام فرمودند:

ما «ائمه معصومین علیهم السّلام» حُجَّتِ های خداوند متعال بر مخلوقات خداوند متعال هستیم،

و جدّه ما فاطمه زهرا سلام الله عليها حُجَّتِ خداوند متعال است بر ما «حُجَّتِ بر یازده امام معصوم علیهم السّلام از امام مجتبی علیه السّلام تا وجود مقدّس امام زمان صلوات الله و سلامه علیه».

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله نقوی آمده که:

ائمه معصومین علیهم السّلام حُجَّتِ خداوند متعال بوده اند بر تمام مخلوقات، حتّی بر انبیاء سَلَف «سَلَف = گذشته»، و بر همه آنها ولایت داشته اند، و از

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتین»، تألیف آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳، ذیل عنوان: حُجَجِ اللهِ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، موضوع: اهل بیت علیهم السّلام در دنیا و آخرت بر ما حُجَّتِ هستند.

مجموعه احادیث شریف از قبیل این حدیث شریف «وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَتُّنَا اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا» استفاده می شود که خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السلام را در جمیع ازمنه از بدو خلقت تا قیامت مُطاع قرار داده است «مُطاع = اطاعت شونده، کسی که فرمانش اطاعت شود»^۱.

ب: در کتاب جُنَّة العاصمه ذیل این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» آمده که:

از جمله علائم و نشانه هایی که دالّ بر ولایت کلیّه داشتن فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد حدیث شریفی است که از ناحیه وجود مقدّس امام صادق علیه السلام صادر شده،

و این حدیث شریف مقام و منزلت ویژه و عظیم فاطمه زهرا سلام الله علیها را بیان می فرماید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در رابطه با مقام و منزلت ویژه و عظیم فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها بر تمام حاملین عرش و همه ملائکه آسمان های هفتگانه و تمام خلق اولین و آخرین و تمام انبیاء و مرسلین واجب است،

و همه قرون و اعصار گذشته بر معرفت آن علیا مخدّره دور زده است،

بنابراین:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بطور قطع و یقین ولیّة الله است،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۴۰۵ تا ۴۰۸، «أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ».

و دارای ولایت مطلقه می باشد،

و با پدر بزرگوارش و با شوهر گرانقدرش هم دوش و همراه است،
و براساس احادیث و روایات فراوانی که از طریق خاصه و عامه «شیعه و سنی» رسیده،

همه انبیاء و مرسلین در دنیا و آخرت به شفاعت وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیازمند می باشند «غیر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف و افضل مخلوقات الهی است»،
و آن علیا مخدّره بر تمام اهل بیت محشر امارت دارد.^۱
در قسمت دیگری از کتاب *جُنَّة العاصمه* آمده که:

تمام انبیاء و مرسلین و ملائکه الهی مأمور به معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها و مأمور به پذیرش ولایت آن علیا مخدّره و ولایت پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش بوده اند.^۲
در قسمت دیگری از کتاب *جُنَّة العاصمه* آمده که:

از جمله آیات شریفه ای که بر ولایت کلّیه داشتن وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها دلالت دارد آیه تطهیر است «آیه ۳۳ سوره احزاب» که در شأن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام نازل شده است،
و بنا بر روایات اکثر مفسّرین عامه «اهل سنت»،
و بنا بر روایات اجماع مفسّرین خاصه «شیعه»،

مراد از اهل بیت، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام

۱. *جُنَّة العاصمه*، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۳۰ فصل دوازدهم «بیان ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها».

۲. *جُنَّة العاصمه*، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۱۶۶، فصل ششم «در خصیصه های فاطمه زهرا سلام الله علیها».

حسن و امام حسین علیهما السَّلام و نه امام معصوم از فرزندان امام حسین علیهم السَّلام می باشند،
و اَحَدی از انبیاء و مرسلین هرگز در آن شرکت ندارند تا چه رسد به سایر مؤمنین.

باید دانست که:

وجود مقدَّس فاطمه زهرا سلام الله علیها علاوه بر دارا بودن ملکه عصمت سایر انبیاء و مرسلین که دارای ولایت جزئیة بوده اند،
در ولایت کلیَّة با پدر بزرگوارش و با شوهر گرانقدرش شرکت داشته و همراه و هم قدم آن دو بزرگوار بوده است،
و خلاصه کلام و نتیجه کلام اینکه:

وجود مقدَّس فاطمه زهرا سلام الله علیها دارای ملکه عصمتی بوده که هیچگونه ترک اولایی که منافات با منصب ولایت مطلقه دارد از آن حضرت سر نزده «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه کبری است و دارای مقام عصمت کبری بوده و به همین جهت ترک اولی نیز از آن علیا مخدَّره سر نزده است، همانطور که پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السَّلام اینگونه بوده اند»،
و غیر از این چهارده وجود مقدَّس و معصوم، اَحَدی از مخلوقات الهی از اوّلین و آخرین در داشتن عصمت کبری و ولایت مطلقه با این ذوات مقدَّسه شریک نیست.^۱

توضیح:

قبل از پرداختن به ادامه بحث و اشاره به توضیحاتی که در کتاب های خصائص فاطمیّه، حَبْل مَتین و... ذیل این حدیث شریف آمده «هِیَ صِدِّیقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلٰی

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمّدحسن میرجهانی، صفحه ۳۰۹ تا ۳۱۱، فصل دوازدهم «بیان ولایت کلیَّة فاطمه زهرا سلام الله علیها».

مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» لازم است به معنی لغات و اصطلاحات این حدیث شریف اشاره گردد تا درایت و فهم این حدیث شریف آسان شده و همگان بتوانند با خواندن این حدیث شریف نهایت حظّ و بهره را ببرند.

صِدْق = راست گفتن، راستی، مطابقت گفتار با اعتقادات گوینده، مطابقت کلام و سخن با اعتقادات گوینده سخن.

صَادِق = راستگو، کسی که حق بگوید و به آن عمل کند، کسی که حق بگوید و به حق عمل کند، کسی که کلام و عملش حق باشد، کسی که گفتار و کردارش حق باشد، کسی که عملش مطابق اعتقادش باشد، بنابراین:

اگر سخنِ راستِ کسی با اعتقادات او مطابقت نداشته باشد آن سخن و آن کلام، **صِدْق** تام نیست،

بلکه از جهتی به **صِدْق** و از جهتی به کذب «دروغ» متّصف می باشد.

تام = کامل، چیزی که همه اجزاء آن کامل باشد، لذا:

صادقین کسانی هستند که قول و فعل آنها حق باشد، یعنی:

کلام و عملشان حق باشد، یعنی:

صادقین کسانی هستند که عملشان مطابق اعتقاداتشان باشد.^۱

خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره توبه می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید، یعنی:

ای مؤمنین:

از خدا بترسید، یعنی:

۱. المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۶ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».
مفردات راغب.

از مخالفت کردن با دستورات الهی بترسید و مرتکب گناه نشوید.
در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که:

وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، یعنی:

ای مؤمنین:

با صادقین باشید، یعنی:

ای مؤمنین:

راه و روش کسانی را انتخاب کنید که در گفتار و کردار «یعنی در قول و فعل و در حرف و عمل» صادق و راستگو هستند،
و قول و فعل آنها «حرف و عمل آنها» مطابق با حق است و ذره‌ای باطل در آن راه ندارد.

این معیت و همکاری که مؤمنین موظف به آن شده‌اند «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»
به معنی تبعیت کردن و پیروی کردن و اطاعت نمودن از صادقین می‌باشد،
لذا:

وقتی که خداوند متعال به مؤمنین دستور می‌فرماید که با صادقین باشید،
یعنی:

ای مؤمنین:

صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی و تبعیت نمایید.

از این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» استفاده می‌شود که:

صادقین گروه خاص و ویژه‌ای از مؤمنین می‌باشند که تمام مؤمنین موظف
به اطاعت و پیروی از آنها می‌باشند،

ضمن اینکه صادقین باید معصوم باشند و مقام عصمت داشته باشند، زیرا:
خداوند متعال اطاعت بی‌قید و شرط را جز معصوم برای افراد دیگری قرار

نداده است،

چرا که غیر معصوم در معرض خطا و اشتباه و گناه می‌باشند،
و خداوند متعال هیچگاه به مؤمنین دستور اطاعت بی‌قید و شرط از
غیر معصوم را نداده است، لذا:

اطاعت محض و بی‌قید و شرط در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی
مخصوص معصومین علیهم السَّلام می‌باشد،
و آن ذوات مقدَّسه را خداوند متعال واجب‌الاطاعه قرار داده است، بنابراین:
صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» حضرات معصومین علیهم
السَّلام می‌باشند، یعنی:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» وجود مقدَّس
فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام
معصوم از نسل و ذرّیه‌اش می‌باشند که خداوند متعال اطاعت از آن بزرگواران
را بر همه مخلوقات واجب فرموده که انشاءالله تعالی در ادامه بحث و در بخش
حدیث به آن اشاره خواهد شد.
مضافاً اینکه:

طبق حدیث شریفی که از ناحیه وجود مقدَّس امام صادق علیه السَّلام صادر
شده وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها صدّیقه است، آن هم صدّیقه
کُبْری «هِیَ صِدِّیقَةُ الْکُبْرَى» که انشاءالله تعالی راجع به آن نیز در خاتمه بحث
توضیحاتی ارائه خواهد شد.

همچنین این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» دلالت بر این دارد که:
در هر عصر و زمانی باید یک معصوم وجود داشته باشد تا مردم از او تبعیت
و پیروی نمایند،

۱. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۳۲ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

المیزان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۶ و ۳۴۷ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۲۲۴ تا ۲۲۷ و ۲۳۰ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

آن هم تبعیت محض و بی قید و شرط در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی.

حدیث:

۱- معلی بن خنیس می گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام پرسید:

معنی کُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» چیست؟

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمود:

یعنی از صادقین اطاعت نمایید!

۲- وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

کُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ در این آیه شریفه «یا ایّها الذّین آمنوا اتّقوا الله و کُونُوا مَعَ

الصّادِقِینَ، آیه ۱۱۹ سوره توبه» یعنی:

کُونُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ، یعنی:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» آلِ مُحَمَّدِ علیهم

السّلام هستند،

و خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین دستور می فرماید تا با آلِ مُحَمَّدِ

علیهم السّلام باشند و از آن ذوات مقدّسه اطاعت نمایند، آن هم اطاعت محض

و بی قید و شرط در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی.

این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از امام صادق علیه السّلام نقل نموده

است.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۷۵۲، حدیث ۷ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

۲. مجمع البیان، جلد یازدهم، صفحه ۲۳۳ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

تفسیر صافی، جلد سوم، صفحه ۳۵۲ «ذیل آیه ۱۱۹ سوره توبه».

تفسیر نورالثقلین، جلد سوم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۳۹۲ «حدیث ۴۴۱۰».

توضیح:

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از آل محمد علیهم السلام می باشد،
و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش مقام عصمت دارد،

و خداوند متعال مقام عصمت را به آن ذوات مقدسه اعطا فرموده،
و هرگونه گناه و لغزش و خطا و اشتباه را از آن بزرگواران دور نموده است.
۳- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره صادقین در این آیه شریفه «یا ایّها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین، آیه ۱۱۹ سوره توبه» فرمودند:

مقصود از صادقین در این آیه شریفه «آیه ۱۱۹ سوره توبه» علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و نسل مطهر آنها «یعنی دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» می باشند!

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها از صادقین است،

و بلکه آن بزرگوار صدیقه است،

آن هم صدیقه کبری.

مقصود از اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه است، یعنی:

آن علیا مخدّره معصومه است و مقام عصمت دارد،

و مقصود از اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه کبری است، یعنی:
آن علیا مخدّره عصمت کبری دارد، یعنی:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در تمام عمر مبارک خویش حتّی
مرتکب ترک اولی نیز نشده است،

و به همین جهت دارای ولایت مطلقه است و همه مخلوقات الهی و همه
انبیاء الهی و همه ملائکه الهی موظّف به شناختن آن حضرت و اطاعت از آن
علیا مخدّره می باشند «غیر از پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما السّلام».
وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام در رابطه با واجب الاطاعة بودن وجود
مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً عَلَىٰ جَمِيعٍ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ مِنَ الْجِنِّ وَ
الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَلَائِكَةِ، یعنی:
وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

به قطع و یقین اطاعت از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر همه
مخلوقات الهی از جنّ و انس «اجنّه و انسانها»، پرنندگان و چهارپایان و انبیاء
الهی و ملائکه واجب می باشد «خداوند متعال اطاعت از وجود مقدّس فاطمه
زهرا سلام الله علیها را بر همه انبیاء و ملائکه و بر تمام مخلوقات خویش
واجب فرموده است»^۱.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیّد محمّدحسن میرجهانی:

فصل ششم، صفحه ۱۷۲، خصیصه بیست و یکم.

فصل هفتم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۳، حدیث اوّل.

فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۰، ذیل عنوان: ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله علیها.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد دوّم، بخش سوّم، صفحه

۴۱۷، حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۲، حدیث ۸.

الله عليها فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها صدیقه کبری است،
و اُمّت‌های گذشته به معرفت و شناخت آن علیا مخدّره باقی بوده‌اند «قرون
و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله عليها دور زده
است».

صِدْق = راست گفتن، راستی، مطابقت گفتار با اعتقادات گوینده، مطابقت
سخن و کلام با اعتقادات گوینده سخن.

صَادِق = راستگو، کسی که حق بگوید و به آن عمل کند، کسی که حق
بگوید و به حق عمل کند، کسی که کلام و عملش حق باشد، کسی که گفتار و
کردارش حق باشد، کسی که عملش مطابق اعتقادش باشد.

صِدِّیق صیغه مبالغه است، یعنی:

بسیار راستگو، کسی که جداً گفتار و کردارش حق باشد.

مونت صدیق می‌شود صدیقه.

کَبِیر = بزرگ، بلندمرتبه، بزرگ قدر.

اکبر، افعال التفضیل است، یعنی:

بزرگ‌تر، بلندمرتبه‌تر، بزرگ قدرتر، برتر.

مونت اکبر می‌شود کبری.

وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله عليها طبق فرمایش نورانی امام صادق
علیه السلام، صدیقه کبری است، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها معصومه است و مقام عصمت

دارد،

آن هم عصمت کبری.

به عنوان تیمن و تبرک به دو حدیث شریف اشاره می شود.

۱- مفضل می گوید:

به محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

فاطمه زهرا سلام الله علیها را چه کسی غسل داد؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمود:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فاطمه زهرا سلام الله علیها را غسل

داد.

مفضل می گوید:

من از این فرمایش امام صادق علیه السلام تعجب کردم،

و امام صادق علیه السلام که متوجه تعجب من شده بود فرمود:

فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ وَلَمْ يَغْسِلْهَا إِلَّا الصِّدِّيقُ، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه است،

و کسی جز صدیق نباید آن علیا مخدّره را غسل دهد، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد و معصومه است، و کسی جز

معصوم نباید آن علیا مخدّره را غسل دهد.^۱

۲- وجود مقدس امام کاظم علیه السلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا

سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيَّهَا السَّلَامُ صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ، یعنی:

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۷ و ۳۵۸، حدیث ۴ «حدیث ۱۲۳۹» «باب زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها».

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۵۴، حدیث ۲.

وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله عليها صدّيقه و شهیده است، یعنی:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها مقام عصمت داشت و معصومه
بود و به شهادت رسید!

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام صادق عليه السّلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام
الله عليها فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الثُّرُونُ الْأُولَى، یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله عليها معصومه است و دارای مقام
عصمت کبری است،

و امّت‌های گذشته به معرفت و شناخت آن علیا مخدّره باقی بوده‌اند «قرون
و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله عليها دور زده
است».

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله نقوی و در کتاب خصائص
فاطمیه آمده که:

معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله عليها دو قسم است:

قسم اوّل:

معرفت و شناخت از نظر ظاهر، یعنی:

شناخت آن علیا مخدّره از نظر حَسَب و نَسَب، یعنی:

بدانیم نام آن علیا مخدّره چیست،

بدانیم پدر و مادر آن علیا مخدّره چه نام دارند،

۱. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۵۶، حدیث ۲ «حدیث ۱۲۳۷» «باب زندگانی فاطمه زهرا سلام الله عليها».
فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۱۵، صفحه ۲۵۵، حدیث ۴.

بدانيم که آن عليا مخدّره از اهل بيت پيامبر اکرم صلی الله عليه و آله و سلم می باشد،

بدانيم شوهر آن عليا مخدّره کیست و فرزندان آن حضرت چه نام دارند، و مسائلی از اين قبيل.

مسائلی که یاد شدند از اموری هستند که معرفت و شناخت آنها سهل و آسان است و لذا عموم مردم از آن آگاه می باشند و از آن اطلاع دارند.

قسم دوم:

معرفت و شناخت به حقیقت و کُنه مقامات و کمالات و فضائل فاطمه زهرا سلام الله عليها است،

که البته اين قسم از معرفت برای آحدی از مخلوقات الهی «غیر از حضرات معصومین عليهم السلام» حاصل نمی شود،

و حدیث شریفی که از ناحیه وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره فاطمه زهرا سلام الله عليها صادر شده «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» مبین این مطلب می باشد.

این موضوع در رابطه با سایر حضرات معصومین عليهم السلام نیز صدق می کند، یعنی:

ما قادر نیستیم به کُنه مقامات آن ذوات مقدّسه پی ببریم، لیکن در حدّ خودمان باید معرفت و شناخت اجمالی به آن ذوات مقدّسه داشته باشیم و بدانیم که:

وجود مقدّس چهارده معصوم عليهم السلام خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ وَلِيُّ اللَّهِ هستند و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند، لذا:

دوست داشتن آن بزرگواران دوست داشتن خداوند متعال است، دشمنی کردن با آن بزرگواران دشمنی کردن با خداوند متعال می باشد، امر و فرمان آن بزرگواران امر و فرمان خداوند متعال است،

نهی آن بزرگواران نهی خداوند متعال می باشد، اطاعت از آن بزرگواران اطاعت از خداوند متعال است، سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال می باشد، و خداوند متعال عمل هیچ بنده‌ای را بدون پذیرش ولایت و امامت آن ذوات مقدسه نمی پذیرد و قبول نمی کند!

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با معنی لغات و اصطلاحات این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» می پردازیم به ادامه توضیحاتی که در کتاب‌های خصائص فاطمیة، حَبْلُ مَتِينٍ و... ذیل این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» ارائه شده است. ج: در کتاب خصائص فاطمیة ذیل این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» آمده که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه کبری است، یعنی: فاطمه زهرا سلام الله علیها معصومه است و دارای مقام رفیع عصمت کبری است،

و به همین جهت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن علیا مخدّره را غسل داد، زیرا:

حدیث مشهوری است که ائمه معصومین علیهم السلام فرموده‌اند:

وَ الصِّدِّيقَةَ لَا يُغَسِّلُهَا إِلَّا الصِّدِّيقُ، یعنی:

صدیقه را غیر از صدیق نباید غسل دهد، یعنی:

صدیقه را فقط باید صدیق غسل دهد، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۶۱۱ و ۶۱۲، «ذیل عنوان: أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ يَحَقِّقَهُمْ».

خصائص فاطمیة، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۳ و ۱۶۴، وجه هفتم، «ذیل عنوان: معرفت به مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها».

معصومه را فقط باید معصوم غسل بدهد،
و به همین جهت فاطمه زهرا سلام الله علیها را وجود مقدّس امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السّلام شخصاً غسل داد.
در قسمت دیگری از کتاب خصائص فاطمیّه در رابطه با قسمت دوّم این
حدیث شریف «وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» آمده که:
از این حدیث شریف استفاده می شود که:
تمام انبیاء و مرسلین امّت های خودشان را امر به معرفت و شناسایی فاطمه
زهرا سلام الله علیها می نمودند،
و امّت خویش را مکلف می نمودند تا نسبت به مقامات فاطمه زهرا سلام
الله علیها معرفت و شناخت پیدا کنند، یعنی:
قبول شدن اعمال و تکالیف شرعی هر امّت منوط به معرفت و شناخت
صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لذا:
اگر اهل هر زمان و هر عصری به حقیقت عصمت فاطمه زهرا سلام الله
علیها اعتقاد و معرفت نداشته باشند،
با اداء تمام امور واجبه، عملشان غیر مقبول بلکه هباء منثور می باشد «یعنی اگر
اهل هر زمان و عصری به حقیقت عصمت فاطمه زهرا سلام الله علیها معرفت و
اعتقاد نداشته باشند اعمال صالح آنها مورد قبول درگاه الهی واقع نمی شود و اعمال
صالح آنها هباء منثوراً می شود، و هباء منثور اشاره به آیه ۲۳ سوره فرقان است
که خداوند متعال درباره کفار و مشرکین می فرماید: وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ
فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُوراً، یعنی: ما بطور قطع و یقین سراغ همه اعمال کفار و مشرکین
خواهیم رفت و به آنها خواهیم پرداخت و همه اعمال آنها را مانند ذرات گرد و
غبار در هوا پراکنده خواهیم نمود و آنها را محو و نابود خواهیم کرد»^۱.

۱. تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۵ و ۷۶، ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان

به عبارت دیگر:

سعادت و شقاوت اهل هر زمانی بستگی به تولا و تبراى نسبت به فاطمه زهرا سلام الله عليها دارد «دوست داشتن آن حضرت و دوستان آن حضرت و بیزاری از دشمنان آن علیا مخدّره»، لذا:

ولایت و محبّت آن علیا مخدّره مناط و مدار دین انبیاء الهی بوده است.^۱

د: در کتاب فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم ذیل این حدیث شریف «هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» آمده که: فاطمه زهرا سلام الله عليها صدیقه کبری است که: بر معرفت و شناختن آن علیا مخدّره جهان آفرینش از آغاز به گردش درآمده است، یا:

فاطمه زهرا سلام الله عليها صدیقه کبرائی است که:

بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره قرون پیشین پا برجا بوده است.

در ادامه توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

مراد از قرون در این حدیث شریف «هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» قرون جمیع انبیاء و اوصیاء و امت‌های آنان، حتّی قرن نفیس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد.

به بیان دیگر:

خداوند متعال هیچ پیامبری را مبعوث به رسالت نفرمود،

مگر اینکه آن پیامبر به فضیلت و برتری فاطمه زهرا سلام الله عليها و دوستی و محبّت آن علیا مخدّره اقرار و اعتراف نمود،

و موید این مطلب حدیث شریفی است که عالم بزرگوار سید هاشم بحرانی

در مدینة المعاجز نقل نموده که:

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۱۳ تا ۱۱۷، خصیصه چهاردهم از بیست خصیصه، ذیل عنوان: صدیقه کبری از القاب فاطمه زهرا سلام الله عليها.

ما تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا، یعنی:
مقام نبوت هیچ پیامبری کامل نگردید تا اینکه آن پیامبر به برتری و دوستی
فاطمه زهرا سلام الله عليها اقرار و اذعان نمود^۱.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

طبق این حدیث شریف «حدیثی که سید هاشم بحرانی در کتاب مدینه
المعاجز از ائمه معصومین علیهم السلام نقل نموده» مقام نبوت هیچ پیامبری
کامل نگردید مگر با معرفت و شناخت او به مقام منزلت محمد و آل محمد
علیهم السلام «یعنی فاطمه زهرا سلام الله عليها و پدر بزرگوارش و شوهر
گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه اش»،
و پذیرش ولایت آن بزرگواران و اطاعت از آن ذوات مقدسه.
در این رابطه احادیث فراوانی از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم
السلام صادر شده که به عنوان نمونه به شش حدیث شریف اشاره می شود.

حدیث اول:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
ما تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَ وَلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِي،
وَ مَثَلُوا لَهُ فَأَقَرُّوا بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَايَتِهِمْ، یعنی:
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
نبوت هیچ پیامبری در عالم اظله تکمیل نشد «نبوت هیچ پیامبری در عالم
ارواح کامل نگردید»،

۱. فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تأیید آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۷، صفحه ۱۲۰، حدیث ۱، ذیل
عنوان: فاطمه زهرا سلام الله عليها بر تمامی موجودات برتری دارد، فصل ۱۵، صفحه ۲۵۵، حدیث ۵.

مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت من «یعنی فاطمه زهرا و دوازده امام معصوم علیهم السّلام» بر آن پیامبر عرضه گردید،
و تمثال اهل بیت من بر آن پیامبر مجسم شد،
پس آن پیامبر به ولایت اهل بیت من و اطاعت از اهل بیت من اقرار نمود
«یعنی پس از پذیرفتن ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اطاعت
از آن ذوات مقدّسه، نبوّت پیامبران الهی تکمیل شد و کامل گردید».
این حدیث شریف را حذیفه از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و
آله و سلّم نقل نموده است.^۱
تّمثال = تصویر، پیکره، مانند، شبیه.

حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وَ لَا يُتَنَا وَ لَا يَتَنَا اللهُ،

الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

ولایت ما ولایت خداوند متعال است،

و خداوند متعال هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نفرمود مگر به خاطر
پذیرش ولایت ما.

این حدیث شریف را محمّد بن عبدالرحمن از امام صادق علیه السّلام نقل
نموده است.^۲

۱. بصائر الدّرجات، جلد اوّل، جزء دوّم، باب هشتم، صفحه ۲۹۶، حدیث ۷ «حدیث ۳۰۴» شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۳۶، «ذیل عنوان قَبَلَعِ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».
۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۳ «حدیث ۱۱۷۴» «باب: روایات برگزیده و کلیّ راجع به ولایت».
بصائر الدّرجات، جلد اوّل، جزء دوّم، باب نهم، صفحه ۳۰۲، حدیث ۹ «حدیث ۳۱۵».
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۳۶، «ذیل عنوان: قَبَلَعِ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

قابل ذکر است که:

عین این حدیث شریف را جابر و ابوبصیر نیز از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده‌اند.^۱

حدیث سوّم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ حَقَّنَا وَ تَفْضِيلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، يَعْنِي:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هیچ پیامبری مبعوث به رسالت نشد مگر به خاطر معرفت و شناختن حقّ

ما،

و اقرار و اعتراف به برتری ما بر دیگران «اقرار و اعتراف بر فضل و برتری

ما بر تمام مخلوقات».

این حدیث شریف را عبدالاعلی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِّيَّ،

وَ لَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَ بِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، يَعْنِي:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

۱. بصائر الدّرجات، جلد اوّل، جزء دوّم، باب نهم، صفحه ۳۰۱، حدیث ۶ «حدیث ۳۱۲».

بصائر الدّرجات، جلد اوّل، جزء دوّم، باب نهم، صفحه ۳۰۱، حدیث ۷ «حدیث ۳۱۳».

۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۳۲۰، حدیث ۴ «حدیث ۱۱۷۵» «باب: روایات برگزیده و کلیّی راجع به ولایت».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۶، «ذیل عنوان: قَبَلِغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۰ «ذیل عنوان: قَبَلِغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

حدیث لَوْ لَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمدعلی گرامی، صفحه ۱۰۲.

هیچ پیامبری به مقام پیامبری نرسید،
و هیچ رسولی مبعوث به رسالت نشد،
مگر با اقرار به ولایت ما و برتری ما بر دیگران «بر همه مخلوقات».
این حدیث شریف را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

حدیث پنجم:

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که یک دوره کامل و جامع امام شناسی است و در واقع منشور امام شناسی می باشد هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به محضر مبارک آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، یعنی:

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و رسالت.

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله

علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و مقام عصمت دارد،

و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

می باشد،

و مانند سایر حضرات معصومین علیهم السلام «عیناً مانند سیزده معصوم

دیگر» دارای مقام عصمت کبری است، یعنی:

ترک اولی هم از آن ذوات مقدسه سر نزده است.

۱. بصائر الدّرجات، جلد اول، جزء دوم، باب نهم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۲ «حدیث ۳۰۸».

بصائر الدّرجات، جلد اول، جزء دوم، باب نهم، صفحه ۳۰۰، حدیث ۵ «حدیث ۳۱۱».

شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۱ «ذیل عنوان: فَلَبَّغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ».

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ» آمده که:

در این زیارت نورانی و شریف ما اهل بیت نبوّت را زیارت می کنیم نه هر اهل بیته را،

و مراد از اهل بیت نبوّت ائمه معصومین علیهم السّلام هستند و نه غیر آنها، و فاطمه زهرا سلام الله علیها جزء آنها بلکه اصل آنها است.^۱
بنابراین:

هر فضیلتی که در زیارت نورانی جامعه کبیره برای اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بیان شده شامل ائمه معصومین علیهم السّلام می شود،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز به طریق اولی صاحب این فضائل و مناقب می باشد.

در کتاب حَبْلِ مَتین ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ» آمده که:

مقصود از بَيْتِ النَّبُوَّةِ حقیقت علیای نبوّت ختمیه است که تجلّی گاه اسماء و صفات خداوند متعال می باشد،

و محلّ نزول و صعود حضرت روح الامین «حضرت جبرئیل علیه السّلام» و ملائکه مقرّب الهی است،

و نبوّت سایر انبیاء الهی از شئون و مراتب آن حقیقت عالی و أمّ الحقائق می باشد، و تمام کائنات ریزه خوار خوان نعمت این بَيْتِ النَّبُوَّةِ می باشند، و اهل بیت آن نیز جز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و صدّیقه کبری فاطمه زهرا

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۰ و ۴۱.

سلام الله علیها و یازده امام معصوم علیهم السَّلام افراد دیگری نخواهند بود.^۱
در کتاب ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره» تألیف آیت الله جوادی
آملی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السَّلام «السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا أَهْلَ
بَیْتِ النَّبُوَّةِ» آمده که:

مقصود از أَهْلَ بَیْتِ النَّبُوَّةِ که معمولاً برای اختصار، اهل البیت گفته می شود
شامل خمس طیبه علیهم السَّلام یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و
سَلَم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها
و امام حسن و امام حسین علیهما السَّلام می شود،
و علاوه بر خمس طیبه علیهم السَّلام نه امام معصوم علیهم السَّلام از نسل
و ذریه امام حسین علیه السَّلام نیز داخل در این عنوان هستند «عنوان اهل بیت
نبوت»،

هر چند که دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سَلَم را درک ننموده اند.
قرار گرفتن ترکیب أَهْلَ بَیْتِ النَّبُوَّةِ در ابتدای زیارت نورانی و شریف جامعه
کبیره زمینه ساز مراحل بعدی و مقدمه برای شمارش کمالات دیگر است، زیرا:
زائر در ابتدای این زیارت نورانی و شریف عرض می کند:
شما «چهارده معصوم علیهم السَّلام» از خاندان رفیع و بلندمرتبه ای هستید
که با دیگران تفاوت دارید،

و خداوند متعال شما را بر دیگران برتری داده است،
و از این جهت واجد همه کمالاتی هستید که در این زیارت نورانی و
شریف آمده است.^۲

۱. حَبْلِ مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۸ و ۹.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۴۵ و ۵۶.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۱۰۸ تا ۱۱۳
«ذیل عنوان: یا أَهْلَ بَیْتِ النَّبُوَّةِ».

در قسمتی از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که مرتبط با بحث ما می‌باشد «معرفی فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریه‌اش به انبیاء الهی و ملائکه الهی و معرفت و شناخت آنها به این ذوات مقدسه» آمده که:

فَبَلِّغِ اللَّهَ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ،
وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ،
وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، یعنی:

خداوند متعال شما را «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» به شریف‌ترین جایگاه مکرّمین،

و بالاترین و عالی‌ترین منزل و جایگاه مقربین،

و رفیع‌ترین و والاترین درجات انبیاء و مرسّیلین رسانده است،^۱
یعنی:

خداوند متعال شما چهارده معصوم علیهم السلام را در بالاترین مقام‌ها قرار داده است،

و شما اشرف و افضل هستید از تمام مکرّمین و مقربین و مرسّیلین «انبیاء».^۲
پس:

مراد این است که:

خداوند متعال شما را «چهارده معصوم علیهم السلام» از مرتبه‌ای از امکان آفرید که بالاتر از آن مرتبه‌ای نیست مگر مرتبه ربوبیت که خداوند متعال آن را برای خویش برگزید،

ضمن اینکه خداوند متعال شما را از نور ذات خود آفرید،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۴۸.

حُجَلِ مَتَبِن «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله ضیاء‌آبادی، جلد دوم، صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۳

و انبياء و مرسلين را از پائين تر از آن آفريد، لذا:
هيچ يك از خلائق در فطرت «آفرينش، سرشت» همتاي اين چهارده وجود
مقدس و معصوم نمي شوند^۱.

در ادامه زيارت نوراني و شريف جامعه كبيره آمده كه:

حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَا حِقٌّ،

وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ،

وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ،

وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، يعنى:

خداوند متعال شما چهارده معصوم عليهم السلام را به شريف ترين جاىگاه
مكرمين و به عالي ترين جاىگاه مكرميين و رفيع ترين درجات انبياء و مرسلين
رسانده است،

و مقام و منزلت شما در پيشگاه خداوند متعال در حدى قرار دارد كه:

به آن مقام ملحق نمي شود هيچ ملحق شونده اى «هيچ كس نمي تواند به آن

مقام برسد»،

هيچ برترى جوينده اى بر آن مقام برترى نمي جويد «هيچ كس توان اوج

گرفتن بر آن مقام را ندارد»،

هيچ سبقت گيرنده اى بر آن مقام سبقت نمي گيرد «هيچ كس نمي تواند از آن

مقام سبقت بگيرد»،

و بلكه:

هيچ طمع كننده اى رسيدن به آن مقام را طمع نمي كند «هيچ كس نمي تواند

و نبايد براى رسيدن به مقام چهارده معصوم عليهم السلام طمع نمايد، يعنى

۱. شرح زيارت جامعه كبيره «ترجمه شمس الطالعه»، تأليف علامه سيد حسين همدانى درودآبادى، صفحه ۴۷۱
و ۴۷۲ «ذيل عنوان: قَبَّلَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

رسیدن به مقام چهارده معصوم علیهم السَّلام را نباید در سر بیروراند^۱. این فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام «لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ» ممکن است جمله‌ای باشد که برای نهی از طمع به مقام چهارده معصوم علیهم السَّلام انشاء شده باشد، یعنی:

همه مخلوقات را نهی می‌کند از اینکه هوس و طمع مقام آن ذوات مقدَّسه را در دل داشته باشند،

و این مقام همان مقام ولایت کلَّیه است که لابشرط است، و یا ممکن است این فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام جمله خبریّه باشد،

و مراد از آن، خبر دادن از عدم امکان رسیدن به مقام چهارده معصوم علیهم السَّلام می‌باشد،

تا همگان را مأیوس ساخته و طمع آنها را از رسیدن به مقام این ذوات مقدَّسه ببرد.

این مقام دست‌نیافتنی چهارده معصوم علیهم السَّلام بدین جهت است که: این ذوات مقدَّسه حلقه نخست دریافت فیض خداوند متعال هستند و همه کمالات و فیوضات به واسطه آن بزرگواران از سوی خداوند متعال به سایر مخلوقات می‌رسد،

و حتّی پیامبران و انبیاء الهی نیز از مجرای ولایت این ذوات مقدَّسه به مقام نبوّت بار می‌یابند، زیرا:

ولایت این بزرگواران جلوه کامل ولایت خداوند متعال است، و اقرار به ولایت این ذوات مقدَّسه اساس برگزیدگی انبیاء الهی به مقام

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۳۸.
شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۰.
شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلُ مَتِّين»، تألیف آیت‌الله ضیاء‌آبادی، جلد دوم، صفحه ۲۶۸.

نبوت می باشد،

و این موضوع فرمایش حضرات معصومین علیهم السَّلام می باشد که:

وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَتُّهُ اللهُ،

الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، یعنی:

ولایت ما ولایت خداوند متعال است،

و خداوند متعال هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نفرمود مگر به خاطر

پذیرش ولایت ما.

این فرمایش نورانی حضرات معصومین علیهم السَّلام بیانگر شدت همگونی

و یگانگی این دو ولایت و جدایی ناپذیری هر یک از دیگری است.

مطالب فوق عیناً از کتاب ادب فنای مقربان، حَبْلِ مَتِينِ و ترجمه شמוש

الطَّالِعِ نقل گردید.^۱

در ادامه زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره آمده که:

حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ

وَلَا ذَنْبِيَّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ

وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ،

إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعَظَمَ خَطْرِكُمْ وَكَبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ

وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَ

قُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

در بخش قبل ملاحظه فرمودید که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۰ و ۱۶۱، بخش «د»، پیشتازان وادی قُرب «وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتِينِ»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد دوم، صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ «ذیل عنوان: وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شמוש الطَّالِعِ»، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۴۷۵ و ۴۷۶ «ذیل عنوان: وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

هنگام زیارت اهل بیت نبوت و رسالت یعنی هنگام زیارت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام به آن بزرگواران عرض می کنیم:

حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَا حِقٌّ،

وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ،

وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ،

وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، یعنی:

خداوند متعال شما چهارده معصوم علیهم السّلام را به شریف ترین جایگاه مُکَرَّمین و عالی ترین جایگاه مقربین و رفیع ترین درجات انبیاء و مُرسَلین رسانده است،

و در پیشگاه خداوند متعال آنچنان مقام رفیعی دارید که:

مُلْحَق نمی شود به آن هیچ مُلْحَق شونده ای،

برتری پیدا نمی کند بر آن مقام هیچ برتری جوینده ای،

سبقت نمی گیرد بر آن مقام هیچ سبقت گیرنده ای،

طمع نمی کند به آن مقام هیچ طمع کننده ای «هیچ کس نباید به این مقام رفیع

طمع نماید»،

و در ادامه آمده است که:

تا آنکه باقی نماند مَلْکِ مقرب و نبیّ مُرسل و صدیق و شهید و عالم و

جاهل و پست و فاضل و مؤمن و صالح و فاجر و بدعمل و جبّار عنید و شیطان

خبیث و بالجمله هیچ مخلوقی،

مگر اینکه خداوند متعال مقام و منزلت شما را به آنها شناساند و معرّفی

فرمود،

و آنها مقام و منزلت و جلالت امر و بزرگی مقام و عظمت شأن و تمام نور

و مقام صدق و ثبات مقام و شرف و منزلت شما را نزد خداوند متعال دانستند

«یعنی خداوند متعال مقام و منزلت رفیع و والای شما چهارده معصوم علیهم السَّلام را به تمام مخلوقات معرفی فرمود و شناساند، و تمام مخلوقات مقام و منزلت رفیع شما را نزد خداوند متعال دانستند و به آن معرفت پیدا نمودند»^۱.

در کتاب ادب فنای مقرَّبان، حَبْل متین و ... ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام که ملاحظه فرمودید توضیحاتی ارائه شده که خلاصه‌ای از آنها به عرض می‌رسد تا مطلب کاملاً روشن شود و عزیزان نهایت حظّ و بهره را ببرند.

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله نقوی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام «حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ... آمده که:

خداوند متعال مقام و منزلت شما اهل بیت را چه در عالم ذرّ و چه در این عالم به تمام مخلوقات فهماند،

و از این نظر چیزی را بر مخلوق مخفی نگذاشت، برای اینکه حجت بر خلق تمام شود و روز قیامت نگویند که ما نمی‌شناختیم،

و خلاصه کلام اینکه:

اهل بیت علیهم السَّلام اشرف مخلوقات و بلکه علّت غایی از ایجاد مخلوق می‌باشند،

و هیچ عملی بدون ولایت آن ذوات مقدّسه مورد قبول نیست.^۲

در کتاب ادب فنای مقرَّبان ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام «حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ...» آمده که:

همه موجودات عالم مُلک و ملکوت در برابر مقام و منزلت رفیع و والای وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السَّلام سر تعظیم فرود آورده‌اند و این

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۹ و ۴۴۰.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۴۰ «ذیل عنوان: حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ».

فقره از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره اعتراف ملائکه مقرب الهی و انبیاء الهی و راستگویان و شهیدان و مؤمنین و فرومایگان و زشت سیرتان و حق ستیزان و شیطان صفتان و در یک کلام اعتراف همه مخلوقات الهی را بیان می فرماید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مقرب ترین مخلوقات الهی هستند و اشرف و افضل مخلوقات الهی می باشند،
و آفرینش عالم و آدم و دنیا و آخرت از یمن وجود آن ذوات مقدّسه می باشد،

و حکمت سجده ملائکه الهی به حضرت آدم «سجده خضوع و خشوع نسبت به حضرت آدم نه سجده به معنی پرستش، زیرا پرستش فقط برای خداوند متعال جایز است و لاغیر» وجود نور چهارده معصوم علیهم السّلام در صُلب حضرت آدم بوده است.

مقام و منزلت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام به قدری رفیع و والا است که:

طبق حدیث نبوی بزرگ ترین افتخار ملائکه مقرب الهی مانند جبرئیل و اسرافیل و... خدمتگزاری آنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد،
و تمسک ملائکه مقرب الهی به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مایه مباهات ملائکه مقرب الهی است،

ضمن اینکه مقام و رتبه انبیاء الهی و عنایات خداوند متعال به آنها و اساساً بنیاد نبوت پیامبران پیشین به اندازه معرفت آنها به مقامات چهارده معصوم علیهم السّلام و اعتراف آنها به برتری این ذوات مقدّسه بر تمام مخلوقات می باشد،
و از فرمایشات نورانی امام صادق علیه السّلام است که:

ما مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ حَقًّا وَ تَفْضِيلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا.
و در حدیث شریف دیگری پذیرش ولایت چهارده معصوم علیهم السَّلام و
اعتراف به افضلیت آن ذوات مقدَّسه پایه دعوت همه پیام‌آوران آسمانی «یعنی
همه انبیاء الهی» دانسته شده و آمده که:

ما مِنْ نَبِيٍّ نُبِيٍّ وَلَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا وَ بِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، یعنی:
هیچ پیامبری به پیامبری نرسید،

و هیچ رسولی مبعوث به رسالت نشد،

مگر با اقرار به ولایت ما «یعنی چهارده معصوم علیهم السَّلام»،

و برتری ما بر دیگران «برتری چهارده معصوم علیهم السَّلام بر تمام
مخلوقات».

بر این اساس:

حقیقت وجودی و مقام رفیع وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام
که مظاهر ولایت خداوند متعال در عرصه تکوین و تشریح می‌باشند برای کسی
فهمیدنی نیست،

از این‌رو خداوند متعال در این قسمت از زیارت نورانی و شریف جامعه
کبیره «إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرَ شَأْنِكُمْ وَ...»
به اجلال مقام ویژه و رفیع چهارده معصوم علیهم السَّلام و شناساندن جایگاه
آن ذوات مقدَّسه برای همگان پرداخته است،

و معرفتی مقام وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام از سوی خداوند
متعال، بیانگر وصف‌ناپذیری و ناتوانی مخلوقات از فهم مقام رفیع آن ذوات
مقدَّسه و همچنین مبین تکریم ویژه خداوند متعال از آن فرزندگان هستی است!
در کتاب حَبْلِ مَتِينِ ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۰ تا ۱۷۴
«ذیل عنوان: حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ...»

السَّلَام «حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُّقْرَبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ...» آمده که:

حاصل مضمون این جملات نورانی این است که:

شما خاندان عصمت و آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آنچنان در عالم بزرگ هستید که خداوند علیم حکیم، عظمت و جلالت شما را به تمام کائنات و مخلوقات از جماد و نبات و حیوان و انسان، از عالم و جاهل و کافر و مؤمن، از زمینیان و آسمانیان شناسانده است، و همه مخلوقات شما را به قداست و طهارت می شناسند و به حقانیت شما پی برده اند،

حتی جبّاران و شیطان صفتانی که با شما دشمنی می ورزند و روی شما شمشیر می کشند در عظمت و جلالت امر شما تردیدی ندارند، و از این رو به جنگ با شما برمی خیزند تا دنیای خودشان را تأمین کنند و به اهواء نفسانی خودشان نائل شوند «اهواء جمع هوی می باشد، و هوی یعنی خواهش دل، میل، آرزو».

آری،

هر که و هر چه در عالم هست،

از نبی مرسل، ملک مقرب، صدیق شهید، جبّار عنید، شیطان مرید در پرتو نور وجود شما به هستی رسیده اند و ادامه حیات می دهند.

اینکه می گوئیم علاوه بر انسان، تمام کائنات اعم از جماد و نبات و حیوان، وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السَّلَام را می شناسند هیچ جای تعجب ندارد، مگر نه اینکه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ «آیه ۴۴ سوره اسراء»

یعنی:

هیچ موجودی نیست مگر اینکه به تسبیح و تحمید خداوند متعال مشغول

است، لیکن شما تسبیح آنها را درک نمی کنید! پس از ارائه توضیحاتی ذیل فرمایشات نورانی امام هادی علیه السّلام در زیارت شریف جامعه کبیره «مبنی بر اینکه خداوند متعال مقام و منزلت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام را به همه مخلوقات معرفی فرمود و به همه شناساند،

و در رأس همه مخلوقات الهی انبیاء و ملائکه الهی به مقام و منزلت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام معرفت و آگاهی پیدا نمودند و ولایت آن بزرگواران را پذیرفتند،

و در سایه این کسب معرفت و پذیرش ولایت آن ذوات مقدّسه به مقامات عالیّه نائل شدند» می پردازیم به ادامه احادیث شریف.

حدیث ششم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

ای موسی:

من نماز کسی را قبول نمی کنم مگر اینکه:

۱- به خاطر عظمت من به من تواضع کند.

۲- قلب او از من خائف باشد.

۳- روز خود را با ذکر من به پایان برساند.

۴- اصرار بر گناه نداشته باشد.

۵- عَرَفَ حَقَّ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي، یعنی:

حقّ اولیاء و احبّاء مرا بشناسد، یعنی:

حقّ اولیاء الله و حقّ دوستان خدا را بشناسد.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتِين»، تألیف آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی، جلد دوم، صفحه ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۸۰.

موسی بن عمران به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مقصود از اولیاء تو و احبّاء تو حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب است.

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

«آنها (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) اولیاء من هستند» (آنها از اولیاء الله هستند)،

لیکن:

منظور من از اولیاء من و احبّاء من کسی است که:

به خاطر او آدم و حوّا را خلق کردم،

و به خاطر او بهشت و جهنّم را آفریدم.

موسی بن عمران به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

آن شخص کیست؟

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

آن شخص، محمّد است که من نام او را از نام خودم مشتق نمودم،

من محمود هستم،

و او محمّد است.

موسی بن عمران به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

مرا از امّت حضرت محمّد قرار بده.

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

یا موسی:

أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرِفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، یعنی:

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و مقام و منزلت اهل بیت حضرت محمد را بشناسی در زمره امت او هستی.^۱

توضیح:

۱- از این حدیث شریف معلوم می شود که:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادوار گذشته اولیاء و حجج خداوند متعال بر مخلوقات الهی و بر انبیاء الهی بوده اند.^۲

۲- حدیث شریف طولانی تر و مفصل تر از این است که ملاحظه فرمودید، فقط به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که در رابطه با مقام و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت می باشد، و خداوند متعال در این رابطه به موسی بن عمران فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و مقام و منزلت اهل بیت آن حضرت را بشناسی در زمره امت او خواهی بود، و این موضوع، عظمت و رفعت مقام پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت را بیان می فرماید که خداوند متعال به موسی بن عمران که پیامبر اولوالعزم است و از اولیاء الله می باشد می فرماید:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و اهل

۱. کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه شیخ حرّ عاملی»، باب هفتم، صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۳، حدیث ۸۸، ۴۸. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۵ و ۴۰۶ «ذیل: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۶ و ۴۰۷، «ذیل: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

بیت آن حضرت را بشناسی در زمره اُمّت آن حضرت هستی.
 ۳- ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام
 الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره
 می باشد ده حدیث از منابع شیعه و نه حدیث از منابع اهل سنت نقل شد که:
 وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها مقام عصمت دارد و
 از اهل بیت پیامبر اکرم می باشد،
 و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم است،
 و در انتهای بخش مربوط به اولین فضیلت آن علیا مخدّره به عرض رسید
 که:

خداوند متعال در پاسخ به سؤال جبرئیل علیه السّلام مبنی بر اینکه:
 خداوندا:

چه کسانی زیر عبا هستند که عالم را به خاطر آنها خلق فرموده‌ای؟
 خداوند متعال در پاسخ به سؤال جبرئیل فرمود:

هُمْ أَهْلُ بَيْتِ التُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ،
 هُمْ فَاطِمَةٌ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوها،
 بنابراین:

معنی این حدیث شریف این است که:

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و مقام
 و منزلت اهل بیت آن حضرت یعنی مقام و منزلت امیرالمؤمنین علی بن
 ابیطالب علیه السّلام و مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها و مقام و
 منزلت یازده امام معصوم از نسل و ذریّه آن علیا مخدّره را بشناسی در زمره

اُمّت پیامبر اکرم هستی.

۴- در حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد و اوائل بحث به آن اشاره شد، امام صادق علیه السّلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها و لزوم معرفت و شناخت آن علیا مخدّره به عنوان وَلِیَّة الله و حُجَّة الله فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

در رابطه با این حدیث شریف توضیحاتی جامع و کاملی به عرض رسید و در صفحات قبل آن را ملاحظه فرمودید «اوائل بحث».

علاوه بر این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» که فقط در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله علیها و اهمیّت معرفت و شناخت آن علیا مخدّره بود، شش حدیث شریف دیگر نقل شد که در رابطه با اهمیّت معرفت و شناخت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود، و چون فاطمه زهرا سلام الله علیها در زمره اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد، لذا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السّلام مصادیق این شش حدیث شریف می باشند، زیرا:
اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فقط همین ذوات مقدّسه می باشند و لا غیر.

به عنوان تیمّن و تبرّک به یکی از این احادیث شریف اشاره می شود. «حدیث اوّل که از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شد».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در رابطه با واجب الاطاعه بودن اهل بیت خویش «یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده

امام معصوم علیهم السّلام» و ولایت داشتن آن ذوات مقدّسه بر تمام مخلوقات و از جمله انبیاء الهی فرمودند:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ،

حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَ وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي،

وَ مُثَلُّوْا لَهُ فَأَقْرَؤُوا بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَايَتِهِمْ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نبوّت هیچ پیامبری در عالم اظله تکمیل نشد «نبوّت هیچ پیامبری در عالم

ارواح کامل نگردید»،

مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت من بر آن پیامبر عرضه شد،

و تمثال اهل بیت من بر آن پیامبر مجسم شد،

پس آن پیامبر به ولایت اهل بیت من و اطاعت از اهل بیت من اقرار نمود

«یعنی انبیاء الهی ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت اهل

بیت آن حضرت و اطاعت از آن ذوات مقدّسه را پذیرفتند و به آن اقرار نمودند،

و پس از این قضیه بود که نبوّت آنها تکمیل شد و کامل گردید».

این حدیث شریف را حدیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله و سلم نقل نموده است.^۱

۵- در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره هنگام زیارت حضرات معصومین

علیهم السّلام به آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوءَةِ،

و سپس در ادامه زیارت شریف به آن بزرگواران عرض می کنیم:

وَ أَنْ أَرْوَا حُكْمَكُمْ وَ نَوْرَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةً،

۱. بصائر الدّرجات، جلد اول، جزء دوم، باب هشتم، صفحه ۲۹۶، حدیث ۷ «حدیث ۳۰۴».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۶ «ذیل عنوان: فَلَمَّا بَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

طَابَتْ وَ طُهِرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، یعنی:

ارواح شما «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» و نور شما و طینت و سرشت شما یکی است،

و نیکو و پاکیزه است،

و فرقی میان شما نیست^۱.

این فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام به وحدت روح و نور و طینت «سرشت» چهارده معصوم علیهم السلام اشاره دارد، یعنی:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از نظر روح و طینت باهم فرقی ندارند، و ارواحشان پاک است،

و طینت و سرشت آن بزرگواران از خبثات و رذالت منزّه می باشد،

و در حقیقت این ذوات مقدسه یک روح هستند در چهارده قالب، و یک

طینت هستند در چهارده صورت^۲.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام یک روح هستند در چهارده قالب، و یک طینت «سرشت» هستند در چهارده صورت، لذا:

هر فضیلت و منقبتی که در احادیث و ادعیه و زیارات و از جمله در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به حضرات معصومین علیهم السلام و به اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شده شامل هر چهارده وجود مقدس و معصوم می شود.

بدیهی است که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها که محور اهل بیت

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹، «ذیل عنوان: وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد در اعلی درجه و به طریق اولی
واجد همه این فضائل می باشد و همه آنها را دارا است، لذا:

اگر وجود مقدس پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام فرمودند:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ،

حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي،

وَمُثِّلُوا لَهُ فَأَقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلَايَتِهِمْ،

و یا اگر فرمودند:

وَلَا يَتُّنَا وَلَايَةَ اللَّهِ،

الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا،

و یا اگر فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا وَفَضِيلَتِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، و یا اگر فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِّيَّ،

وَلَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ،

إِلَّا بَوْلَايَتِنَا وَبِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا،

و یا اگر در زیارت شریف جامعه کبیره فرمودند:

فَبَلِّغِ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ،

وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ،

وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ،

و یا اگر در قسمت دیگری از زیارت شریف جامعه کبیره فرمودند:

حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ...

إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكِبَرِ شَأْنِكُمْ...

و یا اگر در قسمت های دیگر زیارت شریف جامعه کبیره فرمودند:

فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ «هرکس از شما اعراض کند از دین خارج است»،

مَنْ حَبَدَكُمُ كَافِرٌ «منكر شما کافر است، یعنی هرکس ولایت شما را انکار نماید کافر است»،

مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ «هرکس شما را رد کند و ولایت شما را نپذیرد جای او پست‌ترین نقطه جهنم است»،

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ «هرکس اراده کند تا به خداوند متعال معرفت و شناخت پیدا کند باید از طریق راهنمایی شما باشد»،

وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبِيلَ عَنُكُمُ «هرکس بخواهد موحد باشد «یکتاپرست باشد» باید گوش به فرمان شما باشد و هرچه را که دستور می‌دهید قبول نماید»،

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ «هرکس قصد رسیدن به مقام قرب حق را دارد باید شما را واسطه قرار دهد»،

و یا اگر در قسمت دیگری از زیارت شریف جامعه کبیره فرمودند:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ «خداوند متعال به سبب وجود شما و به واسطه شما ابتدا نمود خلقت را، و به شما هم ختم خواهد شد»،

عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ «نزد شما است آنچه که بر انبیاء الهی نازل شده و ملائکه فرود آورده‌اند»،

آتَاكُمْ اللَّهُ مَالَهُ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ «خداوند متعال به شما چیزهایی اعطا فرموده که به احدی از مخلوقات خویش نداده است»،

بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ «با پذیرش ولایت و امامت شما و تبعیت و پیروی از شما، طاعات و عبادات واجبه مورد قبول واقع می‌گردد».

تمام این فضائل و مناقب و مقامات که نقل شد در اعلی درجه شامل حال فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز می‌شود، زیرا:

زیارت شریف جامعه کبیره همانطور که در صفحات قبل به عرض رسید «حدیث پنجم و توضیحات ذیل آن» زیارت اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم می باشد،

و این زیارت نورانی و شریف با جمله السَّلَامُ عَلَیْكُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ التُّبُوَّةِ شروع می شود،

و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از اهل بیت گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است،

و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم می باشد و ذیل اولین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی در این رابطه توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.

با اینکه فاطمه زهرا سلام الله علیها در تمام فضائل و مناقبی که برای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده در اعلی درجه شرکت دارد،

لیکن احادیث شریفی نیز از ناحیه ائمه معصومین علیهم السَّلَام بطور اختصاصی در رابطه با آن علیا مخدّره صادر شده که به عنوان تِیْمَن و تبرک به سه حدیث شریف اشاره می شود.

۱- از ائمه معصومین علیهم السَّلَام نقل شده که درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرموده اند:

مَا تَكَامَلَتِ التُّبُوَّةُ لِنَبِيِّ،

حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا، یعنی:

مقام نبوت هیچ پیامبری کامل نگردیده تا اینکه آن پیامبر به برتری و دوستی فاطمه زهرا سلام الله علیها اقرار و اذعان نمود.^۱

۲- وجود مقدّس امام باقر علیه السَّلَام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها

۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۷، صفحه ۱۲۰، حدیث ۱، ذیل

عنوان: فاطمه زهرا سلام الله علیها بر تمامی موجودات برتری دارد.

فصل ۱۵، صفحه ۲۵۵، حدیث ۵ «به نقل از مدینه المعاجز سیّد هاشم بحرانی».

فرمودند:

لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مُفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ، يَعْنِي:

وجود مقدس امام باقر عليه السلام در رابطه با واجب اطاعه بودن فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمودند:

به قطع و یقین اطاعت از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها بر همه مخلوقات الهی از جنّ و انس «اجنه و انسانها»، پرندگان و چهارپایان و انبیاء و ملائکه واجب می باشد «خداوند متعال اطاعت از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها را بر تمام انبیاء و تمام ملائکه و بر همه مخلوقات خویش واجب فرموده است».

این حدیث شریف را ابوبصیر از وجود مقدس امام باقر عليه السلام نقل نموده است.^۱

۳- وجود مقدس امام صادق عليه السلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله عليها فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، يَعْنِي:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله عليها صدیقه کبری است «یعنی فاطمه زهرا سلام الله عليها دارای مقام عصمت کبری است»،

و اُمّت های گذشته به معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده اند «قرون و

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تَأْلِيفُ آيَةِ اللَّهِ سَيِّدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ مِيرْجَهَانِي:

فصل ششم، صفحه ۱۷۲، خصیصه بیست و یکم.

فصل هفتم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۳، حدیث اول.

فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۰، ذیل عنوان: ولایت کلّیه فاطمه زهرا سلام الله عليها.

قطره ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبط، بخش سوم، صفحه ۴۱۷،

حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه عليها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۲، حدیث ۸.

اعصار گذشته بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره دور زده است». این حدیث شریف را اسحاق بن عمّار از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده است!

در رابطه با نور واحد بودن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و اشتراک آن ذوات مقدّسه در جمیع فضائل و کمالات به چند حدیث شریف اشاره می‌شود تا بدین وسیله به قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب و کمالات وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها پی ببریم و از آن آگاه شویم، نه به همه فضائل و مناقب و کمالات آن علیا مخدّره، زیرا: پی بردن به تمام فضائل و مناقب و کمالات فاطمه زهرا سلام الله علیها جز حضرات معصومین علیهم السّلام برای احدی از مخلوقات الهی مقدور و میسر نیست،

و این موضوع فرمایش نورانی امام صادق علیه السّلام می‌باشد که در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوم، صفحه ۶۳۹، حدیث ۶ «حدیث ۱۳۹۹» «مجلس سی و ششم». جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۲ «ذیل عنوان: بیان ولایت کلیّه فاطمه زهرا سلام الله علیها».

خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۶، «ذیل عنوان: صدیقه کبری از القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها».

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد اول، بخش سوم، صفحه ۴۰۸ و ۴۱۲، حدیث ۷/۲۵۸ و ۱۵/۲۶۶.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۰، حدیث ۱.

فصل پانزدهم، صفحه ۲۵۵، حدیث ۵.

جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۶، صفحه ۱۲۸، حدیث چهارم.

شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلُ مَتِين»، تألیف آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۱۷۹ و ۱۹۲ «ذیل عنوان: وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا».

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا:
همه مخلوقات الهی از شناختن فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگرفته شده و
جدا شده‌اند، یعنی:

غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام احدی از مخلوقات الهی قادر به
رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات آن علیا مخدّره نمی‌باشد.

ذیل بیست و نهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا
سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث دوّم و توضیحات ذیل این
حدیث شریف» در این رابطه توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.

حدیث اوّل:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

يَا مُحَمَّدُ:

إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

ای محمد:

من، علی و فاطمه و حسن و حسین و دیگر ائمه را از نور واحد خلق نمودم!

حدیث دوّم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

خَلَقَنِي اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مَقْرَبان»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۲۰۵ «ذیل
عنوان مِنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللّهِ».
جلد نهم، صفحه ۳۱ «ذیل عنوان: اَنَّ اَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

خداوند متعال مرا و اهل بیت مرا از نور واحد خلق فرموده است.^۱

توضیح:

ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره می باشد توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده و احادیث شریفی از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که فاطمه زهرا سلام الله علیها از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، و بلکه آن علیا مخدّره محور اهل بیت پیامبر اکرم است.

حدیث سوّم:

وجود مقدس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

إِنَّ فَضْلَ أَوْلَانَا يَلْحَقُ فَضْلَ آخِرِنَا،

وَ فَضْلَ آخِرِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ أَوْلَانَا،

نَحْنُ مِنْ شَجَرَةِ طَيْبَةٍ،

بَرَأْنَا اللَّهُ مِنْ طَيْبَةٍ وَاحِدَةٍ،

فَضَّلْنَا مِنَ اللَّهِ،

وَ عَلَّمْنَا مِنَ عِنْدِ اللَّهِ،

خَلَقْنَا وَاحِدٌ،

عَلَّمْنَا وَاحِدٌ،

فَضَّلْنَا وَاحِدٌ،

وَ كُلُّنَا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۲۰۵ «ذیل عنوان: مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام «در رابطه با فضائل و مناقب و کمالات و مقامات وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» فرمودند:

فضل اوّل ما به آخر ما برمی گردد،
و فضل آخر ما به اوّل ما برمی گردد،
ما از شجره طیّبه ای هستیم،
و خداوند متعال ما را از یک طینت و از یک سرشت خلق فرموده است
«وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام از یک طینت واحد هستند».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

فضل ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» از ناحیه خداوند متعال است،
علم ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» از ناحیه خداوند متعال می باشد،
خلقت ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی است،
علم ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی است،
فضل ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی است،
و همه ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» در پیشگاه خداوند متعال یکی هستیم.

این حدیث شریف را زید شحام از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است!

حدیث چهارم:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

أَوْلُنَا دَلِيلٌ عَلَى آخِرِنَا،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۳۳ و ۳۴ «ذیل عنوان: حکمت و فلسفه زیارت».
- جلد نهم، صفحه ۲۸ «ذیل عنوان: أَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَ تُورِكُمْ وَ طَيَّبْتِكُمْ وَاحِدَةً».
- جلد نهم، صفحه ۲۱۱ و ۲۱۲ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ لِلَّهِ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».
- جلد نهم، صفحه ۴۹۱ «پاورقی» «ذیل عنوان: مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ».

وَ آخِرُنَا مُصَدِّقٌ لِأَوَّلِنَا،

وَ السُّنَّةُ فِينَا سَوَاءٌ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نخستین فرد ما «چهارده معصوم علیهم السلام» دلیل و نمایانگر آخرین ما

است،

و آخرین ما «چهارده معصوم علیهم السلام» تصدیق کننده نخستین ما است،

و راه و روش ما «چهارده معصوم علیهم السلام» یکی است.^۱

حدیث پنجم:

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

إِنَّ كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوَّلِنَا،

وَ كَلَامَ أَوَّلِنَا مُصَدِّقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا.

این حدیث شریف نیز مانند سایر احادیث شریف، همگونی و هماهنگی

کامل سخنان حضرات معصومین علیهم السلام را بیان می فرماید و آن را تأکید

می کند.^۲

حدیث ششم:

وجود مقدّس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

طَاعَةُ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوَّلِنَا،

وَ الْمُتَنَكِّرُ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی:

جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ».

جلد دهم، صفحه ۸۶ «ذیل عنوان: مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ».

جلد دهم، صفحه ۳۶۴ «ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل

عنوان: أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

وجود مقدّس امام عسکری عليه السّلام فرمودند:
اطاعت از آخرین فرد ما «چهارده معصوم عليهم السّلام» مانند اطاعت از
اولین فرد ما می باشد،
و منکر آخرین فرد ما «چهارده معصوم عليهم السّلام» مانند منکر اولین فرد
ما می باشد.^۱

حدیث هفتم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن
ایطالب علیه السّلام فرمود:
أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي،
أَوْلُنَا كَأَخِرِنَا،
وَأَخِرْنَا كَأَوْلِنَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن
ایطالب علیه السّلام فرمود:
من سید و آقا و سرور اولین و آخرین هستم «یعنی اشرف و افضل مخلوقات
هستم»،

و ای علی:

تو بعد از من سید و آقا و سرور همه مخلوقات می باشی «یعنی وجود مقدّس
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اولین شخصیت عالم خلقت است، و
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ایطالب علیه السّلام دومین شخصیت عالم

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هشتم، صفحه ۳۹۸ «ذیل
عنوان: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

جلد نهم، صفحه ۲۱۵ و ۲۱۶ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

خلقت می باشد و کفو و شبیه و نظیر ندارد مگر وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که ذیل هیجدهمین فضیلت از فضائل بی شمار آن علیا مخدّره در این کتاب شریف فاطمی راجع به آن توضیحات کاملی به عرض رسید).

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

اولین فرد ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» مثل آخرین فرد ما است،
و آخرین فرد ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» مثل اولین فرد ما است.^۱

حدیث هشتم:

وجود مقدس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

مَنْ زَارَ أَوْلَنَا فَقَدْ زَارَ آخِرَنَا،

و مَنْ زَارَ آخِرَنَا فَقَدْ زَارَ أَوْلَنَا، یعنی:

وجود مقدس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

هرکس اولین ما را «چهارده معصوم علیه السّلام را» زیارت کند آخرین ما را زیارت کرده است،

و هرکس آخرین ما را «چهارده معصوم علیهم السّلام را» زیارت کند اولین ما را زیارت کرده است.^۲

۱. امیرالمؤمنین علیه السّلام نَفْسِ نَفِيسِ خَاتِمَتِ، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۸۰ «مجلس نوزدهم». شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۱۱ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

جلد دهم، صفحه ۳۶۶ «ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۴ «ذیل عنوان: حکمت زیارت».

جلد دهم، صفحه ۳۶۶ «ذیل عنوان: فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ».

حدیث نهم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
 خداوند سبحان گروهی از ملائکه را مأمور فرموده تا فاطمه زهرا سلام الله
 علیها را از پیش رو و پشت سر و سمت راست و سمت چپ محافظت نمایند،
 و در زمان حیاتش با او باشند،
 و بعد از مرگ نیز وی را در قبر همراهی کنند،
 و بر او «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها» و بر پدر او و بر شوهر او و بر
 فرزندان او صلوات بفرستند.
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش
 خویش فرمودند:

فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَمَنْ زَارَ فَاطِمَةَ،

وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي،

وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ،

وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هرکس مرا بعد از وفاتم زیارت کند گویا فاطمه زهرا سلام الله علیها را
 زیارت نموده است،
 و هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را زیارت کند گویا مرا زیارت کرده
 است.

هرکس علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت کند گویا فاطمه زهرا سلام
 الله علیها را زیارت نموده است «در نتیجه مرا زیارت نموده است»،
 و هرکس حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند گویا علی بن ابیطالب
 علیه السلام را زیارت نموده است «در نتیجه فاطمه زهرا و مرا زیارت نموده است»،

و هرکس ذرّیه حسن و حسین علیهما السّلام را زیارت کند «هرکس دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام را زیارت کند» گویا حسن و حسین علیهما السّلام را زیارت نموده است «در واقع علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و مرا زیارت نموده است»^۱.

قابل ذکر است که:

ذیل شانزدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با علم آن علیا مخدّره می باشد در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السّلام و اشتراک آن ذوات مقدّسه در جمیع فضائل و کمالات توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.

توضیح:

طبق این احادیث نورانی و شریف و دهها حدیث دیگر که جهت رعایت اختصار از نقل آنها خودداری شد، وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

یک روح هستند در چهارده قالب و در چهارده صورت،

و یک نور هستند در چهارده قالب و چهارده صورت،

و یک طینت هستند در چهارده قالب و در چهارده صورت، یعنی:

روح چهارده معصوم علیهم السّلام روح واحد است،

نور چهارده معصوم علیهم السّلام نور واحد است،

و طینت چهارده معصوم علیهم السّلام طینت واحد می باشد، لذا:

علم و فضل آن ذوات مقدّسه یکی می باشد،

و این فرمایش نورانی امام صادق علیه السّلام به زید شحام می باشد که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقرّبان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۳۴ و ۳۵ «ذیل عنوان: حکمت زیارت».

كُنَّا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، یعنی:

همه ما «چهارده معصوم علیهم السَّلام» در پیشگاه خداوند متعال یکی هستیم «حدیث سوّم ذیل شانزدهمین فضیلت فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی».

ذیل این احادیث شریف «نُه حدیثی که ملاحظه فرمودید» در رابطه با نور واحد بودن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السَّلام توضیحاتی ارائه شده که به اختصار به آنها اشاره می‌شود تا موضوع کاملاً روشن شود و درایت و فهم احادیث شریف برای همگان میسر گردد و همگان از خواندن این احادیث شریف حظّ و بهره فراوان ببرند.

الف: در کتاب ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره» تألیف آیت الله جوادی آملی آمده که:

براساس ظاهر برخی احادیث و روایات، حضرات معصومین علیهم السَّلام «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السَّلام» در این عالم تعدّد وجودی دارند، و هرکدام از این ذوات مقدّسه به تناسب موقعیت و شرایط مکانی و زمانی خویش تکالیف ویژه‌ای دارند و صفات و کمالات گوناگونی از آن بزرگواران آشکار می‌شود،

لیکن در عالم آفرینش، روح و نور و سرشت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السَّلام یکی بوده است،

و با وجود فضیلت ظاهری یکی بر دیگری، این ذوات مقدّسه در مراتب وجود و کمالات معنوی و قُرب به خداوند متعال یکسان می‌باشند.

اینگونه احادیث «نُه حدیثی که در صفحات قبل ملاحظه فرمودید» بیانگر یگانگی حضرات معصومین علیهم السَّلام می‌باشد،

به نحوی که فضائل و کمالات وجودی هر یک از این ذوات مقدّسه از آن

دیگر ذوات مقدّسه نیز شمرده شده و هیچگونه اختلافی در میان این بزرگواران دیده نمی‌شود.

در احادیث فراوانی از آفرینش روح و نور و طینت «خلقت، سرشت» حضرات معصومین علیهم السّلام سخن به میان آمده، و بر یگانگی روح و نور آن ذوات مقدّسه تأکید شده است.

یگانگی روح و نور و طینت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نشان‌دهنده عظمت ذاتی و ظرفیت وجودی آن بزرگواران برای ظهور صفات جلال و جمال خداوند متعال است،

و به همین جهت این ذوات مقدّسه «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» آینه تمام‌نمای خداوند متعال می‌باشند و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات حق تعالی هستند،

و هرکدام از این ذوات مقدّسه نماد دیگری شمرده می‌شود.

مراد از یگانگی روح حضرات معصومین علیهم السّلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ» و سایر احادیث شریف، حقیقت واحدی است که سرآغاز حیات ملکوتی این ذوات مقدّسه در عالم شده است،

و مراد از یگانگی نور این ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» یگانگی روشنگری و علم و کمالات این بزرگواران می‌باشد.^۱

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:

در جای خود ثابت شده است که:

حضرات معصومین علیهم السّلام یک نور هستند در چهارده رواق،

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۸ تا ۳۰ «ذیل

عنوان: أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ».

جلد هفتم، صفحه ۴۰۳ «ذیل عنوان: وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ».

و فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام در زیارت شریف جامعه کبیره مبین و موید این موضوع می باشد که:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ،

طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ.^۱

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقربان آمده که:

همه حضرات معصومین علیهم السَّلام در فضائل از قبیل علم و کرم و شجاعت و سخاوت و حلم و... شریک و همسان می باشند،

گرچه یک فضیلت ویژه بر پایه ویژگی های زمانی هر کدام از معصومین علیهم السَّلام در وجودش برجسته تر از سایر معصومین علیهم السَّلام نمودار گردد.

خاستگاه علم و فضل وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام ذات اقدس اله است،

علم آن ذوات مقدسه لدنی است و برآمده از مخزن بی پایان علم خداوند متعال می باشد،

و سایر فضائل و کمالات آن ذوات مقدسه نیز از موهبت و تربیت ویژه الهی سرچشمه می گیرد.

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام از طینتی پاک آفریده شده اند «خَلَقَ شَدَّاهُنَّ»^۲

و علوم و فضائل آن ذوات مقدسه از یک منبع سرچشمه می گیرد، و به همین جهت آن بزرگواران در بارگاه الهی ولایت همسان دارند، هر چند شمارشان یکی نیست «هر چند تعدادشان یکی نیست»^۲.

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۳ «ذیل عنوان: حکمت زیارت».

۲. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۱۲ «ذیل عنوان: اَشْهَدُ اللهُ وَ اَشْهَدُكُمْ اَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ».

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:
زیارت هر کدام از حضرات معصومین علیهم السّلام در حقیقت زیارت همه
آن بزرگواران می باشد،

و از نظر فضیلت نیز یکسان هستند،

لیکن برخی عوارض خارجی از قبیل دوری راه، غربت، فشار و سختگیری
حاکمان جبّار و ستمگر و مسائلی از این قبیل باعث شده که به زیارت بعضی
از حضرات معصومین علیهم السّلام مانند امام حسین و امام رضا صلوات الله
و سلامه علیهما توصیه ویژه ای فرموده باشند و یا ثواب مخصوص ذکر نموده
باشند،

بنابراین:

بیان فضیلت زیارت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم
برای بیان فضیلت و ثواب زیارت ائمه معصومین علیهم السّلام و فاطمه زهرا
سلام الله علیها کفایت می کند.^۱

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:

حضرات معصومین علیهم السّلام یک نور هستند در چهارده رواق، و این
فرمایش امام هادی علیه السّلام است که «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ»^۲
در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:

حضرات معصومین علیهم السّلام یک نور هستند در چهارده چراغ.

در این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام در زیارت جامعه کبیره «وَ
مَصَابِيحِ الدُّجَى = چراغ های تاریکی»، مَصَابِيح جمع است و اشاره به تعدّد دارد،

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۵ «ذیل عنوان:
حکمت زیارت».

۲. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۳ «ذیل عنوان:
حکمت زیارت».

ليكن اين تعدد منافاتی با نور واحد بودن حضرات معصومين عليهم السلام ندارد،

وحدت از آن نور است نه چراغ، لذا:

حضرات معصومين عليهم السلام يك نور هستند در چهارده چراغ.

«مِصْبَاحٌ = چراغ، جمع مِصْبَاحٌ می شود مصابيح.^۱»

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقربان ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره «السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» تحت عنوان یک نور در چهارده رواق آمده که: وجود مقدس چهارده معصوم عليهم السلام در آن عالم نور و ملکوت که نشئه وحدت است به صورت یک نور و یک واقیعت بوده اند، لیکن در این نشئه «یعنی در دنیا» که نشئه کثرت است به صورت چهارده نفر بروز و ظهور کرده اند.^۲

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقربان ذیل این قسمت از زیارت شریف جامعه کبیره «و ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» تحت عنوان چهارده معصوم عليهم السلام آمده که:

حضرات معصومين عليهم السلام چهارده نفر می باشند،

و سیزده معصوم عليهم السلام «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم عليهم السلام» از نظر روحی با نخستین معصوم یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سنخیت کامل دارند، لذا:

آل محمد عليهم السلام کسی جز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۳۸۱ «ذیل عنوان: وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى».

۲. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۱۴۴ «ذیل عنوان: السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ».

و فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم علیهم السَّلام نیست!^۱
در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرِّبان آمده که:

چون اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم علیهم السَّلام که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشند» در مقام قدس و قُرب الهی نور واحد می‌باشند، لذا:

همگی بر مراحل میانی و نازل احاطه عینی و علمی دارند،
و احاطه علمی آنان به عنوان تحمّل شهادت «شاهد اعمال مردم بودن» در
مقام عمل، و ادای آن در مقام داوری معاد ظهور می‌کند «اهل بیت عصمت و
طهارت علیهم السَّلام نور واحد می‌باشند و بر اعمال همه مردم مطلع و آگاه
می‌باشند و روز قیامت شاهد و گواه بر اعمال مردم هستند»^۲.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرِّبان آمده که:
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،
أَعْدَائُنَا أَعْدَاءُ اللَّهِ،
وَأَوْلِيَانُنَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین «علیهم
السَّلام» حجّت‌های خداوند متعال بر خلق هستیم.
دشمنان ما دشمنان خدا هستند،

۱. ادب فنای مقرِّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۲۸۹ و ۲۹۰
«ذیل عنوان: صلی الله علیه و آله وَرَحْمَةُ اللهِ بَرَكَاتُهُ».

۲. ادب فنای مقرِّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد چهارم، صفحه ۳۲۰ «ذیل
عنوان: وَ شُهَدَاءُ عَلِيٍّ خَلْقِهِ».

و دوستان ما دوستان خدا می باشند^۱.

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السّلام حجّت تام و کامل خداوند متعال هستند،

و حجّت بودن این ذوات مقدّسه مربوط به تمام ادوار می باشد که از آن گستره خلقت به «اولی» و «آخری» یاد می شود،

و در این رابطه حدیث دیگری از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ ابْنَاتَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،
وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي،

مَنْ أَهْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خداوند متعال، علی بن ابیطالب و همسرش فاطمه زهرا و فرزندان را حجّت های خود بر خلق قرار داده است.

آنها ابواب علم «درهای علم و دانش» در امت من هستند،

هرکس به وسیله آنها هدایت شود به صراط مستقیم هدایت شده است.

این حدیث شریف را یکی از علمای معروف اهل سنت نیز در کتاب

۱. امالی صدوق، صفحه ۲۱۱، مجلس ۲۷، حدیث ۸.

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد دوم، باب نهم، فصل هشتم، صفحه ۴۲۴، حدیث ۲۸۸.

اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی، جلد سوم، باب نهم، فصل سی و پنجم، صفحه ۲۵، حدیث ۶۴۳.

ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۱۲۹ «ذیل عنوان: وَ حُجَجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى».

خویش نقل نموده است «حاکم حسکانی در کتاب شواهد التَّنزیل»^۱.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقربان آمده که:

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام اصول و ریشه‌های کرامت معرّفی شده‌اند «در زیارت شریف جامعه کبیره»،

و علّت اینکه ملائکه الهی به کرامت رسیدند و بندگان مُکرم خداوند متعال شدند این است که آنها افتخار شاگردی اهل بیت عصمت و طهارت را دارند، همانطور که ماسوی الله و از جمله انبیاء الهی شاگردان آن ذوات مقدّسه می‌باشند،

و بدین ترتیب مجموعه عالم امکان بر سر سفره کرامت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام نشسته‌اند.

بنابر آنچه که گفته شد،

کرامت، صفت هر چیز نیکویی است که مورد پسند و ستایش باشد، لذا:

به همه خصلت‌ها و صفات نیکو و پسندیده مکارم اخلاق گفته می‌شود،

و چون وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دارای اخلاق

بزرگ است «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ، آیه ۴ سوره قلم»،

و چون اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام یعنی فاطمه زهرا سلام

الله علیها و ائمه معصومین علیهم السَّلام با وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلّم نور واحد می‌باشند، لذا:

آل طاها و یاسین «یعنی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۱۲۹ و ۱۳۰

«ذیل عنوان: وَ حُجَّجَ اللهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى».

پیام قرآن، جلد نهم، امامت و ولایت در قرآن کریم، تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی، باب امامان دوازده گانه، صفحه ۴۱۰.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۳۶۷ «ذیل عنوان: أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ».

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله رحمانی همدانی، فصل ۲، صفحه ۳۹، حدیث ۱.

فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السَّلام» که صاحبان خُلُقِ عظیم هستند اصول مکارم به شمار می آیند^۱.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرَّبان آمده که:

در این بخش از زیارت نورانی جامعه کبیره «وَقَادَةَ الْأُمَّمِ»، اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به عنوان قائد و رهبرِ أُمَّةِهَا «أُمَّتِهَا» معرفی شده‌اند.

قیادت «رهبری» عام است و شامل هرگونه رهبری مادی و معنوی می‌شود، چنانکه أُمَّةٌ نیز عام است و أُمَّتِهای گوناگون را در بر می‌گیرد، بنابراین:

هر أُمَّتِی در هر زمان و مکانی از هر فیض مادی و معنوی که بهره‌مند شده‌اند از برکت وجودی اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بوده است، و سرّ این قضیه این است که:

این ذوات مقدّسه «اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام» مجاری هرگونه فیض تکوینی و تشریحی خداوند متعال هستند، و به واسطه این ذوات مقدّسه ارتباط بین عالم امکان و حق تعالی برقرار می‌شود، لذا:

ممکن نیست فیض مادی یا معنوی از جانب حق تعالی تنزّل پیدا کند و یکی از مخلوقات الهی از آن بهره‌بردار، و اهل بیت عصمت و طهارت واسطه آن نشده باشند،

بنابراین:

هرکس از هر أُمَّتِی در هر زمان و مکانی به هدایت رسیده از برکت هدایت و راهنمایی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السَّلام می‌باشد، چنانکه هرکس

۱. ادب فنای مقرَّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۲۰۲ تا ۲۰۵ «ذیل عنوان: وَ أَصُولُ الْكُرَمِ».

که گمراه شد دلیلش سرپیچی و نافرمانی از دستورات و راهنمایی‌های آن ذوات مقدّسه است.

ضمن اینکه انبیاء گذشته در بهره گرفتن از فیض الهی واسطه‌ای داشتند و آن واسطه اهل بیت عصمت و طهارت بودند، و اگر نور وجود آن ذوات مقدّسه وساطت نمی‌کرد انبیاء گذشته از وحی محروم می‌شدند «این جملات عیناً از کتاب ادب فنای مقرّبان می باشد، جلد اوّل، صفحه ۲۱۱».

با اخبار مستفیضه ثابت شده است که:

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام وسیله‌های ارتباط بین خلق و خداوند متعال هستند در افاضه هرگونه رحمت و کمالات از ناحیه حق تعالی، و هرچه توسّل و اذعان و اقرار به فضل و برتری آن ذوات مقدّسه بیشتر باشد جوشش فیض خداوند متعال بیشتر خواهد بود.

بدین ترتیب:

اگرچه اُمّت‌های گذشته به صورت ظاهر پیامبران خودشان را اطاعت یا عصیان «نافرمانی» می‌کردند و بر سبیل هدایت یا ضلالت قرار می‌گرفتند، لیکن: در واقع این اطاعت و نافرمانی یا هدایت و ضلالت به نور پاک چهارده معصوم علیهم السّلام باز می‌گشت،

و افزون بر این:

شعاع رهبری و زعامت آن ذوات مقدّسه از عالم بشریت فرا می‌رود و مجموعه نظام کیهانی با همه موجودات و مخلوقاتش را در بر می‌گیرد «این جملات عیناً از کتاب ادب فنای مقرّبان می باشد، جلد اوّل، صفحه ۲۱۲»^۱.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۲۰۹ تا ۲۱۲ «ذیل عنوان: وَ قَادَةَ الْأُمَّمِ».

رهبری و قیادت و وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مطلق است و همه امّت‌ها در همه اعصار را در بر می‌گیرد،

بنابراین:

رهبری آن ذوات مقدّسه نه تنها امّت‌های زمان خودشان، بلکه امّت‌های قبل و بعد را نیز شامل می‌شود.

قابل ذکر است که:

این چهارده نور پاک «نور چهارده معصوم علیهم السّلام» قبل از همه مخلوقات خلق شده‌اند،

چنانکه در حدیث شریف نبوی آمده که:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرمود نور من بود،

حتّی دیگران به برکت وجود آنها «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم

السّلام» لباس هستی به تن کرده‌اند.^۱

توضیح:

با این توضیحات، فرمایش امام صادق علیه السّلام درباره وجود مقدّس صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها تا حدّی برای ما روشن می‌شود که آن حضرت فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۲۲۰ و ۲۲۱ «ذیل عنوان: وَ قَادَةَ الْأُمَّمِ».

وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله عليها صدیقه کبری است «معصومه ای است که دارای مقام عصمت کبری است»،
و اُمتهای گذشته به معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده اند «قرون و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره دور زده است».
اوائل بحث به عرض رسید که:

مقصود از معرفت پیدا کردن و شناخت پیدا نمودن به فاطمه زهرا سلام الله عليها معرفت پیدا کردن به فضائل و کمالات آن بزرگوار است، و اینکه آن علیا مخدّره حُجَّةُ الله و وِلَیَّةُ الله است بر همه مخلوقات الهی، و دو حدیث شریفی که صفحات قبل به آن اشاره شد «و دهها حدیث دیگر که از نقل آن‌ها خودداری شد» صراحتاً این موضوع را بیان می‌فرمایند «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تَسَعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ».
«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ ابْنَاهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ».

در این بخش «بخش الف که ملاحظه فرمودید» توضیحاتی در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السّلام از کتاب ادب فنای مقرّبان به عرض رسید،

و انشاء الله تعالی در ادامه بحث و در بخش‌های بعد نیز در این رابطه توضیحاتی به عرض خواهد رسید.

ب: در کتاب حدیث لَوْلا فَاطِمَةُ تَأْلِيفِ آيَةِ اللَّهِ مُحَمَّدَ عَلِيٍّ گرامی در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السّلام موضوعی مطرح شده تحت عنوان عصمت چهارده معصوم علیهم السّلام که خلاصه‌ای از آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

عصمت چهارده معصوم علیهم السّلام:

اگر هدف از خلقت انسان، تکامل است و آن پیوستن به وجود برتر می‌باشد

که خداوند متعال است،

پس این هدف باید در برخی انسان‌ها تحقق یابد و گرنه نقض غرض لازم می‌آید،

و نقض غرض در افعال خداوند متعال مستلزم عجز یا جهل حضرت حق می‌باشد که محال است،

بنابراین:

این هدف در برخی انسان‌ها تحقق یافته است،

و آن انسان‌ها همان چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشند،

و بلکه فقط چهارده معصوم علیهم السّلام هستند که به این مقام رسیده‌اند.

تاریخ و احادیث فراوانی مبین این مطلب هست که تنها این چهارده وجود

مقدّس هستند که تاریخ زندگیشان بدون اشتباه است، و در همه لحظات عمر

مبارکشان عقل حاکم بوده است،

و به تعبیر قرآن کریم:

وَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ «آیه دوّم سوره قلم»، یعنی:

ای پیامبر:

تو به سبب رحمت و نعمت پروردگارت مجنون نیستی، یعنی:

همه زندگی و رفتارت سرتاسر عاقلانه است، یعنی:

این پیامبر اکرم است که همه رفتارش براساس این عقل استوار می‌باشد،

و عقل همان است که وسیله عبادت و کسب بهشت است «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ

الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»،

و چون اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یک نور هستند و

نور واحد می‌باشند،

و در احادیث شریف است که:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ تُورِكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، لذا:

همه اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینطور هستند، یعنی عقل محض می باشند،

لیکن بقیه مردم نوعاً در کارها اشتباه دارند،

حتی انبیاء قبل نیز «انبیاء قبل از پیامبر اکرم» به نوعی لغزش داشته اند منتهی نه لغزش به معنای گناه و نافرمانی از دستورات خداوند متعال،

بلکه لغزش به معنای خلاف مصلحت «ترک اولی»،

چنانکه حضرت موسی بن عمران عرض می کند:

رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی «آیه ۱۶ سوره قصص»،

و یا اینکه قرآن کریم درباره حضرت آدم می فرماید:

وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ «آیه ۱۲۱ سوره طه»،

و در روایت صعصعة بن صوحان لغزش انبیاء دیگر نیز ذکر شده است، لیکن:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به مقامی رسیده اند که در دعای معروف ماه رجب آمده که:

لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا اِلَّا اِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خُلُقُكَ، یعنی:

فرقی میان تو ای خداوند و میان پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام نیست جز اینکه آنها «یعنی چهارده معصوم علیهم السلام» بندگان تو و مخلوق تو هستند.

بنابراین:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به کمال مطلق و فنای در ذات حق که سر بقا می باشد رسیده اند و باقی به بقاء خداوند متعال می باشند،

لیکن این مقام را از عبودیت برای حق تعالی دارند، یعنی:
 وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که نور واحد می باشند
 ممکن الوجودی هستند که خداوند متعال آنها را بی نهایت قرار داده است.^۱
 ج: در کتاب شریف فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها تألیف علامه امینی
 در رابطه با نور واحد بودن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و اینکه
 ولایت این ذوات مقدّسه امانت خداوند متعال نزد مخلوقات الهی است و انبیاء
 الهی نگهدارنده این امانت و مُعرّف آن به اوصیاء خود و مخلصین از امت
 خودشان بوده اند آمده که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از خلقت بدن‌ها آفرید، و
 شریف‌ترین و برترین ارواح را ارواح محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین
 و نه امام معصوم از نسل حسین قرار داد «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام»،
 و سپس خداوند متعال به آسمان‌ها و زمین «یعنی به همه مخلوقات خویش»
 فرمود:

اینها «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام» اولیاء من و حجت‌های من بر
 مخلوقاتم می باشند،
 و ولایت اینها «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام» امانت من است نزد
 مخلوقاتم.

در ادامه حدیث شریف آمده که:

بعد از این جریان، انبیاء الهی نگهدارنده این امانت و مُعرّف آن بوده اند،
 و این امانت را به اوصیاء خویش و به مخلصین امت خویش نیز بیان
 می نمودند «پذیرفتن ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام و سفارش به اوصیاء

۱. حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت الله محمّدعلی گرامی، صفحه ۱۵ و ۱۶، ۲۶ تا ۲۹ «ذیل عنوان: مفاد و معنای حدیث لَوْلَا فَاطِمَةُ، و عصمت چهارده معصوم علیهم السّلام».

خویش و مخلصین اُمَّت خویش برای پذیرش ولایت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السَّلام»، و فرمایش امام صادق علیه السَّلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها که وَ عَلٰی مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولٰی نیز ناظر به این قضیه است که قرون و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان وَلِیَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ دور زده است.

در ادامه سخن علامه امینی ذیل این حدیث شریف «حدیثی که از وجود مقدس امام صادق علیه السَّلام نقل شد» آمده که:

طبق این حدیث شریف و دهها حدیث دیگر، وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها ولیّه انبیاء بوده است و بر آنها ولایت داشته است، همچنانکه وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و ائمه معصومین علیهم السَّلام ولیّ انبیاء بوده‌اند و بر آنها ولایت داشته‌اند، یعنی: همه انبیاء به خضوع و فروتنی در مقابل این چهارده وجود مقدس ایمان و اعتقاد داشته‌اند،

چنانکه در بعضی از احادیث شریف آمده که:

از جمله اعمال حضرت موسی و حضرت عیسی در زمان نبوت خویش ذکر صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السَّلام بوده است، و این خود نشان‌دهنده اعتراف حضرت موسی و حضرت عیسی به ولایت چهارده معصوم علیهم السَّلام می‌باشد،

و این موضوع نیز مضمون و مفاد احادیث شریفی است که از ائمه معصومین علیهم السَّلام سؤال شده که منظور از صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم السَّلام چیست «صلوات حضرت موسی و عیسی علیهما السَّلام و صلوات سایر انبیاء بر محمّد و آل محمّد علیهم السَّلام»؟

و ائمه معصومین علیهم السَّلام در پاسخ به این سؤالات می‌فرمودند:

ذکر صلوات بر محمد و آل محمد اعتراف به ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد^۱.

در صفحات قبل، همچنین ذیل دیگر فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف کراراً به عرض رسیده که:

منظور از آل محمد علیهم السلام و منظور از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم علیهم السلام می باشند که آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره آن ذوات مقدسه صادر شده و ذیل اولین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با عصمت آن علیا مخدّره می باشد در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

در قسمت دیگری از کتاب شریف علامه امینی درباره نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السلام آمده که:

طبق احادیث شریفی که از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده نور چهارده معصوم علیهم السلام نور واحد است، و علم موهوبی و خدادادی آن ذوات مقدسه نیز از همین نور سرچشمه می گیرد، نوری که طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد خداوند متعال مخزون و مکنون است،

و غیر از خداوند متعال هیچکس از کیفیت آن آگاه نیست،

و علم اولین و آخرین در آن نور منعکس می باشد^۲.

موهوب = هر چیز بخشیده شده، هر چیزی که بدون عوض به کسی بدهند،

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۱۳۳ تا ۱۳۹ «ذیل عنوان: آیه هفتم، آیه امانت، آیه ۷۲ سوره احزاب».

۲. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع یازدهم، صفحه ۲۶۱ تا ۲۶۸ «ذیل عنوان: خلقت چهارده معصوم علیهم السلام از نور واحد».

عطا شده.

موهوبی = خدا داده، خدادادی.

مَخزون = در خزانه نهاده شده.

مَكْنون = پنهان داشته شده، پوشیده شده، پنهان.

قابل ذکر است که:

ذیل شانزدهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی که در رابطه با علم آن علیا مخدّره می باشد در رابطه با خلقت نوری آن حضرت توضیحاتی ارائه شده است «حدیث اول و توضیحات ذیل حدیث شریف».

د: در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام در زیارت شریف جامعه کبیره «أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ طِينَتُكُمْ وَاحِدَةٌ» آمده که:

این فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام به وحدت روح و نور و طینت «سرشت، خلقت» وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام اشاره دارد، یعنی: وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از نظر روح و طینت باهم فرقی ندارند،

و در حقیقت این ذوات مقدسه یک روح هستند در چهارده قالب،
و یک طینت هستند در چهارده صورت!

ه: در کتاب حَبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره» تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السلام و اینکه آن ذوات مقدسه مَثَلِ اعلاّی خداوند متعال هستند آمده:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مَثَلِ اعلاّی خداوند متعال

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۴۰۹ «ذیل عنوان: وَ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتُكُمْ وَاحِدَةٌ».

می‌باشند،

و مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال هستند،
و بالاتر از آن ذوات مقدّسه مظهر و نمونه‌ای وجود ندارد که نشان‌دهنده
صفات کمال خداوند متعال باشد، یعنی:

در عالم امکان آن موجودی که بتواند خداوند متعال را از جهت وجودش
و صفات کمالش در حدّ تمام و کمال امکانی نشان بدهد تنها چهارده معصوم
علیهم السّلام است و بس.

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام آینه‌ای هستند که خورشید
جمال حق ابتدا در وجود آنها اشراق نموده «اشراق = پرتو افکندن، تابش، طلوع،
درخشیدن و روشن شدن»،

و سپس از طریق آن ذوات مقدّسه در وجود سایر موجودات انعکاس پیدا
نموده است.

قابل ذکر است که:

تمام موجودات عالم امکان اعم از انبیاء و دیگران «با حفظ تفاوت مراتب و
فضلشان» مثل‌های اعلاّی خداوند متعال هستند،

لیکن وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثل اعلی و مثل بلاواسطه
خداوند متعال می‌باشند،

و به عبارت دیگر:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثل برای خداوند متعال هستند،
و دیگران مثل برای آن ذوات مقدّسه.^۱

«مَثَلٌ = نمونه، نشانه، نمایانگر و روشن کننده».

همه موجودات در حدّ خودشان برای خداوند متعال مَثَل هستند، یعنی:

۱. حَبَل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله سیّد محمدضیاءآبادی، جلد اوّل، صفحه ۱۲۲ و ۱۲۳
«ذیل عنوان: وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى».

هر موجودی هر صفت کمالی که دارد با همان صفات کمالش در حدّ خودش آینه‌ای است که نمایانگر صفات خداوند متعال می‌باشد و مثلاً برای خداوند متعال است «هر چیزی نشانه‌ای از خدا است»، منتهی هر چه آن موجود کامل‌تر باشد «از نظر دارا بودن صفات کمال» مثل بودنش برای خداوند متعال عالی‌تر است،

لیکن در بین موجودات و مخلوقات الهی، وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مثلاً اعلاّی خداوند متعال می‌باشند^۱.

عالی = رفیع، بزرگ، خوب، شریف.

أعلی = رفیع‌تر، بزرگ‌تر، برتر، بالاتر، برگزیده‌تر، بهتر.

در قسمت دیگری از کتاب حَبْل مَتین در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السّلام آمده که:

هنگام خواندن زیارت جامعه کبیره تمام چهارده معصوم علیهم السّلام را که نور واحد هستند در نظر می‌گیریم و به آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

السّلامُ عَلَیْكُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ النَّبُوَّةِ.

این ذوات مقدّسه امین اسرار الهی هستند و سبب استواری دین می‌باشند، و اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها و شوهر بزرگوارش و فرزندان گرانقدرش نبودند دشمنان خونخوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ارکان دین اضطراب و ارتعاش می‌انداختند.^۲

در قسمت دیگری از کتاب حَبْل مَتین ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام در زیارت شریف جامعه کبیره «عِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ

۱. حَبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله سید محمد ضیاء‌آبادی، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲ «ذیل عنوان: وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى».

۲. حَبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله سید محمد ضیاء‌آبادی، جلد سوّم، صفحه ۲۹۰ و ۲۹۱ «ذیل عنوان: فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّكُمْ عَلَى سِرِّهِ».

و هَبَطْتُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ = فقط نزد شما است آنچه رسولان خدا آن را نازل کرده و فرشتگان الهی آن را فرود آورده‌اند» و در رابطه با نور واحد بودن چهارده معصوم علیهم السَّلام آمده که:

تمام آنچه که رسولان و پیامبران الهی از جانب خدا آورده‌اند و ملائکه الهی آن را فرود آورده‌اند تمام آنها نزد خاندان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تحقق دارد،

و تنها آن ذوات مقدَّسه «یعنی وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام» احاطه علمی به آن حقایق دارند،

و این انحصار را ما از مقدَّم شدن عِنْدَكُمْ می فهمیم.
حدیث شریف نبوی است که وجود مقدَّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

قبل از آنکه حضرت آدم خلق شود و پیدایش نسل بشر آغاز گردد،
من در عالم انوار و ارواح، نبی بودم «پیامبر بودم»، و از تمام حقایق عالم آگاه بودم.

با توجَّه به اینکه وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام همگی یک نور هستند، لذا:

آن ذوات مقدَّسه جملگی احاطه علمی دارند به تمام آنچه که انبیاء و ملائکه الهی از جانب خداوند متعال فرود آورده‌اند!

خلاصه کلام و نتیجه گیری از مباحث مطروحه:

بحث ما در رابطه با معرفت و شناخت وجود مقدَّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بود،

و ارائه توضیحاتی پیرامون فرمایش امام صادق علیه السَّلام که درباره فاطمه

۱. حَبْل مَتِين «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد سوّم، صفحه ۱۰۹ و ۱۱۰
«ذیل عنوان: عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ».

زهرا سلام الله علیها فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، یعنی:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها صدیقه کبری است «فاطمه زهرا سلام الله علیها معصومه است و دارای مقام عصمت کبری است»، و اتمهای گذشته به معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده‌اند «قرون و اعصار گذشته بر معرفت و شناخت آن علیا مخدّره دور زده است».

در توضیحات ذیل این حدیث شریف و جهت تبیین اهمیّت معرفت و شناخت مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها توضیحاتی ارائه شد که خلاصه و چکیده‌ای از آن را ملاحظه می‌فرمایید تا اهمیّت قضیه هرچه بیشتر روشن شود.

۱- ذیل یازدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ اللَّهِ است،

و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه‌اش حجت خداوند متعال بر مخلوقات الهی است.

در صفحات قبل نیز دو حدیث شریف از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد که آن حضرت فرمودند:

الف: أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ!

ب: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ ابْنَائَهُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ^۲.

۲- ذیل دوازدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

۱. ادب فنای مقرّبان، جلد دوم، صفحه ۱۲۹.

۲. ادب فنای مقرّبان، جلد دوم، صفحه ۱۲۹ و ۱۳۰.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها وِلیَّةُ الله است و دارای مقام ولایت کلیّه است،

و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش بر تمام مخلوقات الهی ولایت دارد.

هنگام زیارت فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن حضرت عرض می کنیم:
 اَتَى اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِوَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ الْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، یعنی:

من تقرب می جویم به سوی خداوند سبحان به سبب پذیرفتن ولایت شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، و بیزارم از دشمنان شما از جنّ و انس!

۳- ذیل چهاردهمین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی به عرض رسید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها حُجَّةُ الله و وِلیَّةُ الله است، و مانند پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش واجب الاطاعه است،

و خداوند متعال اطاعت از آن علیا مخدّره را بر تمام مخلوقات واجب فرموده است.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره واجب الاطاعه بودن وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَ الْبِهَائِمِ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَلَائِكَةِ، یعنی:

به قطع و یقین اطاعت از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر همه

مخلوقات خداوند متعال از جنّ و انس «اجنّه و انسان‌ها»، پرندگان و چهارپایان و انبیاء و ملائکه واجب می‌باشد «خداوند متعال اطاعت از وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها را بر تمام مخلوقات خویش اعم از انبیاء و ملائکه و جنّ و انس واجب فرموده است»^۱.

۴- وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نور واحد می‌باشند، یعنی: وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام یک نور و یک روح هستند در چهارده رواق و چهارده چراغ،

و آینه تمام نمای خداوند متعال هستند،

و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات الهی می‌باشند.

مراد از یگانگی روح چهارده معصوم علیهم السّلام، حقیقت واحدی است که سرآغاز حیات ملکوتی این ذوات مقدّسه در عالم شده است، و مراد از یگانگی نور چهارده معصوم علیهم السّلام یگانگی روشنگری و علم و کمالات این بزرگواران می‌باشد^۲.

۵- قیادت و رهبری وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نه تنها

۱. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی:

فصل ششم، صفحه ۱۷۲، خصیصه بیست و یکم.

فصل هفتم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۳، حدیث اوّل.

فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۰.

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد دوّم، بخش سوّم، صفحه ۴۱۷، حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۲، حدیث ۸.

۲. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد اوّل، صفحه ۳۳ و ۳۵، ۲۰۲ تا ۲۱۲، ۲۲۰ و ۲۲۱، ۳۸۱.

جلد دوّم، صفحه ۱۴۴ و ۲۸۹ «ذیل عنوان: مَحَالٌ مَعْرِفَةُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ».

جلد چهارم، صفحه ۳۲۰ «ذیل عنوان: وَ شُهَدَاءَ عَلَيَّ خَلَقَهُ».

جلد هفتم، صفحه ۲۰۵ و ۴۰۳ «ذیل عنوان: مَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْضُوءَةُ».

جلد نهم، صفحه ۲۸ تا ۳۱، ۲۱۲ «ذیل عنوان: أَنْ أَرْوَاكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيَّبْتُكُمْ وَاحِدَةً».

امّت‌های زمان خودشان بلکه امّت‌های قبل را نیز شامل می‌شود.^۱

۶- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وَلَا يَتُّنَّا وَلَا يَتُّنَا اللَّهَ،

الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، يَعْنِي:

ولایت ما «ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام» ولایت خداوند متعال است، و خداوند متعال هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نفرمود مگر به خاطر پذیرش ولایت ما.

این حدیث را محمّد بن عبدالرحمن از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۷- وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا وَ تَفْضِيلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، يَعْنِي:

هیچ پیامبری مبعوث به رسالت نشد مگر به خاطر معرفت نسبت به ما و شناختن حق ما «چهارده معصوم علیهم السّلام»،
و اعتراف و اقرار به برتری ما بر دیگران «اعتراف و اقرار به برتری ما بر تمام مخلوقات».

این حدیث را عبدالاعلی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۲۲۰ تا ۲۲۳ «ذیل عنوان: وَ قَادَةَ الْأُمَّم».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۳ «حدیث ۱۱۷۴» «باب: روایات برگزیده و کلی راجع به ولایت». بصائر الدّرجات، جلد اول، جزء دوم، باب نهم، صفحه ۳۰۲، حدیث ۹ «حدیث ۳۱۵». شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۶ «ذیل عنوان: قَبَلَعَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

۳. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۲۰، حدیث ۴ «حدیث ۱۱۷۵» «باب: روایات برگزیده و کلی راجع به ولایت». شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۶ «ذیل عنوان: قَبَلَعَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۰ «ذیل عنوان: قَبَلَعَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

حدیث لَوْ لَا فَاطِمَةُ، تألیف آیت‌الله محمدعلی گرامی، صفحه ۱۰۲.

۸- وجود مقدس امام صادق عليه السلام فرمودند:

مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِيٍّ،

وَلَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوِلَايَتِنَا وَبِفَضْلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا، يَعْنِي:

هیچ پیامبری به مقام پیامبری نرسید،

و هیچ رسولی مبعوث به رسالت نشد،

مگر با اقرار به ولایت ما «چهارده معصوم علیهم السلام»،

و برتری ما بر دیگران «بر همه مخلوقات».

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۹- وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوَّةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَطْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلاِئْتِي وَلاِئْتِي أَهْلَ بَيْتِي،
وَمُثَلُّوْا لَهُ،

فَاقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَلاِئْتِهِمْ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نبوت هیچ پیامبری در عالم اظله تکمیل نشد «نبوت هیچ پیامبری در عالم

ارواح کامل نشد»،

مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت من «یعنی ولایت فاطمه زهرا سلام

الله علیها و ولایت دوازده امام معصوم علیهم السلام» بر آن پیامبر عرضه شد،

و تمثال اهل بیت من «تمثال فاطمه زهرا سلام الله علیها و تمثال دوازده امام

معصوم علیهم السلام» بر آن پیامبر مجسم شد،

پس آن پیامبر به ولایت اهل بیت من و اطاعت اهل بیت من اقرار نمود

۱. بصائر الدرجات، جلد اول، جزء دوم، باب نهم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۲ «حدیث ۳۰۸».

بصائر الدرجات، جلد اول، جزء دوم، باب نهم، صفحه ۳۰۰، حدیث ۵ «حدیث ۳۱۱».

ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۷۱ «ذیل عنوان: فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

«یعنی نبوت پیامبران الهی پس از پذیرفتن ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ولایت دوازده امام معصوم و پس از اطاعت از آن ذوات مقدسه تکمیل شد و کامل گردید».

این حدیث شریف را حدیفه از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است!

«تمثال = تصویر، پیکره، مانند، نظیر، شبیه».

۱۰- وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

من نماز کسی را قبول نمی کنم مگر اینکه:

عَرَفَ حَقَّ أَوْلِيَائِي وَ أَحِبَّائِي، یعنی:

خداوند متعال به موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

من نماز کسی را قبول نمی کنم مگر اینکه:

آن کس حق اولیاء و احبّاء مرا بشناسد.

موسی بن عمران به خداوند متعال عرض کرد:

منظور از اولیاء و احبّاء تو کیست؟

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

آن شخص، محمد است «صلی الله علیه و آله و سلم» که من نام او را از نام

خودم مشتق نموده ام،

من محمود هستم،

و او محمد است «صلی الله علیه و آله و سلم».

موسی بن عمران به خداوند متعال عرض کرد:

۱. بصائر الدرّجات، جلد اول، جزء دوم، باب هشتم، صفحه ۲۹۶، حدیث ۷ «حدیث ۳۰۴».

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۳۶ «ذیل عنوان: فَبَلِّغِ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

خداوندا:

مرا از امت حضرت محمد قرار بده.

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

یا مُوسى:

أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ،

إِذَا عَرِفْتَ مَنَزِلَتَهُ وَ مَنَزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، یعنی:

خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمد و مقام و منزلت اهل بیت حضرت محمد را بشناسی در زمره امت محمد هستی «اگر مقام و منزلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مقام و منزلت اهل بیت آن حضرت یعنی مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها و مقام و منزلت دوازده امام معصوم علیهم السلام را بشناسی در زمره امت حضرت محمد خواهی بود»^۱.

توضیح:

الف: در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله محمدتقی نقوی ذیل این حدیث شریف آمده که:

از این حدیث شریف و دهها حدیث شریف دیگر معلوم می شود که: اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و دوازده امام معصوم علیهم السلام در ادوار گذشته، اولیاء و حجج خداوند متعال بر مخلوقات و بر انبیاء الهی بوده‌اند «حجّت خداوند

۱. کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السننیه شیخ حرّ عاملی»، باب هفتم، صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۳، حدیث ۴۸، ۸۸. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۴۰۵ و ۴۰۶ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

متعال بر تمام مخلوقات از جمله انبیاء الهی»^۱.

یعنی:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها ولیة الله و حُجَّة الله است «همچنانکه پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام ولیّ الله و حُجَّة الله می باشند»، لذا: بر تمام مخلوقات الهی و از جمله بر انبیاء الهی ولایت دارد، و حُجّت خداوند متعال بر آنها می باشد، و عَلٰی مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولٰی یعنی همین، یعنی: امّت‌های گذشته بر معرفت و شناخت آن حضرت باقی بوده‌اند. انشاءالله تعالی در خاتمه بحث نیز در رابطه با معنی و مفهوم معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها و چهارده معصوم علیهم السّلام توضیح مختصری به عرض خواهد رسید، و بیان خواهد شد که مقصود از معرفت و شناخت آن علیا مخدّره چه می باشد.

ب: در قسمت شماره ۱۰ «بند دهم» ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال به حضرت موسی فرمود:

ای موسی:

اگر تو مقام و منزلت حضرت محمّد و مقام و منزلت اهل بیت حضرت محمّد یعنی مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السّلام را بشناسی «به مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم علیهم السّلام از نسل و ذریّه‌اش معرفت حاصل نمایی»،

در این صورت در زمره امّت حضرت محمّد «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۶ و ۴۰۷ «ذیل عنوان: أَشْهَدُ أَنْ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى».

خواهی بود.

اینجا فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام تا حدودی برای ما روشن می شود که آن حضرت درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

ج: همه انبیاء الهی به مقام و منزلت وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها معرفت داشتند،

و آن علیا مخدّره را وَلِیَّةُ الله و حُجَّةُ الله می دانستند،

و ولایت آن حضرت را پذیرفته بودند و آن علیا مخدّره را واجب اطاعه می دانستند،

و حدیث شریفی که از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده «حدیث شماره ۹» موید این مطلب است که آن حضرت فرمودند:

مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ،

حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَ وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي،

وَ مُثِّلُوا لَهُ،

فَاقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَايَتِهِمْ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نبوّت هیچ پیامبری در عالم اظله تکمیل نشد «نبوّت هیچ پیامبری در عالم

ارواح کامل نشد»،

مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت من «یعنی ولایت فاطمه زهرا سلام

الله علیها و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» بر آن پیامبر عرضه شد،

و تمثال اهل بیت من «یعنی تمثال فاطمه زهرا سلام الله علیها و تمثال ائمه

معصومین علیهم السلام» بر آن پیامبر مجسم شد،

و آن پیامبر نیز به ولایت اهل بیت من «یعنی به ولایت فاطمه زهرا سلام الله

علیها و ولایت ائمه معصومین علیهم السَّلام» و اطاعت از اهل بیت من اقرار نمود و آن را پذیرفت!.

در کتاب ادب فنای مقربان و حَبْل مَتین و ترجمه شمس الطَّالعه آمده که: این مقام دست نیافتنی پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سلم و فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السَّلام «یعنی وجود مقدَّس چهارده معصوم علیهم السَّلام» بدین جهت است که:

این ذوات مقدَّسه حلقه نخست دریافت فیض خداوند متعال هستند، و همه کمالات و فیوضات به واسطه آن بزرگواران از سوی خداوند متعال به سایر مخلوقات می رسد،

و حتّی پیامبران و انبیاء الهی نیز از مجرای ولایت این ذوات مقدَّسه به مقام نبوّت بار می یابند، زیرا:

ولایت این بزرگواران جلوه کامل ولایت خداوند متعال است، و اقرار به ولایت این ذوات مقدَّسه اساس برگزیدگی انبیاء الهی به مقام نبوّت می باشد،

و این فرمایش امام صادق علیه السَّلام است که:

وَلَايَتُنَا وَوَلَايَةُ اللَّهِ،

الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا، یعنی:

ولایت ما ولایت خداوند متعال است،

و خداوند متعال هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نفرمود مگر به خاطر پذیرش ولایت ما.

این فرمایش نورانی امام صادق علیه السَّلام بیانگر شدت همگونی و یگانگی

۱. بصائر الدَّرجات، جلد اوّل، جزء دوّم، باب هشتم، صفحه ۲۹۶، حدیث ۷ «حدیث ۳۰۴». شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۳۶ «ذیل عنوان: قَبَلَعَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ».

این دو ولایت و جدایی ناپذیری هر یک از دیگری است^۱.

و به همین جهت است که:

قیادت و رهبری وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام نه تنها امت های زمان خودشان بلکه امت های قبل «امت های انبیاء گذشته» را نیز شامل می شود^۲. خلاصه و نتیجه همه مباحث مطروحه در صفحات قبل در رابطه با اهمیت معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها که تحت عنوان فضیلت سی ام آن علیا مخدّره در این کتاب شریف فاطمی آن را ملاحظه فرمودید این می شود که مقام و منزلت وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به عنوان وَلیّة الله و حُجّة الله به قدری رفیع است که وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره آن علیا مخدّره فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

«مَعْرِفَت = شناختن، دانستن، ادراک، شناخت، علم، آگاهی، آشنایی».

در کتاب حَبْلِ مَتِينِ ذیل این حدیث شریف آمده که:

این حدیث شریف مبین این مطلب است که:

هویت آسمانی انبیاء پیشین بر محور شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها و

اذعان به فضیلت آن علیا مخدّره مستقر گشته است،

بنابراین:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۱۶۰ و ۱۶۱ «بخش د»، بیشتازان وادی قرب «وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتِينِ»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد دوم، صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ «ذیل عنوان: وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطالعه»، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۴۷۵ و ۴۷۶ «ذیل عنوان: وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِه طَامِعٌ».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اول، صفحه ۲۲۰ تا ۲۲۳ «ذیل عنوان: وَ قَادَةَ الْأُمَمِ».

صاحب اصلی تمام فضائل و کمالات آسمانی انبیاء الهی، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشند که از آن ذوات مقدسه نشأت گرفته و به آنها باز می گردد،

همانگونه که تمام حقایق هستی از خداوند متعال نشأت گرفته و به خداوند متعال باز می گردد.^۱

و به عبارت دیگر:

پیامبران گذشته و امت های آنها بر محور معرفت نور خدا یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها می چرخیده اند.^۲

در کتاب جُنَّة العاصمه ذیل این حدیث شریف «هِیَ صِدِّیقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونِ الْأُولَى» آمده که:

معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها بر تمام حاملین عرش و همه ملائکه آسمان های هفتگانه و تمام خلق اولین و آخرین و تمام انبیاء و مرسلین واجب است،

و همه قرون و اعصار گذشته بر معرفت آن علیا مخدّره دور زده است، بنابراین:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها بطور قطع و یقین وَلیَّة الله است و دارای ولایت مطلقه می باشد،

و با پدر بزرگوارش و با شوهر گرانقدرش هم دوش و همراه است.^۳

در قسمت دیگری از کتاب شریف جُنَّة العاصمه در رابطه با اهمیّت معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها آمده که:

۱. حَبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۱۷۹ و ۱۸۰ «ذیل عنوان: وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِیَاءِ».

۲. حَبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله سید محمد ضیاء آبادی، جلد اول، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳ «ذیل عنوان: حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى».

۳. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سید محمد حسن میرجهانی، فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۳۰ «ذیل عنوان: ولایت کلیه فاطمه زهرا سلام الله علیها».

تمام انبیاء و مرسلین و همه ملائکه الهی مأمور به معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها بودند،

همچنین مأمور به پذیرش ولایت آن علیا مخدّره و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش بوده اند.^۱

در کتاب خصائص فاطمیّه ذیل این حدیث شریف «هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» آمده که:

از این حدیث شریف استفاده می شود که:

تمام انبیاء و مرسلین امت های خودشان را امر به معرفت و شناسایی فاطمه زهرا سلام الله علیها می نمودند،

و امت خویش را مکلف می نمودند تا نسبت به مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها معرفت و شناخت پیدا کنند، یعنی:

قبول شدن اعمال و تکالیف شرعی هر امت منوط به معرفت و شناخت صدّیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، لذا:

اگر اهل عصر و زمانی به حقیقت عصمت فاطمه زهرا سلام الله علیها اعتقاد و معرفت نداشته باشد با اداء تمام امور واجبه عملشان غیرمقبول و بلکه هباء منثور می شود «محو و نابود می شود»،

و به عبارت دیگر:

سعادت و شقاوت اهل هر عصر و زمانی بستگی به توالی و تبرّای نسبت به فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد، لذا:

ولایت آن علیا مخدّره مناط و مدار دین انبیاء الهی بوده است.^۲

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیّد محمّدحسن میرجهانی، فصل ششم، صفحه ۱۶۶، «ذیل عنوان: خصیصه های فاطمه زهرا سلام الله علیها».

۲. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله کجوری مازندرانی، صفحه ۱۱۳ تا ۱۱۷، خصیصه چهاردهم از بیست خصیصه «ذیل عنوان: صدّیقه کبری از القاب فاطمه زهرا سلام الله علیها».

موید مطالبی که عرض شد حدیث شریف است که از ناحیه وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل شده که آن حضرت در رابطه با واجب اطاعه بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَقْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ، یعنی:
وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

به قطع و یقین اطاعت از وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها بر همه مخلوقات الهی از جنّ و انس «اجنّه و انسانها»، پرندگان و چهارپایان و انبیاء و ملائکه واجب می باشد «خداوند متعال اطاعت از فاطمه زهرا سلام الله علیها را بر همه انبیاء و ملائکه و اجنّه و انسانها و پرندگان و چهارپایان و بر همه مخلوقات خویش واجب فرموده است»^۱.

توضیح:

احادیث فراوانی از ناحیه حضرات معصومین علیهم السلام در رابطه با اهمیت معرفت پیدا کردن به مقامات و کمالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که به بخش کوچکی از آن که در رابطه با وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها بود به اختصار اشاره شد.

در رابطه با اهمیت معرفت و شناخت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی،

فصل ششم، صفحه ۱۷۲، خصیصه بیست و یکم.

فصل هفتم، صفحه ۱۹۱ و ۱۹۳، حدیث اول.

فصل دوازدهم، صفحه ۳۲۰ «ذیل عنوان: ولایت کلیه فاطمه زهرا سلام الله علیها».

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام، تألیف آیت الله سید احمد مستنبت، جلد دوم، بخش سوم، صفحه

۴۱۷، حدیث ۱۲/۹۰۱.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل هفتم، صفحه ۱۲۲، حدیث ۸.

السَّلام به یک حدیث دیگر نیز اشاره می‌شود تا اهمیت موضوع هر چه بیشتر روشن گردد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام فرمودند:

مَعْرِفَتِي بِالتُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

و مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالتُّورَانِيَّةِ، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام فرمودند:

معرفت من «شناختن من» اگر با واقعیت و نورانیت همراه باشد همان معرفت

خداوند سبحان است،

و معرفت خداوند سبحان «شناختن خداوند سبحان» معرفت همراه با واقعیت

و نورانیت من است.^۱

در کتاب ادب فنای مقربان ذیل این حدیث شریف آمده که:

در احادیث فراوانی که از ناحیه حضرات معصومین علیهم السَّلام صادر شده

معرفه الله به معرفت امام واجب الاطاعه تفسیر شده است، لذا:

معرفت الله در معرفت ائمه معصومین علیهم السَّلام ظهور خواهد نمود،

و طبق فرمایش نورانی امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام «مَعْرِفَتِي

بِالتُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، و مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالتُّورَانِيَّةِ».

معرفه الله ظهور تام در معرفت امام دارد «شناخت خداوند متعال ظهور تام

در شناخت ائمه معصومین علیهم السَّلام دارد»،

و معرفت امام، آیت کامل معرفه الله است «شناختن امام نشانه کامل شناخت

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۱۴۳ «ذیل

عنوان: السَّلامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ».

جلد نهم، صفحه ۲۷۴ «ذیل عنوان: مَطِيحٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطالعه»، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی،

صفحه ۱۸۸ «ذیل عنوان: وَ اَبْوَابِ الْاِيْمَانِ».

صفحه ۴۹۸ «ذیل عنوان: عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

خداوند متعال است»،

و این دو معرفت دو چیز بیگانه از هم نیستند بلکه در ارتباط کامل با یکدیگر می‌باشند،

و نکته اساسی این است که:

شناخت ذی‌الایه «یعنی خداوند متعال» از راه شناخت آیت او «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام» حاصل می‌شود^۱.

در صفحات قبل ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نور واحد و روح واحد و طینت واحد می‌باشند،

و این موضوع فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام در زیارت شریف جامعه کبیره است که:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، لَذَا:

معرفت پیدا کردن و شناخت پیدا نمودن به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام معرفت به خداوند متعال است،

و معرفت پیدا کردن به خداوند متعال معرفت پیدا نمودن به وجود چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد،

و اساساً این دو معرفت دو چیز بیگانه از هم نمی‌باشند.

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام در زیارت شریف جامعه کبیره «السّلامُ علی محالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» آمده که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام محال مَعْرِفَةِ اللَّهِ هستند، یعنی:

معرفت خداوند متعال «شناختن خداوند متعال» جز با معرفت چهارده

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی، جلد دوّم، صفحه ۱۴۲ و ۱۴۳ «ذیل عنوان: السّلامُ علی محالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ».

معصوم علیهم السَّلام حاصل نمى شود،

و معرفت نهایت مرتبه ادراک است^۱.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السَّلام فرمودند:

مَعْرِفَتِي بِالنُّورِ اِنِّيَّةٌ مَعْرِفَةُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ،

وَ مَعْرِفَةُ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورِ اِنِّيَّةٌ،

همچنین ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السَّلام درباره وجود مبارک فاطمه زهرا سلام

الله علیها فرمودند:

هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْاُولَى.

مقصود از معرفت پیدا کردن نسبت به مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علیّ بن

ایطالب علیه السَّلام،

و مقصود از معرفت پیدا کردن نسبت به وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله

علیها،

و در یک کلام مقصود از معرفت پیدا کردن به وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السَّلام چیست و معنی آن چه می باشد؟

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی ذیل

این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السَّلام در زیارت شریف جامعه

کبیره «أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ» آمده که:

در این قسمت از زیارت شریف جامعه کبیره از خداوند متعال درخواست

می کنیم که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطّالعه»، تألیف علامه سیّدحسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۳۶

۲۳۷ ذیل عنوان: السَّلامُ عَلَيَّ مَحَالٌ مَعْرِفَةُ اللهِ.»

خداوندا:

ما را عارف به اهل بیت و حق آنان قرار بده «عارف به مقامات و کمالات چهارده معصوم علیهم السلام و حقوق آن ذوات مقدسه».
معرفت و شناخت بر دو قسم است:

قسم اول:

معرفت و شناخت این ذوات مقدسه «چهارده معصوم علیهم السلام» از نظر ظاهر، مثل:

علم، زهد، تقوی، حَسَب و نَسَب، و اینکه:

پدر هر کدام از این ذوات مقدسه چه نام دارد،

مادر هر کدام از این ذوات مقدسه چه نام دارد و مسائلی از این قبیل، که معرفت به آنها سهل و آسان است و نوع مردم این ذوات مقدسه را از این جهات می شناسند و به آن معرفت دارند.

قسم دوم:

معرفت براساس ولایت است،

و اینکه آن ذوات مقدسه وَلِيُّ اللَّهِ و حُجَّةُ اللَّهِ می باشند «أَوْلِيَاءُ اللَّهِ و حُجَجُ اللَّهِ»،

لذا:

امر آن ذوات مقدسه امر خداوند متعال است،

و نهی آن ذوات مقدسه نهی خداوند متعال می باشد،

اطاعت از آن ذوات مقدسه اطاعت از خداوند متعال است،

و نافرمانی از دستورات آن ذوات مقدسه نافرمانی از دستورات خداوند

متعال می باشد،

و اینکه:

خداوند متعال عمل هیچ بنده‌ای را بدون پذیرش ولایت آن ذوات مقدسه نمی‌پذیرد و قبول نمی‌کند!

در کتاب حَبْلِ مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره» تألیف آیت‌الله سید محمد ضیاء‌آبادی ذیل این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السلام «فَاذِ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ» آمده که:

ولایت به معنای واقعی تن به امامت دادن حضرات معصومین علیهم السلام و پذیرفتن امامت آنها است، و در نتیجه اطاعت محض و بی‌قید و شرط از آن ذوات مقدسه،

نه فقط دوست داشتن آن بزرگواران،

و این حدیث شریف در حدّ تواتر از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِثْلَةَ جَاهِلِيَّةٍ، یعنی:

هرکس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته است،

چنین شخصی به مرگ جاهلی از دنیا رفته است، یعنی:

مرگ در حال کفر و نفاق.

بسیار روشن است که مقصود از معرفت و شناخت امام و حجت خدا که ملاک نجات و سعادت در آخرت می‌باشد شناختن و معرفت شناسنامه‌ای نیست که اسم آن حضرت و اسم پدر و مادرش را بدانیم و از تاریخ زندگانی او باخبر باشیم، زیرا:

اینگونه معرفت و شناخت را دشمنان چهارده معصوم علیهم السلام نیز داشتند،

بنابراین:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۶۱۱ و ۶۱۲ «ذیل عنوان: أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ».

معرفت و شناخت حضرات معصومین علیهم السّلام یعنی پذیرش ولایت و امامت آن بزرگواران و اطاعت محض و بی قید و شرط از دستورات آن ذوات مقدّسه،

و ما براساس دلایل متقن اعتقاد به این داریم که:

اگر ولایت نباشد نبوّت نیست،

و اگر نبوّت نباشد اعتقاد به ربوبیّت و توحید هم تحقّق نیافته است، زیرا:

سلسله معارف مانند حلقه‌های زنجیر به هم متّصل می‌باشند،

که اگر یک حلقه گسیخته شود بقیه هم به دنبال هم از دست می‌روند.

کسی که امامت امام زمان صلوات الله و سلامه علیه را منکر شود امامت همه

ائمه معصومین علیهم السّلام را منکر شده است،

و کسی که امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را منکر شود نبوّت و رسالت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را منکر شده،

و در نتیجه ربوبیّت و الوهیّت الله جلّ جلاله را منکر شده است.^۱

در کتاب خصائص فاطمیّه در رابطه با معرفت و مقصود و مراد از معرفت

حضرات معصومین علیهم السّلام و معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها آمده که:

معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها دو قسم است:

قسم اوّل:

معرفت و شناخت اسم و حَسَب و نَسَب و احوالات آن علیا مخدّره است، و

این قسم از معرفت فاطمه زهرا سلام الله علیها از حدیث شریف نبوی معلوم

است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست فاطمه زهرا

سلام الله علیها را گرفت و فرمود:

۱. حَبْلُ مَتِين «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله سیّد محمّدضیاءآبادی، جلد سوّم، صفحه ۱۵۰ و ۱۵۷
«ذیل عنوان: فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ».

مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا،
وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ،
هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي،

وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ،
فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهُ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست گرفت و فرمود:
هرکس این دختر را می شناسد که می شناسند،
و هرکس که او را نمی شناسد بداند که او دختر محمد است «صلی الله علیه و آله و سلم»،

او «فاطمه زهرا سلام الله علیها» پاره ای از وجود من است،
او قلب و روح من است،

پس هرکس او را بیازارد مرا آزرده است،
و هرکس مرا بیازارد خدا را آزرده است.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این معرفی خواسته
اتحاد خودش با فاطمه زهرا سلام الله علیها را که دلالت بر کمال فضل و شرف
آن علیا مخدّره دارد به مردم بفهماند، یعنی:
ای مردم:

فاطمه را اینگونه بشناسید،

و او را چون روحی در قالب و قلب من بدانید.

قسم دوم:

معرفت به حقیقت و کُنه مقامات و کمالات و فضائل آن علیا مخدّره است که
البته این قسم از معرفت غیر از حضرات معصومین علیهم السلام برای احدی

حاصل نمی شود،

و این حدیث معروف «هِیَ صِدِّیقَةُ الْکُبْرَى، وَ عَلَیْ مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» همان معرفت اجمالیّه است.

پس:

هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را دوست می دارد باید آن حضرت را بشناسد «نسبت به آن حضرت معرفت پیدا کند»،

و چون معرفت به حقیقت و کُنه مقامات آن علیا منخدره محال است، لذا: هرکس به اندازه توان و تکلیف خویش باید آن بزرگوار را بشناسد، و این حد از معرفت و شناخت بر هرکس فرض «واجب» و لازم است^۱.

در علو مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها و پدر بزرگوارش و شوهر گرانقدرش و یازده امام معصوم از نسل و ذریّه اش «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» همین بس که:

در زیارت شریف جامعه که بعضاً از آن زیارت به نام زیارت جامعه صغیره نیز یاد می شود هنگام زیارت حضرات معصومین علیهم السّلام به آن بزرگواران عرض می کنیم:

مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ،

وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، یعنی:

هرکس به آنها «چهارده معصوم علیهم السّلام» معرفت پیدا کند به خداوند متعال معرفت پیدا کرده است «هرکس آن ذوات مقدّسه را بشناسد خداوند متعال را شناخته است»،

و هرکس به آنها معرفت پیدا نکند «به عنوان وَلِیِّ اللَّهِ و حُجَّةِ اللَّهِ» به خداوند متعال معرفت پیدا نکرده است «هرکس آن بزرگواران را به عنوان اَوْلِیَاءِ اللَّهِ و

۱. خصائص فاطمیّه، تألیف آیت الله شیخ محمد باقر کجوری مازندرانی، صفحه ۱۶۳ تا ۱۶۵ «ذیل عنوان: معرفت به مقامات فاطمه زهرا سلام الله علیها».

حُجَّجُ اللهُ نَشْنَسُدْ خَدَاوَنْدُ مَتَعَالِ رَا نَشْنَاخْتَه اَسْت.».

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام صادر شده و شیخ صدوق در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهَ اَنْ رَا نَقْلَ نَمُوْدَه و در مفاتیح الجنان نیز آمده است «قبل از زیارت جامعه کبیره».

همچنین در حدیث شریفی که از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل شده حقوق الهی با حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم «یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السّلام» همسان خوانده شده و در کتاب ادب فنای مقربان آمده که:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام با همسان خواندن حقوق الهی و حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نسبت به شناختن حقوق این ذوات مقدّسه هشدار داده و فرمودند:

مَنْ عَرَفَ حَقَّهُمْ فَقَدْ عَرَفَ حَقَّ اللهِ،

وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَقَدْ جَحَدَ حَقَّ اللهِ، یعنی:

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

هرکس حقّ اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را بشناسد و به آن معرفت پیدا کند حقّ خداوند متعال را شناخته است، و هرکس حقّ آن ذوات مقدّسه را انکار کند حقّ خداوند متعال را انکار نموده است.^۱

در توضیح ذیل این حدیث شریف آمده که:

از جمله حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بر مردم پذیرش ولایت و رهبری و حکومت آن ذوات مقدّسه و فرمانبری و اطاعت

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۷۵ «ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

محض از دستورات آن ذوات مقدّسه می باشد^۱.
 مراد و مقصود اصلی و واقعی از معرفت «شناخت» چهارده معصوم علیهم السّلام چیست؟

در صفحات قبل ملاحظه فرمودید که:
 وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،
 وَ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ، یعنی:
 وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 معرفت من «شناختن من» اگر با واقعیّت و نورانیّت همراه باشد همان معرفت خداوند سبحان است،
 و معرفت خداوند سبحان «شناختن خداوند سبحان»، معرفت همراه با واقعیّت و نورانیّت من است^۲.

به عنوان حُسن ختام این بحث «بحث راجع به سی امین فضیلت از فضائل بی شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی» به یک حدیث شریف اشاره می شود تا معنی شناخت و معرفت چهارده معصوم علیهم السّلام هرچه بیشتر روشن گردد.

محمّد بن صدقه می گوید:

ابوذر غفاری از سلمان فارسی پرسید:

ای سلمان:

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۷۷ «ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».
 ۲. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۱۴۳ «ذیل عنوان: السّلامُ علیّ مَحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ».
 جلد نهم، صفحه ۲۷۴ «ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».
 شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطالعه»، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۱۸۸ «ذیل عنوان: وَ ابْوَابَ الْإِيْمَانِ».
 صفحه ۴۹۸ «ذیل عنوان: عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

معنای شناخت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به نورانیت چیست؟
سلمان فارسی به ابوذر غفاری گفت:

برخیز برویم و این سؤال را از خود مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بپرسیم.

سلمان فارسی و ابوذر غفاری هر دو به محضر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شرفیاب شده و به آن حضرت عرض کردند:
یا اباالحسن:

معنی و مفهوم و اهمیت معرفت و شناخت شما به نورانیت چیست؟
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به سلمان و ابوذر
فرمود:

قسم به جان خودم:

چنین معرفت و شناختی بر همه زنان و مردان مؤمن واجب است، و ایمان
هیچکس بدون شناخت من کامل نمی شود،
مگر اینکه مرا به نورانیت بشناسد،

و هنگامی که شخص به چنین معرفت و شناختی نائل شد خداوند متعال
دلش را با ایمان آزموده و سینه اش را برای اسلام منشرح کرده است «یعنی به
او شرح صدر داده»،

و هرکس از رسیدن به این معرفت و شناخت قاصر باشد «کوتاهی کند»
شک کننده و مُرتاب است «مُرتاب = کسی که در شک و تردید باشد».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش
خویش به سلمان و ابوذر فرمود:

مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

و مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ، یعنی:

شناخت من به نورانیّت شناخت خدای عزّوجلّ است،
و شناخت خدای عزّوجلّ شناخت من به نورانیّت است.
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش
خویش به سلمان و ابوذر فرمود:
من بنده خداوند عزّوجلّ هستم،
و خلیفه خداوند متعال بر بندگانش می باشم «خلیفه = جانشین، قائم مقام»، و
سپس به سلمان و ابوذر فرمود:
ما را «چهارده معصوم علیهم السّلام» ربّ قرار ندهید «ربّ = خدا، پروردگار،
صاحب، مالک»،

و در فضیلت ما «مقامات و کمالات و علم و قدرت ما» هر چه خواستید
بگوئید، لیکن بدانید که شما هیچگاه نمی توانید به حقیقت و کُنّه فضائل ما
معرفت پیدا کنید و آن را بشناسید،
و اگر شما مردم ما را «چهارده معصوم علیهم السّلام را» اینگونه شناختید در
آن صورت مؤمن هستید.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش
خویش به سلمان و ابوذر فرمود:
من حجّت خدا هستم،

و خداوند متعال برای من چیزی قرار داده که برای هیچ یک از اوّلین و
آخرین از پیامبران مُرسل و ملائکه مقربّ الهی قرار نداده است «غیر از وجود
مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم».

من به دستور خداوند متعال نوح را در کشتی سیر دادم،
من به دستور خداوند متعال یونس را از شکم ماهی بیرون آوردم،
من به اذن خداوند متعال موسی بن عمران را از دریا عبور دادم،

من به دستور خداوند متعال ابراهیم را از آتش بیرون آوردم.
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش
خویش فرمودند:

لَا تَسْمُونَا أَرْبَابًا،

قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ، یعنی:

ما را «چهارده معصوم علیهم السّلام را» ارباب ننماید «ارباب جمع ربّ است،
و ربّ یعنی: خدا، پروردگار»،

آنگاه در فضل و برتری ما هر چه می خواهید بگویید،

لیکن بدانید که هرگز به حقیقت و کُنه فضائل ما نخواهید رسید،

بلکه به عُشری از معشار آن نیز نخواهید رسید «به یک صدم از فضائل و
مقامات ما نیز نخواهید رسید، و این موضوع کنایه از این است که هرگز به
اندکی از فضائل و مقامات و کمالات ما نیز نخواهید رسید»، زیرا:

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» آیات خداوند متعال هستیم «آیت الله
هستیم»،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» حُجج خداوند متعال هستیم «حُجج الله
هستیم»،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» خلفاء خداوند متعال هستیم «ما خُلَفَاءُ الله
هستیم»،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» اُمناء خداوند متعال هستیم «ما أُمْنَاءُ الله
هستیم»،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» وَجْهُ الله هستیم،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» عین الله هستیم،

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» لسانُ الله هستیم.

خداوند متعال به واسطه ما و به خاطر ما بندگانش را عذاب نمی کند،
خداوند متعال ما را مطهر قرار داد «به ما مقام عصمت اعطا فرمود»،
و ما را اختیار و انتخاب نمود «به عنوان حجّت خویش بر مخلوقات».
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایشات
خویش به سلمان و ابوذر فرمود:

هرکس به مطالب گفته شده ایمان بیاورد «جهت رعایت اختصار فقط به
قسمتی از فرمایشات حضرت امیر علیه السّلام اشاره شد»،
و آن را تصدیق کند مؤمن است،
و هرکس آنها را انکار نماید و یا در آنها شک کند و عناد بورزد، مقصّر و
ناصبی است «ناصبی کسی است که با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام
و اهل بیت آن حضرت دشمنی می ورزد».

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش
خویش به سلمان و ابوذر فرمود:

من به اذن خداوند متعال زنده می کنم،
من به اذن خداوند متعال می میرانم،
من به اذن خداوند متعال از آنچه که می خورید آگاهم،
من به اذن خداوند متعال از آنچه که در خانه های خویش ذخیره می کنید
آگاهم،

من به اذن خداوند متعال از رازهای مخفی شما آگاهم،
ائمه معصومین علیهم السّلام از فرزندان من هستند،
و آنها نیز «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» چنین کارهایی می کنند و
می دانند «همه علم و قدرت و سایر کمالات مرا ائمه معصومین علیهم السّلام
نیز دارند»،

چرا که همه ما «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام» یکی هستیم،
 اوّل ما محمّد است، وسط ما محمّد و آخر ما محمّد «اوّلین نفر از چهارده
 معصوم علیهم السّلام پیامبر اکرم است که محمّد نام دارد، و چهاردهمین معصوم
 یعنی امام زمان علیه السّلام نیز هم نام پیامبر اکرم می باشد»،
 بلکه همه ما محمّد هستیم «یعنی از یک نور واحد هستیم، و به عبارت دیگر
 یک نور هستیم در چهارده چراغ و یا یک نور هستیم در چهارده رواق»، لذا:
 بین ما تفاوت قائل نشوید،

هرگاه ما چیزی را بخواهیم خداوند متعال نیز آن را می خواهد،
 و هرگاه از چیزی بدمان بیاید خداوند متعال نیز از آن بدش می آید.
 وای بر کسی که فضائل و مناقب ما و عطاهای خداوند متعال به ما را انکار
 کند،

چرا که هرکس آنچه را که خداوند متعال به ما اعطا فرموده انکار کند قدرت
 خداوند متعال و مشیّت خداوند متعال را انکار کرده است.
 وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش
 خویش به سلمان و ابوذر فرمود:
 ای سلمان و ای ابوذر:

خداوند متعال از اینها بزرگ تر و عظیم تر و بالاتر به ما داده است.
 سلمان و ابوذر از امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام پرسیدند:
 یا اباالحسن:

آن چیز که بالاتر و بزرگ تر و عظیم تر از این چیزها می باشد چیست؟
 وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در پاسخ به سؤال
 سلمان و ابوذر فرمود:

خداوند متعال به ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» اسم اعظم آموخته است

که اگر بخواهیم آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و چهارپایان و دریاها و بهشت و جهنم را درهم فرو می‌ریزیم، و خداوند متعال همه این قدرت‌ها را با اسم اعظمی که به ما آموخته به ما عنایت فرموده است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش به سلمان و ابوذر فرمود:

ای سلمان و ای ابوذر:

این شناخت من به نورانیت است «این معرفت و شناخت، معرفت و شناخت من به نورانیت است»،

این معرفت را بگیرد و هدایت شوید،

چه اینکه شیعه‌ای به بصیرت و آگاهی نمی‌رسد مگر اینکه مرا به نورانیت بشناسد،

و هنگامی که مرا به نورانیت شناخت مُستبصر بالغ و کامل می‌شود «صاحب بصیرت و آگاهی کامل می‌شود»،

و بر سرّی از اسرار خداوند متعال و خزائن پنهان خداوند متعال دست پیدا می‌کند.^۱

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو یعنی شبیه و نظیر و مثل و

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطّالعه»، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۴۸۸ تا ۴۹۶ «ذیل عنوان: عارفٌ بِحَقِّکُمْ».

قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السّلام، تألیف آیت الله سیّد احمد مستنبط، جلد اوّل، بخش دوّم، صفحه ۲۰۰ تا ۲۱۱، حدیث ۱۹/۱۱۲.

ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد اوّل، صفحه ۸۱ «ذیل عنوان: حکمت زیارت».

جلد دوّم، صفحه ۱۰۹ «ذیل عنوان: والمثل الاعلی».

جلد سوّم، صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱ «ذیل عنوان: السّلام علی محالّ معرفة الله».

جلد نهم، صفحه ۲۷۴ «ذیل عنوان: عارفٌ به حَقِّکُمْ».

مانند و همتا و هم‌تراز این وجود مقدّس یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب است که فقط به قطره‌ای از دریای بیکران فضائل آن حضرت اشاره شد.

ذیل هیجدهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی توضیحات کامل و جامعی به عرض رسید و احادیث شریفی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که: وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد،

و اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نمی‌فرمود احدی از مخلوقات الهی از حضرت آدم تا روز قیامت لیاقت همسری آن علیا مخدّره را نداشت.

در رابطه با کفو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در کتاب ادب فنای مقربان تألیف آیت‌الله جوادی آملی آمده که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و هم‌شان امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد،

و از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام را خلق نفرموده

بود،

هیچکس در روی زمین از حضرت آدم تا روز قیامت کفو و همتا و نظیر و

همانند فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود.

در توضیح ذیل این حدیث شریف در کتاب ادب فنای مقرَّبان آمده که:
طبق این حدیث شریف فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و هم‌شان امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد،
و کفو بودن در این حدیث شریف مطلق است،

و شامل همه شئون علمی و معنوی و روحانی می‌شود، لذا:
کفو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السلام اقتضا می‌کند که وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز همانند
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
سلم سنخیت روحی داشته باشد.^۱

در کتاب ارزشمند علامه امینی در توضیح ذیل احادیث شریف مربوط به
کفو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه
السلام آمده که:

بطور قطع و یقین مقصود از کفو بودن فاطمه زهرا سلام الله علیها با
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این احادیث شریف، همانندی
و همتایی در مقام ولایت و همانندی و همتایی در صفات و فضائل می‌باشد.^۲
ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،
و مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ،

۱. ادب فنای مقرَّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۱۶۷، «ذیل
عنوان: عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الرَّئِيلِ».

۲. فضائل و مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع هفتم، صفحه ۲۰۱ «ذیل عنوان: مقام
رکنیت فاطمه زهرا سلام الله علیها نسبت به حضرت امیر علیه السلام».

همچنین ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره اهمیت معرفت و شناخت
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره اهمیّت معرفت و شناخت وجود
مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام فرمودند:

مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ،

وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ.

نتیجه معرفت و شناخت ما نسبت به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم
السّلام به عنوان حجت خداوند متعال بر مخلوقات این است که:

۱- ما باید مطیع محض و بی قید و شرط آن ذوات مقدّسه باشیم، زیرا:

آن بزرگواران حجت خداوند متعال بر مخلوقات می باشند،

و طبق احادیث فراوانی که از ناحیه آن بزرگواران صادر شده،

اطاعت از آن بزرگواران اطاعت از خداوند متعال است،

و سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال
می باشد،

بنابراین:

اولین نتیجه معرفت و شناخت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام
اطاعت محض و بی قید و شرط از آن ذوات مقدّسه می باشد، آن هم در تمام
امور اعم از امور دنیوی و آخروی.

۲- ما باید نسبت به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مودّت و

محبّت شدید داشته باشیم، یعنی:

آن ذوات مقدّسه باید محبوب‌ترین مخلوقات الهی نزد ما باشند، زیرا این ذوات مقدّسه مقرب‌ترین مخلوقات الهی در پیشگاه خداوند متعال می‌باشند و اشرف و افضل مخلوقات الهی هستند، بنابراین:

دوّمین نتیجه معرفت و شناخت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مودّت و محبّت داشتن به آن ذوات مقدّسه می‌باشد.

۳- ما باید محبّین وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام را دوست بداریم و عملاً نیز آن را نشان بدهیم و آن را اثبات کنیم، یعنی:

در رفع نیازهای مؤمنین ولایتمدار تلاش نماییم و فقط به محبّت قلبی اکتفا نکنیم که هیچگونه هزینه‌ای ندارد، نه هزینه جانی و نه هزینه مالی، و از دشمنان آن بزرگواران و از منکرین ولایت آن بزرگواران نیز اعلام برائت نماییم، یعنی:

از منکرین ولایت آن بزرگواران و از دشمنان آن ذوات مقدّسه بیزار باشیم، و این یعنی تولّی و تبرّی.

۴- ما باید مروج و ناشر فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه باشیم، یعنی:

فضائل و مناقب آن بزرگواران را نشر و ترویج نماییم، بنابراین: چهار مورد ذیل حدّاقل وظیفه ما نسبت به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد که پس از کسب معرفت و شناخت آن ذوات مقدّسه باید آنها را انجام دهیم:

۱- اطاعت محض و بی‌قید و شرط از آن ذوات مقدّسه در تمام امور، اعم از امور دنیوی و آخروی.

۲- مودّت و محبّت داشتن شدید نسبت به آن بزرگواران.

۳- دوست داشتن محبّین «دوستداران» آن ذوات مقدّسه و تلاش نمودن

جهت رفع نیازهای آنان،

و برائت و بیزاری از دشمنان چهارده معصوم علیهم السّلام و منکرین ولایت آن ذوات مقدّسه.

۴- نشر و ترویج فضائل و مناقب آن بزرگواران به طرق مختلف.

در علوّ مقام وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام همین بس، که:

الف: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

نَزَلُونَا عَنِ الرَّبُّوبِيَّةِ،

وَ قُولُوا فِي حَقِّنَا مَا شِئْتُمْ، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

ما را «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام را» از مرتبه ربوبیت فرود آورید

«ما را خدا ندانید»،

و در حقّ ما «علم و قدرت و کمالات و فضائل ما» هر چه خواستید بگویید،

و بدانید که شما هیچگاه نمی‌توانید به گُنه و حقیقت و نهایت مقامات ما

معرفت پیدا کنید و آن را بشناسید.^۱

ب: وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

لَا تَتَجَاوَزُوا بِنَا الْعُبُودِيَّةِ،

ثُمَّ قُولُوا مَا شِئْتُمْ،

وَ لَنْ تَبْلُغُوا، یعنی:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

ما را از مرز عبودیت خارج نکنید و به سر حدّ ربوبیت نرسانید «ما را بنده

خدا و عبّد خداوند متعال و مخلوق خداوند متعال بدانید»،

۱. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه شمس الطّالعه»، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۱۹۳

«ذیل عنوان: وَ عِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

آنگاه هر چه می خواهید در فضیلت ما و مقامات و کمالات ما «یعنی چهارده معصوم علیهم السلام» بگویید،

لیکن بدانید که هیچگاه نمی توانید حق ثناگویی ما را ادا کنید «هیچگاه نمی توانید به گُنه و حقیقت مقامات و فضائل ما پی ببرید»^۱.

ج: ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند:

لَا تَقُولُوا فِينَا رَبًّا،

وَ قُولُوا مَا شِئْتُمْ،

وَ لَنْ تَبْلُغُوا، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند:

ما را «چهارده معصوم علیهم السلام را» خدا ندانید،

آنگاه هر چه می خواهید در فضیلت ما بگوئید،

لیکن بدانید که هرگز به گُنه فضائل ما نخواهید رسید^۲.

د: ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند:

اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ،

وَ قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ،

فَلَنْ تَبْلُغُوا، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السلام فرموده اند:

ما را «چهارده معصوم علیهم السلام را» مخلوق خداوند متعال بدانید،

آنگاه هر چه می خواهید در فضائل و کمالات ما بگویید،

لیکن بدانید که هیچگاه نمی توانید به گُنه و حقیقت فضائل و مناقب ما پی

۱. ادب فنای مَقْرَبَان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی،

جلد اول، صفحه ۸۲ «ذیل عنوان: حکمت زیارت».

جلد ششم، صفحه ۳۰۷ «ذیل عنوان: فَالْزَاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ».

۲. ادب فنای مَقْرَبَان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۳۰۲ «ذیل عنوان: فَالْزَاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ».

ببريد^۱.

ملاحظه فرمودید که:

ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند:

ما را از مرتبه ربوبیت پایین بیاورید،

و ما را عبّد و بنده خدا بدانید،

آنگاه هرچه خواستید درباره مقامات و کمالات ما «یعنی وجود مقدّس

چهارده معصوم علیهم السلام» بگویید،

لیکن بدانید که هرگز به کُنه مقامات و فضائل ما معرفت پیدا نخواهید کرد

و به آن پی نخواهید برد.

همچنین در حدیثی که محمد بن صدقه نقل نموده ملاحظه فرمودید که:

سلمان و ابوذر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره معرفت

به مقامات و فضائل و کمالات آن حضرت سؤال نمودند،

و آن بزرگوار در پاسخ به سؤال سلمان و ابوذر فرمود:

لَا تَسْمُونَا أَرْبَابًا،

قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ، یعنی:

ما را «چهارده معصوم علیهم السلام را» ارباب ننماید «أَرْبَاب جمع رَبّ است،

و رَبّ یعنی: خدا - پروردگار»،

آنگاه در فضل و برتری ما هرچه می خواهید بگویید،

لیکن بدانید که هرگز به کُنه و حقیقت فضائل ما معرفت پیدا نخواهید کرد،

و حتی به عُشری از معشار فضائل ما یعنی به یک صدم فضائل ما نیز معرفت

و آگاهی پیدا نخواهید کرد.

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد ششم، صفحه ۳۰۷ «ذیل عنوان: فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ».

اینکه چرا ما قادر به رسیدن به کُنه فضائل و مقامات چهارده معصوم علیهم السلام نیستیم این است که:

در کتاب ادب فنای مقربان «جلد نهم، صفحه ۲۸۵» آمده که:

معرفت و شناخت ژرفای فضل و برتری و مقام و منزلت والای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام»، و برشماری همه فضائل آن بزرگواران هرگز در توان کسی نیست، زیرا:

این ذوات مقدسه مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال و مظاهر اسماء حسناى خداوند متعال می‌باشند،

و چون پی بردن به کُنه ذات اقدس خداوند متعال و پی بردن به کُنه صفات خداوند متعال ناشدنی و محال است، لذا،

رسیدن به کُنه فضائل حجج خداوند متعال «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» که مظاهر اسماء حسناى خداوند متعال می‌باشند غیرممکن و محال می‌باشد^۱.

فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز مبین این مطلب است که:

رسیدن به کُنه فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها و معرفت پیدا نمودن به آن غیرممکن است.

فرمایش نورانی امام صادق علیه السلام درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها این است که:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لَأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، یعنی:

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد نهم، صفحه ۲۸۵ «ذیل عنوان: مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده شد، زیرا:
 همه مخلوقات الهی از شناختن فاطمه زهرا سلام الله علیها بازگرفته شده و
 جدا شده‌اند، یعنی:

غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام احدی از مخلوقات الهی قادر به
 رسیدن به حقیقت و کُنه مقامات و فضائل آن علیا مخدّره نمی‌باشد.

ذیل بیست و نهمین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود مقدّس فاطمه زهرا
 سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی «حدیث دوّم و توضیحات ذیل این
 حدیث شریف» در این رابطه توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.
 معرفت و شناخت مقامات و کمالات و فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها
 به عنوان وَلیَّة الله و حُجَّة الله و به عنوان سوّمین شخصیت عالم خلقت به قدری
 مهمّ است که وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در رابطه با اهمّیت معرفت
 و شناخت آن علیا مخدّره فرمودند:

هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى،

وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با سی‌امین فضیلت از فضائل بی‌شمار وجود
 مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می‌پردازیم به
 سی و یکمین فضیلت آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

فضیلت سی و یکم

در علو مقام سوّمین شخصیت عالم خلقت یعنی وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها همین بس، که:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاهَا، یعنی:

خداوند متعال به غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها غضب می کند، و به خشنودی آن حضرت خشنود می شود، زیرا:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها مظهر اتمّ و اکمل جلال و جمال خداوند متعال و جلوه نور الهی است که انشاءالله تعالی در توضیحات ذیل حدیث شریف به آن اشاره خواهد شد.

حدیث اوّل:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه زهرا سلام الله

علیها فرمود:

يَا فَاطِمَةُ:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاكِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

ای فاطمه:

خداوند متعال با غضب تو غضب می کند «خداوند متعال با خشمگین شدن تو خشمگین می شود»،

و با رضای تو راضی می گردد «با خشنود شدن تو خشنود می شود».

این حدیث شریف را علی بن عمر بن علی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را علاوه بر شیعه بسیاری از علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمایید «به نقل از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت»

طبرانی در معجم الکبیر «جلد اوّل صفحه ۱۰۸ و جلد بیست و دوّم، صفحه ۴۰۱».

حاکم نیشابوری در مستدرک «جلد سوّم، صفحه ۱۵۴».

ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق «جلد سوّم، صفحه ۱۵۶».

ذهبی در میزان الاعتدال «جلد اوّل، صفحه ۵۳۵ و جلد دوّم، صفحه ۴۹۲».

۱. امالی شیخ طوسی، جلد دوّم، صفحه ۹۱، حدیث ۱۱ «حدیث ۹۵۴»، مجلس پانزدهم.

فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی،

صفحه ۳۲، مجلس اوّل «ذیل عنوان: رضا و غضب خداوند متعال به رضا و غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها».

صفحه ۳۶، مجلس اوّل «ذیل عنوان: رضای خدا به رضای حضرت زهرا سلام الله علیها».

صفحه ۱۳۲، مجلس هفتم «ذیل عنوان: غضب خدا به غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها و رضای خدا به رضای او»

فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۹۶، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان: همانندی

ولایت پیامبر اکرم و حضرت زهرا و ائمه معصومین علیهم السلام».

جَنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل پانزدهم، صفحه ۴۰۶، حدیث ۳۰.

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳، صفحه ۶۹.

تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۶.

هیثمی در مجمع الزوائد «جلد نهم، صفحه ۲۰۳».
 متقی هندی در کنز العمال «جلد سیزدهم، صفحه ۳۷۴».
 قندوزی در ینابیع المودّه «جلد دوّم، صفحه ۵۷ و صفحه ۱۳۲ و صفحه ۴۶۴»^۱.
 آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی در کتاب جُنَّة العاصمه اسامی بیست و
 هفت نفر از علمای اهل سنّت را آورده که در کتب خویش این حدیث شریف
 را از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده‌اند.^۲

حدیث دوّم:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه
 و آله و سلّم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُغَضِبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ،
 وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا، یعنی:
 وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:
 خداوند تبارک و تعالی به خشم فاطمه خشمگین می‌شود «خداوند تبارک و
 تعالی با غضب فاطمه غضب می‌کند»،
 و به خشنودی فاطمه خشنود می‌شود «با رضای فاطمه راضی می‌گردد».^۳

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۲ «مجلس اول» «پاورقی ۲».
 ۲. جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، صفحه ۴۰۶، پاورقی ۱، فصل پانزدهم «ذیل عنوان:
 پاره‌ای از مناقب فاطمه زهرا سلام الله علیها از کتب عامّه».
 ۳. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد دوّم، صفحه ۶۵، حدیث ۱۷۶ «اخبار مجموعه».
 فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، موضوع دوازدهم، صفحه ۲۹۶.
 جُنَّة العاصمه، تألیف آیت الله سیّد محمدحسن میرجهانی، فصل دوّم، صفحه ۸۲.
 فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس هفتم، صفحه ۱۳۳.
 ادب فنای مقرّبان، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوّم، صفحه ۳۱۱ «و الأدلاء علی مرّضات الله».
 سوغنامه فدک، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۶۲.
 فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳ و ۵، صفحه ۶۸ و ۱۰۶.
 جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۰، صفحه ۸۵، حدیث پنجم.

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف را علاوه بر شیعه، اهل سنت نیز نقل نموده‌اند که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

خوارزمی در مقتل الحسین «جلد اول، صفحه ۵۱».

متقی هندی در کنز العمال «جلد دوازدهم، صفحه ۱۱۱».

هیثمی در مجمع الزوائد «جلد نهم، صفحه ۲۰۳».

حموینی در فرائد السمطين «جلد دوم، صفحه ۴۶».

محبّ الدین طبری در ذخائر العقبی «صفحه ۳۹».

ابن مغزلی در مناقب «صفحه ۳۵۱».

گنجی در کفایة الطالب «صفحه ۳۶۳».

حاکم در مستدرک «جلد سوم، صفحه ۱۵۴».

ذهبی در میزان الاعتدال «جلد اول صفحه ۸۳۵ و جلد دوم صفحه ۷۲».^۱

حدیث سوم:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي،

مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،

يَرْضَى اللهُ لِرِضَاهَا،

وَيَغْضَبُ لِعْظَمِهَا، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره دختر بزرگوارش

فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

فاطمه پاره تن من است «فاطمه پاره‌ای از وجود من است»،

۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۳، صفحه ۶۸ «پاورقی».

هر کس فاطمه را بیازارد مرا آزرده است.
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش
خویش درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:
خداوند متعال با خشنودی فاطمه خشنود می شود،
و با غضب او غضب می کند^۱.

توضیح:

با توجه به اینکه هدف اصلی و اساسی از نقل احادیث شریف، درایت و فهم
احادیث و سپس عمل به آنها می باشد، لذا:
توضیحاتی که ذیل این احادیث شریف آمده «سه حدیث شریف که از
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد» به اختصار نقل
می شود تا حداکثر استفاده نصیب عزیزان بشود.

الف: در کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت در توضیح و
تفسیر این احادیث شریف «سه حدیثی که ملاحظه فرمودید» آمده که:
وقتی اراده انسان، فانی در اراده خداوند متعال شد می شود:
۱. يَرْضَى لِرِضَى الرَّبِّ «راضی می شود به هر چه که خدا از او راضی است»،
۲. وَ يَعْضِبُ لِعَضْبِ الرَّبِّ «غضب می کند به هر چه که مورد غضب خداوند
متعال می باشد».

این مقام «فانی شدن اراده انسان در راه خداوند متعال» مقام عصمت خاتمیت
است «عصمت وجود مقدس مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»،
عصمت آن موجود کاملی که در عالم وجود نظیرش نیست، یعنی:

۱. ارشاد القلوب دیلمی «با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی»، جلد دوم، صفحه ۵۴، «ذیل عنوان: چند فضیلت دیگر».
ادب فنای مَقْرَبَان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۴۸۰ «ذیل
عنوان: وَ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ».

حُبّ و بغضش در حُبّ و بغض خداوند متعال محو شده است، لذا:
 دوست ندارد مگر آنچه را که خدا دوست می دارد،
 و مبعوض ندارد جز آنچه را که خدا مبعوض می دارد،
 این چنین بشری می شود:
 وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (آیه ۳ سوره نجم).
 اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (آیه ۴ سوره نجم)، یعنی:
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هرگز از روی هوای
 نفس سخن نمی گوید «آیه ۳ سوره نجم»،
 آنچه که می گوید چیزی جز وحی نیست که بر او نازل شده است «آیه ۴
 سوره نجم».

این مرحله به عصمت خاتمی صلی الله علیه و آله و سلّم تعبیر می شود که
 غیر از عصمت ابراهیمی «حضرت ابراهیم» و عصمت یونسی «حضرت یونس»
 است.

تسلیم شدن برای حُبّ و بغض خداوند متعال به قول مطلق، منحصر به
 پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد.
 وقتی شخص به این مقام رسید «فانی شدن اراده انسان در اراده خداوند
 متعال» می توانیم بگوییم:

يَرْضَى لِرِضَى الرَّبِّ،

يَغْضَبُ لِعِزَابِ الرَّبِّ.^۱

در ادامه مطلب و تحت عنوان: رضای خدا به رضای فاطمه زهرا سلام الله
 علیها آمده که:

مقام فاطمه زهرا سلام الله علیها پشت پرده است،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۴ تا ۳۶ «مجلس اوّل».

و این کلام نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ،

وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ.

مگر ما می توانیم بفهمیم که چه خبر است؟!

گاهی گفته می شود:

يَرْضَى لِرِضَى الرَّبِّ وَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ الرَّبِّ.

اینجا رضا و غضب از طرف ربّ «خداوند متعال» تأثیر می کند، یعنی:

شخص راضی است به رضای خدا،

و غضب می کند به غضب خدا، و در نتیجه:

این شخص صاحب مقام عصمت کبری می شود.

گاهی شخص در افق اعلی به جایی قدم می گذارد که درباره او گفته می شود:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِكَ،

وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ، یعنی:

خداوند متعال راضی است به رضای فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و غضب می کند به غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها.

اینجا است که فرمایش نورانی فاطمه شناس عالم یعنی وجود مقدس امام

صادق علیه السلام معلوم می شود که آن حضرت درباره فاطمه زهرا سلام الله

علیها فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ،

لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها فاطمه نامیده

شده است زیرا خلایق از معرفت آن حضرت منقطع و عاجز می باشند»،

و این برهان و دلیلی شد که ما مفطومیم «منقطع هستیم» از معرفت و

شناخت فاطمه زهرا سلام الله علیها،

و عاجزیم از اینکه درک کنیم که فاطمه زهرا سلام الله علیها کیست و چیست و در چه افقی است.

فاطمه زهرا سلام الله علیها شخصیتی است که هیچکس غیر از حضرات معصومین علیهم السّلام نمی تواند او را بشناسد،

فقط کسی فاطمه زهرا سلام الله علیها را شناخت «یعنی وجود مقدّس مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام» که شب دفن فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ،

وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْهَدٌ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام پس از دفن بدن مطهّر فاطمه زهرا سلام الله علیها در تاریکی شب و در دل شب، فرمود:

أَمَّا اَنْدُوهُمْ هَمِيْشِكِي اِسْتِ،

و شب‌های من همراه با بیداری است.

غصّه رفتن فاطمه زهرا سلام الله علیها، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به شدّت محزون نمود،

چون آن حضرت می دانست که فاطمه زهرا سلام الله علیها کیست و که بود.

فاطمه زهرا سلام الله علیها کسی است که به آنجا رسیده است که:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاهَا.

در قسمت دیگری از کتاب فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت آمده که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها دارای مقام عصمت است،

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، صفحه ۳۶ تا ۳۹ «مجلس اوّل»
«ذیل عنوان: رضای خدا به رضای حضرت زهرا سلام الله علیها».

اما نه عصمت حضرت یعقوب،

نه عصمت حضرت یوسف،

نه عصمت حضرت موسی،

نه عصمت حضرت عیسی،

بلکه نه عصمت حضرت ابراهیم،

فاطمه زهرا سلام الله علیها به مقام عصمتی رسیده که آن عصمت، مقام و شأن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن افقی رسیده،

و در مقام منیع و رفیعی منزل نموده که در آن مقام همه عقول از کار افتاده اند.

بحث در رابطه با مقام و منزلت فاطمه زهرا سلام الله علیها مسئله عصمت

آن علیا مخدّره نیست، بلکه فوق عصمت است.

عصمت چیست؟

عصمت این است که انسان به جایی برسد که رضا و غضبش از حدّ حیوانیت

بگذرد و به حدّ عقلانیت برسد،

و از حدّ عقلانیت هم باید بگذرد و به حدّی برسد که:

رضای او رضای الهی شود،

و غضب او غضب الهی شود،

و سپس این انسان به جایی می رسد که:

هر جا که خداوند متعال غضب می کند او غضب می کند،

و هر جا که خداوند متعال راضی است او نیز راضی می شود،

لیکن:

مسئله فوق این است، یعنی:

یک مرتبه می گوئیم:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به جایی رسیده که:

هر جا خدا غضب می کند فاطمه زهرا سلام الله عليها غضب می کند،
و هر جا خدا راضی است فاطمه زهرا سلام الله عليها نیز راضی است،
اما آنچه که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فاطمه
زهرا سلام الله عليها فرمود این است که:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاهَا، یعنی:

آنچه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فاطمه زهرا سلام الله
عليها فرمود این است که:

خداوند متعال برای غضب فاطمه زهرا سلام الله عليها غضب می کند،

و برای رضای آن علیا مخدّره راضی می شود،

و اینجا است که کمیت عقل در معرفت و شناخت فاطمه زهرا سلام الله
عليها با چنین مقامی لنگ است.

وقتی غضب فاطمه زهرا سلام الله عليها غضب خدا است،

و رضای آن علیا مخدّره رضای خداوند متعال می باشد،

کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن علیا

مخدّره ظلم نمودند و حق آن حضرت را غصب نمودند،

و به این هم قناعت نکرده و خود آن حضرت را نیز به شهادت رساندند روز

قیامت چه سرنوشت شومی خواهند داشت.

وقتی که فاطمه زهرا سلام الله عليها روز قیامت با پهلوی شکسته سر از

خاک بردارد و مجلس محاکمه تشکیل شود،

در آن روز خداوند متعال به شما خواهد فرمود که:

همه شما از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدید که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاهَا،

آن روز شما «غاصبین حق فاطمه زهرا سلام الله علیها و کسانی که به آن علیا مخدّره ظلم نموده و آن حضرت را به شهادت رساندند» چه جوابی خواهید داشت؟^۱

ب: در کتاب علامه امینی «موضوع دوازدهم، صفحه ۲۹۵» آمده که: با توجه به اسناد و مدارکی که از علمای فریقین «شیعه و سنی» نقل شده کاملاً ثابت می شود که:

هر کس فاطمه زهرا سلام الله علیها را آزار و اذیت نماید،

و آن حضرت از او دل آزرده و ناخشنود باشد کافر است.^۲

در ادامه مطلب کتاب علامه امینی آمده که:

حدیثی فوق العاده مهم و حیرت انگیز از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْضِبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،

وَيَرْضَى لِرِضَاهَا، یعنی:

همانا خداوند تبارک و تعالی غضب می کند هنگامی که فاطمه زهرا سلام الله علیها غضب می کند،

و راضی می شود آنگاه که فاطمه زهرا سلام الله علیها راضی و خشنود می شود. در حدیث شریف دیگری است که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

۱. فاطمه علیها سلام حلقه وصل رسالت و امامت، تألیف آیت الله وحید خراسانی، مجلس هفتم، صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۶ «ذیل عنوان: غضب خدا به غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها و رضای خدا به رضای آن علیا مخدّره».
۲. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۹۵، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان: همانندی ولایت پیامبر اکرم و حضرت زهرا و ائمه معصومین علیهم السلام».

یا فاطِمةُ:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر بزرگوارش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

ای فاطمه:

خداوند متعال با غضب تو غضب می کند،

و با رضای تو راضی می گردد.

در ادامه مطلب کتاب علامه امینی آمده که:

این دو حدیث عجیب را عدّه زیادی از دانشمندان عامّه «علمای اهل سنت»

نقل نموده‌اند از قبیل:

ابو موسی ابن مثنی متوفای ۲۵۲ هجری.

ابن ابی عاصم متوفای ۲۸۷ هجری.

ابو یعلی موصلی متوفای ۳۰۷ هجری.

حافظ ابوالقاسم طبرانی متوفای ۳۶۰ هجری.

حافظ ابو عبدالله حاکم نیشابوری متوفای ۴۰۵ هجری.

حافظ ابونعیم اصفهانی متوفای ۴۳۰ هجری.

حافظ ابوالقاسم ابن عساکر متوفای ۵۷۱ هجری.

سبط بن جوزی متوفای ۶۵۴ هجری.

ابن حجر عسقلانی متوفای ۸۵۲، و عدّه‌ای دیگر.

چنانکه گفته شد کاملاً روشن و مُبرهن است که:

کسی که:

محبّتش محبّت خدا،

اطاعتش اطاعت خدا،

رضایتش رضایت خدا،
 غضبش غضب خدا،
 و مخالفتش مخالفت خداوند متعال می باشد،
 لازمه اش این است که:
 این فرد که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد باید صاحب
 مقام شامخ ولایت مطلقه باشد،
 و در نتیجه هرکس به صاحب ولایت ایمان نیاورد،
 و محبتش را در دل نداشته باشد کافر است،
 و این مطلبی است که علمای عامّه «علمای اهل سنت» نیز به آن ایمان و
 اعتقاد دارند که اینجا نقل بعضی از عبارات آنها مفید و ضروری است.^۱
 علامه امینی در ادامه گفتار خویش به سخنان بعضی از علمای معروف
 اهل سنت اشاره نموده که آیت الله میرجهانی نیز آن را در کتاب خویش «جَنَّة
 العاصمه، صفحه ۴۱۱» نقل نموده که یک مورد آن را ذیلاً ملاحظه می فرمایید.
 در کتاب علامه امینی و در کتاب آیت الله میرجهانی آمده که:
 ابوالقاسم سهیلی متوفای ۵۸۱ هجری در کتاب خویش «الروض الانف، جلد
 دوّم، صفحه ۱۹۶» می گوید:
 ابولبابه «رفاعة بن عبدالمُنذر» گناهی مرتکب شد و از گناهی که مرتکب
 شده بود توبه کرد و خودش را به یک چوب بست و سوگند خورد که هرگز
 خودش را از بند نگشاید مگر اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به
 دست مبارک خویش آن را باز فرماید،
 و این را نشانه قبول شدن توبه خود قرار داده بود تا اینکه آیه نازل شد «آیه
 ۱۰۲ سوره توبه» و توبه ابولبابه پذیرفته شد.

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۲۹۶ تا ۳۰۰، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان:
 همانندی ولایت پیامبر اکرم و فاطمه زهرا و ائمه معصومین علیهم السلام».

در آن هنگام وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها اراده فرمود تا بندهای
ابولبابه را باز کند،

لیکن ابولبابه گفت:

کسی جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نباید مرا از بند رها نماید،
زیرا من به این امر سوگند یاد کرده‌ام.

وقتی این موضوع به گوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسید
فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، یعنی:

فاطمه پاره تن من است «فاطمه پاره‌ای از وجود من است».

ابوالقاسم سهیلی در ادامه حدیث شریف می‌گوید:

این حدیث دلالت دارد بر اینکه هرکس فاطمه را سَبِّ نماید «هرکس به
فاطمه زهرا سلام الله علیها ناسزا بگوید و او را دشنام دهد» کافر می‌شود،

و هرکس به فاطمه زهرا سلام الله علیها صلوات بفرستد بر پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلّم صلوات فرستاده است «یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها
طبق فرمایش پیامبر اکرم پاره تن آن حضرت می‌باشد و به منزله پیامبر اکرم
است، لذا هرکس به آن علیا مخدّره ناسزا بگوید مثل این است که به پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله ناسزا گفته است و چنین شخصی کافر می‌شود، همچنین
اگر کسی به فاطمه زهرا سلام الله علیها صلوات بفرستد گویا به پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله و سلّم صلوات فرستاده است»^۱.

علاّمه امینی در ادامه مطلب می‌گوید:

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، علاّمه امینی، صفحه ۳۰۰ و ۳۰۱، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان: همانندی
ولایت پیامبر اکرم و فاطمه زهرا و ائمّه معصومین علیهم السلام».
جَنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سید محمدحسن میرجهانی، صفحه ۴۱۱، فصل پانزدهم «ذیل عنوان: در بیان پاره‌ای
از فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها از منابع اهل سنّت».

در کیفیت صلوات فرستادن به فاطمه زهرا سلام الله علیها و در رابطه با زیارت آن علیا مخدّره احادیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که همه آنها مبین این مطلب است که:
وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها صلوات و زیارت مخصوص به خود دارد،

و همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در این موضوع کاملاً استقلال دارد «در موضوع صلوات و زیارت».

اینگونه احادیث را علاوه بر شیعه، علمای اهل سنت نیز در کتب خویش نقل نموده‌اند که از جمله آنها ابن حجر می‌باشد که در شرح کتاب جامع صغیر آن را نقل نموده است،
و جالب‌تر اینکه:

زین الدّین مناوی صاحب کتاب کنوز الدقائق ضمن نقل این حدیث شریف «فاطمة بضعة منی» می‌گوید:

ابوالقاسم سهیلی «صاحب کتاب الروض الانف» با این حدیث شریف «فاطمة بضعة منی» استدلال می‌کند که:

هرکس فاطمه زهرا سلام الله علیها را دشنام دهد کافر است، زیرا این عمل نشان‌دهنده بغض او به فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌شد، و خداوند متعال چنین کسی را دشمن می‌دارد و هرکسی را که خداوند متعال دشمن بدارد یقیناً چنین شخصی کافر است،

و ابوالقاسم سهیلی از همین حدیث شریف «فاطمة بضعة منی» نتیجه می‌گیرد که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها از شیخین «یعنی ابوبکر و عمر» نیز افضل است. زرقانی نیز در کتاب شرح المواهب اللدنیّه پس از نقل این حدیث شریف

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» می گوید:

ابوالقاسم سهیلی با این حدیث استدلال نموده که:
هرکس به فاطمه زهرا سلام الله علیها دشنام دهد کافر است،
و دلیل سهیلی این است که:
فاطمه زهرا سلام الله علیها از کسی که به او دشنام دهد به خشم و غضب
می آید،

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز خشم و غضب فاطمه زهرا را
برابر با خشم و غضب خویش دانسته است،
و هرکس که پیامبر اکرم را خشمگین نماید کافر است.

علامه امینی در پایان سخن خویش می گوید:

سؤالی که اینجا باید مطرح گردد این است که:

با توجه به این فتوای علمای عامه «اهل سنت» در خصوص کافر بودن
دشنام دهندگان به فاطمه زهرا سلام الله علیها، حکم صحابه و تابعینی که به
فاطمه زهرا سلام الله علیها و به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دشنام
داده اند چیست؟^۱

علامه امینی در پایان سخن خویش می گوید:

این فرمایشات پیامبر اکرم «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» «فَاطِمَةُ
بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» در منقبت فاطمه زهرا
سلام الله علیها عیناً با همین مضامین در کتب معتبر شیعه و سنی نقل شده و
نشان می دهد که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها در جمیع احکام و شئون ولایت با پیامبر اکرم

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۰۱ و ۳۰۲، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان:

همانندی ولایت پیامبر اکرم و فاطمه زهرا و ائمه معصومین علیهم السلام».

جُزْءُ العاصمه، تألیف آیت الله میرجهانی، فصل پانزدهم، صفحه ۴۱۱ و ۴۱۲.

صلی الله علیه و آله و سلم و با امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام شریک است، لذا:

علما چنین فتوا می دهند که:

هر کس به پیامبر اکرم، یا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب، یا فاطمه زهرا علیهم السّلام دشنام دهد واجب القتل می شود،

و علمای عامّه «علمای اهل سنت» می گویند:

چنین شخصی هم کافر است و هم واجب القتل^۱.

ج: در کتاب جلوه نور در توضیح ذیل این حدیث شریف نبوی «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» آمده که:

این حدیث شریف می خواهد بفرماید که:

غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها عین غضب خداوند متعال است، و خشنودی و رضایت آن علیا مخدّره عین خشنودی و رضایت خداوند متعال می باشد^۲.

در قسمت دیگری از کتاب جلوه نور آمده که:

فاطمه زهرا سلام الله علیها مظهر جلال و جمال خداوند متعال و جلوه نور الهی است،

و به همین جهت است که:

غضب فاطمه زهرا سلام الله علیها غضب خداوند متعال است،

و رضایت و خشنودی آن علیا مخدّره رضایت و خشنودی خداوند متعال می باشد^۳.

۱. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف علامه امینی، صفحه ۳۱۱، موضوع دوازدهم «ذیل عنوان: همانندی ولایت پیامبر اکرم و فاطمه زهرا و ائمه معصومین علیهم السّلام».

۲. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، فصل ۱۰، صفحه ۸۵، حدیث پنجم.

۳. جلوه نور، تألیف آیت الله سعادت پرور، صفحه ۱۲ «مقدمه کتاب جلوه نور».

د: در کتاب ادب فنای مقربان آمده که:

خداوند متعال اولیائی دارد «اولیاءُ الله، یعنی حضرات معصومین علیهم السلام» که راضی می شوند و به خشم می آیند، و چون آنها مخلوق خدا و تحت ولایت خداوند متعال می باشند، لذا: خداوند متعال رضای آنها را رضای خود و غضبشان را غضب خود دانسته است.

از سوی دیگر چون اولیاءُ الله مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کنند نه به سوی خود، به همین جهت:

خشم و رضای آنها معیار خشم و رضای خداوند متعال می باشد، و حدیث شریف نبوی است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ،

وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

با غضب فاطمه خداوند متعال غضب می کند،

و با رضای فاطمه خداوند متعال راضی می شود^۱.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقربان آمده که:

اولیاءُ الله «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» مظهر محاربه و جنگ

خدا و اطاعت و بیعت خداوند متعال می باشند، لذا:

هرکس به آن ذوات مقدسه اهانت کند به جنگ با خدا برخاسته است،

هرکس از آن ذوات مقدسه اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است،

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوم، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱ «ذیل عنوان: وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى مَرَضَاتِ اللَّهِ».

و هر کس با آن ذوات مقدّسه بیعت کند با خداوند متعال بیعت نموده است. وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که مظهر اسم اعظم خداوند متعال می باشند،

در مراحلی واسطه ثبوت رضایت خداوند متعال هستند،
و در مراحلی واسطه اثبات رضایت خداوند متعال، یعنی:
گاهی عِلّت رضای الهی هستند،
و گاهی علامت و دلیل آن.

تأثیر مقام رضا و تجلّی منزلت آن درباره اهل بیت عصمت و طهارت «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» در بسیاری از احادیث و ادعیه و زیارات آمده است که نمونه‌هایی از آن در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره است، از قبیل:

یا وَلِيَّ اللهِ «یا اَوْلِيَاءِ اللهِ»:

اِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُمْ، یعنی:
ای ولی خدا:

بین من و خدا گناहانی است که آمرزش و غفران آنها منوط به رضایت شما می باشد^۱.

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مقرّبان آمده که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که بی کم و کاست تحت ولایت خداوند متعال می باشند در گفتار خویش ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى هَسْتَنْد «آیه سوّم سوره نجم»، یعنی:

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گویند.

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام همانطور که در گفتار اینگونه

۱. ادب فنای مقرّبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد دوّم، صفحه ۳۱۲ و ۳۱۸ و ۳۱۹ «ذیل عنوان: وَ اَلْاَدِلَاءِ عَلَي مَرَضَاتِ اللهِ».

هستند «یعنی از روی هوای نَفْسِ سَخِن نمی گویند»،
 در رفتار و کردار و نوشتار، همچنین در اوصاف نفسانی از قبیل قَهْر و مِهْر
 و رضا و غضب نیز اینگونه هستند،
 چرا که طبق آیه ۳۳ سوره احزاب مقام عصمت دارند و خداوند متعال به آن
 ذوات مقدّسه مقام عصمت اعطا فرموده است، لذا:
 از رضا و غضب آن ذوات مقدّسه می توان رضا و غضب خداوند متعال را
 کشف کرد، یعنی:
 رضا و غضب آن ذوات مقدّسه کاشف از رضا و غضب خداوند متعال
 است،

و در حدیث شریف نبوی است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه
 و آله و سلّم درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي،

مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،

يَرْضَى اللهُ لِرِضَاهَا،

وَيَغْضَبُ لِعِغْضِهَا، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره دختر بزرگوارش
 فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

فاطمه پاره تن من است «فاطمه پاره ای از وجود من است»،

هرکس فاطمه را بیازارد مرا آزرده است.

سپس آن حضرت در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال باخشنودی فاطمه خشنود می شود،

و با غضب فاطمه غضب می کند.^۱

۱. ادب فنای مقربان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد پنجم، صفحه ۴۸۰ «ذیل
 عنوان: وَ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ».

در قسمت دیگری از کتاب ادب فنای مَقْرَبان آمده که:
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر تامّ اسماء حسناى خداوند
متعال می باشند، لذا:

هم جنبه‌های علمی آن ذوات مقدّسه مظهر علم خداوند متعال است،
و هم جنبه‌های عملی آن ذوات مقدّسه مَجَلای فعل خاصّ خداوند متعال
می باشد «مَجَلی = محلّ جلوه، محلّ نمایش»،
که نموداری از آن را درباره وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می توان
ارزیابی نمود که:

رضایت آن علیا مخدّره رضایت خداوند متعال است،
و غضب آن حضرت غضب خداوند متعال می باشد،
و چون این علیا مخدّره و دیگر ذوات قدسی «یعنی چهارده معصوم علیهم
السّلام» همگی نور واحد هستند، لذا:
رضا و غضب آن ذوات مقدّسه مظهر رضا و غضب خداوند متعال می باشد.^۱
ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها و دیگر ذوات قدسی یعنی وجود
مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند
متعال می باشند، لذا:

مظهر رضا و غضب خداوند متعال نیز می باشند، و سه حدیث شریف که
ابتدای بحث در رابطه با فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شد «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعُضْبِ
فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا» موید این موضوع می باشد.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام
هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است هنگام

۱. ادب فنای مَقْرَبان «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت الله جوادی آملی، جلد هفتم، صفحه ۴۰۳ و ۴۰۴ و
۴۰۷ «ذیل عنوان: وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ».

زیارت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام به آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

السّلامُ عَلَیْكُمْ یا اهلَ بَیتِ النُّبُوَّةِ، یعنی:

سلام بر شما ای خاندان نبوّت.

مراد از اهل بیت نبوّت ائمه معصومین علیهم السّلام هستند نه غیر آنها، و فاطمه زهرا سلام الله علیها جزء آنها و بلکه اصل آنها است.^۱

سپس در انتهای زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به اهل بیت نبوّت یعنی به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام عرض می‌کنیم:

یا وَلِیَّ اللهِ، اِنَّ بَیْنَنا وَ بَیْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لاَ یَأْتِی عَلَیْها الاَرضاکُمْ، یعنی:

ای ولیّ خدا:

بین من و خدای من گناहانی است که آمرزش و غفران آنها منوط به رضای شما است، یا:

ای ولیّ خدا:

ای کسی که مظهر ولایت مطلقه خداوند متعال می‌باشی،
من گناहانی مرتکب شده‌ام،

و این گناهان بین من و خداوند متعال حائل شده و باعث محرومیت من از لقاء خداوند متعال شده است،

و هیچ وسیله‌ای برای از بین بردن آن گناهان سراغ ندارم، جز رضایت شما اهل بیت نبوّت «جز رضایت شما چهارده معصوم علیهم السّلام».^۲

در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت‌الله نقوی ذیل این قسمت از فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام که ملاحظه فرمودید توضیحاتی ارائه

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰ و ۴۱.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۹۶.

حُبْل مَتین «شرح زیارت جامعه کبیره»، تألیف آیت‌الله سید محمد ضیاءآبادی، جلد سوم، صفحه ۳۰۱.

شده که به اختصار به آن اشاره می‌شود.

در بعضی از نسخه‌ها به جای وَلِیّ که مفرد می‌باشد اولیاء نقل شده، لذا:

اگر عرض کنیم یا وَلِیّ الله،

منظور یکی از حضرات معصومین علیهم السّلام است که ما آن حضرت را

زیارت می‌کنیم،

و اگر هنگام زیارت عرض کنیم یا أَوْلِیَاءَ الله،

در این صورت منظور ما چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد.

چون وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نور واحد هستند «كُلُّهُمْ

نُورٌ وَاحِدٌ» لذا:

عرض ارادت به هر یک از حضرات معصومین علیهم السّلام عرض ارادت

به کلّ می‌باشد «یعنی عرض ارادت به چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد»،

ضمن اینکه ممکن است کلمه وَلِیّ الله، جنس اراده شود نه شخص، در این

صورت لفظ بر همه حضرات معصومین یعنی بر چهارده معصوم علیهم السّلام

صادق است.

اما فرمایش نورانی امام هادی علیه السّلام «إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا

يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ» اشاره به دو موضوع است:

موضوع اوّل:

اینکه بین بنده و خالق گناه وجود دارد.

موضوع دوم:

اینکه آمرزش آن گناهان منوط به رضای حضرات معصومین علیهم السّلام

می‌باشد.

بحث راجع به موضوع اوّل:

پرواضح است که وقتی مخلوق مقام عصمت نداشته باشد و معصوم نباشد بدون گناه نیست و در این مسئله تردیدی نیست.
این گناه دو قسم است:

قسم اوّل:

گناهی است که موجب تضييع حقّ خداوند متعال شده، لیکن حقّی از مخلوق را ضایع ننموده است مانند ترک نماز و ترک روزه و...، که اصطلاحاً به آن حَقُّ الله گفته می شود.

در این قسم از گناه که حَقُّ الله ضایع شده، فقط رضایت خداوند متعال شرط است، یعنی:

اگر خداوند متعال توبه بنده گنهکار را قبول کند و از او راضی شود ربطی به دیگران ندارد.

قسم دوّم:

گناهی است که موجب تضييع حقّ مخلوق شده است، یعنی:
حقّ مخلوق ضایع شده است، مانند:

ظلم به مردم، غصب مال مردم، تهمت، غیبت و...،
که اصطلاحاً به آن حَقُّ النَّاس گفته می شود.

در این قسم از گناه که حَقُّ النَّاس ضایع شده، علاوه بر رضایت خداوند متعال، رضایت کسی که مظلوم واقع شده و حقّ او ضایع شده نیز شرط است، خواه خداوند متعال فرد مظلوم را راضی کند،

خواه کسی که حقّ مظلوم را ضایع کرده او را راضی نماید،
در هر صورت باید رضایت کسی که حقّ او ضایع شده جلب شود.

به عبارت دیگر:

غفران و آمرزش گنهکار مشروط به رضای کسی است که حقّ او ضایع شده،

خواه خداوند متعال او راضی کند،

خواه شخص گنهکار،

در هر صورت باید رضایت کسی که حقّ او ضایع شده جلب شود.

حال باید دید گناهایی که آمرزش آنها منوط به رضای حضرات معصومین

علیهم السّلام می باشد چه نوع گناهی است،

آیا از قسم اول است «یعنی حَقُّ الله»،

یا از قسم دوّم «یعنی حَقُّ النَّاس».

در معنای عبارت دو احتمال متصوّر است:

احتمال اوّل:

مقصود از گناهان در کلام نورانی امام هادی علیه السّلام در زیارت جامعه

کبیره گناهایی است که موجب تزییع حقوق وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السّلام شده باشد، مثلاً:

شخصی در انجام وظایفی که در رابطه با آن ذوات مقدّسه برای او مقرّر شده

بود تقصیر کرده باشد،

یا اینکه،

شخص شئون امامت و ولایت را آن طور که باید مراعات می کرد مراعات

نموده باشد،

و به عبارت دیگر:

مقصود از این گناهان این است که:

شخص کاری کند که حقّ شخص حضرات معصومین علیهم السّلام را

ضایع کند،

که این امور گرچه گناه هستند لیکن آموزش آنها منوط به رضایت آن ذوات مقدسه می باشد.

احتمال دوّم:

چون رضایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام در حقیقت رضایت خداوند متعال می باشد، لذا:

وقتی این ذوات مقدّسه راضی شوند قطعاً خداوند متعال نیز راضی است، و به عبارت دیگر:

رضایت این ذوات مقدّسه کاشف از رضایت خداوند متعال می باشد، لذا:

در این صورت فرق نمی کند که گناه از قسم اوّل باشد یا از قسم دوّم «فرقی نمی کند که حَقُّ الله باشد یا حَقُّ النَّاسِ»، زیرا:

آمزش آن منوط به رضای خداوند متعال است،

و رضای خداوند متعال نیز رضایت اولیاء خدا یعنی حضرات معصومین

علیهم السّلام می باشد^۱

ملاحظه فرمودید که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دختر گرانقدر خویش

فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

یا فاطمَةُ:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِغَضَبِكَ،

وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ،

همچنین ملاحظه فرمودید که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۵۹۶ تا ۵۹۹ «ذیل عنوان: یا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا...».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره دختر بزرگوارش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ،
وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا،

همچنین ملاحظه فرمودید که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره دختر گرانقدر خویش فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي،
مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،
يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا،
وَ يَغْضَبُ لِعُضْبِهَا.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

هنگام زیارت حضرات معصومین علیهم السلام «وجود مقدس اهل بیت نبوت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره به آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

السلام عليكم يا أهل بيت النبوة،
يا ولي الله «يا أولياء الله»:

إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ.

به عنوان حسن ختام این بحث به یک حدیث شریف دیگر نیز اشاره می شود که طبق این حدیث شریف رضایت فاطمه زهرا سلام الله علیها رضایت خداوند متعال می باشد.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین ساعات عمر

مبارک خویش دست فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

یا ابا الحسن:

هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَ وَدِيعَةُ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ عِنْدَكَ،

فَأَحْفَظِ اللَّهَ وَ أَحْفَظْنِي فِيهَا،

وَ إِنَّكَ لَفَاعِلِهِ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست فاطمه زهرا سلام الله علیها را در دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قرار داد و به آن حضرت فرمود:

ای ابوالحسن:

فاطمه زهرا امانت خداوند و امانت پیامبر خدا محمد نزد تو است،
پس:

ای ابوالحسن:

امانت خدا و امانت مرا حفظ کن،

و تو این کار را خواهی کرد.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةَ، یعنی:

ای علی:

هر دستوری که فاطمه به تو داد آن را انجام بده «فاطمه هر فرمانی که داد آن را انجام بده».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش

به اميرالمؤمنين علی بن ابیطالب عليه السلام فرمود:

يا عَلِيُّ:

اَتِي راضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

وَكَذَلِكَ رَبِّي وَ مَلَائِكَتِهِ، يعنى،

وجود مبارك پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم به اميرالمؤمنين على بن

ابطالب عليه السلام فرمود:

ای علی:

من از کسی راضی هستم که دخترم فاطمه از او راضی باشد،

که رضایت فاطمه رضایت خدا و رضایت ملائکه خدا است.

وجود مبارك پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

وای بر کسی که به فاطمه ظلم کند،

وای بر کسی که حق فاطمه را بگیرد «وای بر کسی که حق فاطمه را غصب

کند»،

وای بر کسی که حرمت فاطمه را هتک نماید «وای بر کسی که نسبت به

فاطمه حرمت شکنی نماید و به او بی احترامی کند»،

وای بر کسی که درب خانه فاطمه را بسوزاند،

وای بر کسی که از فاطمه عیب گویی کند،

وای بر کسی که با فاطمه دشمنی کند و با او مبارزه نماید.

خداوندا:

من از اینها «ظلم کنندگان به فاطمه زهرا سلام الله علیها» بیزارم،

و سپس پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم نام آنها را گفت «نام رهبران

ضلالت و گمراهی و دشمنان اهل بیت خویش را»،

و آنگاه پيامبر اكرم، فاطمه زهرا و اميرالمؤمنين و حسن و حسين عليهم

السَّلام را به خود چسباند و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

من از ایشان «علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السَّلام» و از شیعیان ایشان راضی هستم،

و ضامن شیعیان ایشان هستم تا اینکه داخل بهشت شوند،

و دشمن کسانی هستم که با ایشان دشمنی نمایند.

من دشمن کسانی هستم که به ایشان ظلم نمایند،

و دشمن کسانی هستم که خودشان را بر ایشان مقدّم بدانند،

و ضامن هستم که دشمنان ایشان را داخل جهنّم نمایم.^۱

توضیح:

حدیث شریف طولانی تر از این است که ملاحظه فرمودید،

فقط به قسمتی از حدیث شریف اشاره شد که وجود مبارک پیامبر اکرم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

وَ كَذَلِكَ رَبِّي وَ مَلَائِكَتِهِ، یعنی:

من از کسی راضی هستم که دخترم فاطمه از او راضی باشد،

که رضایت فاطمه رضایت خدا و رضایت ملائکه خدا است.

پس از ارائه توضیحاتی در رابطه با سی و یکمین فضیلت از فضائل بی شمار

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در این کتاب شریف فاطمی، می پردازیم

به سی و دومین فضیلت آن علیا مخدّره سلام الله علیها.

۱. جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، تألیف آیت الله سیّد محمد حسن میرجهانی، فصل هفدهم، صفحه ۴۷۷ تا ۴۸۰، حدیث دوم.

تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله سیّد محمد کاظم قزوینی، صفحه ۱۸۱ «ذیل

عنوان: پیامبر اکرم فاطمه علیها سلام را از حوادث آینده آگاه می کند».

فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله رحمانی همدانی، فصل ۴، صفحه ۹۲ و ۹۳، حدیث ۳.

فهرست احادیث

- بُوجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَبِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى ۱۱
- لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ، ۱۲
- جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، ۱۴
- لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكِ، ۱۶
- بِنَا عَبْدِ اللَّهِ، بِنَا عُرْفِ اللَّهِ، بِنَا وَحِدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، ۱۷
- بِنَا عَبْدِ اللَّهِ، بِنَا عُرْفِ اللَّهِ، بِنَا وَحِدِ اللَّهِ، ۱۹
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، ۲۱
- أَنَّ الْأَئِمَّةَ هُمْ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، ۲۴
- فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَكَ، ۲۶
- هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ، ۲۶
- هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۲۶
- السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، ۳۱
- أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنُبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، ۳۱
- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَرُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ، ۳۱
- فِدَاهَا أَبُوهَا، فِدَاكَ أَبُوكَ، ۳۷
- أَشْرَبِي فِدَاكَ أَبُوكَ، ۳۸
- أَشْرَبْتُ فِدَاكَ ابْنَ عَمِّكَ، ۳۸
- فِدَاهَا أَبُوهَا، ۴۰

- فِداكِ أَبُوكِ، ٤١
- ما فَعَلْتُهُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّي، ٤٢
- يا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، ٤٤
- بِأَبِي أَنْتِ وَ أُمِّي، ٤٤
- يا سَيِّدَتِي: ما يُبْكِيكِ، ٤٥
- أَبْكِي لِمَا تَلْقَى بَعْدِي، ٤٥
- بِأَبِي أَنْتِ وَ أُمِّي يا رَسُولَ اللَّهِ ٥٠
- لا يُؤْمِنَ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَواهُ تَبَعاً لِمَا جِئْتُ بِهِ، ٥٩
- ما مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ انا أَوْلَى النَّاسِ بِهِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، ٥٩
- انا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ، ٦٠
- الَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، ٦١
- مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، ٦١
- أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ» ٦٥
- أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ، ٦٧
- أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ، ٧١
- تُبَعْتُ فَاطِمَةَ أَمَامِي، ٧٣
- تُبَعْتُ فَاطِمَةَ أَمَامِي ٧٤
- إِذا اسْتَقَرَّ أَوْلِياءُ اللهِ فِي الْجَنَّةِ، ٧٧
- زارِكِ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، ٧٧
- أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ. ٨٠
- لِفَاطِمَةَ عَلَيْها سَلامٌ تِسْعَةَ أَسماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، ٨٢
- إِنَّ اللهُ يُسَمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةَ، ٨٤

- يا مُحَمَّدُ: وَ هَبْتُ لِابْنَتِكَ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، ٨٥
- وَ هَبْتُ لِابْنَتِكَ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، ٨٥
- فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ، ٨٦
- لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةَ، أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مَلِكٍ ٨٦
- يا فَاطِمَةُ: شَقَّ اللَّهُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، ٨٧
- شَقَّ اللَّهُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِي، ٨٧
- فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ، ٨٧
- إِلَهِي وَ سَيِّدِي: سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ، ٩١
- إِنِّي سَمَّيْتُكَ فَاطِمَةَ، وَ فَطَمْتُ بِكَ مَنْ أَحَبَّكَ وَ تَوَلَّاهُ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِكَ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ، ٩١
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ، ٩٣
- هُؤْلَاءِ خَمْسَةَ مِنْ وُلْدِكَ، ١٠٢
- هُؤْلَاءِ خَمْسَةَ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي، ١٠٢
- لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ، وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ، ١٠٢
- أَنَا الْمُحَمَّدُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ، ١٠٢
- أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيٌّ، ١٠٢
- أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ، ١٠٢
- يا آدَمُ: هُؤْلَاءِ صَفْوَتِي، بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أَهْلِكُهُمْ، ١٠٢
- يا آدَمُ: فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ فِيهِؤْلَاءِ تَوَسَّلْ. ١٠٢
- نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، ١٠٣
- فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ، فَلْيَسْأَلْ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، ١٠٣
- نَحْنُ رَحْمَةٌ مِنْ اسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مِنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، ١٠٨

- لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ١٠٨
- أَتَمَّا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، ١٠٩
- إِنَّ اللَّهَ يُسَمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةَ، ١١٠
- لِأَنَّهَا وَمَنْ أَحَبَّهَا بَعُدَتْ وَقُطِعَتْ مِنَ النَّارِ، ١١١
- سُمِّيَتْ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ، ١١٢
- لِأَنَّهَا فَطِمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ، ١١٢
- لِأَنَّهَا فَطِمَتْ هِيَ وَشَيْعَتُهَا مِنَ النَّارِ، ١١٣
- لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ تِسْعَةَ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ١١٣
- لِأَنَّهَا فَطِمَتْ طَمَعَهُمْ، ١١٥
- أَتَمَّا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ، لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا، ١١٩
- آمَنُوا بِي وَبِرَسُولِي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ نَسَلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ، ١٢١
- بَلِ اللَّهِ تَعَالَى مَنَعَكُمْ وَزَوْجَهُ، ١٢٤
- لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ، ١٢٤
- لَوْلَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ، ١٢٧
- يَا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ، ١٣٥
- فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَهَا مَشَى حَرَامًا، ١٣٥
- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آخِي بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، ١٣٦
- وَ زَوْجَهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ، ١٣٦
- يَا مُحَمَّدُ: إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ: ١٣٧
- إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ، ١٣٧
- يَا مُحَمَّدُ: إِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، ١٣٧
- إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، ١٣٨

- أَتَى زَوْجَتُ أَحَبِّ النِّسَاءِ إِلَى مَنْ أَحَبَّ الرِّجَالِ، ١٣٩
- يَا مَلَائِكَتِي وَ سَكَّانَ جَنَّتِي: بَارِكُوا عَلَيَّ عَلَيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ ١٣٩
- وَ اجْعَلْهُمَا حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِي، ١٤٠
- لَا خُلِقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَ بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَيَّ خَلْقِي، ١٤٠
- نَحْنُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا، ١٤٢
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، ١٥٢
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ أَوْلَى النَّاسِ بِأُمَّتِي بَعْدِي، ١٥٣
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ كَنَفْسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي، ١٥٣
- يَا عَلِيُّ: وَ لَا يَتِيكَ كَوَلَايَتِي، ١٥٤
- إِنَّ هَذَا بَنُ عَمِّي وَ وَزِيرِي، فَإِنَّهُ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِي، ١٥٤
- يَا عَلِيُّ: أَنَا أَخُوكَ وَ أَنْتَ أَخِي، ١٥٥
- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَ يُبْغِضُ عَلِيًّا، ١٥٦
- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، ١٥٦
- هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ لَهُ زَوْجَةٌ مِثْلُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ١٥٧
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ١٦١
- يَا عَلِيُّ: مِثْلُكَ فِي أُمَّتِي كَمِثْلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، ١٦٢
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، ١٦٣
- يَا عَلِيُّ: أَنْتَ صَاحِبُ لُؤَاءِ الْحَمْدِ فِي الْآخِرَةِ، ١٦٣
- أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بِأَبْهَاءِ، ١٦٣
- يَا عَلِيُّ: لَوْلَا أَنْ يَقُولَ فِيكَ الْغَالُونَ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى ١٦٣
- يَا عَلِيُّ: لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ كَافِرٌ ١٦٦
- يَا عَلِيُّ: فَتَكُونُ يَا عَلِيُّ قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، ١٦٦

- يا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ١٦٨
- اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا بِرُؤْيَيْتِهِ، ١٦٩
- أَنَا بِنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، ١٧٠
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَ زُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ، ١٧٠
- السَّلَامُ عَلَى الْمُخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَتِهِ الْمُخْتَارِ، ١٧٠
- يا عَلِيُّ: أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، زَوَّجَنِي اللَّهُ مِنْكَ ١٧١
- يا عَلِيُّ: حَنَظُنِي وَ غَسَّلَنِي وَ كَفَّنِي بِاللَّيْلِ، ١٧١
- حَنَظُنِي وَ غَسَّلَنِي وَ كَفَّنِي بِاللَّيْلِ، ١٧١
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ، ١٧٦
- قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، ١٧٦
- قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوُدَيْعَةَ وَ أَخَذْتَ الرَّهْيَنَةَ، ١٧٦
- أَمَا حُزْنِي فَسَرَمَدٌ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسْهَدٌ، ١٧٧
- صَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا، ١٧٩
- وَ اللَّهُ عَزَّ شَأْنُهُ قَدْ زَوَّجَهُ بِهَا فِي السَّمَاءِ، ١٨٤
- وَ كَانَ جَبْرَيْلُ يَأْتِيهَا، فَيُحْسِنُ عِزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا، ٢٠٢
- فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، ٢٠٣
- فِيهِ خَبْرٌ مَا كَانَ وَ خَبْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ٢٠٩
- يا فَاطِمَةُ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ٢١٥
- يا فَاطِمَةُ: وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْاُولَيْنِ وَ الْاٰخِرِينَ، ٢١٦
- يا عَلِيُّ: أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي، ٢١٩
- فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، ٢١٩
- إِنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِنْنِي وَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي، ٢٢٠

- السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ ٢٢٣
- جَبْرَيْلُ أَخَذَ بِخَطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ: ٢٢٥
- غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ٢٢٥
- يَا أَهْلَ الْجَمْعِ: إِنِّي جَعَلْتُ الْكَرَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، ٢٢٨
- يَا أَهْلَ الْجَمْعِ: طَاطُؤُ الرُّؤُوسِ وَغَضُّوا الْأَبْصَارَ، ٢٢٩
- يَأْتِيهَا جَبْرَيْلُ بِنَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ، ٢٢٩
- يَا بِنْتَ حَبِيبِي: مَا الْتِفَاتُكَ، ٢٣٠
- يَا رَبِّ: أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ ٢٣٠
- يَا بِنْتَ حَبِيبِي: ارْجِعِي فَأَنْظِرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ ٢٣٠
- يَا أَهْلَ الْجَمْعِ: نَكَّسُوا رُؤُوسَكُمْ، حَتَّى تَمُرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، ٢٣٨
- مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ، ٢٤٩
- فَقَالَ جَبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ: إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَفْهِمِ عَلَيْكَ إِلَّا جَعَلْتَنِي خَادِمَهُمْ ٢٤٩
- لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً الطَّاعَةَ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ ٢٧٢
- يَا عَلِيُّ: أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ ٢٧٦
- يَا عَلِيُّ: حَنَيْطُنِي وَغَسَّلْنِي وَكَفَّنِي بِاللَّيْلِ ٢٧٦
- حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النِّسَاءَ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا سَلَامٌ حَيَّةً ٢٧٧
- إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ النِّسَاءَ عَلَى عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً ٢٧٨
- يَا فَاطِمَةُ: أَنْتِ زَوْجَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ٢٨١
- أَنْتِ زَوْجَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ٢٨١
- يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ، فَرَجُلٌ حَكِيمٌ، وَرَجُلٌ حَكِيمٌ، وَرَجُلٌ حَكِيمٌ، ٣٠٠
- أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقُ ٣١١
- فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ، ٣١٢

- مَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامَ حَقِّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ..... ٣١٤
- أَتَمَّا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ: لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِّمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا،..... ٣١٤
- مَنْ عَرَفَهَا حَقَّ مَعْرِفَتِهَا أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ،..... ٣٢١
- هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جُنُبِي..... ٣٢٢
- مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا..... ٣٢٤
- اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُ اللَّهُ،..... ٣٢٥
- لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا إِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ..... ٣٢٩
- هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى..... ٣٣٣
- نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا،..... ٣٣٧
- وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهُدِي اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا..... ٣٣٧
- لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعٍ مَنِ خَلَقَ اللَّهُ..... ٣٤٦
- فَإِنَّهَا صِدِّيقَةٌ وَ لَمْ يُعَسَّلْهَا إِلَّا الصِّدِّيقُ،..... ٣٤٨
- إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ،..... ٣٤٨
- وَ الصِّدِّيقَةَ لَا يُعَسَّلُهَا إِلَّا الصِّدِّيقُ،..... ٣٥١
- مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا،..... ٣٥٤
- مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَا يَتِي وَ وَلَا يَهُدِي أَهْلَ بَيْتِي،..... ٣٥٤
- وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهُدِي اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا،..... ٣٥٥
- مَا مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا وَ تَفْضِيلِنَا عَلَى مَنْ سِوَانَا،..... ٣٥٦
- مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِيٍّ وَ لَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا..... ٣٥٦
- فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ،..... ٣٦٠
- لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ،..... ٣٦١
- وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهُدِي اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا،..... ٣٦٣

- يا موسى: أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرَفْتَ مَنَزَلَتَهُ وَ مَنَزَلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، ٣٧٠
- أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ إِذَا عَرَفْتَ مَنَزَلَتَهُ وَ مَنَزَلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ، ٣٧٠
- ما تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَ لَآئِي وَ لَآئِي أَهْلِ بَيْتِي، ٣٧٤
- أَنْ أَرَوَا حَكْمَ وَ نُورَكُم وَ طِينَتِكُمْ وَاحِدَةً، ٣٧٤
- فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ ٣٧٦
- مَنْ حَجَدَكُم كَافِرٌ ٣٧٧
- مَنْ رَدَّ عَلَيْكُم فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ ٣٧٧
- مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ ٣٧٧
- وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُم وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ ٣٧٧
- بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ ٣٧٧
- عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ ٣٧٧
- آتَاكُمْ اللَّهُ مَالًا يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ٣٧٧
- بِمُؤَلَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ ٣٧٧
- ما تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ، حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَحَبَّتِهَا، ٣٧٨
- لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مُفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعٍ مَنِ خَلَقَ اللَّهُ ٣٧٩
- هِيَ صَدِيقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى، ٣٧٩
- يا مُحَمَّدُ: إِنِّي خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْإِثْمَةَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ٣٨١
- خَلَقَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ، ٣٨١
- فَضْلَ أَوْلَانَا يَلْحَقُ فَضْلَ آخِرِنَا، ٣٨٢
- فَضْلَ آخِرِنَا يَلْحَقُ فَضْلَ أَوْلَانَا، ٣٨٢
- فَضْلُنَا مِنَ اللَّهِ، وَ عِلْمُنَا مِنَ عِنْدِ اللَّهِ، ٣٨٢
- خَلَقْنَا وَاحِدًا، عِلْمُنَا وَاحِدًا، فَضْلُنَا وَاحِدًا، ٣٨٢

- عَلَّمْنَا وَاحِدٌ، ٣٨٢
- عَلَّمْنَا مِنَ اللَّهِ ٣٨٢
- فَضَّلْنَا وَاحِدٌ، ٣٨٢
- كُلُّنَا وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ، ٣٨٢
- أَوْلْنَا دَلِيلٌ عَلَى آخِرِنَا وَ آخِرِنَا مُصَدِّقٌ لِأَوْلِنَا، ٣٨٤
- كَلَامٌ آخِرِنَا مِثْلُ كَلَامِ أَوْلِنَا وَ كَلَامٌ أَوْلِنَا مُصَدِّقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا. ٣٨٤
- طَاعَةٌ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوْلِنَا، وَ الْمُتَكَبِّرُ لِآخِرِنَا كَالْمُتَكَبِّرِ لِأَوْلِنَا. ٣٨٤
- أَنَا سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الْخَلَائِقِ بَعْدِي، ٣٨٥
- أَوْلْنَا كَأَخْرِنَا، وَ آخْرِنَا كَأَوْلِنَا، ٣٨٥
- مَنْ زَارَ أَوْلِنَا فَقَدْ زَارَ آخِرِنَا، وَ مَنْ زَارَ آخِرِنَا فَقَدْ زَارَ أَوْلِنَا، ٣٨٦
- مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَمَنْ زَارَ فَاطِمَةَ، ٣٨٧
- مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي، ٣٨٧
- مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ، ٣٨٧
- أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، ٣٩١
- أَنَا وَ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ٣٩٤
- أَعْدَائُنَا أَعْدَاءُ اللَّهِ، وَ أَوْلِيَانُنَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، ٣٩٤
- إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلَيْنَا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، ٣٩٥
- مَنْ أَهْتَدَى بِهِمْ هُدَى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، ٣٩٥
- أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، ٣٩٩
- لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خُلُقُكَ، ٤٠٢
- إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِوَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ٤١١
- لَقَدْ كَانَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ ٤١١

- وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهُدِي اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا،..... ٤١٣
- مَا مِنْ نَبِيٍّ جَاءَ قَطُّ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنا وَ تَفْضِيلِنا عَلَى مَنْ سِوَانَا،..... ٤١٣
- مَا مِنْ نَبِيٍّ نُبِّيَ، وَلَا مِنْ رَسُولٍ أُرْسِلَ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا ٤١٤
- مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَمَةِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَ وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي ٤١٤
- يَا مُوسَى: أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ، إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ،..... ٤١٦
- أَنْتَ مِنْ أُمَّتِهِ، إِذَا عَرَفْتَ مَنْزِلَتَهُ وَ مَنْزِلَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ،..... ٤١٦
- مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلَايَتِي وَ وَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِي،..... ٤١٨
- وَلَا يَتُّنَا وَلَا يَهُدِي اللَّهُ، الَّتِي لَمْ يُبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا،..... ٤١٩
- هِيَ صِدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى..... ٤٢٠
- مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،..... ٤٢٤
- مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ،..... ٤٢٤
- مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتًا جَاهِلِيَّةً،..... ٤٢٨
- مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا،..... ٤٣٠
- مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ،..... ٤٣٠
- هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْ،..... ٤٣٠
- مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهَ،..... ٤٣١
- مَنْ عَرَفَ حَقَّهُمْ فَقَدْ عَرَفَ حَقَّ اللَّهَ، وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَقَدْ جَحَدَ حَقَّ اللَّهَ،..... ٤٣٢
- مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،..... ٤٣٣
- مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،..... ٤٣٤
- لَا تَسْمُونَا أَرْبَابًا قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ،..... ٤٣٦
- لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ..... ٤٤٠
- نَزَّلُونَا عَنِ الرَّبُوبِيَّةِ، وَ قُولُوا فِي حَقِّنا مَا شِئْتُمْ،..... ٤٤٤

- ٤٤٤ لا تَتَجَاوَزُوا بِنَا الْعُبُودِيَّةِ، ثُمَّ قُولُوا مَا شِئْتُمْ،
- ٤٤٥ لا تَقُولُوا فِيْنَا رَبًّا، وَ قُولُوا مَا شِئْتُمْ،
- ٤٤٥ اجْعَلُونَا مَخْلُوقِينَ، وَ قُولُوا فِيْنَا مَا شِئْتُمْ،
- ٤٤٩ يَا فَاطِمَةُ: إِنَّ اللَّهَ يَعْضِبُ لِعَضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ،
- ٤٥١ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْضِبُ لِعَضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا،
- ٤٥٢ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي،
- ٤٥٢ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَاهَا، وَ يَعْضِبُ لِعَضْبِهَا،
- ٤٥٥ إِنَّ اللَّهَ يَعْضِبُ لِعَضْبِكَ، وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ
- ٤٥٦ أَمَا حُزْنِي فَسَرَمَدٌ، وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ،
- ٤٦٦ إِنَّ اللَّهَ يَعْضِبُ لِعَضْبِ فَاطِمَةَ، وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا،
- ٤٦٧ يَا وَلِيَّ اللَّهِ «يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ»: إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا
- ٤٦٧ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ،
- ٤٧٦ يَا أَبَا الْحَسَنِ: هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَ وَدِيعَةُ رَسُولِهِ
- ٤٧٦ هَذِهِ وَدِيعَةُ اللَّهِ وَ وَدِيعَةُ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ عِنْدَكَ،
- ٤٧٦ يَا عَلِيُّ: أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ٤٧٦ أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ،
- ٤٧٧ يَا عَلِيُّ: إِنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَْتَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ،

منابع و مأخذ

۱. تفسیر مجمع البیان

تألیف: امین الاسلام طبرسی
ترجمه: جمعی از علماء و فضلا
تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی

۲. تفسیر المیزان

تألیف: علامه سید محمد حسین طباطبایی
ترجمه: جمعی از علما و فضلا
قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم
تهران: کانون انتشارات محمدی

۳. تفسیر نمونه

تألیف: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی
تهران: دارالکتب الاسلامیه

۴. تفسیر صافی

تألیف: عالم ربانی آیت الله محمد محسن فیض کاشانی
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی
قم: نشر نوید اسلام

۵. تفسیر برهان

تألیف: علامه سید هاشم بحرانی
ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشیا

تهران: نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور

۶. تفسیر نور الثقلین

تألیف: علامه حویزی

ترجمه: جمعی از علماء و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی

قم: نشر نوید اسلام

۷. اصول کافی

تألیف: محمد بن یعقوب کلینی

ترجمه: سید جواد مصطفوی

تهران: انتشارات علمیة اسلامیة

۸. احتجاج طبرسی

تألیف: ابومنصور احمد بن علی طبرسی

ترجمه: بهزاد جعفری

تهران: دارالکتب الاسلامیة

۹. عیون اخبار الرضا علیه السلام

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»

ترجمه: علی اکبر غفاری، حمید رضا مستفید

تهران: دارالکتب الاسلامیة

۱۰. معانی الاخبار

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»

ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی

تهران: دارالکتب الاسلامیة

۱۱. کمال الدین و تمام النعمه

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»

ترجمه: منصور پهلوان
قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث

۱۲. خصال

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: محمد باقر کمره‌ای
تهران: انتشارات کتابچی

۱۳. علل الشرایع

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: سید محمد جواد ذهنی تهرانی
قم: انتشارات مؤمنین

۱۴. امالی

تألیف: محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»
ترجمه: کریم فیضی
قم: انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام

۱۵. امالی

تألیف: محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»
ترجمه: صادق حسن زاده
قم: انتشارات اندیشه هادی

۱۶. امالی

تألیف: محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»
ترجمه: عقیقی بخشایشی
قم: انتشارات نوید اسلام

۱۷. ارشاد

تألیف: محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»

ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی
قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۸. ارشادالقلوب

تألیف: حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی
ترجمه: علی سلگی نهاوندی با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی
قم: چاپ امین

۱۹. کلیات حدیث قدسی «ترجمه کتاب جواهر السنیه»

تألیف: شیخ حرّ عاملی
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی
تهران: انتشارات دهقان

۲۰. بصائر الدرجات

تألیف: محمد بن حسن صفار قمی
ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی
قم: انتشارات وثوق

۲۱. سوگنامه فدک «شرح خطبه فاطمه زهرا سلام الله علیها»

تألیف: آیت الله سیّد محمدتقی نقوی
تهران: انتشارات قائن

۲۲. شرح زیارت جامعه کبیره

تألیف: آیت الله سیّد محمدتقی نقوی
تهران: انتشارات قائن

۲۳. شرح زیارت جامعه کبیره «ادب فنای مقربان»

تألیف: آیت الله جوادی آملی
قم: مرکز نشر اسراء

۲۴. شرح زیارت جامعه کبیره «ترجمه کتاب شمس الطالعه»

تألیف: علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی

ترجمه: محمّد حسین نائیجی

قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۲۵. شرح زیارت جامعه کبیره «حَبْلِ مَتین»

تألیف: آیت الله سیّد محمّد ضیاء آبادی

تهران: انتشارات بنیاد خیریه الزهراء سلام الله علیها

۲۶. فضائل فاطمه زهرا سلام الله علیها

تألیف: عبدالحسین امینی «علامه امینی»

تهران: نشر استقلال

ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۲۷. امیرالمؤمنین علیه السّلام نفس نفیس خاتّمیت

تألیف: آیت الله وحید خراسانی

قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السّلام

۲۸. فاطمه زهرا سلام الله علیها حلقه وصل رسالت و امامت

تألیف: آیت الله وحید خراسانی

قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السّلام

۲۹. حدیث لولا فاطمة

تألیف: آیت الله محمّد علی گرامی

ناشر: دفتر آیت الله محمّد علی گرامی

۳۰. جُنَّةُ الْعاصِمِ

تألیف: آیت الله سیّد محمّد حسن میرجهانی

تهران: موسسه فرهنگی هنری شمس الضحی

۳۱. فاطمه علیها سلام سرور دل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تألیف: آیت الله رحمانی همدانی

ترجمه: مهدی جعفری

تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر

۳۲. قطره‌ای از دریای فضائل اهل بیت علیهم السلام

تألیف: آیت الله سید احمد مستنبط

قم: نشر الماس

۳۳. جلوه نور

تألیف: آیت الله سعادت پرور

تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب

۳۴. تحقیقی درباره زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها

تألیف: آیت الله سید محمد کاظم قزوینی

ترجمه: سید محمد صالحی

تهران: نشر محمد

۳۵. خصائص فاطمیّه

تألیف: آیت الله کجوری مازندرانی «معروف به ملا باقر واعظ تهرانی»

قم: انتشارات اندیشه هادی

۳۶. آل الله در کتاب الله «فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السلام در قرآن کریم»

تألیف: نیره السادات علوی حسینی

قم: انتشارات طوبای محبت